





(SY)QC85.K33

Kabuli, Kaydar Quli ibn Pur

Muhammad Khan

Ghayat al-ta'dil fi ma'rifat
al-awzan wa-al-makayil

DATE (SSUED	DATE DUE	DATE ISSUED	DATE QUE



Kabuli

عَايِّنَالِيَعِلَيْكِ فِي الْوَلْوَلِي الْمَالِيَالِيُّ عَلَيْكِ الْمُعَلِّنِيْلِيْ

نَصْنَعَتُ خَدُنُ فَلِمُ الْحُدُالِكُمُ اللَّهُ

ناشر: دكتر عبدالنبي فرلباشان

با همکاری

شركت سهامي انتشار

(SY) RCB5 (RECAP) .K33

این کتاب ازطرف دکتر عبدالنبی قزلباشان و با همکاری شرکت سهامی النشار درتابستان ۱۳۵۲ بهطیع رسیدهاست.



مقدمة ناشر

مدلى اينهنئوى الخيردد.

کتاب غایة التمدیل از نفائس تصنیفات مرحوم ابوی حیدرقلی خان سردار کابلی است. آن مرحوم بسیار آرژومند بودکه این کتاب طبع و انتشار یا ید و با علاقه مندی خاص مرحوم آیة اله العظمی آفای بروجردی که متکفل پرداخت مخارج آن شده بودند نزدیك بود این آرژو درسال ۱۳۳۱ بحصول پیوندد. متأسفا ته مرگ این دو بزدگواد انتشار این کتاب دا بتعویق انداخت.

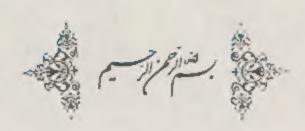
این بنده همواره خواستار آن بودهام که توفیق انتشار این کتاب را بیا بم ولی دوربودن از مرکز واشتفال درجنوب چند سالی این مهمزا بتأخیر انداخت و بهمین دلیل است که اکنون نیز این کتاب بصورت چاپ افست انتشار می یا بد و بهمین اندازه توفیق، نیز خدا زایسیار میاسگزارم.

مرحوم مصنف بالاخص بردسی و پژوهش ما تل فقهی دا که بوجهی با دیاضیات سروکاد دادند وجههٔ همت خودساخته بود و بسیادی از تصنیقات تقیس ایشان از قبیل و تحققالا جله فی معرفة القبله یکه بقارسی نیز ترجمه فرموده بودند، کشف القناع و کتاب حاضر یعنی غایة التعدیق در این ذمینه است.

صاحبنظرانی که در این توشته ها دقت وامعان نظر فرمایند متوجه سطح عالمی مباحث و نیز نتایج جالبی که آن موجوم از کاربرد ریاضیات درمسائل فقهی و اخبار معصومین علیهم السلام گرفته الله خواهند شد. و شاید این مسأله شاهد این حقیقت باشد که تخصص در ابواب فقه چهچشم اندازهای جالبی دا برفقها عظام خواهد گشود

امید است که حضرت بادی عزاسمه توفیقانتشاد مجدد این کتاب وسایر تصنیقات آن مرحوم دا درزانی فرماید بمته و کرمه.

د كترعبدالتيي قراباشان



دوست عزیزی ازبنده خواست که کتاب گرانبهای دغایة التعدیل فی معرفة الاوزان والمکاییل» تألیف دانشمندمخلص بزر گرازمرحومسر دار کابلی را بخوانم و برای معرفی آن به کساتی که زبان عربی را به انداز شخواندن و دریافتن این کتاب نمی دانند و یه دانستن محتویات آن نیاز دارند، چندسطری دربارهٔ آن بنویسم ومن هم باکمال میل و قریة الی ابته این تکلیف را پذیرفتم.

این کتاب مشتمل است برمشده و سه باب.

در تصل اول مقدمه ازتفاوت میان موژون، یعنی آنچه باوژن سنجیده میشود، بامکیل، یعنی آنچه یاحچم سنجیدهمی و دسخن رفته است (صفحه ۲). در قصل دوم مقدمه مؤلف یادآورمی شود که آنچه دراین کتاب مورد بعث قسرار می گیرد، اوژان و حکاییل شرعی است که از اهل بیت عصمت رسیده است و در طهارت و تماز و زکوة و کنارات به کار می رود، همچون مثقال و درهم ورطل در اوژان، و مد وصاع و جز آن درمکاییل، و ذراع و میل و جز آن درمکاییل، و ذراع و میل و جز آن درمکاییل،

این واحدهای اندازه گیری در آغاز اسلام ودر زمان دوامام بزرگواره
حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام، در دولت امویان و تا اواسط
عباسیان، بالخاصه درعصر رشید و مأمون که اسلام از لحاظ تمدن و منایع و
علوم درنهایت پیشرفت بود، بسیار مضبوط ودقیق بود؛ بعدها که مسلمانان
برائسر پیروی از شهوات ضعیف شدند و خارجیان استیلا یافتند ، اوضاع
دگر گون شد و مکیالها و میزانها به عم ریخت و ناچار شدند اندازه های آنها
را با شعیرات (دانه های جو) تعیین کنند، و چنانکه معلوم است این گونه
اندازه گیری دقیق نیست و من (مؤلف) اوران و مکاییل و مقادیر شرعی را با
اندازه گیری دقیق نیست و من (مؤلف) اوران و مکاییل و مقادیر شرعی را با
اوران و مقاسهای رایج کتونی اندازه گرفتم که کاملا مضبوط است (صفحه ۴).

درفصلهای سوم وچهارم مقدمه (صفحات عوبی) از وزنها ومقیاسها و مکیالهای فرانسوی وانگلیسی سخن رفته است و آنها را با یکدیگر مقایسه کرده ونتیجه را تاچند رقم اعشاری بهدست داده است (مؤلف یارد را ذراع انگلیسی وفوت راقدم و اینچ را عقده (گره) ترجمه کرده است).

درقصل پنجم ازمقدمه سخن از اوزان ایرانی است واز مثنال معمولی یا مثنال صیرقی بیست و چهار نخودی و اینکه تخود چهارگندم است، و اینکه سیر و من وغیره چیست. درضمن اندازهٔ اینمقادیر ایرانی برحسبوا مدهای فرانسوی و انگلیسی معین شده است (مفحات ۲۰۷).

خلاصة این مطالب در دوجدول مقصل صفحات ۸و ۹ آمده که بسیار سودمند است و بسیار چیزها از آن به دست می آید. برای کسانسی که با تعبیرات فرنگی عربی شدهٔ کتاب آشنایی ندارند توجه به معادلهای فرنگی آن کلمات کدذیلاً می آوریم بی فایده نیست:

اصبع انگشت حکروپل =scruple عقدہ دیارہ مندردویت =hunderdweight انج (اینج) = inch انجم (نوت) = Foot انجلیزی=انگلیسی فراع انجلیزی=یارد میل (مایل) = mile میل (مایل) = Furlong فرلاغ = Furlong جین (چین) = chain فرسخ انجلیزی=chain

شعیره = دانهٔ جو حیصه = نخود جرین = grain اونس = Ounce اونس = pound غرام = گرم کرارتر = quarter کنطل (کتال) = quintal

باب اول در اوزان شرحی

فصل اول۔ اوزانیکه مبنای احکام شرعی است آن استکه در عصرپیغمبر اسلام (ص) رابع بوده است ته آنکه بعد پیدا شده، و به همین جهت شناختن آن دقت لازم دارد.

درایتجا اقوال مورخان و محدثان آمده ومؤلف خبری ازسلیمان بن حقص مروزی را که بنا بر آن دائق وزن شش حبه است و هر حبه وزن دو دانهٔ جومتوسط تر. صحیح داده است (صفحهٔ ۱۷). درجاهای دیگرکتاب مکرر به این خبر ومطابقت آن باتتابج اندازه گیریهای شخصی مؤلف اشاره شده است.

تجربهٔ شخصی خود واچنین شرح می دهد (صفحات ۱۹۶۵) ۲۹۰ دانهٔ جو متوسط انتخاب کردم که وژن یك در هم است (بنا بر روایت سلیمان بن س حقص)؛ آن را وژن کردم و تقریباً برابر با ۲۵/۵۱ تخود صیر فی یافتم. وچون د ۱ درهم ، هنت مثقال شرعی است ، معلوم شد که مثقال شرعی برابر است با:

۲ م ۱ جو و ٢٠ جو يا ٢ ٢ نغود و ١٠ نغود ميرفي تتريباً؛ پس (صفحه ١٧):

درهم تقبريباً ٣ گيرم است مثنال تغريباً ٩ گرمو ﴿ گرم:

سیس می گوید: و آنچه دربردعلمای رسوان به عبیهمشهور سبیسیار کفتر از بن ست، ومن درخیرت بودم به یکه دیباری ملاکه صرب منوکل و تاریخ ۲۴۷ (سال قبل منوکل، مصادف با زمان حصوب امام هادی عیدالسلام) د شب به دستم بداد و چول آن را وران کردم ۲۲ بحود صیرفی و اید کی بود؛ و چول آن ر با حوهای متوسط سعیدم، ۱۵۲ حو حر اندگی شد. سپس درهمی بغره به خطکوفی صرب سال ۱۸۷ (رمان مام موسی کاظم علیه سیلام. یادتم و آن را وژن کردم که ۲۵ بعود و کسری، و به خوم موسط درست ۲۷ بود شد که عبد مطبق با حر سلیمان بن معهی اسب، مؤلف آنگاه شادی مودرا از این کشعی که نصیب وی شده بود بیان می کند (میجه ۲۱).

سپس به عملهایی رکتاب « السامی فی الاسامی » و « دابره المعارف انگلیسی » و « تاریخ در ک انگلیسی » تأبیب هری سمیث ویلیمر و رسامهٔ « اوران » محلسی و رسامهٔ « اوران » شیخ صدوق پرد حمه و سیحهٔ مقایسهٔ ورمهای به دست آمده را به گرم فرانسوی و گرین «نگلیسی عمل کرد» و چنین نتیجه گرفته است؛

 ۱۱ چون شجارهٔ درهمها را درهمت سرب و حاصل را بر ده قسمت کنیم شمارهٔ مثقال شرعی (صوران دیبار) به دست می آید، مثلاً

مثقال شرعی ۱۵/۶ سے مثقال شرعی ۲۲ × سے درهم ۲۶

۷ سامر آمچه پیشمر (در حدولهای صفحات ۸ و ۹)گمنه شد، چول بحواهیم درهم را به مثمال صبرتی (یعنی معمونی) بدل کنیم، باید شمارهٔ آن را درعدد۴۵/۷۸ مرب ویر ۷۹قستکنیم (صنعهٔ ۲)، مثلاً ۵۳۵دهم چمین میشود:

مثقال سیر می 478.677 سیر میر میر می $\frac{870 \times 60}{11} = 416$ در هم 676

س بابر همان حدول، چون مثمال شرعی را در ۱۵/۴ سرب وحاصل را بر ۷۱تسیم کنیم، مثمال صیرفی بهدست می آید، مثلاً:

مثنان صیر عی ۴۸۳/۵۹ ۱۵ مثنال صیر می ۲۵۰۴ مثنال شرعی ۵۲۵ مثنال شرعی ۵۲۵ مثنال شرعی به گرم در اسوی به شدند اسوی به شدند اسوی به شدند اسوی به شدند اسوی به در اسوی به شدند اسوی به شدند

مصلیجهارم ارباب ول ـ رطن عر می ریابعدادی) بایر روایاسه ۱۳ درهم است، و رطن مدئی بنایر روایتی ۱۹۵ درهم. رحل مکی دوبرایررطن عراقی یعتی ۱۲۹ درهم است؛ نتایج دیگر:

گرم ۲۸۵/۹۴۶ سیمتنال کنولی ۸۳/۸۲ سمتقال شرعی، ۹ =رطل عر فی مثنال صیر می ۲۵/۷۹ = درهم ۶ = اوقیه

باب دوم درمکاییل شرحی

در چهار فصل ول ین کتاب (صعحت ۲۹-۲۲) مؤلف پس ر بعث لعوی دربارهٔ مکیال و مد وج ع وبیان احادیثی که در ین باره آمده ، مد وجاع (مساوی باهمد) و وحق (مساوی با ۲ مباع باه ۲۹مد) و ند زههای آنها را در مدون صعحهٔ ۲۶ بر حسب درهم شرعی و متمال صبر فی و گرم آورده است. وچون این مد و صاع و وحق واحد حجم است، وزن هر یك از ایس مکیانها را د بنابر نجر بهٔ شخصی در حسب آنکه از آب یا گده با حو پرشده باشد نیز به دست داده است. در مصل پنجم (صمحهٔ ۲۶) ارکسر بحث شده است وپس اربیان اندارهٔ آن بارطل عراقی یامدتی و احتلاقی که در بن باره هست، یه بن بتیجه رسده ست که متصود از آنچه در روایت راجع به کسر آمده رطن عراقی است، و این اندازه با آنچه ارمحاسهٔ کسر ارطریق حجم آن (سه و حب و ثیم مکعب) به دست می آید مطابق است و اندازهٔ آن بامثنان صیرفی چین است:

مثمال صیر فی ۳<u>۰ ۲</u> ۱۰۰۱۵۸۷ = کسر

و بیر دراین فصل اقسام دراع مورد بعث فر رگرفته و در حاسه آن (صفحهٔ ۵۹) به ساست تعینی حجم کرمؤ می بردیکه و ۱ صفحه را (۵۹–۵۹) به بحث دربارهٔ عنسه و نعین سفح و حجم اشکال محدی عدسی احتصاص داده است.

باب سرم

این باب بحث درمنادیر طولی است از دراع واصلع (انگشت) ومیل والرسخ و برید وتحمیل درآنها از روی رو یاب (صفحهٔ ۱۵۹)

درفصل ول (صعحه ۱۵۹) اشاره شده است به بوانق ممهور علمدو ایسکه میله ۵۰ و در ع است و هر دراع ۲۴ اصح؛ وایسکه فرسح شرعی سه میل است و میل ۱۵۰ در اع آنچه مایهٔ احلاب می شود این است که در تعیین صبح انعاق کلمه وجود ندارد و هل هیشت آن ر برابر با شش حو میانه معرفی کردهاند که پشت هریث به شکم دنگری چسبنده باشد، و فقها هفت خو دانسته ند ؛ و دیگر ایسکه متأخران از اهل هشت شمیره را برابر نا صحاحت شش موی یال سب دانسته اند و فقیا هفت موی یال سب

مؤلف در ابنجا نير بهتجربة شخصي برد حته و آنچه را حود يافته،

میلیمتر ۱۷/۴۰ مداراع ماشمتر ۴۱/۷۹ مداراع

باتمارویت حکما و دهها مجانب باتند است (حدول پایس صفحهٔ ۱۵۷ توجه داشته باشیدکه در وقم آخر این جدول ه سائیسر به در دوشش ر دم انتاده است) و به گفتهٔ خود (صفحهٔ ۱۵۷) دچار خیرت شده و بالاخره خدای متعال راه را بداو نشان د ده و به خدیت دست یانته است.

برای این منفور، در صنی بختی بسیار معصل و عامانه، از مقایسهٔ
آنچه قدما دربارقطون معبطرمین برحسب میل گفته اند با آنچه اکنون شناخته
شده، ثابت کرده ست که ند رهٔ دراع واصلع که وی درحدول صعحهٔ ۱۵۷
آورده صحیح است و هر احتلامی که پیش آمده از آنجا بوده است که دیگران
درانداره گیری شمیره با بان سب دقت کافی به خراج شداده اند

یکی دیگر از نتایع معاسبات مؤلف این است:

مایل انگلیسی ۱/۲۲۰۵۳ = کینومبر ۱/۹۴۸۱۵ = میل شرعی میناً دربارهٔ بند ترجمن برای شکیس روزه و کنوناه کردل نماز بیر پیدت عالمانه ی شده است (نصل هشم، صمحهٔ ۱۷۰).

پارمانده کتاب مطالس اصافی است دربارهٔ اقسام وزندهای دیگر حدید عراقی واستانبولی وهندی که البته خو بندگان می نو بند بامر حمه به عدون صفحهٔ ۱۸۸۸ اژآن بهرممند شوند.

alcolor.

حدودسال ۱۳۱۸ که کتاب ه کیمه کستان دا درچاپخانهٔ مرکزی چاپ می کردم، مصادف بود با سالی که کتابی از مرجوم سردار کابلی، تقریباً به همین قطع و شکل کتاب حامر، یه نام و تحمه لاحلة می معرفة انستة م موسط کتابیت ه مرکری به چاپ می رسد و ر همان وقت به مقام بلند عسمی آن مرحوم و قف شده. پس ازآن سفری به کرمانشاه پیش آمد و درمسعدی مرد سابعوردهٔ موفری رادیدم که جهت ایسادن به ماز و بادیگر ن اندگی تماوت داشت و داست که عمل مرحوم است که به علم حود عمل می کند و لاید تاکنون دیگر مرده کرمانشاه هم همین جهت درست قبله و است کردهاند. فیرفتی نشد که ملافاتی دست دهد و از محصر بشان کسب فیمی کنم و خوشجانم که اکنون چین فرفتی دست داده و از فیمی نوشدهای عالمانهٔ آن مرحوم معدور می کاهی را بیر بهره ی خواهم داشت . تعدهاند برحمله و قابر انه

احمد آرام تهرانه ۱۳۵۳

فهرست فارسى كتاب

404.0		, Administra
10	بادئق و شعيره	44.150
	فمل دوم	
NY.	در اوتیه و رطل	
	قصل ببوم	فصل دوم
	در روایت سلیمان بنجفصدر	
18	انداؤة درهم و دينار شرهي	فصل سوم
	جدول مقايسة وزن و دينار و	در اوزان ومتیاسهای قرانسوی ع
MA	الدرهم باكرم وكرين واللخود	فعل چهارم دراوران ومبسهای انگلیسی ۵
Υn	نفل كلام شيخ صدوق	فصل بتحم
	ا پایان مسئی مید ادر روایت	در وران وبخیاسهای ایرانی ۲
YA	سليمان	حدول مديسة وران ومقياسها
	تبدیل وژن و درهم و دیناریه	
73	یکدی گر	باب اول
	تبدیل وزن درهم و دینار یسه	در اوژ ن شرعی و برابرهای
YY	گرم	کنوٹی آٹھا ہا
	تبدیل وزن درهم و دینار بسه	فصل اول
YY	کریں	در اندازهٔ درهم و دینارشرعی

4mile .	1	APIG.	
P1	درتأيد وزن درهم ودينارشره		فصل چهارم
	اعتراضاتي كه يرتميين وزن		درمندار رطل عرائی و مدنی
65	ومساحب كرشده وجوابآتها	¥₽	و مکی
81	احادیث کو ناگون در بار ؛ کر		باب دوم
	مباحثي ازهندسه		در مکاییل شرعی
40da	مقالة اول دراشكال مس		فصل افل در تناوت ورن واحد حجم
	مبحث اول	ته	برحسب مادهای که در آن ریخ
31	درمساعت مثثات	13	
37.4	مثلث قالمالراويه وشكل عروم	1 1	فصل دوم
	مبحث دوم	YA	درماد وصاع
18	درمساحب اشكل چهارستعى	''`	قمل سوم
	متحث سوم	144	دراحبار أثمه (ع) درمد وصاع
54	درمساحت كثير الاضلاع		توجيه خبرمشعر براينكه صام
Vă	درنسيت مجيط يدقطر دايره	Lore	چهار مد است
	مبحث چهارم		خاتمه دربيان كلام علامةمجلسي
٧۵	مساحت سطح دايره	1"	فصلچهارم
	منحثينجم	Fo	در وسق
VV	درمساحب قصعة دايره		جدول مكيالهاي شرعي
	ميحث ششم	1 ' '	فصل پنجم
9.0	درهلالی وتعلی سخان هند	144	در کر ومساعت و وژن آن
	متحث همتم درسمت در		et a than Cha
41	درسطقة دايره	. FF	3.707.77

يبهجة		مقط	
	باب سوم درمقادیر طولی شرحی	, 4v	م بحث هشتم درشکل اهلیلی
167	فصل اول	11	مى حث بوم درقطمهٔ اهلیلی
۱۵۷	فصل دوم در اشتباء بدیا در این بازه	1 4 0	مبحث دهم درمساحت شکل منحی نخص منحث بازدهم
	فصل سوم دربیان گشدهای قدما ومتأخران	1-1	منحت ورسم
104	دربارة اندازة معيت زمين	٥	مقالة دوم در مجسمان
133	فصل چهارم درتمین مقدار ذرام شرعی		- مبحث اول - دربسامت مکعب، ومنشور و
	فصل پنجم دریان درستی کنترپیشسیان		دريسامن بمسي ومسور و استرائه مباحث دوم
138	دريارة محيط زمين فصل ششم	104	میاحت محروط وهرم می حث سوم
J,	در اینکه دانشمندان برای تجدی	177	مبعث حوم درمساحت کره
135	در ع و بنل شرعی مستندی بدارات	185	م بحث چهارم دراحسام اللاطواني
	فصل همتم نقل گفته های خفری و معفق	194	مبحث بمحم در کثیر ابو مهای غیرمنظم
I T.A.	طوسي دريان الداره كبرى طول توسي يك درجه تعفه النهاد		

درادده

iner		-	
	فايدة سوم		فصل هشتم
	در تعین اوران عراق از حفه	140	دربیان تولکلینی دراینهار.
۱۸۷	أ ووژندوغيره		دربيان آنكه نرورنتكي تطبين
	فايدة چهارم		أرمن درارايل اسلام آشكارشد
184	در اور ن هندی	WE	وعلما بهآن توجه نكردند
	فايدة ينحم		درتجویل میل شرعی به میل
148	دريصاب ركوة	175	انكليسي وكيلوستر
	فصل اول	177	جدول اقسام چهار گاند درام
157	در بعدین به اور آل شرعی		فصل تهم
	فصل ډوم	1VA	درتقسیر میل با مد یمبر
144	دوعلات		
	درتمين ضلع مكمب برابريامد		خاتبه
3.57	ياماع يا ولمق 🔥		4-44 - 11
	فصل سوم		فايدة اول
	درتمين نصابگندم وجو با	1	در آلوه میان پادشاه روم
Υe	وزنهای محنف کونی ۱	141	وعيدالملك بن مروان گذشت
	فصلجهارم		فايدة دوم
	دراندارهٔ مکیالهای شرعی		دكر خبرجيب غتعمى دريارة
4.6	برحسب مكيالهاى كنوتي	1/40	ز کو ټ

الجرافطوة لاعلما ومسعقها سطاحة سُطُ مِن فِعَلَالِمُنَاكِ فَجِيبَة سُعِلَ خِلَا فِي أَمِر أَمَا مَا لاخرابر في عرابر حاولصنوف الحقيق فحزي الدي سبعارة مولفرالرج خلالجنان وللحورجام بتات الفضاجين المذاجاه واحسن مؤلف هذا اللئاب الفاضل لعلامة المحافظ تحقيد قلى الأبلى بلي فطائد المذاك في رائع والمعلمة وحققه وأستر بعدماً تسقيمة في ما ما مناه في الأربير لا أي كذر في من وه مناه ورق من ويصة م للبيري مراجعيه بها ما ورحم واحتى المرابير لا أي كذر في طوس من مناوح الموكسة تشعلا بلياس المناه المناه

فرس فاية المسرع العان دالف سر بسيسة ما التاليخ الينم

حدول فيتسيس ورزا فدرم والديارا لمرام والحين مدروماضول الأول فالفرق مي لزة ١٨ تكيل فانفارم فرجاد الادفي معمان بطف 14 والمكد والصعن ف فرز لارغ الكرا إحالية وما ي محرة العضراليلاغ الاوزان والمصيرات ويوت كردا إلاوال والمعامر والفاء والعررة والا المروار المطاق للولقم سبيهات وقول لمتركظ المساق والمقيع الفسالمناك الذن الفران اوى وتمامهم ألكذ فرمين منى الجبة فالورد الام المضدالياج والفرق الكارونسيهم وكالح الأكت فالوتر كموخ الديم والمعال مرتوين لل المنسدانين والدي اليرادويياس القفر ، الرابع وتوبها الإلما فيرمصرف فكب المعادل لمايد وذكر فيره الاوزان والعاش الم ٢٢ الماس فري إلى الدام والكس ا ماس و توجها الدالعرام وبالس اساء من فركونها الدالجون والهام الانمنز من والم وموادلات الضباليين المامة كالحل والاوزان تشرعته والعيادتها كالسه المنسو الرامع من مقدر الطالعواقه والمدغ الامفان للوركه فاعمرنا بدا وحيضول المسوالأول فأنثوا والكعاء فالديالدي والمكتي الماب الثاني فالكاسرات ويفول والدنياز كرفوين الدوامين والشعرات Ka . الفعد الاقال فرب ن ان الفائن سنر البط المنسوالأاله فالاوقية والافل الاسماراللكيد وسان اوزان الآد والمطرواتعية الغصطال كأث وكديرالدم والدمير وينجا وتعنق ورنهما الاوران المصرية و وأرم ا المنسل لأوقا للآوالساع وذكره احتفض ال من المروال المنت بذا الروالات عواقم. وغافر ما ووارُة المارف الرين في ١٦ الرحنية والك فالصاح وول المجاع الايف الما العاق كرالهاع ووتسد والتيم الكراويور

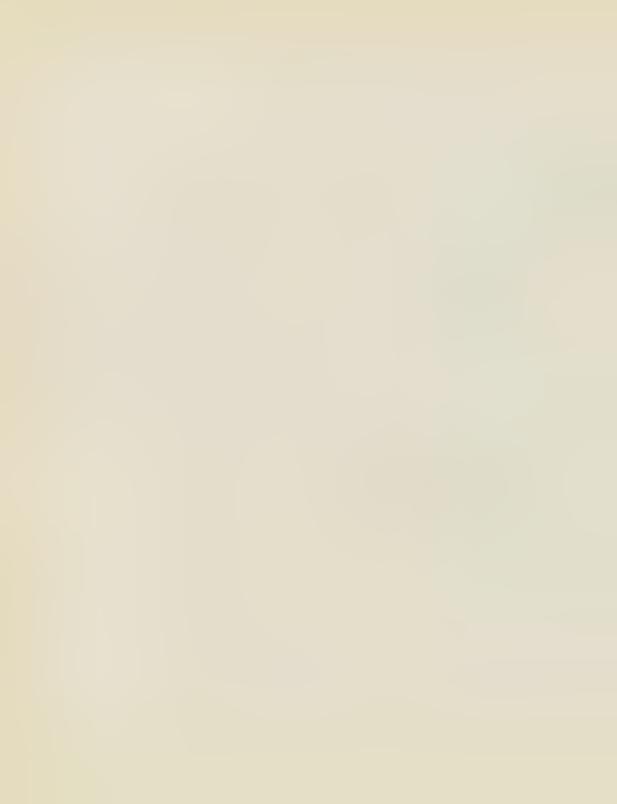
٢٥ المنسوالثالث ووكراوروم الأمليكم ٢٥ الطلسالثا لت وكيفية التروق من وزور المركب فتقيب سترونهرالمقبرة مرامة الكرمسنيتر مكيل فاحقه تفترا لدم والديار الرفين باغرو ان ورن لمعتل تصرية الدي بومداول عصرا المس مأكان مداواد وحرم البار وكاس عمالدوك ود ويم رك اعلى وجهم ليكن اطل ما يو وهم كارويصهم وال كرك فحط والعرو وفرة وكركم 2328618 المطلب لوابع فاذكوالماف سالتي ذكروا وتميم والأورنا ومراحة محسيا إردانات الدادة فيها والواب والعلام عادروه إجاد دعوى المدوق المدوق ميسي وكراك الإصر المطلب الخامس في ذكرعدة فروعادث محتاية في مثقالكر المطلب السادس فازر فراسمه ري عاره وتعبير وذكالصوالحملاف المتسداللة فايتن بيئات لادرك وفيرمالب. الأفَّل وُنفا عِن الكُرِّ ووين ليال الولد ٣٣ والنابورن ١٢٠٠ والعراف والمياحة ١٧٦ . ع المطلب للذ فالمساحة العالمة وعالمة وغرات م مالطوع

فالدوالصاع وسان لذا وفوف فيادوا عن كلام خدميم الاعتروران الصلع وم البلى مطالعطانية لكنط خسة إحادث فيمني ٣٢ غ وص المرا واردبان التاع ارتبالها و كابوالمثابد وح ليمر غبان الكراليروف فرق وذكر الاوال عداك ١٦٨ كيل فرفق الماليور الملي والفير م ٢٠ النسراليام في الوسق ٢٥ معول لكار شره وتقيين اوزان لل ١٠٨ فرالمأدوا فاطروا والتعيرفيها المداليم شرعيا والما فيترالصرف والغزام الغراضان " العضالالاس في لكُرُونِيمُ المسدالاول فتدراكروراومامة اه والمرمى ميما وارادالودة تالولددة والبعا وفدملاب أكأول وتعرفنا ٧٥ ٣١ المطلب لمألفة تقدره وزاومات ١

اع المجت كالمل. ومن تربط المنات ١٠٠ البيث للعاش وما والحاس المناس والمعاش والم وه غال الله المألز الأوتية والديم العدة متاوية البعد الرانسية وزالم بركما لوك فرانسوي السنال المعت لحامه يعشر فيا ومتي بالعدم ه المبث السُّلَة فالرتعاب. والعَامُ الدائدِ - اللَّفَالَ الثَّالِيَّةُ فِالْكُلْمِ عِنْ الْعِيمَاتِ فَأَرْجِتْ ١٠٧ المجت المول أراة سلوط المتم الاول ورمرام فالمين يحبيه » ففات النفة وابنع وولي بين المعد المعد النافي في سنة العتم الأوسط وجره ى فامراه مطيح الموطالدورو عرب مع فالخارطين ه المعتالة فرورت الاضعاكير الا فيرامير فواليم المنتلاً. وما مترم البع مده ل الاكن ل الإرة اوضيع المنظر ١١٧ في ما مت المؤمد المدور الماس الح ١١٢ غرماتيم ماليم ١١٨ المجت الدام ومرامة المدائرة ١١٨ عمامه مرافحه والليدان فق غالنبة الجيليدي نبذعما الدائره ألي ١٢٠ فيراعة سلوالهم الأص الم ما قدام المارة ١٧٢ عام تور ٧ المبين لخاص في من صَّلِط لا أرَّه و ١٢١ المبين لمَّ التَّ ومن واجتها لألث ورومان الأول اكمياري وخان للكم ١٢١٠ في مرسط الكرة و هميا ١٤٥ فيرم خلائق أواع سطي ادهي اوليها عد المزع المأذ ما كما وس وارة وورز) مه الفيموه فركز و كلى كرالدوكين اونكرز ولقر بالسير مانتيم · و المجمل المتأدس فالمدروالية ١١ المجت المام ومنطقة الدائرة ١٢٧ في فطقة الكرة وجي عه الجيشاليان واواليبي ١٢٩ فرام لم ملوالكرة ١٣٠ أغ فلن ع الكرة . ١٣١ غر مطوقل ع الكرة المعثالمات وفلداوهام

١٣٢ فيم قليع الكرة ١٥٧ السوالدان فين اشباء العداد وشأة تباهم ١٥٨ النصر الثالث في ذكرا قوال المنها دوالما فرن ١٣٣ عملية الكرة ومطينا عهم فرم المنطقة الكروم فغصطالارض بالاميال المدنية والدكلرية ١٣٧ فج م المنطق المتوسط اعا الفساالوام فتبن مقدد الداع اسرمته ١٣٩ عمرم الشب الكرة بعتميد والاميع ى فجره فلاشيد بالكرة العنسا النامس فبالمحدافر السارح ١٤٢ فرم شبكة أض أطوف محبط الارث ١٤٥ المجعث لرابع فالمجمدت تخرال والرأ النسوالسادس فيلان المسادق وكرواتم ع۱۴۶ مرامة ملح الملكث وجرم للنداع والمير فردلد فيرا ، ما مربع الكب وعرب وط المن وجراً ،، العنسل السابع مباؤك اللافخ فروثي فيمتم ى مَلْمُ وْزُلْدِنْي فْرْ ١٤٧ كُبُومْ وْزُلْكُنَّا الممس اللورج كيفيامتان المامن مميطالار ١٤٧ مساحة مطافرالعثرن فيسان طول درمة واحدة فرالان فوفرتهار ١٤١ ما قدم فراهيم. مدل الدالة النسل الثامن فباين ارداه تفرالامعم ١٣٩ المصالفات فالامباع لأنفذا الكليني تقريره فالخديا لمداني فكما الاطب وخمياك اها خاتمة فالكعم عاوم بالمثابة فدام ولذالهم الذي كياليمن عده المال لألث والمقادر للايرم سا١٧٣ 2 الْ لَيْلِيمُ الدُنْ خَدَالْعَطِينُ اللَّهُ فَيُواوِلُهُ ۗ خرا للصبع والمزاح والميروا فأرنع والرام العدن الاسوم ولم تغيل مكآ و فاللصرم كالشنبط فريدلات (الصية عني علامة على المنظم الميدال فرا الانوروالعكس وفرتيس " فعدل المنسل المن المنطق الميرالي الكيوتروككر والعصبرا واذكره القدة وفرا والفيسة فعلقا علاا غجدول معاديرا عدم الدتواني ذرا مدارك المراكز

١٧٧ ٤ تمر الميران لا الامرون من ١٩٣١ المنسول الول فالمعين الاوران لرص ١٧٨ وخراس وورب فيا أكرها مرمور عدا كيل واستع نصابها والكلامرية ١٩٧ المضل المائدة العلات صبعل فيحص اوزان كل فرالما دولحط والتعيم الغصلاالماسعة نخيتن اذكروه " المص متركسرهم وموادلاتها بالماحدك والمراع ويعيركم وبدا لميصره العراصاءر والعام الأيكور وقدنس ١٧٩ فيكيفية وسقام المهافة بين الناظرو ١٩٨ مكيلا فيرطالب الأول ومتين ضلط لدراوا الشبوالمبأدراليه الما الخاتمة وفيها والدالال لدفيادك اواوي وذاكات بدوالها مارع الكركلوب الدير ر ما حريب كالماره م وجداً لله أنه المطلب الماغ فينين فقر دائرة الاسطورة الا موداك وخلاخة وليرحدا للكريعة التي محي شراوص ما ادور ما النصوالثالث ويتين صائحط والوالا اك الدوسراب رة مولكا الما ومعوا ١٠١ المحقدالعسرت المتدومور ولدوماك فأفيد ١٨٨ العائن الثانية ذوكرم مين في المسلط المائدة ومن الكي يوجي الكي المنطق وتعين بف العلاسها عصفك الوساص غ كاغفارك وسائد ١٨٧ العامل المالة في من المان عراق و-٢ والاندر على مرالهم والمائم المردم الحدوالاندوفر، والمناك ٢٠٩ الملكال الركد ولوزابهم ٢١٠ خترالكاب. والعجارالصرة مّ الفرارع يركولف في المعلاد المالم والمالم ١٨٩ الفائلة الوامية في الافران المنية منيان المنظم رايد وجروط والمار والفسلوسو ١٩٣ الفائن الخامسة ويتين نفائر أ الجدور ومنا ليع وطد جردا للت على بروكم فالعتين والفارت وفيرضاون



المعد تدرت العللين والشلئ والتالع على خطفه عد والعالطبيز الطّامرب المايعب المبترل آاجي برراعتي المقتك ولاتيمولاه والراؤمنن عاطايعه عليد قين فدعون أكتاب عليهماات الحبطعة ان مودة المقادروالا وزون والمتيميا الشرقية عاكيرا لاحتياج ليبالا تبنآ وعدم المسائد السرعيب ويده لبحث عنها والدقافها ولمكمان بمرفع لأتيم مرجوان يدارأ الإسرف لنجين حرالتجيل ولنعيد فالمخلية عقدالاحقفات المحاسة متراءكي ميغ حاردالملعب متود المدهم فيجهن فحيرت فتكاراه فأءاد لم بهبره االمرام سبيلا وحبتان أودبها برب الممتعذ متين اورانها ومعاديركا الاوران والعاديرلم مأع عديا بذالجفيق فم ويمية امرضن بآساؤ منط معدان دخن جده وتار كاوخة لعرفة ، لهامه وسمية عاميز لمعل فععرفه الاوزان والمكاسل ومرسة عامقدة والدابد ومائد الالقدز فعالي والببلاول لاوان والكافية الكابيروالكالت المقادلي للراع والمدوز الوخ والبرم وكفاته في وردُ العلا رفيد وورُ ون مُعُرائيك را رجيد مالعد وجدالكرم وجوبي ونعم لوكيل الما المفلفة عنيها فصول الما وفي العرق من الرون والكير معرّل المودون بره ورن الميران ومرا آلاً بعرف بها اوزال ألما أوجوع والمحل المخلفة والاخلب لمان لكفَّ ل برصع فالصريها المن الذي مرا اورس و 1 الدخول عال مورم مصرفة مرا كديداه الشداه ورم ويعال بدا السي وريد ورم او ديار او معال الور لعفوام لعفرنك فم الاندان للحلع الهابا طيف الأقام والعصار

وألمكيل ومعدل والاكبار بجيدكيلا وبهوه وصرغ كميال معدا يجرعب علاه وسيله كيال وسيع خال فالجرب كالحنط والمعروفروا وفاللاكمات كالكاو والدوان وفرا وجرع المكالحنف والمآدممة والمغيلم انادش والمتساوتية المجر تحقيف وداب فالماكم ولمقررة على للبيد مثلان كالمنة قطعة من وبب ملور لحجر بعين تسقد عشر منهاؤ وثلا شاعبًا رمنة ل وتحفر خراسة ال فقطعة فخ لشب

المحر وليطآح

ر المرابع كون حرب تاسير تما فيروون المآرانساء بنائسا لجرسمة ل و نصده بداني ل معالم في والحط المرابع والحط المروزة والشعر مالسلط المحال وقسر الكروزة والشعر مالسلط المروزة والمسلط المروزة والمسلط المروزة والمسلط المروزة والمسلط المروزة والمسلط المروزة والمرابع المرابع المراب

المفصل الثاني الدوان والمئيس والمفاديرالي فن حدد تمنيقها والشرقية وتي يبيعونها تحبب ماوردهم وبالتصير عليهم كبلهم فيبا فانها بهلعترة فالطوبان والصابية والركرة والكفارة والد وفرة كالمدم والمتقال والطل فأودون والمدويصاع وفروه فالمكارير والدراع والمرجمية فأأج كالمستحد عليهاكن والمتدنؤ فامولهنوها ورما دكوا فيرع كمتعلرا داوتينا طفائمة فراؤوا الارسروكن نه والرمها في الأنحد و كالاوزال والكعالمير والمعادير للعمر أربة حصراً منه الدّ الدّ تقل رعاً للضبط والأن عدالك الأوداع العابير والعادر غصدرلك لام كانت ع عاية الصبط من عصرال وود عليها بمنتم لدوله للامرته والخارورسد عصراويمين سياغ حدارت والأمون عذه كان اكاسلام في اوجفرا لتهن وارتفاء المدرف ولصنائع واتساع دالرة العلمفلي لضالمسلون فيؤسط الشهرات وكا المرشربقي ترازلت ادكا رمهاميم وضعفت قليلا عقيلا مرحول الاجانب فيها والمسيلا نبرمليها فأمرت معالمها وانطست انوار كاء نميزت احوالها حنى ل الامرا ليها تربه الموم فلا تحريرانا عاد فاؤكميا السجالا مغيب امتقها فاصلافوا الدتميدى الشيهرات وغركا وانت خران المتة الشعرات ونوما لاشفهان التعين فيها المخلافهاغ الدرع المعدار فوادعوضا فلاجرم وثع الاحتوف فيها والتنبرعا وضعت الأيرخ صدراكاسلام فحدار الاضطرار المرتمدع بدموفة حافوته بالهام كتيم ندتوس توفيقه بالاورا والمقاب الارديا شات نعة فاحدرا بذا المعولة اليرم فالفل لمعورة ويؤ بلاد كالله محزم فيفاية الانعان ووسبط وزخرا مزمنها المقيل لفرانسا وية والانجليز الانها المترؤول واليومة اغلب المعورة ولأكران فرع هُمَّا لِرِسَا لَدُوعِرًا فَرِينَ كُمَا الرَّامِيْسِهِ ذَاحِرَ كَافِيهُ فَالْفِلْ لِمَا فِي مِياعًا ^ا بولمقارف لوم تسهولية ودقة ولقد لوفق. الفصر الثالث والدن افرسادى و مي الم وسويم الله له عاعلان وصورتهم بدالغوام و مؤخفه المراهم مرز من وسيخوام و مؤخفه المراهم و مؤمن المرتب برزمتا و سيخوام و مؤخفه المراهم و مؤخفه المراهم و مؤخرة من و مؤخرة مؤخرة على المراهم و مؤخرة على المراهم و مؤخرة على المراهم و مؤخرة على المراهم و مؤخرة و مؤخرة المراهم و مؤخرة و مؤخ

والدارام وران هروارا في كيزرة واداعار وارمن المن جزدا فرالعد بزرام في لفريا (۴۳۳ كا الله) يَجَهُمُ أَبِهُ وَالعَوْتِي الدَالَةِ مِن اللهِ عَلَى اللهِ عَلَى اللهِ عَلَى اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ اللهِ الله ان سند آوده الوعسى عدا كور (انج) فريا و النميس (۱۱۳ م ۳۷ م وج) والف سريك الله الدى يستين عندة الكرر وسعد وشرس حردا فرا لف عن فرحة اللهِ الله على الله كالمه المجكاء المج كلب)

وامّا بالاوزان العرارية الإن فالمرام وزن فكن عندت صرفه وفي صصير فير نفرُسا و العمس ون ع ٢١٦٧ع ٢ ع ٢٠١٧ع همت ورزن كوروم واحد تو ما تين وُسبتَة فيشر ضّا وصرفها و عدر وسارمها ل

والنيسّة و (٣٥٧١٢٢٣٩٥ معالم معالم مناكميرة)

واسكر مقيدهم الله له الميثر وجوشرة دسيمقات وكل دوسيمق مشرة وسيمق المنظمة والمنظمة والمنظمة والمنظمة وجوشرة وسيمقات وكل دوسيمق مثر الما المنظمة وجوشرة وجوشرة وسيمقون والمراواتي المردوراوي المردوراوي المردوراوي المردوراوي المنظمة والمنظمة والمنظمة والمنظمة المنظمة والمنظمة والمنظمة

إمران

المفسط المراجع والدن اوتخررو كمالهم وتقياسهم اعلمان اصل ادراهم فويلا (وهرالطل ويحوز وبين جيا ليبرا وبربعة الاص في (جوبن) وفور مستحتر الكنن و اولني يمرودام (هم الخير) م ان ارتع روند استون (هراكليز) والسيورون فيد له جوان كوارز ارم إنفي وارجد كوارز المساوة ويت (دوره دول فررطلا الحيراع وحرون ويدردون (دى الفان وما أن واربون رطوكرا) ين و فولل مالدن الدرساوي لديها يُدولون وفون خراما و للونرا على حزم والمحمِّين (٩٢٣ ٢٧١٥) ٥٠ ٣٥٣ غام) وبالورل دفير يذ عمر وتسون تعاقد صرف و مدراه كركينل موسا و الحقيق (١٥٩ ١٥ ٩٩ ١٥ ١٥ مراه منالم واصل محاطم حالون وجركي ل بسع مترة ارمال انخيرة مرالما المقطر وجوالمساحد ما فالموج وسنول إنجانه كمعا ورم أي كل غربا والصل إره وروغ للكراوش (١٩٥٥ ٥١٥ ٥١٥ ٢٧٧ ٢٧٧ وكالكوا) وتكنم اكتفرا سلديمار ل م الكلومر ووردا مساحة فداللحال جوانه (٢٧٧ ٢٧٧ وكالكوا) واصريك ان الجاوالعدا كمجا كوى ما بين واثبين وخسين جرماه العامه ومله وهيمن هوا فرالم جروخ من (١٥٨ ع ٢٥٢ جرت م والكان جالون كياة بيعثره ورف ل اكريم النظر كل رطل مبغذا لاضبعرب مالصروره ويبيعالون واحدكم والمفسيحين ح المآد للمعلم فالتسدع باليع انج واصر على اذا مع ٢٥٠٠ ونجعب - واعد ١٩٥٥ ١٠٠٠ ٢٧٣٨ ويجب واذا وأربذ العرد الكبي كان مسترا كات ونصف بي قرما وللوك لقرف الحقيمة والم المرامرك (+١٠٨٢) و انج)اى دراي كيال كب كل صدر +١٠٨٣) و انج كسيم اللاد المعطوعشرة ادخالع وكليزنه

واصل مقام المطولي مدر باده (خاع المحيرة) وجد أو تراقام (فوت) والمقدم الفاحرة المعام (فوت) والمقدم الفاحرة المعام (اجني) والمعدة المادريك (اجني) والعقدة الادريك والجندة المعدد المعام المعدد ا

الدُكورِ أَوْ لِهِ مِنْ مِنْ وَفُنِي مُنْتِمِ وَالْحَمَلِ لِلْمُ مِنْدِلْ الْمُنْتِمِينَ لِلْمُنْتِمِينَ لِلْ والميراد وكدر خوافف وستروات واسترواد ووم على مرا دويا والصل ماريول والكومرر (١٩٥٥ مع ١٩٧٥ مع الم اريني بسب والمذبع الوجوريه (مايوهه) المنتيس الورز المخ ارج شرة حقدة ركزه) والمعيّن (١٤٠٨ ما ١٤ جنده) ٢ والميا الابحوري ولعد وحمدار وهدة وارجين رفا دباب (كل) وهمي رم توبنا وللمتن (١٥٨٥ ٢ ٢٥٠٥ نفع) والعرام الاندريخ الدالده وممتاه ومستاه فنثن رعاء فشرارع توبيا وليقبق (١٥ ٤ ٩٧ - ١٠ ١٣ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠) الغيسل الخاص والنف الوراك ومقيلهم إلله لي اعلم ان اصراب المهم بالمتغال المستير وموارج والم صة وسنعتر مقاد مبير وخمة كسار عباسي وارحون برا اوتانا عاسات من بتوزي ووكام متع ودم إمان وخركا برمسوط عادر ول الأوس والسنة والمنال الورن الورادي وارز فراسات والمت لفك فام توباد جمين العدون ول المرهم (١٧ ١١ ١١ ١٠ ٠ ع م ١ عرام) وسعد كوند ومعيد فراما و احدوستين مستوام و الحتي العرف زل مرمر مرر (+ ١١٥٧١-١١٥٧١ ع ٢٠٠ غرا) والعبائ تؤطئ والديس فراع والمصلى إعرون والع الكرمر والمالاه ١٥٨٥ وم ٣٦٨ قراع) والمن فيرتأ وعاسات والفين وتسعامه واداعه واداعه واداع والماؤسة وارائي فيتغيزام والمصول عروم بالأمراك (NEV- 1347ES 33 PT (1) وبالورن اوكفر والنفال الميرة الصدكهون بونا والكدري مرشن وتسفرها وجون وتلدموا عرور مها والعيس (۴۸۵ م ۲ جربه) وسير الف والترمية وللون جرنا والعامق إوب وسمار وتنا ون مربا و ويخو اربقه الأس رطل الحرر قرتها وليفتين الحباي ارجد الحال رطل كورت عشر منر رطل وسمبغ عشر فشر رطل (ل ١٨٥٠ رطل = ١٨٥٠ ١٨١٠ ٥٠١٨ ٥٠ رطل) والمن المبري دو ٨ عبريت سد ادى ل ونسف رفال مورنيزما وليمين (بلهود)ع - معدد عدد عدد وطوا تعيز = معدد رطل وتعرز واصلمعياسهم كطولى بو ذرح ومورصد ذراع فمسزه وابدادا الذال إلى وسيمنه كرايج في

البجي الأي وبوفعة بمهالاتعا وتمرز مين تساوي والاعو المعرل لمداول والألاء رمهم حيل اعدادادسين عفية الحيرز وانج كوبريا الصدرانون صد وتسدم وسعيره (عله على الله عضة العرب) ورزع أورا كان اربع واراول عدد وتت في وشر وي والمورد (م ي ع عد مورد) IN THE GIVE INGY - ANI GA = 2250 Q veg ... = MIS - 10 25 PM SAVARES -والأله والرالمارو إرافيان بعام من الطبة الالتروة المامان المحال المكاوي وكالرسائين غالعهم ثنا المقاير المحلفة فالدن حذؤكما يران ال اصريف الهم أدع دوكر وموضلف باس باسرولين ولد تعطرسين الخاد التى فكون المعدل لصدا وارمين كاولهذا تداول بذا المعدار فالكرط ووران وكل غالمرلعل لعاتيد ووروث العيد المقيقة

م ومورد و دروان ال

ونها البذع المتين الفرساوي ومزوا صدوار تبيئت إن تفرنا والصوع العَيدًا و ١٤٩٠٩٥ - ١٢٩٠١ مَن وع هقيًّا لَأَيْهُ وَمِزُولِهِ مُرْتَعِيرِ مِنْقِيرِ وَأَقِينِ (١٥ -١٩٨٨ عمر) وهذار المراقعة المخ العروف وهدا مدة كفاتياك ب ال أرح شاه كؤمتره العدد ارديس تبرات ونصف و يزطبن عالم الذه المداول لني بولصدوادمون الااه وزبر بعد بخوشر اع مربا وبوناي فرجه والعافية والحاس وفلف ان في الازم غ المحدّ ، فوخ المدام يرمد فانه ميدل فراعين مز دُراع السّمارُ وأبّ أَمْ يَنْ فَهُلِ مِبِهَا وَهِيْ مِهِمَا الْمِدَاعِ لِيُرْحِيكُا حَقَدًا . فيرِسا لَمَا اللهَاء كرَّعَ الْفِياع وَمُسْتَعَوِّهِا، وَنَ المتدنكة بذاالكة ميعوا وي تسليل مدئ وشريث مشدة وكيزرونسيا لدودة مثريره المراهب وموهدة وكغرب (٩١١٥) ٢١ صنة أكارم) وضعه عَنْ ولايول عندة وتم تأروتكمة وسي ورا فرالف عرد المحلف وكارم (۱۸ ۱۹ کا کا در معدة و کوير) و بادا لمعدود ترب مردع آدنا کان و کا فاده و جداد ل آميزنگ ج ويم الهندا و ولعالم في المين وهديده البراد لها جُوارٌ تع دارُ ؟ الله والرعايث (الطبقة الفائد حشر) المرافق من علم أفتهم ما من المراد لها جُوارٌ تع دارُ ؟ الله والما ين المراد لها جُوارٌ تع دارُ ؟ الله والما ين المراد لها جُوارٌ تع دارُ ؟ الله والما ين المراد لها جُوارٌ تع دارُ ؟ الله والما ين المراد لها جُوارٌ تع دارُ ؟ الله والما ين المراد لها جُوارٌ تع دارُ ؟ الله والما ين المراد لها جُوارٌ تع دارُ ؟ الله والما ين المراد لها جُوارٌ تع دارُ ؟ الله والما ين المراد لها الم وغيع فرا لكت المعترة المول ويباغ حرزانها وقدرا حياة الوقيت كال ارقه فاحرف عدا واعل جرة واي الم

حدور الاوزان الاحديد وماسادهامه العرانساويروالايرام A 125-6-724 -- YAIT9-18 (90) 1 メレス くり ロニーらてい 164414 -C122 # TVGTZTVA اوسريم ١٩٩٥ كم GESTATION AND WARE 184.6 44179.15 780.698. wint Jana 1 $\zeta \zeta$ 13/15-1403-141 140-1017-103-147 = (1984) J. ع كوارث ١١١٦ مل = ١عدودونيم ١١٥٦ ٢٠٨٠٥ ć¢ 55-4506- V-23501715-246-441 -- + ما وروما دما درنمامي أوعدم روا (واسد حدول الأوران المراس اليبداح · GOLTTTONE HALDALLIS LANDALL واجتبداع عاميراع 1601 TTTO11 ول والبعراي عا المتحام مع Trans -46 *7274777 W6 STYTTAV (17V)1. JUST CET STATTE (ALS 1 = 1/5 x 1 7888 301661= 47 5- PS1-1961 +6 9 N & Y - 72 W واشيدالمعد لدفئ عمريا ومانعا وطعاص العراصياوم و 1912954 JA YGAAT 41177 SIA . GL JOOAYOF 66 *75A7F5 53P8 4 9629 \$ 17 60 7 + 79 AL 4 464.76 女 また道 2769A /4 المتلطب وأدعماء لالعقرو كأب 66 13695 W A-AT ſζ Y-09 T1-50 بأرد C6 - r¢ 41414-AV919 - 6· « 1-946 1248

حدول فهانسات لعواسه لم عديد وما بعاد طامي النواصا وموالاراب (۵) المنابع و دور مرود المرود و مرود المرود و مرود المرود و ا \$ 69 AA922 ___ " I COLUMN - ANYPRYSTY " A 40 العداد (دراع) - ع - ۲۰۲۹ ۲۹ 16 916 66 19642-509 جن (سلسلم) - ۱۱۶۷۸۲۵ جن (سلسلم) 3 2k YY Comp. Rr. 135 (A) 4646 ALA 39 - 13240 1553 Je 40 حدول الهابيات الطولم الإواسه وماهاد طي من الفراف وروا لاعبرير (٦) Y COMPTYD. - Cast suple 1 - car Tracky الدوه ۸۰۰۸۰ خ سيمش 9 1-18 4 189-4PY ا برع الريالان - يجا 126.9 6 1116 alla 1700 66 حدول آمياسات الموليد الجهد العزيمة والحليده والشجيدع والتحققه وما بعادها = 21 +69AFAITA 11 09 99 10 119 _ 16 216912 - - -" 1562700 ... ELFVESITTY المسم ا ديام على وراع مدم الله على الل 19TIPPY 175 ٠٠٠ و ١٥ درو درو در در در دروس 4.0 159710 AI ETA 25000 1 -YYYIATH. IPPATETTOVOY JELVIE TT TYVAYTA نريه ومايعادها مريالاطرساوا لعراسا ويهوا لإرابيه وهباعل UN 16 1419 757-274.3 · 6/ 101PONPYS) . 23 V694.. T -0 410 44 16 · 6292 2164 1 ED GVA ... 45000 1 = TES . FELVANNE 76999990 66 4 9862 ... PETTYATTE - (94114548 a SE TOLYGIAPPAL " 174 COOLAND STATE OF SEE (sturblentA 4,851 · FADAY ا عطوعوف EN OF APPAPEROKOLO "TADES LETALY = 21000 To the N 16TYON " ITAGYTYA. TA CC DYAGES SETTS 64 ۱ ریوانکی 15 Your 11946544. V. E WYIGTAMOSTO والرواديد والديد الم ALL VALLE TO PERSONAL OF L.

ه او خروها مجدالية من وحض مُرضِة مُع لمعدمات علم شرعالًا ن عالمعصود مون المدور معالم وجالوق المهامي الإمراج الباب لأقل غاه وزون وشرعيه ما يود وما فراه وزون المعرقة لا صرابة او فيضل المفصل الكاول اعلمان الودون التي ميسي عيها الالحمام مرعيه والمات و هرنسينا ميا اعلاظكتيل من صنت بدر مك ومسرفو يكال كالألذين موفتها واستنها فرارواءت وادر فالمصوين عيبهمه وكدوادورة المديم المقاير سرقة والسنالي فياع الميترس لكس وجه والاوزان الدرم والمنقال والاوتيد داريل والدني رجرا لمقالعبنه والدرة بالدم فال مرقاليه ليجب م كسينصر في در الدِّه العندان والمصرِّد الكوَّان الدَّايْر لِمُسْفِرِعِكُمُ سُدِيدِ وهدر سول مينظم عدير كلهواء وأوك لان الامر والمنفيرالم ثبت خوفه والضافي فالعقزامين الولم للوج في مبتزايين إسعار العرفية الخاصة والعاتر عاجدمه فأل آلفي فرخ الرجر المناقير في كيف في جاتب وكاره و كدا خرا فرم في المروة مرحف الوقع القدنيق لذروت يخراخ الماير العسيدكا وضوته وخراء مهذاا لاذن والمالدرام فتبيا خلف اختلافا كراوم كاكان فاطرين المتاري الديم مقدة كرانحات والعائد الهاكات ستطامني قال العربية فالعرروالدرام فصدم الصدم كانت مسغين معلية ملى ليتيودكورم كانية والنق ولمبريكل درم ارتبر دوانين فيعاغ اكالام وجه صهين بيباوين وزن ك دم ته وابني ونوء كالغ المدكرة وللسنبي وقال لمتن فالمعتر والعبركول أما ستة دواين حث بمرك عشرة نهامسة فأ ويرويوا وزن المهتل وارميال فالسود كانت البروان المرامي المرتب ارتبه وإنين فجما وجوده بين وذلك وافئ تستدليني من الدهيطيكيكوم وفال وافع في الثير المنكومة القيد وما المنكومة المنافعة كانتفقالا خان وكم تعرف المعام عان ونك لقدم المامرت واين كاحرة نباسة شاتد في الب ونالب كون اعشرة ون بيت قد ونتى كوليمريكي أفل نقل صفرات جون وسي لديري ك مع المجدادول خ حَيِهُ كِوانَ لَعُظُ إِو زَوْهِ بِي الكَام ارامِيم بِ كُوالِيهِ فِي كُوالِيكِنَ المساوي ن اول مِراكِ لَهُ وَالَّهُ) عبالملك بن وان وفعك باشارة م الام الإجزي بن البار طوم المام وانه عليهم فالعبداللك مرحم معداله وزن فيننهما فراوصنا هالنواز التي منرة منه وزن عشرة منا يعروشرة منها وزن مترما فيوفير مها ورن خسة مما ويرفك ف اوراب حيها وصادع ثري مُعَالِمُ فَيَرَبُّهَا مُ الْكُنْبِيِّ اللَّهُ مِنْ فَعْ الْمُعِيرِ فَلْنَا بِعَمْ وَيَعْ

مناديرون يستص خات فراديان تعير الحربارة والعقمان فغرب الدرام عاوزن عشرة والمانيرع وأن تُ قِيرُ لِينَ بِيَ مِيسَةُ وَكِهُمُ إِنْ وَصَدَّمَ بِمُلِمِ وَعَلَيمِهِ إِنْ الْ وَعَلَيْهِمِ النَّا (الديجيرا وصافيا في وَعَلَيْنَ الجبيرا صداوعشرين تعالا فتشعبها عاا تعارك والعارج مبقد فاشار عرباله اليدبان محد كاعترة والهرابدان تُ قَدِيضِهِ وَالرَّرِانِ وَطَلِيومَ فَاسْتَرَوْلِ إِمرَةَ الدوارَ لِكَسَوْتِيةَ وَجُوا العَرْمَةَ لا يَتَرَسِ ثُمَكَ بَمُ فَالْكُجِلُ بِحَيْرَةً المقدة تراكمابيد الدنار وخسفان مشرعي تحدال ومؤاحا لاسكت جيدها الأثرار بالمسال يهيرة حالصيغ منقال وتستعركه والمعة لاشرى عع والديرسي عهر والديرضف المفال شرى و فتسعضف لمنة ل بعدرة ورفي شرولين ملك حشرة درابيم ستدنيا فيرفيكول العثرون معاهد لعال مُسُب الذب ع وزون تهاية وعشرن مريها وارجد والتح والماما درم اول صُرِ لفنه في وزال ماية ورمين مُعالوه فرالنب ما لاسك فيها والمنت عليها والعامة ومذخر مي كالسفناه في المعدّمة الأوكر العلمية المركب ورودة وأرب الديمة فيهان إدادة لهمسالتي دكرا بن التعال والدر وم يشرق في وان لها و ليرسالتي منها و منها و بن التعاليمين كانبه علية ولا خنرسه فاندان فادليمسرة الذي ويورة روسالا يدا كاجره العلا وملكور عبدالية فا ممن والداديمة فاصر فالكان في مارت على بدال كون كروز لما ووفي راسا بخريم ميرة مِسْتَقِيم بِهِمْسُنْهُ كُونَ وَالْمُونُ وَلِلْمُقَالِ لِصِيرِةَ غِرِمَانَا فِيهِ إِذِي لِمُنْ وَأَوْ مَرْ وَالْمُعِيمُونِ وَأَوْمِ الْمُؤْمِنِينِ فِي مِنْ الْمُؤْمِنِينِ فِي مِنْ الْمُؤْمِنِينِ فِي مِنْ الْمُؤْمِنِينِ فِي مِنْ الْمُؤْمِنِينِ فَي مِنْ اللّهِ مِنْ اللّهُ مِنْ اللّهِ مِنْ اللّهُ مِنْ اللّهُ مِنْ اللّهُ مِنْ اللّهُ مِنْ اللّهِ مِنْ اللّهُ مِنْ اللّهُ مِنْ اللّهُ مِنْ اللّهِ مِنْ اللّهُ ستقدره وأالدرم والمقال ورهبين بتعيرات وسنبن كث دادرت بوز صيفه اعرفذنك تمقالة و مال العقدة والمحير وزن العشرة والمربعة شاقير بينية الدار و مرديم بصف عاح مك وبوالدم الدى قدرالمنسى معالد يواليه والمسالما ولرسترجيه غاضابا زكرة والقبل ومقددا لداية الجرز وخرده فيخ عَالَ الدَّكُرةِ والمنبِينِي وَآعَلَ مَنْهِ أَصْنُوا عِيهِ انْ كل «انق درزُمُال جبات فراوسا ما يشعبه كالمسرع جلاً الكومين وكذاذكره صاحب كناركيلوى فالحساب فالمديم ثمان وادمجون عيرة والدنيار ثمان وسترن شيئر دارتم امها وشعيرة لكندور فاخرسهان بزحموا لرداران خان ستحباث والمجدون تبتق فرمته رفراو الحتبة اخ مغان والغ كباره ومستغشة وخ وبيان شأرًا مُدَيَّة وَنَتَى الْمُولِ أَمَّا وَمَعُ كُنْ كُلَّ

بال حت تراوب طال عرفا ومت دام مع مصرم والالعدودة كشرم إلى لا والعالى وم الآفوارثه كاميرم ببطأ والفريقين خرمسا فتدصره علارت اغيداب لمتعال بشري الثعان بيسون شعير كاشح بالعنوى والمصباح والنخلدون ومقدمة أربح وصوع وترشر بني فرشع محصرت لعقية إحورانج بيزين أحتهم بالدمنجاع الاصفها فالمشاخى عفرهم والأالدم مستدودانتي والدانق تأح بت وفصاحه حالدر ومحسون حبر وكفساحة ومبقدتما ويرعشرة وام فالمنعة ل ما زيميون موغيرة م اوسط بمعير فال تسريني والمعال لم يتغيرها بقية والميسلاما وجداتمان ومسون حبة وهي شيرة معتد لد التعشرة قط خ طرفها مادق وطال أنتي فطهران عقآرا لعربقتن بمتفيقوا عءا ذكره وان مسالههم والمقال خدالاماميه الإالههم والمقال فأرتيا ب الصديمة ب المعترف كاه يم عالما بالخيروان الدية المرضم فهذه صورة الهر عطيران لحدا دحشرن منعالا اددديه حدالاماميد بدل عشرب معالداد وراها حدث فيتدوج مولف اوران الضروفية خدالفريقين لاوكبي والالرث بعيغ المقينة براجد كامنيتندان شأداقدته والأكت ووالمنترع يفرسلوان باحوالم وري مال الله وان تركه ولند مقول كن ومريد كريب العضل أنى فالاوقيه والطالاق المتباليهم والمتال فاعام اليهاميات تصم لهمرة معنا ولدتم واصطحون ثم آرها وتحديم وكالمرح السير احدومري العشري كاذكرن ة لاب الدير المراب وم وبيس هده وور الفولة والان رائدة وغاص لوقة و قدر مراف وي المعامرة م الاداغ وخ تخفف وقد كرر فالحديث مؤدة ومجرف ونهتى و فالحديث لدج المطاع المريد كدوم لويديك في احرأة من الثم اكثرجزك يتحصترة اعقبة ونش والقسز بعبج المزن معاليس لقوالم تدرة بضعبا لاوقيه ووثرون مدمه فكيمان فجج حسارته وفير لليش بعن الفعدم كم تل كذلة الباية و فالعَ يمر الاحقة السمسة مُلَعِيرُ لا في النفي مع المالية

CLA CLA

ا والمرشع شرب دره م

۲ کوری دی ایم و کان در ۱۲ م

وم المنا والتي مشرة مولد من ورووج اواقى وافراق و وقايا الهي و تريرة البيح ون الاوقيم معرف لير زنتها ادمون در بها قال وكم تفكل فيهامني اتنى ومدمنه أن المنة ل ذا ازم الديم كان در زهمة ها المالية وسبع وبه وعالكمواح الاوقيه فالحديث اوجون دروه وكذاكم كان فيامني فالروفها تيارفه الكروية وعليا فالاد قية ُعدُم عشرة درام وخيشه كالبع درم وجود مسّارةُ لمَّا استار والمحيم الاوا يَوْمَمْ الْعِنْبِيرُوا مَا في وا مُسْتَخَفَتُ اليَّهِ وَالْبِي وَتَعَرَّلُ عِلِي عَلَمُ المَارِرُارِ قَالَ الأوقِيرِ السَّدِيدَ المِن ها ومُ الأَفِيد الاطبآء الاوقيد وزن مشره مما تمروضة كسبع درم وفرك بالبين الوقية مراوران للس والمهورا مْ كَانْ كَامِنَ كَا مِدْعَدُ الدَّهَ وَلَهُ وَهُ مُعْلِمُوانَ اللَّهِ وَلَهُ لِكُرْتِكُ وَاللَّهِ مِمَا الْسَلِّق اربعين ور وما والطامران الأم الدالم المراع زون الرسول عاله والمراح وال وعمرض النتى أفياب كولا وتبدار ميس ورة ورب ويده الكيامة والمور نعيصا عبد فيرووه بتدار الصعيد حسد في المين والما يوند مرة والما والمدارة والمدارة والمات والمات ه دور و نعوان بين المراجع المستنظمة في الا و فيرمت هدائين في أنها في عن اراس عم الدين عاي تيس في الوحد لليستة عال معتبة للالبا والأنبع وموالة معياد يرواكيكوم ساؤيا مذكاروح شيامن سام عل كزمز استح يرة الوفية ونسن الاوفيداد مول ودوها والفن عشرون درها وروى عادم إيرسم فراعي فرب وعبار والاعام وكانسا لدداهم ورن ستدموش انتق كالرمة العيمرة الواجة مايدهني ستنوانق وكالأعربي فرقم للاعارا كانت منه حدايق كالواد الحسة وفرا المنهجة المعاد والديم كال وزن منه خرورا مرأما ما عاليمه كامرة جراي الم كأب الأو أنتى وسن كرجر تعرف لدك ولدة و و أنا وه وقد صراو لما وفعال مع وجوفار جان في فا فا عالاه بقد ترمية والى الع ف لدو والرقط بمبرا لآءً والعالم بساء مره قديم والمسراف والركب وع شرع تصبيع والمصرب المحدار وف وشرود عبا بروام الميداد العاكوس ترحيانية مآذا السريف الماج ويوامى وكمتى ويد فارعواغ احا المشاعق فهوا كما حشرة اوجَدوا لاه فيدادمون در بوكذا فالقائل وفيشا لوجوه المستة فالنكام وطلأ وتفييناها وقال لارامز كرسنه فالنابئ الماعثره اوقية وثن الوث عرم درما فعائضا أروم الا فاستغي حائت دضي المدعن وور وغ حدث عريض ترجله اثنا حشرة اوقيه ولم مركز المكثن وتأل البث الطام تعزام

مروكم أوالدوة العواج الوفق فاتما وعادمك واصاعرتاب الطال والمدمطون فالمفاتاج والإلها ولكهم فيد ولم وكره جملسي ما وانا وكرف وكولوداد الدرنيسيني النسيديد و خلاالقدم من الدران والى بدر كاراً بناوخ غرعاء اوحدتف فتبذ وإما المكتى وبوست كتشكيلة مالان كامؤن دره وبوصف لعراة والملا مأنة وحميتم واستون درجا وجوبتوش اراع ألكي وعواقة ونفسفه والمعراجة ماسوقيون وبها وجونف ليكي وتلأ الدنه وإهالالما ويراليرهبه والمكي مائه واثنان وتواون معاقدو المدينومائه ومشوثون موقده والمتفال والعراغ وحدوتسول مشاه كدا وكرجم إليداء والشهدغ الدفر والعدته فاك المخرواهير والمبري كرادواهم وبذابرا لمطائ ووخارا ولدة فراج معية حكة لمتدوويهم احرى كاستسطينها وخالف بساا ما تبضيلها الطل عارونكا يذوهميم دداء ولدبخه كاستع دداء والتسول متعقدو واغيتم سأا العقامدنك فانجتضا لطلق فإلمستى التحرده دثينه فليعاثره وشراه والمع لعرض جداك غرثره بخفترغ وأسلف التفعيت معالهم دعيج واحواغ اليضعوذكوة العدارة والمعطيران المدافة فاعقرق من الطعين فالمصنين عم المذخليم لمناك المكان فارة والنجي مصالد جزوا الدخ رطل معيال أتدميش وروكا مشرفدات ولديح العنسد إلقالبث فالخبالديم والمنة ل يترهب وتمنين وربيها البعدن الهمية وكتناه ببرد لبالداري معك في كالترات والمالية والمهائدة والمراج والعرف المراج المنكرة المناكم المراج والمراج والمراج المناكرة المراج المناكرة المراج المناكرة صناين وكافال بالمن هيع المسل عام مآء والوضوء بكذس مآء وصاع البي متالكة ضة الداروا لمُدَّوفِك ماين وعَايَن ورهاوالددج ودُوسَةٌ دوايَن والمدائع و^{وان} ستحات والجترون وتتعيم فاصاط الحب لأمن صفان ولامزكان وروى د الارث جرائي الصفارخ بوسى بن جوز سيان بنض الروز أنتى افول ورواد الصدوق كالوليدي فالمأسغ لانحيز الفتية فاسبالات العزوس بصغره وكالملاء المرجاليع المذكرة التدشي ومرمح كاغ النسبة اوالرض واليوم كالبرج بهجري وك لوان يض فيها هميا كامن يصدوق روع ولعون والج فرارض عليهم فرله خبار لمفرقة اقان أو وي كور موسى عليهم ليقيري لصعدق بروك الفيتية ورو بيريسي ثما امينا بدالكير

سبنین ایسان داخس کند. خاصین قرر می منطق هر خاصیان راهی ناورز ایسان

وللسكاد مركز والانسا

وكبيقاه م

حبيدة الاستيعيا دخ شخيا لمفيدي مرم احرب جرحا ميغ انتسقارح مويى بث فرغ مديد ف تص فارد فرخ ايم هليلها وعالتي تقديرهبذه الودني مرتقية محنية الديم انتنين وسين شعيرة خراوسا فوزلان الدام ستقبت فيست ختاشيه والدين أما حشر حذم لدع والمشيرة المديم سته وأنين فالدرم اثمان وموز تعيزه وقرمذته السام خدهكا أنائات والمحت عيز فالغرق اربر وشرون شعير مكيل لعدم عالمسور منى المدوم اوي والدام الزوى درم مهر ونصفه فاخط بده فنسته وقد مكوم ولسنا الجنسي ركم في أا الحدث بالدمخالف للشهر فرجهات لان كَيْدان أنصاع خسته لعاد ومذعوف أمّعا قهم عيوله لدم والمنبّعا عيدان ألدّه وزن ما تين وثنايين والأ وجوع المشهورة من والمال وسعون ويها مع لون أطر كي وخون ويهوها من وتسعيره ما أن وما كال الطرب وتاسروم ترون درها ودربته مساع ورم والتياحيه الالان وزن انستي مشرة مته فرشيرة والمهور الناغان جت قُلْكُ مستهم في الإب ما مَا أَنْ اللَّهُ وَالدَّوْمِ مِن وَبِينِ وَرُقَا وَعَوْفَ مِن مِنْ الوالِ عِصِا دَاعِلْ بِلاَ مِهِهِ الرَّولِيَّ فَلَبْيِنِ لِآنَ انْ مَتَو*لِدا لِعِدِ مِنْ لَتَيْتِقَ عِو* ما مَضَمَّتُهُ فِي الروريْ عاعم الْمُكَتَّ بمرشرخ أأبك مخيرا فانده الاوران شرعبوه بزاوي فرالا ضقض مقاديرة وكذا فالحد بيرويا ذكر جلاكنا هر ليداده وجهم وكذوة معدد وللفراع والميروالغرام والريد للترة صورة المساؤو ماينها أراء فوقاضي بدا وكته برابها سال كقين محتية وحرف فأعبى الاراج ارواتي الواردة عرا والعبعة مترة للدوم عيما ضقا وامرزا لمنطرفها ميتخرج في والهمليج مع من أوال جريم خاول كشف ترمهاز في صفد بملة الرفيق من ون الكروم احترم تعبي مقولة لذاع والمدرم من مقدلة الديم والمقال الاوران معبير طبقيا استرعيه وكذا وسائز لفنون فبلتء وابن صاديتهم فاجننيت والدعجيبه والشهدين فسال بالحقاق وست في كاركورتهم فالموخب بجركتها به خراهاتها وزخوار؟ قُلِ مُلاَلُهُ ودررا مرقه وفحت لا مراقعان الميرض مركان دورف التي المه وورشه ووكم ع ضركت ومند ومدت فاعلم اغدرا والتعبرات كا فأنتخب فرلعساطها الالمكارة وافرضعاركا التنيق وببين شعيرة وبدورن درم واحد كالقفستهذ الرواية وهن دواتيسليمان بجفل لمذكعة كفا فدنهتا ومدت خرح ثرة عسة وصف عصصر خرقرت وفرحيه المترة

والبرمسة منا تيرمشرعه فلاحرم كوي المفال تشرفنا بشعيرات ما تدواشت ستعيره ومشهر بيسعية والتب الصرف انسنين ومشرب غصنه وسيعصد توتها فالدرم نوندث فراءت والمثقال نؤرد ويسيح وم تغيرا مهٰ الحدي معيل ليّعرب والحقدة العزام خلبت إن ما يُستهر بن العلّاء رضوان ورّعهم النس بحر خلر والمال واخترعني فالطغرعا جوالواتع وغفرالا مرحى كشف كتيهم زمبنه وضاد بذا وواركندا الذي سبيع لايكر فرالة الزعة فصبت وبأرام النهب المفاا مكوفة أريفة تختصيه وارمين وأثيزه عاصناس وترفيها لترمز تدكت فالعدص نبيد الملوكلا على فعرض فصرم فكالهالمرستون لدعيه فرزنية فاذا هراشنيان عجيره مستوثني بسيرم ورنة كبقيرات المدترط وكله ن عاوزن وليه وقال شعيرا الاشيئا بسيرا مال فوجهت ه ١١ م الفضة الحيد الكوية مضرو الشنتيسيم وتماين عماً يتعكون فيه صارف في علايعه فدنة فاذا بوم مسرّ حمة وكسره البشعيات المترسط عاذا يدونكمآن كالبون مشعيرة بازارة ونفيعت مطابقا يخرسلهان بطبع المرفه زكلدت اطيرخ مندة الغرج وبهرور بالمغ أيسيءاله وكشعه لعيده العاصي مم راجت ألكرعيلي لنظفر راء يمين في العروصة في التيامي والاسامي المفالاص الأوس والعضر وعدين مين ورميم الميداغ ماحب كأباوث لالمروش وشائه وهناك فالباب وفافه والمام متدووايني والدانق مت حبات والحد شعبران وكنتي فالدرم أملان ميسون مثيرة عاطبي غبرسماين تُم ابت غالبيلد كام عشر فرواترة المعادف البريطان صفح عن الأعلية انْ لاُعِنْتِي عَدَا لَكُومَ عَ السكوكا المدية غالم كوكات لعرسة قال مغريبه بلحضا ان أول م اعزيب المسكِّدُ الاستوميد فع العضية وأكليم يطُّ (عايمه) بالبعرة متكندار بين فرا لإجوالوا حدث بمسين ومتاريجيه ثم الكالالرعبالماك كليفسنه ستصبين فالهجرة المواعد في عن ومتاريجيه ولهم الأث سكت الديناد فالنهب ويرخم ا الديمُواه شعبُّة اعتار عرام (٣٠) عواي) و الددهم مُ الصندويوريُو مَان غُراه ت والعَلْس خ الفاس المنتي فلك لم مين في الدائرة وزن الغلس كل من وزن لدني رو ادر برغ راية في ما الديم مُورِّعُ المالم اليف هَرْي سِيتْ وِلْيَمْسُ (وجد أرجَ كرية مبروهر الجاء والزاردة لفاله الباهي

Color Color

في الجدائة من معنوا الله في العلم عن بين العسوم في العاشية الأله في را لا مين العام كان عيد وقي العسوم عن العسر من العام عن عندود المعام عن العسر من العسم عن العسر من العسر العسر

- 25 PA DV 127 15

الدنار رديع فراه ت وسي فرام وعداهش فراديع داه و عُدَدُ جِمْ رهوام مِشْنِعِ شُرْفِرام دا دُلَامِزت وذن لدنا رامدُ لدة الدر ألا سبّد وقبلت فاصّر : طالحانع هن لديم لأث عراء ت وهُذُرْمُنْر عرام فافقة ذت سُنينرام ودخهم

ان ا غالدائر . مُوَيِّنَ الالله والمت تعمل مَرْضَ المفادت والى البسر التأثيث الله تا كرّت الدالية المراحة والدائم ومُوَيِّنَ المالية المراحة والمراحة والمر

ביריים ביריים

ومسعون خواه وادا قسيسه علا النين وربص مراكحها ومنباته وثيرطب وجرب امترائز باوم بأبلك والكارم كمع عم الما والمرام عرق المعب ومسائد و فور وتسول فوا المصدة كوارم غربات وكون مسدوام مرساد الصن لا ٢٧٠٠ 14. ×18. = 107... فرطأ والمباهة الصره العال وهمأ ومسهوادامون شفاد سيرعا ونسف عثرات لصيره ترسافيون 149-11×464994 - 27444 وب المده بهجيني وبتركع عزاماً، أو أرما فدو INVACCONCIAL - LLSS C- D بعض مُنتال مُرتبا كاتراه وصورة العرضورة ماغا قارنع الكبير والمغابق غاشا ماناه فرالدم TE-AVAT BAI والدبار والخرسلول المروري ولما قرر الجلسي وتعاوت الانه مناهيرا طاجه ماستي خ صرا الدُولات الداعرة ولك هذاغ تقيي مقدر وزن الدم والدارية ع معيرالقطع والمعين بذا الجده ل وهزيسطنا الكسورا لعسريه غالغوام والمحسال ميرضه الياريرع عشريا ألطا جربوك الجابرى ورازعس LCXTW1940. 18 1 20 5VI TF9772922VAT-4502 هٔ المهر کار مجن العامسة تغير ما العمال المعلمي كه لم سينه ان تقديمه في الشراخك جزاوات لخبر معها بأرور على الام تحت بمنا الحماد متى ماكناه بكشعه عانه ذا العباراجي وتسالي و الشكر عا داخم والهم غرانه استنباعا مشتم امرر المحول ان هرغالدام والدنيار كوشر حين ارزيا مدره طلاتنا يمر القدره الهم الماعالدي جنوصية وبرو ترام المرية والا فالرن و فنولد عصات وحراصد درما وبرازم من بين مستوح من المريد من المسلم بين المسلم من المسلم و الله والمرسنان الرطل الدوقية المعامل المستقالة الما وورن العالم مع الما، والحرب عاء بأرسي خرافيقاً العالمي

معل در الطل

واليك مذاعمرا لاماويم ومراكمان ان تدرون سرم تين يميس شور كاون كرالدركان اسمول فسانسنا وم فكأنهاو كاواميون فالالصدعة والتيغ رعهالة في دوداه والفيروالنسوا تبديرها وميقام وخرمزه الصدوف رحمات فيدودل كما مالهقيد والمنسوان ليدد شدامهم وحارهند وصتى وليرب والنيم وكهميوا بالله موالاحاد عصدلابات كأب برماض عده وهديمه ونول فمستشدنا كالفدط براهيكم عليه ومحب سياه فالمخلف عالكن مقوله وأراغ الاست روفير. هيلم أن منه التعذيبان بوللول عذالة ما أوفر وطبقتهم وأن فراية مل عضوا عامان سابقون مبيده وقرقاء علىجهو فمكرا السام تان وادمون تتبرة والسارتان ومثن تبيتر وادقتم امباع تعيرته النالت ان تعيّرالدرم ماحقة ، وبودتمان وسون شعيرة وسفاكان بولمهمها كم العليمة العرسة فرجعوالصدوق وكشيع رعوكا كتنتأ كأحكما وغرالمداع وغبى لدما رموه عادوا وكسري امراب وادام حركته الدكة هال عشاء صبت الدهيس قرخري احداده منده سمسدا تمين وكنت ومنها يزوا ماناغ معزوب سيقت ومجم حاتية وكعده مهذا مذن كنيون الأللك ولأمترا إم الراسان الماقيرات بنبا المذورة غارات بذوو مومنيان وارجون والماروالف جرة ويحبيب الما وتراليهر وبالمة اوذ وصراصوبة وحارث في البايا ما الملبي ترمستراها ويتبيراانك قدعت كعدان هدر سركف فراغاً والعان وخماره وخرارمون مستاومه بإنحاصه والمجارج وليولا حريج محباب حندنا بعينه كادرياك أنعاه وزي كونندن قبراغا مرزعهم الدقدة لوسيله كالديمي الخامس الأ مزورن الدرم والدخا رميسرهمين بأرمق لدي وتسويضه فالالحدث واهياس ماطقه تصحبه مفوال بصدقه وممالا المشهدر عبد قام الران والدلير شامخه امرغ برام أرتكب ل ، عامة مورسترس ومقد بذا اندب مهما تداده يخرسوان تساخع المردر ورب مها فيجره كد ذاكر كتب الصليد والدول عرفه مان الشيرة دوي وا الفرغ كنأ المتهب واكاستهارم موسى من هرم معيان فارتقت عجالة وموسى بذا امّا جو موسى بن جرت رابع فراصمات باحبرالما وعليهم كوغ تعددكه المدرا حوغ منج لحقال اوجد وسي وهرب به الصيدليان والمركز الميزرابقع ولاهرم مرذكره ساكناهنه وعيوري تعذير فطريق التيم ويواليها صيح موع ذك تعرش فالعة وضائم تحدثن مرافأ المفررقديس برماغ المستدك والمالمان صغرا لاليانق المجبر بأنه مرمز فينية المان والعبد الربعية

رحه لله أوره فاعير ب انه كان منفوض ن وم كن لاهيرو وحرا لامن لياحث الرعا عليهم والمتدور فيات ومحتران كالم متقروع فترو كانت ما وفي الملك معلى المان ادا ومنت ومند يرا جامواد والدى ودا جوافيكر رصية الدعليد و ذكر مانعد البهب ندعت سره غانطية ته فاورد ما اورد ما هر صامع البابيكي ثرة أل والله الحتى الدامادسلهان وصوا برور ذكر والميح فالرصال خراصه سالها برعايس وفطرحن الموقفيدة فالهوب ابتىء غالله فالعيم عذخ الكائل طرايع وفطيرت كوز مؤوها وغالبول فالعيول فالعيم خدقال وطرست الجزاري عليصه والمادريه الماكم كما محرم المنس معره فابتدأغ فال يسعيان المعيا الني يسيتي والحرع المال الدان قال فاستهدد بنك غدمتمق الحدث رنتق ووستعرب الولم المجيمي كان الداعن في في الروايم الخ الماكحن الميتيم ويستبدان كون مريى لوالضاعليكم وجدغ غيرهد لاسمعت آخا وذلتي مرمع اليعم وردي نعدى ابندا رصاعليه ملام فأى كمتعا ومرزمك في ال بدوا إدابيان المحصيمة عا قواعدالدرد فانها ية كالمسائ كامكم التركيب ووبيا كم بعق م وجه آخر الأول الاسم عادره فيرود ليه ولولال عدوم لعَرَعيه كاموديدُ الماءال لصدوق عُرول والغيته وروايات العسوله ميزود كامرع وأك غ للالكتاب الثالث لل عيد وق كالفتى بولهده في المنس وبد والرجود وال الم تمن كافية فالقييم فداكم النبا مانتنيه وتممة الحبان الالالأ وأحلف اذاصدق الخبر المرامكم المعترب ومعة وقد وفد وقد والمستما ان والخبرمان محرم العيان فدم ل الك في عد الحبر وقد حد العقد البهار و على العرال الحية الحرك العبرة متعود غ خورق لاء بت والدعال والدعية التي وزهب محرة كقراة كرخ الكهف والانتا والا الني را داء منا وفي والفرزداميع والجرتدع عافرواله (منسبهامت) الأول والصدق وكراد الفيظا غائعوا سبالصريخ للتس وصلع المنبي معاليته والأكام خسته أملأ ووالملا وزن ما بسروتما ين روها وألمكم وذن ستدد وابنق والدائق وزن مت ستجاث والخبذ وذن جتوشعير من اوساط اعب يمن منباري وكامن كبان جلة وزن الخسد املادا لماء المدوستمارة وخسون مدها ونهق وفيرض أرثن ارواتي ويد ويون كان وقد مرفيض لعامل في المع العددة والمك زمهينه فان مراض لعيدة عايم في المراد والمراد والمركب والمرك

calucy singital i soir Cine Di of standard SCHOOL NOW. ٧ كانرناحه مجربيات

وينارس

٣ وقدار آما اليها وح وحاد فياشتم ك

هرجاميها لمالف ولدعائدهم فهوائد فأصورتك المتأف الإدالجة غرفه والواتية في مدايين وحرائي ورا وقل البداء والدان مت حمات والحد وسي من المراع من المب قال الدن المعلى مرماسك ۴ و فال الاب لوتس موسير ع النبية واللين في الوافيني حبد اصطفحية في عرف ومك الوان المالف في كيران بهم الالمقال المعني ٤ المهد الحية المينا مقدد وزن الشعية بين ثغ والبكس كالقروف ان عشرُه الم مبدِّر من وألد م مبدًّا عشار تممّل والمتفال وربع ويُدهُ يمساع الام فلاع تريرالدج الالمقال بدوانا عدة اضرب عن الدواهم ف سبعة فعسّر المحاصل عدّة المناقيل - اواصوب عن الدواهم في ٧٠٠ فالحاصل جوالمقال. TYXV = 101 = 10 1 - 10 4 - 10 2 44 JF 33 والورب ال الميل وحرس در ٥٥ عمة وحرمة با 5 44×44 - 10/2 16 وخنساه بأر و في ترير الدين إلى الدين ما عمر العكس اي (٢) اصرب عن الدياد في لعشرة فسُبِّع الحاصوات الدرم أو احتم عن الدَّاينوعل ٧٠٠ فالخارج هوالديم الدكروساك في الما والم 10-5 x1- - 107 - 44 (0) عالجامهال ١٤٤٤ دمارين ٢٢ درام of 1065 - 44 60 الدابع فالموتر كورز إلام والمفال ترعين إلالما فيراهيه فيكسر قدوفت عاقده الألام خدواز جرمياه سعة اعتار جرين وغنَّنا حَنَّى جعي ومُزالحه ول مَّا لمث مُ الداول الميرية للصدر ان مُعَالدهم في اليول العدا ومسعين جرنبا عذاغ محمير الديم بشرى المالمقال العيرة به والعاعدة (١) اضرب الدرم في (٧٨) ٥٤) وافيم الحاصل (٧١) فاعارج هو المقال

او اسرب الدرهم في ١٤٤٧٨٨٧٠٠) فالحاصل جوالمقال الصير

AVEDIXATA = 44-48 = 444 O18-450

of BYOX- FILLVANY-TTA GIL-TVA

ووبطها الكراهش إيوارثدخ مبتدمار ل كعان اوتب المالتيق اوانك وتحاية لاهيتر ارتيخ وتزنول فرالكرهش وَالمُعَالِ كُلُوكِمِي عَالمَامِرُ وَالدِيلَ

وفي توبرالمان شروال المال مرف لابد والعامدة

القالمول ١٧٥ منهم الإالمعال معبرة

(٢) اضرب المغال لترعى ق (يه وم) واصم الحاصل طل (١٧) فالكالم الله يرفع أواض ب المعال كشرى في (جو١١٢٥ ١٠٥٠) فلك المقال تصيغ صد

مادول ٥٢٥ منال و المالية ١٩٠٠م ١٥٠

وروك واواب ان داد مسال ترم سال فراسر ك ١١٥١٥١ ٨٥ ١٨٤ معلاصرها لى كالدافاء وفيدُونا في مُعَادِم فِي المعارِين مُعَادِم فِي المعارِين في الم

الخامس وموسركم والمعال أوين الالنزارة كالسر يزونت واندتران والاداما أما ميل ١٥٤٧٨ ستة وسرفا وال منه مسرفا صيل (١٩٢٧-١٠٦٠ خرام) عديم واعديثر عي ميد ل PERTARERAN - PI- CAPIL-VARAGE - 257-VARIANHEREN

مداء تحيرالدم بهرم الاهوام بدوالعاعدة

(۱) اضرب لدوهم لشرع في (۱۲۵۹ ۱۹۵۹ ۱۹۶۹) قالما صوالتزاير

ووتورالفام الماادرم وشورفا لمرتكس وفانه ماتفاطرة

(٢) استرب المفاهر في (٢ء ١٧٥ ع ٢٣٧٠ ع م) اغ اسع مردوع المعور فالت الديا

التربح

10/60

والحاب ن ۱۵۵ دم برقی بیرل ۲۲۸٬۵۱٤ متعال مبيرة عرز ومورة الهرمكان العاعدين ألم ادبة منازل والكرهمشره فعك اناكتف الإسكال 44

وللو توراكمية للا فروال عفل ولي رفعة وفت ان مقاملات الرعاسل (المناهجة منتاني والمعالية بيد ل١٤٠١ع٢٢١ع٢٢١ع من المعدورون الديمرين فعال واحدثري ليد ل CIN A .. CVELLE ALANONALIA TOLENE ALANONALIALISTEVE - + ١٤٣٧٤١ - ٢٩٢٧٤١ عنوام المفتقرر أور الكراعير فانع فل يتمالقه (۱) اصْرِبِ المُعَالِ الشَرِعِي في (٣٢ ٧٨٤٩٢٥ كان عَرَادِل) فالمَدَّا العَرَامِر وغاكم التعيال فيوشاه ومسطك الموالغوام الإمعة ل يوفر وانكر الهرفطا جدالة من (٢) اضرب لعلم في (+ ١٥٤٥ ١٥٩٥ ١٥٩٥ - مَثَلَّ مِنَ عَلَى فَعَلَتُ المَعْالِ الرَّحِي والمتعلقين فيحد كاج احدم والمعالى ويون المرح وودام الدحميب مشتوعت الدوه ودعارها ميرل هسدورس حربياً و فَنْنَى بَرُنْ جِنِ وَوَنْ مِنَا وَرُقِ بِيلَ غَنْدُومِينَ بِرَنَّا وَفَكَى جِنِ فَلَانَة مُورالدة بْرُجِ لَوْجِك (١) اضرب الدهم كترجى في (٤٥٠٧٨) او في (١٥٤٤) فالحاصل عوجرين وفا كومرهوب الدالد بزيمة فرغلا والعرتيك سرغانا (٢) المستقبة الحرين على (٧٨) هذا) اواصره ف (مدين) فالماتخ الوالح أير على (٢) هشرى . وكذا وتميز المقال مرم الدجون الما (٣) اصرب المقال الشرمي في (٦٥٠٤) او في (٢٧٧) فاعا سلوح مراب وعصرجري المالمعال عافيرياتكس فلا (٤) اصم عرب على (٤٤ ١٥٥) اواصرير في (٤٠٠٠) فاغارج أوالحاصل عوالمعال وقع مخيرالديه مرشوس المرالديم الدكلير (دوام) نعة عرفت مكن الديد الجيريا ميرل (١٧٥ ٢٥٠ ٢٧٠) فدم شرمی صل (١٠٤٨ عدم علوی = ١٠٩٧٤٧٤ مدم اغلوی (١٠٠٠) وانس ولذا عم الاربيل (٤٧٧ه) ٢٧٤٠ درم شوعي = -٤٧٧٧٨٩٩٢٧٢٧ . درم شرع طل (a) اضرب الددم المترع في (١٤٦٧٤٦٤) على الدهم الإنعليوي

ووكوالسم الاكرالي لأمرا

(۴) اصرب الدوم المنطق في (۲۰۲۲ ۱۹۸۸ ۱۹۵۵ -) او في (۱۹۷۲ ۱۹۷۸ ۱۹۵۵ -)

الأقمه على (١٤٠٤ ١٠٠١) فإلجاص إلا الخارج هوا لدرهم لترجى

وع دِين مِن هَا وَكُوبِ الْمُعَالُ أَلِي السام الويميزي

همهده ۱۷۲۱ و (۲۲۲۷) قال (٧) اصرب المَال الرَّي ف (

الدوهم کاعلوی الثال و دیر مرالد مهای مررا له ایرینو مرثرون الزي

(A) اضرب الدوهم الإخاري في (۱۹۲۹ ما ۱۸۱۰) وفر (۱۳۲۲) فالطا قالد واذا ومت ميترالديم والدفار المعفرة الإورون كان عليك كويدالا فيدوار طرف فلرافعين ذك (تنبيد) كم فيهد الكراه تريان تخار برنت م معزيه روما وخدار اذ دارد المسام والعرب وكل ولات الكفي منها مبية من زل عافظ و وكزن امرّخ إر قد من ذل سنّد ع القاعدة الما مذا وخرة ا ذا ليرك

ول ٢٢٤ مدم المور الالشال برو وعصم فالهراك المعا ودورول ا

الىدان 4 دار دور در وروس مد دور يدل من الروع و ١٩٥٤ ١٥٥ ١٩٥٠ ١٩٠٤ ٢٠

مار وفية وكن معادر عاوصي معال وفيشا وكر

م مرس ليتي فأوافيل المن و ١٥٥ معادر ما الداسم اوكور مور الاعداد اعرد كمعا ارتزن زل ا

والمودب وبالعام وارمه وعرون صها وكورا وت عمت رحرورهم أكرر توبها وع بروهم عالمراغ والمفصل لرابع والطلا لمراق وينال لالبندادي الترقن وماكا برمرع الواتيان مدايك رحداسة فأوا لتنبيط والبكت العلمة خالعيني جريحي خراجهم خوزا يهيم بت جرافهما رهده ما والمستبيع به المستاح على المرجعة ألى الأصحاب المنتفراع العلام المستعمر المركزية المستاح المستعمر المركزية المرك

يترل لفطرة مصاح اعدر وصصير بنول معاج المرافية فالتكسألة الصاع مستار طال المدغ وتسندار طال البراق فالجار فرساله كول الوذى الفا والدوليين ورزامتي والدرغيدا الحديث بالديرسيركا براعيع والج الهرشالان موديكم احيا والبرشع عبرعام الفردي في والحر محدي ووالدورالدي الحن الحدى غرادس من محابدا وما ل صعب العليه والعلم فكست إله الحريه يم العير عليهم المندع ولك الالعطرة عنو ويرونت ودكريس مدسي لهاك فكريطيهم مدحدورا متدارطال برطل لدسيره الطل عالمه وحدوت ون والمحول لفطرة المقاوماته وميوس والا أمق ودان الدياس مركان عان وا ستدارط ل رطل برالعب ومدوسون دونا عادا فعد (١٧٠٠) عدر المع (١٩٥١) والديليم صريح و ال الطواليراع من الدر فالطواليراع عدد مرك دروط طعا الصاع فياء معصرين وال الاسان ، والعطل مكى معدا دراء ومرا عديهم والمكام والدعداد ميرمدم الدقال كرسماريل ع حراسيانه عاده رمله ليا فكية مان المكي مسالمواتة ليواحي الدورات الدور ويرمه ورياس الكرا مؤيدة عرصيت مخ وما ما رطل وبذه الروار بلقول المنهور ما ندالعب وعاما رطل إمراع ومتعرضا فياب يمائ والته في العول در مراطال الالمارية معرفة المطال الاقراع المستهد بدللها في الورم والدميوع- ا ذا وحت دار فارهل موالة وجد الدولون ودا كوف اعدادي مفاللة ومأعقوطها فانه وتأجن مفاه صرفيا وارقد احاك كمالم و وشرهم الم ومران كرفيم همه و مداره مع مصرم و ما تفيق توجد القراعي عنه ٢٦ م ١٣٥٦ من المهرف والموالور تُعَلِّدُ وَلَمْدُ وَلَا وَاللَّهِ وَلَوْلِ مُعَيِّدًا وَلا يَرْسِيرِكَ وَوْتُولِنَّ يَجِيدِلُم لَوْلًا المَاسِمَةِ وَاللَّهِ مِلْكِلِي وَوْتُولِينَا وَلا يَرْسِيرِكَ وَوْتُولِينَا يَعِيدُلُم لَوْلِي ا ١٠ ته الالتين من الفيامة ال وطل توفير من وصده ورم من لي فالطريداك الدين الي والسورت الكاف و کا امرم ان ارطل نده رطاع اقد نصعه خالطل ندیکی قیران دنیه ایکوهسته و مشروی می و هری و میشتر مارسال و مشاویده عسده ندند اداری محصد میها (۲۸ - ۲۷ س ۲۷ می ارسیامی و می انگرید به پیونست و می امال (사무) والعال فكي عندا باريسة يمزن مناته وخرج تره عهدون عصافة إلى ٧٠٠ ٥١ و٥ ١٥٧ أمّا إليا ه على المشهور وأخر ومحمد وتعون مهاد والصديعة إصراره والأوفية كا وحة ارمون دربه مهوجه ما مائي يترالعبيد عهدواتين معادر و عبر وصافها (٢٠ ٢ ١ ٢ ٢ ٢٠ ٢ ٢٠ ٢٠ ٢٠ معادم من وع المتهد ومدوم و العادم في وقداور دا فالك فالحدل الم والأول و بذا المرم المعادت بن المركعية و مرال فيد والتساسام

المباب المنافي في المجامل الشرعة وبد فعرل الهول الكول بفع و الكيل كمنبرو المحال المباب المنافي في المجامل الشرعة وبد فعرة الروة المهام والمنافية والمنافية المراب والمهام والمنافية والمنافية المراب والمهام والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية والمنافية المنافية المنافية والمنافية وا

ونك المساء ١٤٠ مأشواد بون وذن المنطب ١١٧ ماشاوسية عش ودن المنسب ١٠٥ ماشوخستر

النب فافي المال بُهُوا في تعينها وو بدل إلا كشف المقيد مرمون فاضغ المك فالاستهالي هو المال من المربح و المناجع و المال من المالية والموسولية المحتمدة والمربع المعتمدة والمربع المعتمدة والمربع المعتمدة المربع المعتمدة المربع المعتمدة المربع المعتمدة المربع والمربع والمر

بانسرتسرم سبعان التصيلا دكلاته وجدا والسعوات وميقادها المصاوريه فالخرزوير كميل وورّن أو عداد عامتيهم وجوا كصرف المقدر فالأب اوثيرو بذا نمثيد بيراد البنتيرون الكعيم ويرمز في الكيروا فيذن وأناب فرفي العد النقى اذراء فاالتم مخرترا والصاع بالصاد وهين الهيتي منها الف مصالود وكالم موف فالع الابع المصاع والصواع الدولهم والتصوع بالمع وستملق نفات غاصاع الذي كفيال به ومرور عليه حكام المسلين وقرئ مهم قرأ ابدورية ومجام واجوا بروسم قاللوا لنغل صاع الملك وقرأه دجرة وابوقيلب صواع الملك ماكسروقرأ الحراب مروا برجآ وحواب عبدامه وعبدامهن ذكوان مشوع الملك لعن وقرأ الدرمة واليناصيع الملك بالنع ووالسنهم الملك بين العدكاسية اعامساع الذى مكال بفيرا لسواع يشهب برقال الجابع بونوكروته وقرأ المن مود ولمن جاويها عال من وجواربد الداد كاغالهمام وغالحدث المصادعية النيم كالضياط اجماع ميرضا بالد فالاب اويرو المدخملف فيفير كمرة بطل وتنت بعواة ويتولط فال وخفا والمجاز فكون الساع خسة ارطال وتنشاخ وابهم وقير بطلان وبداخدا وحنسيذ وففها والعراق فكوك الصاعرات الدان ل عرايهم والرطل نظرمة ملك شده والداود يعيان الذي الحيلة الديم كمقى إعدالذ إلى وظير الكين ولاصغيرها اولير كم وكلان ومد فيرصاع كمبنى المدود أراد المتي الم المصنف المعن صاحب القامركي وحرب مك فعدته معيما والمزي فاللسان إن صاطلت عطالط لياله الدنى المدنية ارداد بمرتم لمروف هدم قال ومولا خدفرا لية خدفتني من طرفا وامرا يكو وعول عيار الصاع عدم ارم امن نوالمق ربه وصاعم فاجراعين الخاروا يرصرام المدن بالصوع وان مُنتُ كُمْ الواو المعموية مرة وطن أصوع بذي رأى فأنه وفر ذكرة الصاع واصواع متراع اوا اوفب واقداب ومنوع ببنم كانرج ميواع كبرويح لميناع صيعان شرقاع وفيعان اوالأ معصواع كفراب وغران وجوالحام المني كان علك بيرب فيدورت وسنتي ماغ التاج ببولده قال اوية وحدبن محرف المقراليذم المصباع المصلح كميال وصاع لمني ويال والمارك المدن

الخجّاجيّ نا ۴ أجلن ج ارمة لدارد ومصيحمة ارطال وتوثث المعدادي وقاكل وحميعة فصاع تاسة ارطال ارادرتها مرسا ابرالعراق والدينة النا وك عرف الله عن عرف المسترح لِما حكى إنّا إلى عن الماتج مع أرَّث واحتم الما المساح الماع العالم فعالى ووسف الصاع ايسارطال خال كصصاع رسولانة صطالا كالترج فستدارطال وثمث ثم احضر عاقد مع عدة المواعظ عروا عراباتهم المع كان كرون بها العطرة ويدفونها الدرول تدص اعتر والديل فاردع عيافكات عسارة ل وت وج إدرم في ولد الح والتحديث العراد وما الديدة مسالا أود والحداد فل بالكوام لاوكم العراق كبرالساع ووسعه الهروسواق لتعسي فحيات ارطال فالمس الخطاعة وخيره وصاع المرامين انا بوخمة ارطال وتلف وقال الأمر رابعيا والمرفع الكوفيولون الصاع تأنيدارهال والمدهدام وماعم ولقيز المجاحي ولاسرفه الرلدس ولاوك المدادقلي تنزيد الحكاية غ الحي معيان الأدرة لضت لما كم بن بس كم قدصاء رموالة مياته صيبة أكتدم فالرغمة ارمغال ونستا بعواغ الماحرز زملت بإداعيد القد فالغشيشيج القرم مال مهر وطسته لوميع بول أية الطال والضنف فسائسدام ما للجلسارة تعاصاع مذك إعال التصاغر عك باهن ٤ ت صاع مبَدك قال فوض عده حدّة أمن فعال بداد خرد ١ ٤ع إسدار كان وُدِّي العظم بهداالصاع الرائبي مصليط الكوا وقال فالغرف الدخراعيداز كان ودى مهذا الصاع الدامين الم مدرة دكا ويد وجرد البغرد تران كانت ودي بهذا الصاع الماني محالة يواكركم فال الك احريك فكانت خسة ادها أوثما والصاع مركرو أيت فاللقراء المرامجاز أوبون الساع ومحبورنها فالقد عالمنوع ورتا انتها بعض بنيهمه وفال زماع المذكر اضع خدالها أد ونعل المطردي فع العارس المرجم معياعا وأصم القل كا قيرف إدوا احر بالقلب وبذا الفرنعة الإصرف خطأ العوام وقال بن المنابري غدر كنبا فالعيك المدان كال خرصم علم العرب لكندتيس ما نعل وبرا أبه معلون البخرة فرميض السرائيمين لعادفيوتن انبطاروه ابارانس كعالفيرنعن وبلوله عاشة دع وزير وينفاج أم الاعلام أغراغة اللخة وليعرون صاك لصاع كان غادا كبالعدة الاسعيد غ زفر بني أيته غ والمراكح أعظم

CELLY.

Contract of the second

عليبهمه وارتينرغ زمز انخلعا والملونه فليسركنجا لفينا ان نيكره احلينا ماور دمز طريس اواتها والمتحصية عليها الالصاع تسقة ارط ل إلمراغ ومسترة رط ل المدنية كاسدد حدَّم الواتا في ذك العضار الله الما الما الما الم المفسل الثالث وذكرما دروه المدوالقياع مساداتنا فبركع متدجلين بمساوين الماد خواف وروحنهم عبير كلام هذميم الاحتباره بي عدة واحاءت الأقطب مديث عيان بن خوالم وزالدي الكصاحب فيأسقلن الدم والدنار ومانيفل تسنده فالصدرات وكن متكام فاجزا لعضد فياتبل المه والصاع فنول والدالرفن بذالحديث صريح فران صاع تبني منداله يلايا كذرام كان غسة إماد والمدخ اللَّاوِينِ مَا يَن وَمَّا مِن وروه صَلاع لَهِ مِن الطِّلَّةِ أَكْدُومْ مِحِينَ الفَّا واربِها لهُ ورهم مُ لللَّه و عَدارساكِ عَ العضرالا والغراب بالمأذاذ اذاكان وزن المائرة وطآد مائه واربعين معاهدا ودراوا وهرام الاورا خرن كنطه غ دلك لوقاً و ما يُروم يتيشروور لا المتعبر ما يُروهمت متعافدا ودروا رويرها فيعا بذ ا فصاعب ي صالبيلة اليوام محوي المحفظة لفا ومامر وللمين ديها والسيرانية وغيف دروا المراح وخصيان صلاح بني ميناله عليه الدولم خسته الدار فالكرَّسُ اللَّارِ ما مأن وخُالوَل در ١١ والرَّكَمُ على اللَّ وارتبرو تَدُن ورما وتراكشير ما أن وحشرة وام الحدوث الشلف رو فات رما وراد المدر الديناول خ احدن الدي يرخ الإحزم العيز أرعة خرمها مة ما لرساكمة عرالذي يوق فرا لما والمساحة ل المسل وسوالية من المعلال الدور ماع و زمناً مرد مكن لا العلام عده فسد ارا ل مكان الدور مل عال اوان الورا فالسغ الكثرة خستراه واد وكديك والماصر كقراب بغسة المنتج فرعيع والعبري فرسادا ووزرع مرتا عن بني*ب قرا*لمدَّ ديده محشف خراز كان خسة إماه خاوقه و نسخ مقددة خسته أد مطال كا دِسخة أم مهران مع وخرااكديث توتيالمديث السابق الصاع كسبي مصلد يؤوكك فمسلماده ويوم واخارا فروز ونبياك وا وأحقياب الملفهم ملكأ شابهه الدمش فخيرك الدمان المدمل رطل وربه الاثالان ع المشهداد فرلداد فالدران ولعاب عذالهمد وتدفأ للسنهى الأسماعة فعلى ومسفاك فالسيده الخامام ومرذ وكرحكم الكلماع

State of the Children

خسة لهاد فيون معاربا ما عناه فرا الاصاع ارتبرلداد أسهى عال لريالهميه بيدي كالم ويصررها كالأعواب لاكعلى سبووودا ن ما حفظى بعروا فعي لكى لكفوط، واحدة انتى قُلْتُ مَن لَاص بعجبيا عال مماعة معتنة ولم سيرص المونيش لوقفه و احتلفت كليم و المرض الوليا حدالا ومسيع وترسره ومرجروا حنى و وكرانسا في الم 2 رماله ما يرل مع عدم وفعد مبيها ما دوى إنه مات في حيرة الصادق الإيهم علامتيه مدروق. ثم جرلقبريم الدمحاب بوأ فتروروتيه ساعة فر فكرين وإن ازمهم الإعبران والإسلام لول محز التناعة مرتحق كالأغالى والمق ريضي ووريته وامالذ لم ليسنده الإامام فكشراء كان اصحاب لائم عليم مكين خرالاهم المرسود ويحارب عدا يزاع فرالكنا يت كفولهم سمت زميرو تنوه مراعاة التعيدويد وامرتهم لارثت بدر مقال في الرديجي يدل عاد ل من خ النبي مع الديون كور من الداد والعالد من الله فيدر ملى و تأدث اوا ق عالاهمه وهبيسي فأحد أكربذ والحبرا عمروز ليكل لبمرتحبرسها عد لصع معدمية كون لرطل ما حوذ فيراتي رطل واللق الية اوعية والنَّ لفا مراب كوني الولوخة إلمراعة والاوقية ارمون درجها وخصرا زمل معالمدنيا والدي والديِّس صاعابين زادع المشرر بحثيرهم لوحدا رجاح المدووالاوقية عرسبة ثنا فيتركون الصاع فرامحته اهام العاومات وجمة وهمرب دروا فيوت م جمعه والمسرد لاسترد فن مدّموت ان عبرالدوقيه مع ومرابط حدار طل مع العراقية والاوقيد في الارصين بصرار لمدما بن وهمين در به مصالاول (بيني أكان ارطل ع وليش درم) وما د ادر موم في ودريين درمه ودريك عدم عال في (يي ادرالان رطل كدوم وعشرية واربر تبياع وم كا وفارة الدربرية فالضاعدة) التي طلع المدين أوق سميرال عرن لمراد الرطن رطه واخر وعمل موره بالحاب معدد المد المصرح والدث الاول وذهك إن مكون معلد الرطرع به الحدث كل تقيض الحاب مأية ومستن دريها و الأوقية الرقوك ورها حكول ملاك اواق ما ته وهشر في ورج ومحرفها و مآن وتها فران وربها كا والدرشيا لله ك وع ذك فله بعدد حود ركمل في عقاله في الدولالكريل معدده والدوكون دون فطا قير القناع

اول

ولد براهاك در م وحسر من درام والمداول بأروا سان وسول درا وفعا . للسك المرمديد ما وخت ان المدل أن وتما فون و ما مع خرف من ومواح الطل عازعة مي ب وذيك بان كيرن الطل اين وادبة وعشر بي ا فرويه مستدهم ن درما ومحرعها عاق وجون درما والرمعي بدء اللهمالار مجدعاه جوشرف الطلبة حنزمني المدر أكأج كالاحتمار وجورط بغدار بأتدمتون دربها وعا بذا غالاه متيتمار حشردرها وتمادرهم وجوفط قطعا الله ل ولا نياف مارول بيم فأحذ جديد المديث في الحين بن مديم الضرع عجرب ليفرع معتدن قارقال مت الماعداد عويدم مول كان دسول لقد صلّ للدعد والروتم معتد ساع

لان المدع زعدر المل ورج والله في فدا الجزر المل وقيت اداق حكول فلات اوات زُي رطر فالرطل اذا الماس وهيته فاذا كان آرطل كروتويين هرواكان رب رأبين وثلثن ورووصفا فلعوقيه عابداهم

عرفت ان الله قيد فاعرف مشرع عارة غراريس درود وحذا لدطها ك سبعث مآراوح شرة دراج وخشه الهاع والمكاتف وبالمجذ البيشنير احجاج الزاء مضرومه الاان كون ايتمام الجرالاه الغر بذاكفرها فرخورف الجرافير ووقد وكان الدوروالا وكا اواق والمداع لعبراب الحل يث لما لمث روى مع الينا أو المدنيب و تكليني وترار الأواق م مري عي ع المري ين فرصوان في العاد ع مري م ع اصده عدم الما فالمسلة ع وحت عبد المجابة كم بجرى م المارة ولكان دسول تدميع لمدود الكروم عنيت الحبية ابداد مير وبن صاحبة وهيسلان عبيام أنا وواحد أهي المومت بسامين الحد ومدكر فا احاريهم , على منه منه من إناو واحد يدل ع كون الأرصاعا ووزخمة إراد كا والدب

ولا يَا يْدُ وَاللَّهُ الْمُونِ كُنْرِ الْأِدْاءِ كَا نَا تصاعِ عَهِدِهِ خَدْ ارطال كَا وَقَعَ وَالْعَالَ لِهُوبِ وَلَمَا كَالْتُهُودِ

ون تصاح ارتبر الدو و كان المدع بذا رطاه ورجا كا ديمي و عارهمه خا حكول قات اواق ذ الجريم وال

العد المدينا لرابع

واداكان معدم بغريسا أثر مفت ومل ومل انتى ون ومكر اعداد ملاف الدور والارسومة وع ودركرم من المعروا الرأ والمتيميذ الجرهروات عان كصاع الداد الداد اليداف بخراسات والجراع المتعرف عامل الاصاع لذي ف عصرتني جنا لدويك ولا كان المرض الدادم حد تفك عليا ويداد قرادوا ة ولدّ و خذا كان موده ورم البا قر عليهم كاستوث الحمل مثل أسالة موي ما البناء النهري مح المعدم واحن وع استعراص عيد الدع احرب وع العيد بدع علا خرخ بددة غ الم عواليم فال كالدور لتدمل الاعداد الهوية أبكر وبغيث لمصاع والمذرط وصع والصاع سته العطال استى فالمائية ما يسى ارهال لدسية ككون مستدارها ل العراغ أخول والحدث على فرما عا تعذم لان مقتصي مخرال العباع اربيز لداد والمدرطل ونضف وقد وفت أل مباع لبني خسته إمداد وكالم January String Color Col بلدغ و العبيم الله المنساوية الدوم عارات والمنته نعي تفاوان المذي المن المربي المربي المعالكية المواضح الذي ميم المنط مشاده الم المديد خوا ما المربي المائد الجرودادة في المرك مع المالعام كال في في المارة عليهم المرود والمرف ورائع مع الما من وواد والم المن المال والمالية المناسع المناسع المناسع المناسع المناسعة ا وجردوم وامراة ملاف يا المالية المراول إران ورب ووايس في المالية سن النيري و ماهدار فالمع من المير ورّ الحط ع العصراء والعطاع ا بعوال ورفو وضف وأحدث على والمائع عاليدام على المديمة ادلى

الناهباع كال عاعبه رمول تسعية لتدعلية كأرقم غمة الدود عيرو الماس وأدواء المد محمله وارعبة PLAL ومدو فكان الدخ الحدط عكا عدرسول مدص لسرمز والكريم وزنا معداد رطل وفعل فعا رادوا غ المدصار بدن رلهل ونست والصاع جوكصاع لم سَيروانا حدث الميرني الموه علما عج Enzist ! فأكار العصرت مسته ارطال الدند وصت بدر التغير فالعدار الاترية عكول قوار فالها الات والمدرطي ومفت الخ وكاورا لادى لان الدي الدول معتصد ولا الميتني كون المد المعترة وصوده ميالمسران الكرخ الفق مريذا لمديخ وتفعنه غريبين ودواكر اللاً لان المدفر لل رفي الدول غراصاع وجراء ك ويا ول ورما كالمدم وف به الكديث رم الصاع و جوملها مه وهندن ار ١٥ فر المار والعرق اد المبعون در به فادا ומ ללינונוקן שיילים מו או או אינונוקן שיילים علياه عا طدم الراوي لم مل ملوم و الما ماء والدخوف في الما الما الما ماء والدخوف والماع اخدف كالدر والازمه ومقتضياتها فيكا وبذالكسيك معد وود والمساع سنه أوطال الماه الرادبالعساع كمد فيوستا بطال المدوالفصاء ومول درها ومَدَعَلت الْأَلْصَاعُ لَمِنْ يَصِينا لِمَدِينَ الرَّحِيعُ لِمَا ٱلْعَلَا الْعِلْدُ الْعَلَوْءَ الْعَلَوْء الْمُعَلِينَ الْمُعَلِّينَ الْمُعْلِينَ الْمُعْلِينَ الْمُعْلِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِّينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُعْلِقِينَ الْمُعِلِقِينَ الْمُ فالمراد لهبت الطال وزن المحكة صاع المنط عظعا فبنطاب مدايات الماكعيم الايس الديكان مينسل يطلقن موا فدول الدولم مراهم المعرد الدي سيعسدارها لي المدرة الديلة وادن فالميرة فرا E. Lie Colling الداد فرمنه على المنظر المراد ومن كوند المراد وروس ومناهم ما مناهما ومراعا والمعام الدور كال وصور مجراً حبت (خوار ميروال محمول ديق معلامت مركان والعراقد ل المدر العرات مساعداً Control Property ا ورقة والمرمنة بالركوني معليمًا وكرا والدي المدول المعدال المسال بعروي في بيكي العطرة فهم تبيغ تطعيني محدوثي عم الرف عرض عبعرك وميم م الدالة وكاريف عاما ما الكت الح الإلحن ظليلهم عويربو حلبت حاك الأصحاب الحقوا فالصاع معبنهم عول الفطرة بعباع للدؤ ومعهم بعباع لعزاءة فآل فكتب لآالعساء ستترابطال بالمدنى وتسعترا ببطال بالعراث قال وجيزوان كون إلدن الفاء ماروسين فتنت ومتى التوليب تعدم خوالنمدينة الفرميز والبرالاول الأله مروا بالراح العادمار وميل وزرافز وزامل وزمع

الله واللهم كامرم و الدم الوالية ومواليات القالم وي عمد والبري إن البريس والمات وي البريس والمات المرابع والا الامسارخ عن فاتم العرفيية والعدى اولحن مرن عودم المود الدكون الحرار المرابع ممرالهما واحتست العاديث والعلمة كتنبث والإلحىم والمفيكم وليعم امثادخ أنسكك إك الالفطرة منامخ قت بيك إلى قاعليهم مدّ خدود باستداد طال وفالالدنيدوا وطلعاكمة وخسة وتسعون درحا مكون العلوة الغاومائة وسبعين درها انتي الخالب وهر بذاكعدم الفافية العديان ميآن معرفتها عكون لعاع الون الفافية وسعين دوا ذكراك رحدامة في في الإولِ فطرة وفرالمدوم ال تفطرة معلق المفرّت والاهادي الله والمسترة كرِّما الله على ع ب الاخدال عصبان تنميرف! 1 الما أو وكذب خلاف الصدوق محربين وبد ويمن مره غوالفقيد فذ رها سلمان وتضع للودر في المعمد والماكد للومنور وفيسرو ومفراه م ذكرف كما سالوة وران كصام فعال وليسرع الحنطة ولشعيرتهن حتى بينه فهذ اوسماق و الوسق سون صاعا والصاع ارتقرارا د والمدوزان ب والبنن وتسعين مروها ونصف الرآحره وألي فأوجوا وافعى للمرمتين لساعين لاك كالرمن بالإرجم الإمداد في المن والمن والمعين (من ولصف كيف العادمار والمعين (دين فالد المنكوف عدد ال رجدامة في الصافي ك بيمان الدخور بالبيك فالغرق بي صاع الملدومة و وبي صاع الطعام ومذه أخ فرخيرين إنه المرود وحرجيزي الرسم من كالهواز المذكورين أنفا وخ اكدث إلاً زّوج الحليب الناسوره يصدوق في ما ذاهر فبارخ ابيه و هريجن رعها له ملح احرب ادبس وهري م المعطارهم جرب احدم جرب عبد كمارخ المالفام الكوف الماماً وبحدة وذكران إن جرعطاه ذاك المدومال علايد ملان رمل مراص بالإحداد واليام وفال عطائد الدحدامة ملايدم وكال فالداب صالعظ والمرفع فتيزاه فوجداه ارتداراه ويدفغيرور يتغفرنا بالابق أفالب ادرام كملبى العيناغ ملك الدخ و بكذاف المحاريم شرس فراسمارته المستقدة فطرة وفر كتبطيه ومذالهم مترش كهنا دا و منا بجهارً من رويضه البيايير ولان قور فرجدنا والدبنية إحداد وجد فعيزور بع فيرسه وظا برلان _م

والحيييء

م لوس*ق* يا

1 A was we

9.4 V100M

مدامسي مينالسدورة أذوع لبرع رقو لعداد وانماصا حدود ادبتر لعداد يؤعط لما وعيكي كإحرت عالبي تموا فينزون مقيرنا فلطام والالعدم كالمردف وبوتانية مكالك والمكوكيتية صاع وسفا فالقغيرا ماعشرصاعا وربعه ملائد وصوع فالمدالدي بواد بدلداد كالمؤكميرج فابزا كالمخمة ومساما ولا تك المفلط قطها م أن ولا عيرناء أي الدسر رائه و لغ جو أجو و أبان عمر أو ول الكالوم او قول اعده عليهم الما و و بين بصرورة في و الله عليهم المبرح إن يول ابم الدياطة وال كان فرح ل به عيردوا زمر جميل فدمج فيد مع قط فما المراع في غلطا فهذا الجرع بنني طرحه فالذاللك علد مناه لك غالعصد الله والعرمة أالدسفم ان اناً ونسيع مأسدًا ربعين وربه له مناه وربع م الماردة الانآ وبعيب ميع فم الحنظ ما مدوسيم ثره وادمقة والعرب حلت صفية والمحدد الواردة والصاغ من بما والف واربعاد ورم كاغ مرت مين المرور وفراك طدالف ومار ومرمون ورواكل ومراكبهرا ففالاصلاف جيادرد خرساره أنبأ علين كفاء وقدتقبل مهيرا العرق قدما واصحابنا دخوال تشعبهم مركان الأ هدم الانفات والله لتن لما مرية خلوا فد فوقر الأدايث وزحت المنطول مريط لاوران وا فغروا كايقال بذاالذر درتها نهنطق عاوزوه كمآ ودائحه والمحقية الاالشع فبطهرالاخقف لفاح وكالم مسدق والأور المركم المركم المركم المان المرا الانست كالمعول الماكور المعدي ب غالفطرة بوللوت لفالب كابورمرم فعدة فراحادث براكسة عليم الم فأما له الله عليهم عالم الأيس مصرف ليدوده المدسي المايل لذي فلأع المستنه في المستنب في مد يمرز عرة المرافع من المحام عدن الدام عريهم اعد اراميم يهم المهدارة وكان عريهم والعابز كادته وفعلة الالفطرة صاع وتبدك وورنه الف ومار ومهون وي وموم الطالوت النالية مدان مرة الرود مجالة وغ بدا مليم لما تخاذ الما والسيع بدو المعدد فرا كنط والمدركي عن الله على الما الما عليهم في آهري واليد تد هدوزيا أنخ نماطها الأه ولأكان ع ولم لعمد بقال عليهم يد خوند و باذكرة و نظر المعرف غرائسام وكان الصدوق كأحيث خلطاب كنطرو المتعرود ازت اكتفى أومن محرف انتيافه

More in

(ملك) وي البرب والبرب والعلى والكامروالعالى الماعدى المعرف المرابع غرتني الخياط الحرائصة مراءعه اسطاعه فالالطات تعنسا وبسعة ارطال مناءم فالاثيج بعة صدّ ولما الاله محرب بمرسع معرب برسغ جري الغضيرة إلى ألت المحر عليعه خرا مانعل كني والمراحة فرا لمآء قال فَرَقَ فَحُولَ ثا الدَّحَا بِالعِصر صِ فِ الغرض والا كِابِ النَّقِ ووا والسم مِ مُنَّ لِكُرَافَع مَنْ رجهال وصلون واست وقال فالأوعيس عاورس في والعشرو مكن عديم كرة الشروا لخاسات الزنج عن يجتج الدفك لقرخ ماد كاخرت وعالومور والحاسد وعردمك وللاع أنتى افول عيم ما ذكرهمان يان عَنَى مر * انْ لِعَرِقَ إِنْدِيْمُ تَعَدَّا إِلَّهِ إِلَيْ أَوْلِمُ إِلَيْنَ أَلِمَ لِي اللَّهِ فِي وَلَعَرَاك وَلِي اللَّهِ عَلَى اللَّهُ عَلَى اللَّهِ عَلْمِ عَلَى اللَّهِ عَلَى اللَّهِ عَلَى اللَّهِ عَلَى اللَّهِ عَلَى اللَّهِ عَلَى اللّهِ عَلَى اللَّهِ عَلْمَ عَلَّا عَلَى اللَّهِ عَل رب قدة الدالمة الروانح المحاشق فعند إستبدة المطال على من ما وبا إرطل الدي وقال لول المجتمعي مع المسالا و مرجدا معاد صلحت و دوكره مر ما فقريسه ودوى مسدحس إند مشر مايعيم في الأنفى كم يكيدي م المادة الخ النقى قال قا والفرق سيجشر رطناه حليه على الديق بدائني و كال لول الصوع في الواف بداد كالدرخ ال عامتهن الزق كمال مودف الدنيد مييم تحررها وكمون فداد امواع ورتا كوك وقيما والفراداف كميالة حرمية تاين رطلاه بذا كغبرهمه فوالمهذيب عالاتحاب وتألفون واوي ب ونهتي فاذكر وره ا العرق بع العاردكون الرآء كي ل يرج عررطه أم ذكره الربدرة الماج قال الغرق كم الصح المدن اختف فيه فقير يبيع يتبيشه أوذاك مايثه آمع وغصت عائث كت ونتسق فرانا دُعيِّل الطرق قال الارمر رمقيله الهدون التسلين ديوك وموكان تعرب ومهواضه فالفارليج وكعرو فالدن بزمراني مريمين رطلاوي أماحترمذا وغاز وأميعه اوكؤر نعذابه اؤرو وتيرالغرج غشه اقساط والقبط للمضاغ اعزق السكون فائه ومشرون رطعه ومذائموت بالاسكرمنة لغرئق فالعسوة منهمزم وانحيج فوقان والك كبَن الساك المورج ما كبُطنان وكبل وحملان وحك النتي تمقرا و قل الكير غ المصباه والغراف كميال يقال وزرية يوشور طهر انهتى وماذكر الفيغل له الغرب مؤكد كميال أخرسية اين رطار لم الصدفي المناس

٢ هيد الوال الله كالنهم مروري الفقد وحجر بسيعاد فر كلات مرة لأد الدعوم النافرة المان من المنظمة المان مرة مرقم المان المنظمة المنظمة

الماريك الميانيان الماريخ الماريخ معرض عن الماريخ الماري

Mealuto

آميع وعايذا وكمام موع حشاله اووقت المثاني انراثها عثيدًا ونعك ثقيةً آميم فكارها والداملاوه بالهذن مته مشررطلا فالصاها ذأ فهة ارطال وثلث وبافتي الك كأخذم وبريقيل ث فني فالدرطا دنت ومذركز يميم ويشرسني فامرص مائير الدخصة رغالفلاتناهي المثالث وزهمته اصاط والعشط لصفص خرصاهان دنفسف الرابع الن هوق محركه ما نون راملا الخاصي ان هرق لم كن ما م وعسرون رفعه واللهران الراجوان مرعزم ادي من القلم الغرق 2 الخرا المذكور والكفي ما غرالمان من محلط من الكيم والوزن فلاسم ان نواا نوزن اعني سيمشر لمو وزن للا العودلة كخنط اوا تشعير لعجيرع والأول اقرسا إلهواب لامزع الدول للدثر آيص وم بقدل خسة عشريدا عاهفكم كانتم كغد فتراز سيمشر مدّا فرزع الحقيقه مدوا والله في اكله الدر المروه في لكن حذفوا الكرت ما عاضاتوا للدر احمد واما اذ كافعين رَهُ فَهِ مِوافِي لِمُدْسِطُ فِهِ وَاللَّهِ وَكَامَرُ لَ لِمَعْلَىٰ مَكُونَ نَهِ السَّفْيِهِ مِنَا لَهَا لَا وَدِي العداء مالله وقفري ومبعث كشب اللغرفة لدىدالاف وادى موقوين درج وموره بالارطال ارفه وهوش رطاه ومساع لكوم الوثير حرزا فخر رفل البزائه اي وريه وتعش رفعه و كفعف رطل تعريها وبالمديد ومدح وثررطاه و تاسه وملوله جورا فرنسه ونلوق جرز (قرر فل تم لى تلوته ومسرس رفيومري تقرب ولم الفرق عاليقول لأيز فان وحبرنا الرطل عراقيا وعوحدنا مائسو فلون وبهو خالفرق تمينم الرالعين وتهين وبها وهوم ماعند

صاع ومسدهرم دا أعرض فوي ورا فرمنع الماماع ونعت عدم توراً تكذي تب تمديدنا وولكوال وي ريسار ا ذا يُرمُ أَص كا ذكر العين ما ومذا مزائدة موات عروا، الفرق م المان المول من الدوا النصاعان ونفسف فهوعذا ابحرافا لهواتي مسد وحرون وطاو واسا عرج أالز داريش ع أ فررطل اي ورمدو فشرس رطه أوما و اورطال は経済ないのか المدنيه مسطه والعدولييل جزاح تشدو عدى حود ا فرر طلى اي موتما عيسر رطف ونيا تقويّها وأيضى ان الفرق أذاكا ن درن مرتب شرطه الوّب الوالعداب كالبتقا وفرمياق كملات الماتع مترفانهم بلهم مهم حددوا مقدارا فأدلك والجائه الاس ويجيغر تبعدارها لأكاء الرواتيا ادداع رضوالها بازيراذ اذا وخاجت الدائر فمبلوأ تستيشر وطلام الازدمة وراف والمرود علم عن تعير مل كانته م ان فليط الصدوق وكر الدرطال ونيد والروارة الادليء اعتبرا ببينهم والتيه لال الصدوق رأه بلاخط بدال عليهم كافد مرد ذاك كيراكم وفاومالمو المعلى بحبي وستعم ان شادكة لي محق في مجت الكران الدرطال بها كرواقيه تحديث للمستك الابداكشف أميره برلامقبة فضده وتدرياون يزالطابرين متوا ليطلهم خياه متت ع كعام العليه بحير وتركيم وهاست الرادة كاليدا لماحمة فالمسيدة توزيره في المديم برزي ندة الافرال بالمامة عدي المزار والما الذاعل عليد نطايع وحباه خسرارا كافعالهدون ركهة النيدغ مقدار لمآء الوخر والمعروان صالغ ووالميتهم غانزكوة بعيبيرالعا وبدبعاله ودمها والمواجدا المشهورة آليس وأمرارهم والحبات أشراف وثانا مرضة وروم مُ منس العن علم المواد الدانية من العن عالمن عالم أن المراد المدين المرود المرود المدينة المادد ... مز ومبرمايهم بذة فالعت وسول قدم آلي تدعنة المعود ووجه من خسد المدادس اناء والمديمال ذدادة كيعصنع خال بدآ عووض رب ين في كمآءُ خله لما أو خوبرتُم مُوتِ عي فاخت فيضاحًا فالمن

Carry 1 2 VY ساچ 🏋 🕳 عبراداد ον εω Δ9 18. " ΟΝΙ = KYY. " المام الم Px 40 -= 144.60 THIND YOU XEAS = Manage Park والهدوع مرساعه فيهنا احتزه الجلسي بممثوك العبضيرة والوق شهوم المعدم وحرا الالار 6,40 03 V 2 1 403

مووا فاستعل فسهاحتى وغلوكال لذي غشا والسبى صلياقه عليرا لمرثلا مادوا آدى احتسلت بمتركن واغااجراعهما لاخااشتركا ويرجيها ومزا ففردما لفسا وحن فلامرا بنصاع ومدليخسين الهيم خرجوب لم غراصه عايمهم فالرسكة خ وقت خدم لبخاته كم يخري فإ لمآ دخال كان وا التدمين لعبينة الدننية المخبسة لعادمية ومن حاجته والنيشكان هيعاخ المأد ولمدورو في في في المتعام معرة ب عارة ل بحث ابا جداد عليهم ميول كان دسول تدميع المعزية الدوم من رسباع واذ اكان مرمع مسا مراسي بمباع وكد ومد فورفر المرالاول والداف التان المعسان فرالصابين عمر الدراك بالمعتول المثلاثه الاعاء التي اعتبل كالأرمول تدجيع لمديون ادبها قريب فم العباع للشور لانها شعام سين العاور مها وثم نين حبّر عير أنصاع المهر مقدم وتمكن أن هال إن بذ الخرموم الجرساعة ومؤكّر مبلانه لاكتصرف كشرب ووالملائد العددوس العماع الدي وقع فيه الابار وبائه وتابن حد وفي مشره مام اين مبعة مَّا فِيُرسِّرَعِيُّهُ ومُمْرِثُوا المَعَادِت ويعِيدُهِ فالرَّ ل جُوالمقاء تُ التي سُفيت ع التي والمعرب إفَّا ا تتفادت للكاميروا لداين ممترين التقولاء المذعلع وهجوا اخار فطهران بداوجه وجهه بأوامجهن بأا الجزوس أراعض والدوا وزافي فرووا المسدوق مدور فالمانة ووجها واورأ والدما بقاخ الول بالوق مي صنع لمستروم والغيارة كا دوماً المدينة الغيثه ومرح به ذكرك برمدة الدفيار ول خزاره ذك ورد ولخندو خرالهدا لدغ العطرة فغيرا مخرب فاحقهه والقراع حقد معالمها عمس معديجت عكن ادمكت به غرامجيس اعدف رسر نعق انه متنيق مبالمنظره الدحت رظان المدّوالرطاع الصاع كأ غ المدرمك مرميسه كامره باغ الدخ روكهم الدجهب واللغوش الماصيدة ع الوزن اللاّليّ التيغيريها بمودا والمناوي الاذمان والمرتهة فاله اعجب المحلفة كفق عدرا كبيا وذن تنسبة الأكاب . معين فديم ن ال محيون صاح مم الماء المعتبرة العسر موافعة والوزن لصاع فم الحنظ والمعيروا منالها المعيرة غذكة الفطرة براكماء للقترمني كميره بدان كوف وندن صاع الماء اكرفروندن ماجه انتك كلويد علامقامه يذرساني الاولان و وكرمشه يذا كجله ال مخرعة من الهار وزرانه وواطره قدم مريها قد تعلنا يجل

واحدف ورن صاغم الماء وورق صع الحب فالمجد الانها المهمة الانحق الامرام والم احتربا زعب وفعد عاه حدوثهمي فكرغف فرحية الدمر الهاب حرصدا ويشع والهجراجوا بالكابوال مُ ان وَلَاهِ عَيْسَ مِن وَمِ السَّالْ مِنهَا حَدَثَ مِن الْمُ السِّدِينَ عُ اللَّهِ فَا وَلِصِيقَ مَا لُم كالعضية الخافطالما خقف وزنالا ووالحنطه وكشيروفيرة فالمحرسة فمبتة الالصاء فاجردكون محدّ وكذلك غدائهم ما ذ الهدميد ومنهم إن اخترف ودنه الماء والمنط بهك النبد الذكور المشارا ليهاع وهاوش على كالم كالم تكوما خدالدواك فدرت ويوكم محيث كافر وخرفح اجال المرضي ومنها في مدر فيذا لعندت وليدب في والله المفاد اللي بنيت ع الخير والعرب أي الم منما لفسليامرج والصاب وخواله لعظيم الأتميدات وشرعية تمتيقته وقيرشير ولاندا واكال المعاد والصاع مندمة ل واصرفا من سيم المعنوت وفحت اولى وي عما أصب ع مبادي مرعة لي وكذا للها وزدادت عدة ولصيبان مشد وكذاك غوالدوم والدنا روفيزهم المعاتيرت عبد خالفول مانها بنسيتم النين وللعرتب خيرمدم وحكها وأدهله المدوا وطروانص ع كأشت في الدور محاسكي سنكم طت الما لمدواص ع فانها عيالان بدخوف وله الرطل فيطرف كمها بريسيده والمحضو و المطعيم فاللصباح المقطلق يحاجيل وقد لليش عالوزك وفيارمز كهام كوير فاحتى والميدا فابغ الساحي كوش ا كالموق ولسد الرصة المالموق ولسد الرصة الدارك والموق زوالا الدارك والموق زوالا وعرام على وما مرطل عادان العام الماكون المام مرحوا كموزغ الموارين عامشة الكرلم مركم المناظرة والمام وعراما وما رطل عادن الدم المامين الهاري مو المعنى المعنى صرح في خرار سيم من قرالهذا فرالدي كف كونه ورنا حيث ما ل والعليه مل صدور ناسته ارطال برطل المدنية أكر فارسهة اداكمون الطل م الموارس عدل المعالمي مير معيد الام عليهم بداك ولهذا اوردنا في الماري واما ما فالداهميذي الرطل ماهمره لدينه فانه لا يهمنا الكوم فيه فا مانتها وروحنها وما والكور بضره ولفا فم فركره كالم الطاغ بداولكاب العنسل الرابع فالوسق بنع والايون سيانهدمه وأف كاضط فرواص والمراب

المديد دفير المقاع ركيبار ورفقة العجامي التي وجهة منها لهرفي المصابع ويرحل لبيروالوقوع البغل وايجارة الخيار وفيران التي وفيران التي المستور جدارة المخيرة التي وفيران التي المستور جدارة المؤيرة التي والمحتملة المحتملة المحتملة المحتملة المحتملة المحتملة والمحتملة وا

ما قالور بن وس فریسیر فارد و طول انت و م و در زانش او مها با دو هند مراهانده ام . مشرال عدل وسی فریندها ایک قبر الصرفیهٔ حمله دارمون اندا دره بان و در فد ویژن رک اور و قررشمال و مسلما

هنر رُعالَ أَرْبِا وَلَهُنِينَ (١٩٠٩ - ١٩ ٢ م ٤ م تقل مبافي) وور ن فسدّ اوساق وأالف ومد والروق

وتُمانه ومرون منقد ودر جَاعِل مُعَالَم يَزْ فَرِنا والصِّين (١٠٠٠ ٥٠١ مد ٢٧٩٣٠ من كرين

د اما و دا او الاست المدادين خواكم، بأوع المالد بهنرم يضف المالا لصبيع وأخيره خورته وتوفوك و المالد بهنرم يضف المالا لصبيع وأخيره خورته وتوفوك و خانجا أو المالد واد جودت والمودتون الفاو ما آن وفحة وسور كالله ميرفنو في الفارد من حديد الوت واد بها الدولية والمدورة والمردقي وعلى المردقي وعلى المردقي وعلى المردقي وعلى المردقي وعلى المردقي وعلى المردقين وعلى المردقين وعلى المردقين وعلى المردقين وعلى المردقين والمردقين والمردقين والمردقين والمردقين والمردقين والمردقين والمردقين وعلى المردقين والمردقين والم

كك جدولا في للصبير الشرحية الدوالصاع والاستى وهَينت فيه اوزان كاحبن فراوج للألمالة المالة المالة المالة المالة المالة المالة والمنظمة والمنتجرة كل في المناكزة والمنتجديد المالة والمنتجرة كل في المناكزة والمنتجديد المنتجد المنتجديد المنتجديد المنتجديد المنتجديد المنتجديد المنتجديد المنتجد المنتجديد المنتجديد المنتجد المنتجديد المنتجد المنتجد المنتجديد المنتجد المن

بسطت فبالكسارعشرى الدارز فبرمبة زنرك مراعاة التدفيق والمدسد عدا تعوفت والمبدول بذا

م عاد الرفض الم

163 = 20472 179 1639 = 47.005 11239 = 12.964 16139 = 12.964

> الده مشترجيد ولمنا ويش العدور والفوا الغرائساوي خشاة تم آلتينير أي

AT- 1914 LOT- AV 14-404-444-4-44 115 14.644.091 74.74 292 1094.VIM. PPYPTATEP TYS 173-4-45444 TA FIAT - ATTPATAVA 9. P & Y. PTYATATIL YAP 6 F. TA 159-18 TEN-CHANDEDAN'S SVY - YA 1 59 - 18 TYTING OTOTIVE APPLET TOTOTITE Y . ATEV 917 109216 COXSY, 5174 - 14 - 18 119149 10 19TV9T9 4 201 479 -4 2 - 1201 1760941 54404547 TY-411 7 949-0945 47 x 37477 34.44.4 @ 27713-1 151810 VOJANT 1-41-4510 الذؤوكون تخاج بيند كالزامك يدالفان السننت مهدبه كاسترفه فامراعان والتأكم لاب الأول الكر البنم كميال والعراق وز فاندنة اذاكا ذالك ملدكم لريج لمكتك العذر والكرسة اوقله حاروه ونداكر لغفيز فأويمكا كبك والكوك مباء ونصعب وجرفات كيتما فال للزمري والكرس فيراالحما الناحشروسفا والرسق تون مدعا فالمتغلق عاداد جرن ارد بالحباب ومصركا فالراب و ذالعب م الكركس من في المحفر كارو وركستان فغراو التعدري منه كالك والمكوك عبام ومغ فانكرها بذاالحساب ماعتروسقاانني وغرمح لوي للطريخ بنواغ المصراح وأفرة إشرع هادة فراغص باحة صي منها ومن فرانصاوق والبالع ما ذرك فاسيف وليلام وروان عقدة ورام وتيرسعته وعصبه خاطيهم اذاكا وعقة فرالارض فذلك لكرفرا لمآد وقد عمر بهوج بالاه لمدوا وروورية خلوع غرالمبدال الشواجيب بن موق لكلام والسط المرا دوجو في المحاور ا

September 198

خدما مران الكراد اطعرفاق وسك سيلق والباعليان مزالننده الما وسيلق بجيز لدوّت ومهنما ألأن الاول المطالف في ام ان تكرَّيْدَين أسه بايدُن ويوالف والأرقل في برغ الفنسة اوجع طروطام السَّبورج المنهتي المعتبرومريج غيرها عدكم تحواص فيه وبرك تزمرسذابن وحرير فوضحاب وعيدا وموساكا فالحرائي أفقي ا و مفاری کیزاندرد صرم اختفرا فیرفزه الب من واکراد مواسا بدانه واقد و در کانستم ما شوتهوان در دا و دست المرتبني فالصباع واواسفها روالمامية كاحكارا لزارة وتاصاغ المستدوان البياغ الفيته الحارثه مالا وجويز ويطاح منصد عكون مأمة وهمة وتسيس « ما عكون ألف وما ما رطل البراقه مأمة ومسته وخسين عف ه م والمأ مثل العسيف فأساعف وخسأ أومهند وثابل تنفاه مدجا وغثرا فرأاح لصديميس جزدا فرشتل مبرؤ وبوقعت وبعدة ميرخد وجزز واحرخ احدوسين جرزاخ صيميره وبالملانى فأنذ العف وادبته وثلين الف و مالمنا ويتراك يرفيرما أمة الفصصيف لفاوتا نيامره والمين تتماقه وارمين جردا فراسر يسبين جرزا فرمنة المميرة وبوندشهم وتخفة ومهقه وتمل جرداخ لعدومين وداخ فعة ميرف ويذا مدة الهر (راج تنيا لاج النسال الش (1) معرف الطوراق ... عدد ١٦٠ مراور المارين بألطاء حقناه مرمقود الدوعها تعدم وإماعل الموالمتبورين فالعالاثر تدشادوع تصيرة والديم نصعنا للمالي وربيجشره فالضدوانا رطاح الدومرفاك F TTZ ... X 40 FVA - 1. Y 1 Y G Y . الفادت عاليشقال مبيرفه واذا كأن مرسا -10.11. 1 2de فأرا فغياثان وشرون الفا وثمانياكم ومحسون بثقال صيرف فيربن لفرق من لحسابين ع كوروا الإنهامة طراففاؤمتمالة ومبقدونها ثين متقصرها كاارنيك وممياته آل واته لحوان للحازا آري لانيبني لعدول هذكون لارطال وبرقيه يونعدالكر حرك لمد قدوين وجداك عاشظر.

والمهدا بالمساحد والمشهود انتقذوت ونفف فالخرامة المواة العواع المرفوا لعن ونعتران المحتن لاحذر وتيتى مرهم لفنسية الاجاع حليضيه بإلمساحة الذائين ولدبين شراعكة اومهقا ثما بمبركمة ومؤله ني خذه واينميسني لعدل في الامياعة وزيلابي تقديره الدن وخصب الفيزن ومزم إن البيسة رعهم المدعة الفنيته ال المكر الما ف فيتهار على خ الله الماثية والمصل ترتشتم الماحة العدوق الفاصالا والله وقد يقرألاهما في كينية الترفيق من وزن الكروسا مقدهم بيبته واليهبية من الصفيرة ببراة عين أن مصورتهم الما بالهني كسايه ومدود العالدي روحت عدله فأدي وجبر والجروالقول لذي الميره والوال ومدارة بأكان وراانفا وما قرمطل حرافة فيمساحة فأوثبار ونضفا غالل قرطوله والضروه فدادانها المركفا لليحدثيك كوستدين كانتاكا وورب فالعذيرة كليعاتمنيقي وتغزي واخالا بالمعسر لماليعم بالذي رمجرع حاروهما والأ و که الیسن ادنی صلی او و هر ملم انجال و دا جوگاش صلی انطاقه لاعیند فرام واره جموس تعتبرت لا و ا احده الدُّحركيف وجدلتُ إن والمنتمين ووه الجيامة واذ، تُبت مِنَّهُ القولُ مِنْهِ وَالْمَا اللَّهُ وَلِرَجِ لِيه والمحصيل وفار المطلب المثالث فكينية الدص بن وزن أكويرا تر فغل والانتاخ ف وَهُمَّا النارط العراف أروغول مربائرها وجداحه يسون شفاويرها ووح ارماك المطلاف والاوما وماة بطراكم مُا تراعف و خسواً أرَّ وسعةً ومَّا ون مُعالِم وعدرُ اجراد مُراعد يعب ينجز ا فريَّا ل (اللَّهِ ١٠٠٠ من اللهِ فأذا قسماه ع دس ولاس را كما ومستال را كمبين م المعبين والمعاوم والمعاوم المعبين والمعاوم المعاوم المعا ومستروارمون متاومهما ونصف حشرتمال توما وهام ارسابق الله والملي فأ غر محمد فاذا و اله ١٠١٧٠ ١٥ ١٥ ١٥ ١٥ ١٥ ١٥ ١٥ ١٥ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ ١٠ الغرام فالعف والأرطوج إنة ميسل ادبجائدا لفاتين مسين لفا ومبعائه وثاثه ومبين فراياه مأمد ومائه وثلين مييسرا ما ومترمبلينوا م توبيا وا فاضمة عادموق رص شرا المخاليني مستنبيق

الووشي فيه

كمعبا ومسينة امآن بمرعب مرج وكزائر كحب خراباراه وجدعشرة الاضبغرام ومبعاثة وقائده تسول فزاء وخسا والسال وادبع فاستفرام وفاش فالمواج والمرام تغرب والعيسى الدب كضعورة العرو فرحب المستمر كحمامي خراه ولعده خرالما ذا لهذا الوزاعة ة السنتية إن الككب في تركم فياذا التوني المدالكيس لهذه العديني ويدوم ١٩٧٠ مع ١٩٧٠ طوك هشروجوا تنان وحشرون سنتبقر وميعيتروا صد تعزيبا وبالتقيق مادرتياك فوسرة المكر ميضيتم إلى فينث ومشاد امتعددة فراثن مرتعدة فلع بذا المعتد ولجرته عاما بدا زاله فركسف بذا يحقية غرمًا حَسَّنا مِحْرَاتَهُ بين المستور فعلى روافة الاسوم فالكاف فالإسالة في المناورة في المري في المرس الموض في عزائب كارخ بديسيرقال ألتا اعداقه عاليعم خرانكرفزانا وكم كون خده قال اخاكان ثالانثرات ا ونسع فى شله ثلاثراشيار وبسف فى عقد فى الاوض فالله الكرم المكاع وأينها اداء عاصروا وبرخ مرفط ومزعوب بزرع اب ادع فرمين العارم العابا غراد حدامة عاليهم فالالكرمن المكاه العدف مامًا وطل ودوا به الشيخ رَّة في البِّه زير المستِعديد فانها يَولِعا ن تحقيدَ لاتوبِّها الرم لَوَي لما عرمت ال بذه المياحة الأسان والمجول بشوا كحباء مرتباري أربي من لما والقاء والفاوه قريط جراقة بحث والبيران والدرا تتحرها وكالم فاربرا طاف يربن لا الأخروم ولأمقى وم و كليها خادمتي شك فيان يشبرا لمعترفية الحديث ودأنان طوار الين متري مستبرا وميرود قيرا وللمن (١٩٧٨ م ١٠ ٢٠ ستين كيول مع الدوالان ع مية كي (١٩٧٨٧ه ١٩٤٠ × ٤٤٩٧٩٩ على ١٧٧ نتيتر) اي بية ومبير تتر وغانه ميعيات ونفعف ميعيراتب وللحتق تراه وطؤل سرا فيقدا ونجفرته تأ فاحتد يسبة جساد حقدة العرس عرسا والنَّحِينَ (٩٣٨ - ٧ - ٧ ٧ ٨ عقدة أبور) وطول المِناخ أكر قُونُ عقدة وعسى محدو وعسم معرَّد الموريدوم وليمسى (٣٨٦ ٨٤٨ ٤) ٣٠ عندة الحرب مُ افاعن ال بذلك علامة علامًا أ عايع بثك ومقدام يبيل لذكرين وانها مذصر الإسرينام وصدا وجي ومدن وعزي المدلام وقرمل العينا كابت معقره عبر المحذبي مزجه متين وزن شركع فع المآء كا درثر الديها بقاوها وتأوت فالمما فالرقوب الني م مده المذها عدنه كالجرج الهاسب كغراما والمرون الإماء عال لدفية متحسيط ثمان نستنبط قاحدتم المرفعة

الاول مقر المستمل مرص الدرم والدرار برسرهم الأران ون لمة ل الصيرة الدي بورتداول عصرا واجرماكا ف مشلعه غ وأكت لعصروه في عشرى اب عدوهم في التيفير أن الشيخ في مبير بي ابيس ويحساهل العا جرشهم اطل مابو أو عصره كارع معنهم الواج الألهر بكالحنظة وإسير وعربه ايمن اكترعها مابوغ راكما عا بن اكتف فامعره حدا وحث وا عزمهم وتبريزا سجف الدوسند قداميت الفطران وثب بادم لمعيم ع فالان وكدف وقوز و وكذف عرب المطلب الماسي وعن والله مقابق ون الروب عد كابوزي فالهبين وبناك جومقها وقدوقش فبهالها فالدبيك فأفاوا لدوجه دوع بالابهران المع فاعلم ولاغ الديث الدل عليها أر دهبن عمره وقف عناس عبسي وأبترك فيصرو لذمكم وزا لدين ضيف ومريده مع الاصفه مفرا تشهرته ورعا تطبن في مسّاعية الحقوم بن قدالعن واحب إلى الكفاء فالمحادر بالمعائد ودوانهو قالعك شآخ جلازيكن وحبدج ومرسيع ومزيزها جداء والعدفي ولدعويهم فتثله الماه وتصليرة لمركمة اشباد ومنسفا اي ومراك المقدارة ومرالي افاممة را وكذا النامة وكتا ف مهذاي ومن أساله مادم الارمن ما توجه المبينة و المينا ما نظام علامة براه عاض عزيزا الموجية مران لمسكوت حذوبي كبراعوس وآما المعتى فبتي لان قوله اليهم فاعتد من الادخ لما حال مزمثاله ادفت لمة ترثيار الذي جورد ل مزمند و فوقا الجرعابة الصارة لطايع غرهة من الأدض كا الحام كالمعملها مها ماشاميع الفضاعيد كالمميا الهائمة كلحيولتين أفوامض وتستم المنتي ودورا وبطيرا وأكان لماء مُلامًا سَار ونسمَا فَعُلَه مُلامُ اسْبادويضف في متعِن لادض وللك كوَّمن لماء والكلِّ المعافض منى ال مصغا الاول مضرب وصعااليًا ذخ مضرب وكفكروم في منوا للبدني وَوَعَ وَاللَّهَا وَ عِرْمَضِوعِ المُوصِينَ كَا وَمِنْ مَا الاستِهَا، وَكَاوَلَ مُكْلِينَ } وَالْمَا وَالْمُورِعِ الحدآب فاتوجيه فالمدث وفي ووايرا الإنصيروسوة أولهاؤهم مالاركرات وجوان كجال مكان منيشان وخره جدّ الماء ثلاثهامشيا وومضت وتمولكماوب وصدطر فياللول المرض والمراؤبوكم فيصله وكونَ وَلِهُ ثَلَاثُهُ اسْبِادِ وَمَصْفَفِي عَقْدِ خِرَامِ بِجَرِلِقَاءَاهِ سَقِيمُ لِلْهِ أَجِرَا مَا بِالْفِين والمادِ بقِيلِ في عقد كما ثنا • فورياً

في عقد المعذوبا فيدوع قدل في مثل مفرور فيه في مشار الله فدان كون للذكر دومد عابني مول العرف العمق وترك ذكر كانب لآخر كالكناء الشائم في الكلام وتوجيه ع جليات خواهرما قرزا الناث ان كون لمراد ما باول غرابا حديثاتا أ استندا معرك الوخ الزح وكبرا لوه الاول الغرة الموض لدوركا وحقدرة غراقية الدحر مطالفين فالحدة ويكي طايبته ونفف عمَّه غ ظارْمِها، ونصف عرضها قال فَيهم كمسّر ولارة وقش مرّاء فهة ألان يُروضف من خوبيه ق مبّر الألاقي الخامس ذكر بينيع الباثورة فاميان قدلعق وقدعته وهايفة مآلفا ومأقش والجدبئ ابن ودكر وبهبارات مرتشوسة ورصعوره عالسيقيم ذاكاست اصافة العمل لاهديرانية ويح مرمهودة السادس وذكر بمشيخ لهدر تأابيه اوجاز 幹達,可如 والديكم فيمجر يترتيه وجوان كون للاثراء وومكانه استباد ويصف فحقه منعوبا عواز خرتان بكات لاججعدا الدنية فرمثله وفاد ترجيدا وانسح الترنيب فال وبردهيدا زفتيسي بالمسفط فعلعظ ثلاثه وبوط المادية عيرمنعوب وتستيرون ألوجز تؤمعها لفعف اوضعنعه صيد والعطف عاثب دكا وثرفاب والمساكين أعالفط علاز منيصب عبد لعظا المقدار فيصب لن كوب مصافا عالمسفاه الماسكي فلاز بيبليوس اربقه ما روفعت فلات عاشيّ من لمذاسب وتميّرك كون جريعود السامه بياف العطف فان لمشهدا ما الجذرو النبق وكريم بَنَا عَرَدَ أ واحقول فانتقاعه فأوا ووود المادمن وفيجا ذكره وحدام بمانس السلم أأول فيأ باقتشية كافاصها آبات ومستألي السويم وداوصلاب ادلا سويس فيه و الاصلوب وله الحكم مروم كون مها فياعت الزيشيرساينه و برهم من غيد انها الم مركول العفر مذي بالنه عناان فه الادم غرصوم الماغ في اود وعالها و كالينيا و تعيني في المضف لعطب ع مُلامٌ في فاقل الوج عيد مراز وحف عديه بكون عالمة رسيّه وجوا لرج احِدَاء وَلاعزيام مُلادُ اسْبالدُ في منا الدل € الناك م ع معالمك في إننا وكر المحليكي ال ومم كمان مميراك ترحد وحبرتك الماء ثلاثر الشباد ومصف خرم عايستعم لو كاخت الروايّ المكاشبا و ونسعت بالمغ لكون خراها دَجا درجّداً لاكسم بكيمن والألما لوكاخت الروايركوكات قالم لكافر أشباد وبعدمت العيدة الغ ليك في براء بيا الأدكن مرّبت بذا الضبط في الود يغرّبوم فالرجدة فأرقيق اخاكان الماء ثلاثمرا شبار ونفعف عالنجا كهاء ال لماروم كان ومَلاثَمرُ اسّباد خر ليغمب ونصف مرفوا مليه طوف مناطقة عالمة رميته لابع صول لكون فالحرك تالكوث فتولون بذاركة ورابت وكم ومرستركم

المتراح غالب والأزكون محوده المرينية عادات والداع وأمل لا العديق والم بالرائع والمالالفاء لأوكر المامع وهمدى فأكر مع الكير الفيد فلو المروم بدو فرام الم ما ونه الله إذ فالكنا الختاب فروز بالوران الغيط أبرطن البرقة وبدم الوجق وكذا وود ومسترجيم ولركائفة اورافة أسنا ماعرفت أن واالرزن ولارطال لعرافة الما وافن للدنسال بوروسي أمين مزالمحها ومسقائل مراكك بمشرا لذي عيبا مقلامه بالصبط وجدات ن وحمروك نتيمترا ومعيته سيصنعف ماد خذالصين ته في الواغ فرفين المح متبروا فأنذان كان يَلِيَّة بِهُ وصَلَّمَا كَان مُمَّرُ لَصِيمُ مِن ادمين جرزاح مترحك فالاحك العيب تدمعيد واختكية بردص لناغ دوقص ث فالهرني خ العيدخ احدى الموالي مغراسيم المريكي في المراجع ل عزاديب بنافره عمه فدان خ العميدي عازال ملت لا بدحدا مدهايهم المأوا لدى ومختد بني ماك دواعان عقدفى دواع وشبرسعتدائنى وبسراهبرع فيالماخ وشروهما رمزاء والصدوق قال مدى ن الكرد اعان ويراء رامين وبرايس ابرعداد مويدم غراما والدم محتدث فال داعا عمة غ فراع ومرَّ مهة وروئ ن الريدف أ وال بغالفا وم المرسيرو فوس في المحيط والعي طاسة كالتهبى مأ والما منر للديس فرض ومرجوات الوفيار الدوة فيهدا لباب روالي البيان البناع مراميدي عَالَ الما قار زَرَا عَانَ وَشِرَ فِي أَمَا عِنَ وَشِرْهُمْ مِنْ وَوَرْصِا الاَنْ وَالسَّكَابِ النَّيْ اقْل مِي مِنِهَا الكَّابُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ المُنابِ النَّهُ اللَّهُ اللَّالَّاللَّ اللَّالِمُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّا لَا اللَّهُ اللَّالِي اللَّا اللَّلْمُ اللّ رَهُ وليسِ فَاسْعُ لَا مُأْلِكُنِي فَعِدى فِهِ الروايِّهِ فِينَ دراعان وشرعة ذاعين غراران غالبِخ آلي ضريميه على ومايراتُهُ عَلَيْتُ

الهاآدامة فخ الخالث دونك يمني فكرر والعاءم عاب ادميرم البرح حدوب ليوره فروس بالمواهية طيعه قال الكومن لماء عوض فا ومورع مبريرك اللام كرم اماد واستعاد بعبه وحوم والكر ميد الرابع روي المسئ لمكرة الحديد غركال ادرسع إسير مجرالهم برع المضنري ثادارج بياع حاك بطبيع حزع زادة ولاأكان الماءاكت داوير لديخية شئ تعني فيدا ولد تعسم عيالاان بحي لمويح تعلب على ديج المكآء استى والواوته فرروى المعيرات برديان برمي عد فهوراوتي اسآرفيه المالغ مُ المِنت الاوته مع كل دورٌ نسبتى لماً وعليها ما والعوم وغ الناح والايق لما وما يجب الما ووسي ليعروالمعدولهما ردمي ميسقيميه مادية عاتسية الشي بهم خرولور منه والعن ربهية وغا المهدنيب وادراه يرلد رمينة مجدود حأم الله والدى بدا نوادة ، مامى ووله راويه بلك على المعير لذركيوب الدان قال و عن ارد الرواد يا وستى وعد محلى ٤ مرَّةُ والمجعِ الإربراكِ الراويِّر ممانًا عُلَّيْن و تعدُّ خَيَّ عليم و من معروف المجارُ والنَّام المحام فالعيَّم (فاربعه دون مانيع دو اكافر المياء مَذُ وَفُلْ إلى المستخب عنى ورود آم م الميكر مع الأثاري والرائر في الدائط ترفر كما ألطها تدفزانسيع ماكا بسادع محرمتان محرميع الدارغ حدلمد واللفرة ح تفطفان يفرا رعيدا ماييسم فعل داكا والماء فدوقلتن لوسعيب ستى والقلنان تويان فآل وروره الصده ق ثم عل ودكرا الد محيمون ورومدوا تسفيه و محيمون موالقديق مومعدك الكرمان القديل مجرة الكيرة فالنعة ونهتى فالدس مروروا والفين من والوافة عراسم ملك اللاد وحرالصدوق مرمده خرجد مدعالله عمالكم الحزة العه وتقال والعارسية مسبود القلة كقال للغطيم منها وتقال بعيامهم سروكا زميتره بالحرف لنهقي فأ والمهابة وميه اخاطغا لماء قليق لدع إيجسا القدأ محاليغليم وانجع قلال ويزيم وفدا محازومنا محرب ومنه تسدرة النستبي نعقعا مثله فلالأهبر وججرزتية وتية م الدينه لويت بعراليون وكانت بقريطيال ٱخذا لاصدة منها مراوة من الما أسمّيت قلةً لانها تَعِلَ ي مَرَهُ وكالرائمةِ ونعترف بيّم والما المهابّر م وال وروى شرغ ب حري وجرد مزراى مقال بعيرت القُذَّ منها الغرق قال عبد ارزاق الوق ارتد وموع تصريح ص له علاية اكتروم وروع معيى بن ويس قال لقلاً في تامها فرم بينه العرب تسع فيها فكُ حَرارٍ ومُرِثُ فالأحرب

والملكال عماس

्राम्युः

بسرائل

En Z .

مرگ مرکبار

مَرِينَ عَلَيْهِ رَبِينَ وَقَالَ مِنْ لِقَدْ مُؤْارِدِينِ وَلَوْ اللَّهِ ، فِيرَةِ الْقَلِيقِ، وَفَالَ لاز مر وقال احر دُلِلا أَوْ وَلا لين معروضً مك خذا تقلُّمهم مزانة كميرة فن لماء وتملأ الراوية قلَّين وكافوا يستريبها الحزوس قال دارا يستب قلالا الها تعمّري ترفع الامنت ومحدّر أنهي اول محد حرائفين كا اكدكر كدرّت الرطوو وكاستهاد أو والمرجم غ ذاك إن ت بذا المعدّد في الأوكد القول في الموية والمراوة في المجزال في المطلب أي في في مان صحبحة رمهميري عامر ونغيبي معدن كشروا لدرع لمعتبر فبالمسلق عجا لدن معزم وجواف أدطل عاهم المهير وفيخ رحهم سأكدوا الداء وجدا الدمث مرمن ومراحليه على مر وكل الطبار م المدى عرفراهي رومه حرادا فأدائع وترجران الفضار اللافاة بالماالاب دوكي لسيع ماسميرين مارفاها السعة عالطول مولكس ونش شراه والان مير واحد حيث لاش رانكه الركانية في تعديم المنتقة ع رسالاً الدراق ا ادم نفطى - وزك البريرة ا فرب ووعذا ما الوص فرويعير مفرورته بير وشري مراوسير مرفعة بالمراب القيتي ورعالال يشول ولدين ع المد الع لقائد ويُوسو ال راوي موس و وحدو برواممين عاروه مؤخمة في لمعانم والعدد ان لتى من لوسي في وله الفير السقة اوتي الب واما ذر عان وبرع دراعرم مرواراده رواتيو درمها الأغرب وكأب وجوالعيا اذاحل وجاولط الاهن بزعن الدام البيعة التي تتعل لطول فرا اوتقيل كنفي ذرا تحدين غرارا ويصيوانه وجمته وحشرب ومعقره وجدو لوحف ع المحض لدورت بمعدور م وتشعين ومنتفا ولصف منبغ فعيرسغ مذرب والمحنسيد معار بنا معلام فالتفريب فهواصل أن كورج ليدي . حاره والاصرب عله مع الاحتاب لعند لريق العن السيب ان الاعدة والعدالا عربي سي كما في و ورصا الجوابرة والرينها ادفد وخاصطه القول عيها وكشد القناع والمكرتيم ما فيهر الزمادي كادا تعما عليها الأن تقيين الول المداع ويوثرا عبرين غبر الهديث كمث مطبق بدياها حدج الأراخار غدير والاعتر ومرافت أرام وراة فأن كالرواب ملا والماري المن والموسدة بالعدر فالمورود محمد المساور المراجع والمراجع والما والمراجع والما والمراجع والما المرمن المراد وبسنة المتحقق أعالمكر العرض اداكان ع وسية المرم واللحظرا والكان مع مسألدارة ول ب

```
بسامورة ف الصوَّرُك وله انّ المراد السنّرُ كل مزاط لي المرض عدمه وسيّع المستة بين لداء ويسرون وللماع
                                                                                                           - في الأنافية المعادلة بمرحب المسائد : -
                                        42 (1+2) × (1+2) × 24
                                                       41644A-
                                                                                                                  ذ (ذ+۱) خ
                                                         11 · frva - (1+ i+ 1) i
                                                                                                                    シャッジャージ
  غَاسَةٍ تَالْمَادِ لَهُ الْمِعَادِ وَكُفِيتِ وَتَعْرِيطِ فَ لِهِ مِنْ لِيرِادِ؟ هِنَا بِ فِهِ الدَّم فادْا يُخت كُونَ اللَّهِ
غَاسَةٍ تَالْمَادِ لَهُ الْمِعَادِ وَكُفِيتِ وَتَعْرِيطِ فَ لِهِ مِنْ لِيرِادِ؟ هِنَا بِ فِهِ الدَّم فَاذَا يُخت
                                                  الم وبدو المعاولة والمراع المراع الم المراع الم المراع الم المراع المراع
    الي كيب أن كون الله وع فيذ المسك مناه له الشيرن وحشر بثره نصف عشر بثرة وتما فا والحدث المداري
   المشادخ إرشبر بحرامح أعلم ببدورنا ومساحة وكن فضع كمسعورة الهرفعالية بين مقوا ومستباط كتم أؤكان
                                                                                                                                       الالسامة فهذه معدةاللهس
        ヤゴー セメヤジロアヤイトアーズ
                                         ኢናዋ፣ ለለዋየ ል
                                                                                                           متران ماحسرالامجان مابق الارافق في
       1+3 = 1+ 1 < 10 1 1 7 10 7
                                     #4542511 m
    (i+j)=
                                                                                                             المعينة مبذرانس واروين مراخ الأواد النسجة
                                     9 - 94 . TYTIY
         54X(1+3)= 464.VY1.8X
                                                                                                           وتركف ويذلال غصان كاربه يرحبوا واواتن
                                                   46 94 . TYTHY
                                           -TYCAVYAXIT-
                                                                                                                                          جداكك والعشرة فالأسماء
     والماالوزن فبعد مولم كمساحة لامعى منك فاحتي الرن للاوفت الهام قلابقان تم المناح فستفيأ تعدم ا
     ان بشرطه أمان وشون منيقر ومير وصاورا والحيق (١٨٧٥ مر ١٧٧٠ سس) فعدر ول
          المراع عابدا = ۲۲۱۰ ۲۲۲ ۱۹۷۸۶ ۲۴۱۵ ۲۴۲۱ ۲۶ ۲۴۲۱ ۲۶ سنيتر
تم انك تدعرضت أو المعلال فالمت فوالعنس لم المع المع سلال وال العاوما يرمل البواقة الأدلكوا ال
  = ١٢٨١٢٢ ك ٢٧٧٣ عام فرام (وسنتير توسياهم) فغرني الان محما تدم ومسيه
```

كيدكون جرم فاحتب وحدد بامنا معرت العر

مراوي

خنز مزمدرة البران إماص رمل بق وافعط E 1161 3 = 445 917779 (J++2) = 476-9944 F رطاع إقدانها لنعاوت اربيطراه ت وضع (+1) -91641419 = غرام تعربيا ومداد متر خرمهما ل عنيرا ي مؤوا FARGEVEDATT وعشرن عصد وفدند اخاك عصد الوما والوكعي 44 FTT EEYTX THOUSEN 9005 T = 494494 615 PALATE = 18/2 = 1 المامب بجيران اناا أجبر الداليسي وال تعادت ليبرغواه ت ونصف فحزام تعرِّما وَالْأَكَّ الف وأين وسين الفع موساروالأوسيين فراماه تصد جدا جدالالياب واذا المت علت سم المبسط فالك ولعسرية الذي ستجلدة الدعا الحساب واكاريد وصده عدل اذا جعن معدال برائين وي سنبتمر ومعيتر ورصافوتا وللاطويق فاؤسموا والمروالداع فابده العددة وجوان كول كغاب الدراع مشرب كاقاله وكلون وزاها العمق اربقه شار و زراع وشرطه البارطولاد ورما فالعام معرب ارتم في الأرد الله ورسته وللون شرا فله بي السير براسيد ونقول منه والمول برا البرماي معدل دليان داريين مرزوسها مان مركب البشر المتهور فعيت ع برايميات و المواحدة 1 TO STAND - NOTE OF STAND تم أموره مدراي بع الكيني سيد المن الشرس ومناهيم مقلادة اع بمسير وبذه صعبة المهر 1 = 1 TETENO = VICIA- 344 فسفع ان شرائهم مرمدل مشرام شهررو فرف -16.09950484 -ولف في رفسه توبها وال دراع معماره ١٠ موادم ١٠٠١ مع المع متبرين وتلاثه لاعار فيسالوسال سراكم بهروقد JUNE - 546 7 6 406 MALE ملت أن ورالمهور = ٦٦٧٨٣ - ١٦٢٨ فيون شرابهمدي والشافران ١٠٠٠ ما ١٠٠٠ سنعتر ١٤٠٤ = (ناع أيم و فراعد على على على وكم وه يمن ال معن المبارية المعدوم اللول الأند

وبثه الالداع إعدم دراع اهركوه بحرميميرو اصد وعشرميمير وحربها تسسيط وجها أخر وجوال أواليداج غيره العددة دراع الامود مم تستخرج مقدل تشريف في السيد والمد للوقي ان زراع الامو و ويرميع ومرد وصبعا = ۲۶،۹۶۴۴ مينر فيكن إشر عس والدراع = ف فعا مبا الكرك على المنظم المنظ U + in = 1 = 1 TXPSEADER - MSEADES $\therefore \quad \dot{\vec{w}} = \sqrt[4]{\frac{2}{\sqrt{2}}} - \dot{\vec{z}}$ - Privy PITALTIA PRIASES 5 = V2949610.41VV9 -4069+EE - V. 61910 - 4969922 - ++ C++VI ستشر ۲۲۷۱ میلام ش وى كسبرىدى كانسومشرو مستمهر وميعته مرتقي اذاكان الدراع فراع الارد ويومسة وراون سيمرا وتستدملية إلت وماله أهاك معيرهها وجوئومسعة وارمين سنيمتر على اما تعذم وجه فدشة توتين المشروالدراع غرزه الصدرة كل منها وصيرا ليا بنطوب وخدوسناغ بذالبدول توالوج والله الدواع بالنيم الشريع البيا الصوف المانية ورادامة عم ١١٤٤ ٤٧٤ ١ ١٠٠٠ و ١١١٠ ولا ٨٠٥٨،٢٤ ٢٥٢٤ ١ الرمرالية العَافِين السِّل المستبي لذاع والرب ١٤٦٥ ١٤١١ ٢٣٢١ ١١٩٥٥ ع بها التعدير ثم وسمع والدراع مُعِين الناع م عد عنا بذه المعادل 2) + 24

たんせん = 立×(1+7)×ラム 7212107476 دی ا ذا فرمن الحل مستدر المحبب ان کون المذرا ه عبارة عن کو ۱۳۶۳ ۲ شر ای نومنبرت و هدایت منهى تقرما فاذا كان شركاته م ١٩٧٨٠ - ٢٢ سيتمركان الداع اذا كارش فرتران المعتبرة النداع وكبتر عيم والغرق اغابر فرام ومرفرام Y2-VA10 .. - تذبش سقار وكركندو فاستغرجة الكراومية (خ+ن) - ۱۳۷۲۷۲۷ ستا وقدهنا بنياا إارتدن رك فأذا عليه انتصعاا كالبيشرة = Y9 FYE-MONOXA44YFY (سعركب) فوام - FARANA GCAFAV الإدكرة مستدارم مارل المكدوموة وصد فعسسهمان الشراذاكان كاعدم كو ١٩٠٠ سنيتر وهب كون الداع ١٨٥٠ ٥ منتير في الماس الما المان المراكم وهافعيته وكاليعبدان كون قبعل لاورقدني وفعك الزائ بهذا الطول كؤان طول لذا المعلاسة المصرية عصرنا بذائخ عهوم عه ٢٥ منيستر ونك ان فوص لدرع انبني وهنين سينتروي والشرع الله وعرب منتبرًا دريج تعيير هنون كوالبرالذيد فالوطران الم العصدة فإلما وآب بدلنا على عدم ١٩٨٨ ٢٠٠٠ عنون المرا عن المراد وعرب منتبرًا دريج تعيير هنون كوالبرالذي في الوطران الم العصدة فإلما وآب بيد لنا على المراد المراد ا # = #x(c+2)x24 (دَ +شُ) ً

ي هـ - ۲۵٬۷۷۰۰ منته الافتان لعام - ۲۵٬۷۷۰۰ منته الافتان لعام - ۲۵٬۷۷۰۰ منته الافتان لعام - ۲۵٬۷۷۰۰ منته الافتان

والسية التي يخوص فراعطاد لا الكعيد من السروالذم لاما ترسه ا دووهما الدوم مها و نهاك كال بشرموها وفعل جمد واصعاسي الماداد جوالكراوت ولكريت ولكريت جراب تركيك فاحرب والمناف مناهب مورثيت تنب ون وزن الكرا الرط ل لدية لا بالسامح الا بسالكنده الدساعة بورالآدار الأول بسري عبد ومرستيرا الجهرالاان وعبيترط لمديد اللمدور وجوبا دروالدلي تحنأه فاكتمنا أشحاص تعددته وحدما وغنيها كوافرا من ويم سنبيراع المدالطب وادارا لمالانه ينالين فالمحرص والمنسن تغزما واذالمرار الدركية واق البت رالعين عي كري ١٩٠٠ مام مراه ١٧٠٠ مام مراق مراق رطورة ستوهرن مراكمها لادارا إلى الرم كونسة المادارا المركونسة الماد المادارا المركونسة المرك ٢٩٧٦ - الري المري المري المريد ومرز سنيرونسف وجوسيميدا . وكذك (الألال الم وسرب الجرافرن عار ما المعين ولوكان عدد و ١٠٥٠ مرور ١٥٥٠ و ١٩٥٠ مرور ١٩٥٠ مرور الدهال فواغ وزارا إكون بيترف ومرب والالالالاي سنته مستمراونا فرميم وراء وواه معدة العافى معدد طور (اذاکان لطالانی سنتینه فیمین عابست ن الدوال کی اسبینی عدول صنه ان کم د بر م Total of ارمين بثرا يحقبا ومبعدا فان برخمسيدا ذاكان كالرعامة العد يملة فيدو معاديه عادم وافق المعليد واعرض ايلا فانالد الماس الف مع مع المرائع المعدد معد مبدو حديد المورد المراز المراز المراز المراز وهي منه مندر اولامة مندرة تعريبا وكحى اذا فرض للواح فرمز الاراه ل عليه مذمية النيا الورد المراز وشرع في منافعة منافعة اولامة مندرة تعريباً وكحى اذا فرض للواح الم

اً المناع يُهيِّرِفَحَ

مرعة وي (عاده ۱۹ عام ۱۵ عام ۱۵ مستنة) كارساة الن الدين والحق بالية المريال كل فراد وخرا المرافع المرافع ومرافع المرافع والمرافع المالية المرافع المرفع المرفع

۳ من = طّ وخدیرالدین کمبان √ ۱ منک = حد

ئ ض ٧٧ · م هـ

اى اورنسين الكسالام ف جد الين الكبي قاله مدخ سياكمب الدن الكي الما المدام والدا يبرون ن سن ٧٦ - حد الحاضي الكسالام وجد الدر الكي فالهام المن عبرين و من الكرد الكور الكور الكور الما المناطق الما المناطق الم

من ٧٠ سے حد (اَ) واحر ك اى مدالت رادلان مجاددكراد فنك مناله رندان بهنى وضاربي خمة عشر كرام

فَنَامُنَا شَ = ٢٦ ثَبَر ون = ١٥ ١٠ ١٥٥ كَامَا = ده

ALANN - LELAND فالحودب الألوض لذي بسيرهنة هشركرا مزاخا أنجب أن كو مزاماده المدار بأسية بمنابر وظافة وعال شروع أش وف دعشر منر و حشوشر عشر ثبر و مسه وشا رعنو عز متر مر نقر سا . 🔻 او فعل الميس من كلب ميه ما الدارج فزالمآدافتير فالمحاب ان الكوكم في سيع مورة إداع كرفر الماء بحيلان كون لا مراها وه ماه ما ينها ريم رسروهم في مرير مرسم ولوقيل الموضع وكركب مي كُتن وسيترانان كرّ مزاماً دلايب - TXV TG ۳۴۵ کا ۱۹۶۳ کی ۱۹۶۳ کی ۱۹۶۳ کی ایس کا ایس کار ایس کا ایس کار ایس کا ایس کار ایس کا ایس کار ایس کا ایس کار ایس کا ایس کار وإدااددت ال ترف كم كرا وسع إلى الموض مد فاحتم مكتب احدابهاده على تلاترونسف وجو 🗡 ۴۲ فالخارج عوجد د تشاعيف ككوالولحد شاله حض تعدالهاد ، ارتبعشر بترا فكم كر الميم م المأد THE TYPE - NE مذاا والال محمن على ميد الكعب وي لو الماد . متاج وداوا والخنفت اجاده فارسي معالطوما برسي جما دوميما فاعف مساحة الجماعي الموس كالشبار المكعة واقتمهاط ٢٠ ٢٠ فالخارج صلد الكوور من ديوس فولد عشرة بمنار وموضر سيرار وهقه مسيرا روات وعارمهم كماح المآدسي اى ذاالوص سيرا مُناحركا وخسة يسام كرومينم منبم كرهوا

(تکمیل) ناخ لفادلهب بشدهی من ∛ن = د d ركسالين في و وا <u>₹</u> = 0 (ب ش = هـ ٧٠٠ (2) عا خَلْد بأره المعاد من المدُّت العِن أوبُ وبي عَالِم عَلَمْ عَلَمْ وعهمتهم اداا حبيت العاد وسيم واردت السمني وضايس مصاعف بعداد الصعاف تحبث كمين من اعاده وتفك المستالي لانت من العاد ديك كومن العدم ها يدويك ماعدة مهدوين التصوب كلواحدم لتعاد المحوض لمعلوم في لحياد والمكعبي لعدة المرات ولمواصل هى لابعاد المطلوقه وتكور بينها مل المستدماكات من بالإبعاد السابقة والمبارة حرر الكن الالباد المفرصة - في وال و هر والعلاد المعادة عن ول وهر ولكن - صمالم $|\nabla \vec{v} - \vec{v}| = |\nabla \vec{v}|$ $|\nabla \vec{v} - \vec{v}| = |\nabla \vec{v}|$ مناك خوم ملا تماييهم وعرضه مشركتها وعمقه ارتبهم ر روان مبسى واما مل ماده تك المست الى بن ٨ و ع و ١٠ تحب سير سل ماد سد الحص الدور مراعاً. بناق ٨٠ ول - و ومر - يا ون - ٢٠ فن E - AVA - AVERAL - I TROSPEXA - PVA - is YFOOTOY - I FYOTOYX = FTE =] - is ac. 1984 = 1 Grangext = The = I

شال ا مون طوله در فيشرسوا وعرضه مسترك وعمة الديث كما رونصف مرما ريم مي حرمه بسيم ئەشەرغىدائون دەلەكىكىكى سىل مادە ئىكىلىسىلى سىلىدە دەكىلى مىل T'TYA - TE - U. T'-علول تحافر الملدم ×16. = FEWYAVIE - 1915 MAXVE TITYAVY= 1 VAXTO-من المساحة والمعقد بدورة المنف من من فراعهم من الم المستعلق منامة العبوا منتف عام الملاحق ي فندُ زبدة فرم وقال طرح اوّه الم فعني است وأناتر في السطر وعيل و ألبسيط عاله طول والآق بدعن والنط المطولي فتذه المفط مالير الول وعوص والمن والجرم ومقال الجنواع المعلى وفوض من متم السلط المستم وجول تقر تعليط الوامرة بن تقطيق اليمن وجره فرالسنيم. اما المفاللستيم وذبذاان مآرمق مها الجان والعود والقاعن والمثلوالق والمتصعروالسناف القام فانمآن ويصلع طينا لعطا احاط بين بداوانا وسياكا والمرام ويالاضيع وأبكرة والالطام عرمض فاخذ واست جاجا ضيف يتنا ورتن ميتي تحتوط والرقيع مرسي فاعن والعصل بربها تالقامة والعمديين سأفاء الملات والوق عَالِهِ إِلَا وَيُلَاقًا كُنْ مُواللَّهُ والصِّلْمِ الواصل عِن اللَّهِ وك عالمُول والمنهج ما في الوس والر والمالحي فبنسا ليمام وعداده والمراجة المام والعدوا المدين ويواوا كالمارية يكارون

(E-1)(4-1)(1-1) (1-3) وتان الله عدال عامال جاريان فيجيد الإلع لملت مثال مثلث زمد وخلعه مشاه المأنأت ثبير والمالت عثره المرم حنبير بِاللُّهُ لِي العِلْ صَمَلِيهِ الصَّرِينِ قَرْدًا وَالدُّمْ فَاعِنَّهُ لَّمْ عَلَى سَ ﴿ 🔾 ٣٠٨ = ٢٤ وَأَيْرُ م الله و ١٠ - ١١ - ١٤ د ١٠ × ١٢ - ١١ - م عم عل - VN(N-FXN-AXN-1) - VNXFX3X7 = VNXA3 - VIXIX = VIXI = VIX = 37 Km) واداكاذ المثكث منسا وكلاضلاع فيناك ايسلنميس كافوى فاستعلام مسأحه وعي ان تضرب مربع احداضلاعه في وبعرجة را للاثر وهو (+٢٢٠٣٠١٧٠) (m) من منت مادى الاضايع اص حد فاس حد مال من من ماوی سان ساد و اب صادم وفاعدته بالمتوفرده الدنته فكرمهات س = ٢١٤٥ = ٢٣ ماقد (شههات الاول) في كأمّلت فاتم الراوية بجوع من الم شلعبه بعيدل من سروق ميرس، اب جياب - ايج 11- EIV (٤)

νο = εξεκριτικονος νο - εξερετίενοινης γε - εξερετίενοινης + 1 εξερετικονος + 1 فناعادكرة يستعم العودة المنش لمسّاء في الاصلاع والمسّاء في سابق بدما تعامدة (1) من مربع احدالاضلاع في كول العاصدا لمسابق في لمسّاخ اطرح عربع تصعف لما أمّان فحد دا لها في عول لعمود

(۲) اصرب احلاطملاع في نصف جان المثلاثة محيسلا لعود وهو (١٦٦ - ٢٥) اصرب احلاطملاع في نصف جان المثلاثة محيسلا العود وهو (١٦٦٠ - ٢٥٤٠ - ٢٥٠٠) مكتبى في الوضل المؤرث في المرائع وما أحار وم إدادا والتدمين العرض وما أحار

مُثَالًا الصراعة والله المنهدم في في المنهدم في في المنهدم في المنهدم المنهدم في المنهدم المنهدم في المنهدم ف

3 = Vo-1 = Vo-1 = VP = 7 exter

وغ استعدم اطرك مين غرملت شاويها اذا ومن العرد والعاطعة

اجع من بها لعود ومن بعضف القاعل على الجهوج عوالعود فانت بالقاءه وع سالعود و حق سازعدانسائين فلاية الايتران وُمُوفَدُ الساق وَالنَّ وَكَانْ مِنْ الْعَرْجُودِ عِد وَدَ

> المادي المنطق (١) حق ما الآب باغ (١) ع ما الآب باغ (١) ع ما الآب باغ

(المنعنيه الله في) المنت القائم الادية فوادعة عالوها ل رضية ومنافغ فيريد الهذاب المعترى وشكل المعرف

(المنساقات) افاؤ حقت اضاع الملث وجهت العرد فاسترب بجوع الاحسرين في ضلها واقع الحاسلوعل لاطول فانحادج موالفندل مزجوز في الأطول الحاصلين على جابني لعود الواقع عليد. متم عبر عنك هذا العسل العنك الاطول وسلوم مرتبض الجموع مزمربع الحول لافشوين اونطرح نشف لنضلعن نضف كالمول تمتلح مربع لباقين مربع اضراؤهوي جدد المباقة فكذا السوريس عواجعود 3-144 - XXXX - (1-14)(1+14) ويوالمستري بدوح الديه ماجرد الصعراول ويوب به فاذاط حدّ في الا فنسد الشرائي في الا وصفة وجرميل بعد (ش٥) واذالست ال ٢١ فسنداط الرك وج وضف ١٥ وورسول د ب وجادين بديم اليدم العباح عاول مُعَلَّجَ اذا عدوت سند والنَّاعَ فِلْمِعْدَ بِ (داعدوت فَيَعِيمُ T7-1-V- TT0-FMV- 3-1:V- 10-15V: 10-4+11 - ١٤٧٠ - ٨ وجد معداد المعرو الحد وبذا الهر في ما ي ما المري عالم الما عيث المعاد عد و اج موم وجوا لور في المقت أحج العام الزاور فحد فيكون اد = الأج - عدد واذاجبت لطاس وعرفت العود عاطرح جذوا لفشط بن مربعي العود والساق للا الأخرم الفاعدة فرده مربع عذا الباق الحصر تع لعود فبذا لجوع موالساق للعكن غرالمال البيان اذا كان لعرد ٨ والعدمانين ١٧ والقاعرة ٢١ فاهزك الحالاطر 18 - (18 V- 18- 144V - 1 1V) 12-10 = 1-10 = 12+ TV = X+1/2 7 = 10-51 3

ث ل منت منزم الادر رضوعه ۷۷ و ۴۳ ۰ و ۱۴ تا اس مقد موصة تعدم العود الد=١٤٤٨ ٢٠٠ = 12×14×12 = 75×54 4455 = 75×14×145 (السيمالايم كاف كل ملك قائم الراوت مقاوى لسافن الوريول ماصل مب اسالسليين في جدد الاشن غين و-الرز ومل عينين فنا 6-4017 - FATT 313 21 X-ب ومساحدتدل نصف م بم احد ضلعيدالمتساويين مثال الاولم معضام من الصلي احده ٧ فاوت 1444444 - 1681871807 XV - 9 مُنَالُ النَّاعَ وَالْمَا مِنْ وَلَكُ اللَّهِ فَالْمِانِ اللَّهِ فَاللَّهِ مِنْ اللَّهِ فَاللَّهِ وَالْمِلْ ال واحمران والملث الرادا فرعبنها موكول الخرفي لمقات وعبينها جزعن الدفاعن المجعت المتألف في الربعات الربيراما مرّازي الاضلاع لدخر مرّاز راؤضوع اما الول فهر ما قام الزوايا لاوغيزه وكلم نهجأ اماحتساوي الاحرسيوع لدنمشطيس والثأنة امامتراه ألصلعين لمدخيره اماالقائم النعايا فطرن مساحدان تعنهب طولد ف يحضد يجسل مساحة شل القائم ازوايا المت وى الوضايع وهو المربع المنام عابر مسامة مربع قام أروايا كل فروض و فت (ش) بناطوله و عرف ه ع ۵×۵ = ۱۵ مع انجواب تفاغ من مذالم بإن أن نقل مساحة المربع موجرتيم احلاصلاعه و ذامته مقطو العلامين زاديتيالمقابلتن آج فرن ٧) اصرب المعالم العربية المالاه فيجلك الماني الم العاً. وقال المتعبل في الرورة الهراة متليق الرورة طوله عا وعضده

(1)

July 4. - OXIF

و برف خلره تابرة البنية الاول فرنتهن اول الماء في التحقية برح له عراها لم الاوتر فيلاً وعجوج وبعج للهندين هو قعل الميستايل .

على المان المخالف الدوايا المتساوى الاصلاع فهولسمى بالمعين فان كان كالمرسلية

المؤارجا

المقالمين متداوين مقاريب فعولت بالميس (مدر) و المقالمين مقاريب فعولت بالميس (مدر) و المعرف المعرف المعرف المواز و المعرف المواز و المعرف المع

والمريخ امي ويجفر عبام المين ان تعنوب احدالقلوب في عد المراحيد المساحة

الر المربز كر التده)

ماً دُمنِين العداد خدوه مِرْره وجرده مُسده أو ُ الفاس و فعلم الاطولي مستدهرٌ و فعلره الاضراع أهشر

الماق س على مدوم معدد عدد علياً

السّبيسللميّن السّبيسالميّن

بالنائيز وس = ٣٦×٢٦ - ٣٦ وعزامام

وش ل استياب كوخ صديا وظويس ١٤، وكوم مند الاضرب ١٠ والعود الواقع من الصدالا فقول ٨ فا

ه و کان صلحان منالم قد از بین و الاخران عیرم تواریب ستی بدی از نام و دی انجناح و هوارستا نواع ۱۷ و له دو و نشرواستا و هوماکان احدا لصنامین اخبال و ارزیبی فی دین ۱۱) علی اتران بین المانی دو رفتین متساومین و هوماینسلوی فیدا لصناحان امالی و این میرود. علی اتران بین المانی دو رفتین متساومین و هوماینسلوی فیدا لصناحان امالی و این میرود.

العيرالمتوارس غيريتساو يرف كيكون إحدها عوا على الواين ومَن بكون عدا الاحتلاث أنهمة ابشا الياس فخلف لضالاع والمواباء كاضلعين فكب وانكال فالميم سلعان مقاوران شاولا مكذا الاحزار والأفكار يجالهان لأمركي وتقاطع قطوا و و داخله ستى منى اليميس (ترواد ١١٥) وهوتلاندا واع لامر لامحاما كيون فيدراوتيات متفاطئان متساويتان هتلال امافاتمثان وبيميدا لمِنَاءون اللون (ت10) وعوفَالحَيْة مستطير قطع وزحد فلوير فاستقطعي فوض احدالشتين وجبالإخريجي وقعت احدى فاغتير في تقاملة الأخرج (ب) والمأمنزجان ويتيه البغانين بمودانه ظلاش١١). (ج) إما حادَّتان ويمي لباطيد، ويَعَاطِ عَلَوْاهِ مِنْ لَلْمَة على قوائم كالمربع واسين.

وتمام د عالميس اللهيس بهي مذبي لهر د شريا الرئران اب جد فررجيس فوذا الممة عن مير معينا أب وج حكين لعيس تهم ذي وي ويوالي حب وج في داعضت ذا اليمين م المعين على فراتين الواصل بين ضليب امامسامة ذوات لآنفه خضراب بهالمود المخاتج من مسلى فطيله طل الدو: في نسف جوج بعا

(مثال) نابور مدوی رصد و العده صلعاه المرازیان ۷ و ۱۲ و العرد الوصر سنیما ه می = (۷+۱۲) × $\frac{1}{4}$ × 6 = $14 × \frac{1}{4}$ × $14 × \frac{$

س = با (۷+ ۲۵) × ۵ = با ۲۲ × ۵ = ۸۰ و ۱۸ ما مناه المناه ا

 $a_{3} = \lambda \frac{1}{4} \frac{$

ن ﴿ ١٦٤ مرد ١٦٤ مرد ١٦٨ مرد السامة وع به أمسى وإما في مساحة ذي لرجلين صوابين ملتق خليد الأطولين الرسيد) وملتق الطلى الطلى الماوين بي الاصون د حلامتياتم الم عود اعوال ضلع الأطول والأوتر القابلة المفيقة الإطول الحروم

همين والمراجع فاعرف مقدار العود وشكل العروس فاسرب لعود في لفاعوه يسل مساحة المثللن لتحصاحه ذى لوحلين لانك اذا مرب العمود فيضف لعاعدة فلك مق الطالملين وعصب وضعفها مساحهما وبذا واس الري والهلها مُ لد فردهین کل فرصید اللظرن ۲۱ وکل مراطلیه ۳۶ فکم ساحد 1/40 = 525/40 - 22 - 1/2 - 1/4 = 1/4 = 1/4 = 1/4 = 1/4 = 1/4 1/4 = 1/4 / 1/4 = 1/4 / 1/4 = 1/4 / 1/4 = 1/4 / 1/4 = 1/4 / 1/4 = 1/4 / 1/4 = 1/4 / משער מו לומים בושונים בושונים בושונים ביושור ביושונים ביושורים ביושורים ביושונים ביושורים ביו TOY GYERA TT X4 GYERT راد منه تا ومالم مدره فرالامنة ل وات الرقيد لصفاح عين محققه من حاتها عاميق برجاعها المراد (الله ميالك توالتعم ماه بها كواد كفي المتعلق المجث لنالت في مساحة ذوات الأنسالي الكثيرة المنظر وهوالواج الشغرم مارها طاخلو كاستعتبذ متساوية واعل فك الرسمة لالمنسئة الماءي لاصيدع م برير والمحن والمريس وكو الخ وكاستعلام مسانهكاكا اضرب يسف قلواعفل دائره لمتح داخل مآسة كاوساط اضلاعه ويصفحوع اضلاعدفا كعاصل والمسأسة منال فاك مستنس كل واحد من الفقع ١٠ و قعال وارزة ؛ واحد ١٧ كام ماحة POSTONEN - ACTINE - NETS X TXI وكاستقلام فطوالدائن الداخلة اضهب عدداضلاع الشكل في عدد المؤمن وإحدم فرد على الماسل ستة الدّا تماصه لجموع فحربع احداضلاحه واقتم كماصل علقمة ابدا فانخارج مربع مطوالدائ الخارجة وجدان مطوالدائ الخارجرن تم اطرح من مربع تعلوالدائن الخارجة مربع احداصلاهم على غور الماق مو قلوالدائن

وى آن لقد عد آن غ كر شعب القطري مع كرمها تغريبتين كافيسة ن في الدعال و فريم لعلوم و هذه كريما الكالت و كريما الكالت ال

$$\ddot{0} = \frac{1}{4} \dot{0} \sqrt{2(1-e)} e \sqrt{(1)}$$

$$\ddot{\ddot{0}} = \sqrt{\frac{13(1-e)}{1+(1-e)}} - \dot{0}$$

$$\ddot{\ddot{0}} = \sqrt{\frac{13(1-e)}{1+(1-e)}} - \dot{0}$$

$$\ddot{\ddot{0}} = \sqrt{\frac{13}{10}} + \dot{0}$$

$$\ddot{\ddot{0}} = \sqrt{\frac{13}{10}} - \dot{0}$$
(1)

شاله مخرص لم كومنسيدم رب فاساحة

فلاستملام ساخته جري أنوع = ×× = = ٢٥

من سے جہ الا دارہ فالم رفیر برائے الدارہ دلین الا بین فاہم العمدن و قد د ضعبالدا برا الف الفرائد فالم العمدن و قد د ضعبالدا برا الفن سہد لا الدارہ فائد الدارہ مرف ذک ولا برق فاک الدائی و م فائل لما المدارہ مرف ذک ولا برق فاک الدائی و م فائل لما المدارہ مرف ذک ولا برق فاک الدائی و ما المدار المرف کے ہمام الدارہ میں الدارہ برا المداری و المدار الدائی مام فائل المداری و میں دن ج بان فتم الدود ای (۳۶۰) علی داخلا المداری الدارہ المداری الدائی المداری المداری المداری المداری المداری المداری المداری و میں الدارہ المداری المداری المداری و میں الدارہ المداری و میں و

اضرب نصف الضلع ف ماس نصف لزاويرالداخليد فالحاصل عوالم والرقية والمراد المكس برانعل ومطوع المسآر ملين د - الأوته الدامليد و في الادته المركر وم - الماس كالمهدومن - لعيدالاضع و ق - نصف لمنط العاين إمن الركز و د - نصف طرالدارة وع = هدا المحموم الد مري (١) $c = {}^{2}AI - {}^{1}e = (3-7) \times \frac{AI}{3} = (7)$ ر = أس x م أحد (٣) ور عن = س x م إد سال عاجد لعرد المركر ومحرضط كونس المراب (وية البوك العاب) 1-X = YF - 1X: 639 YF = YT - 2 ec= jxvxq jxxr1 = jxvxq sa= jxvxplxTry71 = ع ١٩٠٤ م ١٩٠٤ م ١٩٠١ م ١٩٠٤ وجد المود للرور و آلفوق ميدومين و ميانية المرافقة ميدومين و ميانية الم ولامقلم لعقراى رمي اصف ومعرب المضلع الى نصك مربع نسع لعقل الآ فبلاد المجموع عو معمالة لموالحاري (ب) اواسما مُرِّمَ كَاصَلُم الى مربِّم العَلَّو الدَاخِلَ فِدَدُ الْجُوعِ عُو الْعَلَّو الْعَارِجِي (ج) اواسف واحدًا الى مربع ماس الوسف الزاور العامليد والمترب المحرم في المنطقة الصلم فلكيا كاسار مسف لفتارا كنارجي اواضع واحدا الح مرم عاس نصع لذاوة الداخلة وامرة المجوع ف محكاماً التركي وبدوا لعلاياري وبدوس يرع

في كناك برمب (٣) د = لم ١٧٧ ١ + ع ١٥٥ 164 A14 M4 +1 VAXI = - SXASTALLESSINATESEVAL 154.14.14 XAX = = - أي × ١١١٤ و ١٩٠١ = إ فط الدار و الماريم : د = ۲۵۵۵۵۹ میرسالقرال ع مرتر إن الفرق منه وس ما حمد العاقدة الساعة خمة وسعون عرز افر عشره ألاف مرد خ الواحد وجد رُجيهِ صداء لكن القاعدة السابقة تفنسك غرا لمراحبة المالمولول الموطنة فَ إِسْمِيهِ إِلَا مَا تَ فَي الْمُعَاتِ لم مرمكمة وض العدلين نول اذا حبت الصله والعدا وحدت المورمة الدورة مصرك العلوان ونعفها والمراحة لكالمسلم صنعه عدا وسخن مين فك عمال الميسم مَدُوْ الْحَرَالِيمُ لِهِ = عُلاود = هذا و رَ = غ XIXم لم Xix - + x + 3 a = + x TATEVT > = +181AAF3. estageliggi P. O. L. XIX - - 164-17 XIX = - 2 ودوسالفاعدة الماحدادة والمودالركز يدست محم الوسع والمالد وكساليدفن فيصدل واحد كارتر

4)};a);

1-11 - 12 - 1 - 1 G (11/2 VL)

	حقدون في سيكال مليوه المحصورة عا لمسطير								
44	الميلانكال	*	المواكرك والمسالة	بسنالتالاي	المامات	م اسل	الزاويا	كيته	الزاويزلكر
SA		₹	I BYFAA74	-60VVTO-F	471-775°			185	4
119	الم تے	٤,	65	-64-41-14	At agrees	4.5		۹-	
ال وموس	المحتر	۵	67AA131-	6A0-30-A	1644-5446	3-4		Νç	
1- 15	المستريب	٦	6A77.162	16	YEARA-YAS	15-		3.	
dist.	المسيتح	V	16-TATT-V	16147716	4.34.641.EF	35A	462	ΔI	105
-	الممتر		165- VI-74	165-2015	1475×145 S	170		10	
	المنتسم			19.515.55		14.		5	
	المشير	- 94	MEATANEM	15214786	4639 ET-AA	122		377	
	Ce Nation	. 33	164.2 VIC	754454444	9(4767439	111	175	45	85 A
	28,00	115	1617-508	169714917	1141971051	14,	-43	۳.	11
	دو اللاهشر	15	3-1001-77	55-A9VV1V	MELYAVYCH	101	水量	34	EI K

ر ميستعدم بذا ولا كيفية البينة المجدول المشعم المساحة والبيد المركزير والضاف الاعلار الجارب و ولاصع م الما المساحة فاصن مربع المضلع في لمساحة المحدولية وذك لان مراده تالاث من المساحة فاصن مربع المسلم المساحة المحدولية التي فالعد المساحة المساحة المرتبع المرتب الله سي: سُن د مِنْ : أَن مَا سَأَ = سُمَنَ مَدَ سَد سُولَ اللهِ

مالد لمال المال العص عد ومرمم وي دس - وعد ١٤ ١٤ ١٠ ١٠ ١٥ - ١٢٠٢٠ من المركب اما العودالمركزى ونسع علوالداؤه الحارور فاضها لضلع فحالعود ونسع القلواكيين

في لذاك مع د ١٨١٩١٠٠٠ و مع ١٨٠٠٠ و والمرواء و

ولا ٨٠٩٠ه - ٨٥٠٥ - ٢٥٥٥ منسنالينول الميوليا اماالنيل نسيتعلم معذا المدول انتشيم المساحة المعلوب كالمساحة تكلي فِدُوالْحَارِجِ هُوالْمُنْلُمُ وَمِاكِرُهُ مِنْ صَالِينَ (٢)

اوتقتم المود ألعلوم اونضع القطر المارج العليم على الجود اوسم القطر الاحى البالالين فالناب منها السلع فين دور والسلام والروا المن النالية فيذان يراه ومروس مالعالمر ش = بِ ٢٠) و ش = بِيِّ (١)

شاد مخرجهلم مراحد ۹۲۱ ۹۲۲ کا ۱۵ موصل

ان س = ۱۹۷۷ من ری ایل مرکعیل سے ۱۲۷۲ و س ایل 95999 - EXCAP () - AECH MIGTT / - OF - OF

Listin Vair

(تنمه) كاستعلام مساحة الاستكال لمُسطِّد لنافاعدًان اخوان (ا) اضرب مربع نسغة إحد الاضادع في جددًا لاضارع والحاصر في عاس

الراوتيا لداخليه فأن انحاص ليحوا لمساحد

(ب) وواصر الحاصل في عاس تمام نص الزاوية المركزية ار من ما العالم العالم العالم الما العالم الما العالم الما العالم العال

러 부 (호 · () - ((호) 는 - () 그 누 (호) 는 - 아 ن ل ميس معلم احدال الدعد عشرية

学px1いxをからすったけんなりすー パッメラクーン - FX CTX - TEXT -

20 5094. 475. = 15VYT. B. XIB. =

المجت لرابع في ساحة الدائرة الدائرة مشرمة محيط بخد واحدر كارمين لمحبط وزومها تقط حساكملوط المتعترمنها الإلهجيط متساوته وتنهي بمركزا لدأن وخط مستقيم الزاركرطوفا بنتها والجيا قطرع وجراهيم المبنين تسادين مصغط المستعيب والزرخط يقه متيهم المسان فانسا وإفهدا والرافط ووالقطروالا فها قطت فارر وصفرو لف الخطوات كعل واحفر وتسيها الهيلن موال حاطات للح وش ونصفا قطر متعبان خلاكر فرقط الدارة والمكم ان الم يعلم الغرم جميعان فعد الدائرة والعلم موفران المجمعة الصفراء محمط بضف الدائرين اذاماوي

الرزرة فلاسيرض وكالدات وتالط ناصل المدار فلة برتي الماع والمعلق فسأ آدارة

ولمفدم المك فبرسائ لمرة المرسة المجسية لكرة الأسيع الباغ الدول فاعلم المسقلوارة المحب النمين لاسبي ألاا ميهم وأفقاه الدي متدر البيراداب بأ الفل أيا بوالمعرب الامامير الميوري والمعرب معودي محدوالك تشرحدامه فامفتح الحى بإحمال كالمحيط فالأواث القطرة كسروصا مترم سنبا فقو كالقوم الغذويمنية سيدللحاب وقال دمميس ان فالكراق فالسيع والمرفز فرارة وطراء فراصومبس وعاجه لماء وذكراه أورس لننا المسامة المحيلية وحاح المطور لالأمر مرطره الدوب واجدا اذاكال العالمة وخااه ق خماب ارشمير كشريط ما تمياه غالرسالما لدكن ولوت منا يؤاصراب لكنه المحتبة أأني الوالتد بارك وي البق وقدا صل كما مزو في كله فر ابرليد؛ الفاريم في مد المسلة واحادوا فا بي ا بذاالكمالماستانه تمزذ فالكالوشروم وكالتفقيم مترون انهالا لآلآن دميروا عاحقيته بالاير فسحان أذكاخي عرغ عهم والمقاول من امرف الفرائرة مدون نبية القطراز الميدانسية المالين ومرن وادق منه ال نسبة الفلرا إلهميط نسبة ماسولود مشرا لمرنوا رفخه وفين وفق المنة اذا وكست المامكريين المسيرال ١٤١٥٩١ كا ومرك مبط يربيته عالم والرك اسمه وتباه أخربه امرامه ميوس فازخزا فركاوي مرمر وسؤافت اذكره فبات التي رحمة فيها ما تامنة الله أن ماذر وحافة اوت له العداب الكراد ويد النية الدارة ما دل ميكامسر ٣٤١٤١٦ وكرولدة بن الرفوالن وميرون م ألنية كوف علا الياء وكر فعروه الزمائدخ بذالمستة البنستة للميليد ونستتر وكيلح وأبلوا وأعقته ليعالمست وببي المادوم كالع رَ الْمُرَارِدُهُ (١٤١٥٩٢٠٦٥ ٢٥٨) ٢٠) اذا تمهّد علا ففق الساحد عم الدارُة مستع بغيرب عبلها في ديب قليما

وب اوسنها مربع قطيعا في وبع المذبة المجليد (ج) أو بعنوب موبع نصف قلوصا

والمبالميل (١١٤ - ١١٥ ٢ ٢ ٢ ١٩ ٨ ٢ ٢ ٢ ١٩ ١٩ ٢ ١٩ ٢٠ ١٠ و معنى في اللب

الالمرود المدم

در درارل ٢٨٥٤ ك فعنى ط عالمحط منى دائرة وكر أوزر فاور في والم

27 (9A6) = 761217 × 12 = 5 = 2 = 47 4 ATE X12 - U

יש-(יבין ב אארובוים ב ומשרפות הקוק פולטה د رجبت لمحيط فاضهب العكر بي المسة المحيفيه اوالقلوها عنه المحيط على المرتجيطية وأن كاسا لمسامة معلومة وأودت لعطوا فا فسيها على للسليطيد فحدد الجارح هو نصف العَلُوومشاعفًا لَعَلُومِ الواصهِ حَدُد المساحة في عدا العددا ثبًا بِيِّ (١٨٩٥٨ ١٤١٨٥٠٠)

اعاصل عوسنا لنكر ومشاعدالعكو وباه ومرير

(1) TURN X 3 = JTV = JT 3 = b (T) - FRIATION - dxTFAAPINAL - 5

C- V 16164444 - (64181441 x 5) = 35 /1-13

(E) JV-(OYCIA9) = FV-V

ش ل سامة ولنرة ٢٠٠٤ - ١٥ ٩ ٩ ٩ ١٥ فاداكيك ل قطر فيه لدورة

= 1 (18x44435 × 18 (2.41479+

لوفسرا المتعرصع فلروائرة مساحيه صعف ماحدود وارا معرضة دو فالراضيان

دولترة ضهب عدوا لمحات في لمساحيلمووض واضهب حيَّدا لحاصل في العدوات بالتنظور

و بداالدولالمات وى ١٩٥٧م من ١٥٠١ من الأرم في فيد ارد امن الارم المن الواحداي عدد ١٩٩٥ - ١٩٥١ - واعران بذا العدوم أكورم في العدع أسلولهد على المحليد (١٩٥٠ - ١٩٥١ م ١٨٩٥ م ١٩٥٠) مَّ ل من صوائرة عامد وادامه واراجون برا عراق والمعون فعر والرَّة من حبَّه والله واللَّ ل المراهد لكوا 1647+01×7644-14 = FV15×-607219 = 122×FV-607219 -) على = ١١٠ ١١ وجولفز علوب المبحث لخاس في ساحة قلم إدان وقلع الدائن ومن الاولى الحياروس دائرة وخلان متققان ملقاى مركز الدائرة وكل مهم لهندة الصف قطرا ما المسكيين وعيال WARTER WELL TO THE STATE OF THE د قطاّع الدائن و بدا كبراد كال لقوى فيد اكبرم وكن فعف دون و اصعر اذا كاتياس وصرا معددان. وكاستلام ساحة كانهما امزب نسغ لعكو ويسعى لعوس تحسك الراكف كبراساتات معتقط المارة سات سبقه والقوك المسان ١٨ عالي عن (١٠٠٠) でううない あいかい (3-2)(342)な。 YX - TAX - AP Chillians polyposino شَلِّ تَتَلِيعِ الْإِرْ ﴿ وَقُوا إِنَّ إِنَّ إِنَّ الْعَالِبِ لَ (ارش) المراقب ٩ والوش حابات ١١ ٥ ورس 11 - 11× +×4 والارتسقام طول توتر فالاحن نالبق حنعا فيحل ومشحه فان فأرستهدلان اس عدصورته والحا أذكر مغن طرقه تنديونه. رماديمها المطريقة لاق لى القهمر بع يسميالونو جاج وش ٢١) على مهم حيباً لفوس ان أو الآل ارتفاع الله الله الله و ددهل لمارح مهم الجيب

فالمجدع عوقلوا لدائع

شُمَّ اطْرِحِ مِنْ لَمْلُو احدا والعِينِ جِرَّهُ ا مِنْ عَيْنِ جِرَّهُ ا مِنْ سَمَّ لِجِيبِ (بَالَةً = ٢٨٠) وعلى هذا المباقى ا فتم مَكَثَى السهم و وَد واحدا صلى لَمَانِجٍ . ثَمَّ اصْرِالْمَجُوعِ فَيْ وترا لهوس ب ت فالماصل عو طول القوس تُقرّما

علن ق = قرالدار وع = ارتفع عمله ادرم صيالوتر و و = وترالوتر فلن ق = أرا فور فلن ق = أرا في المورد ق = في ا

د له مرطول وتي و ١٦ و مرجيه

 $\frac{1}{6} = \frac{1}{4} = \frac{1}{4} = \frac{1}{4} = \frac{1}{4} = \frac{1}{4} = \frac{1}{4} + \frac{1}{4} = \frac{1}$

Praviotet - 146.85 - 15 X 14.16 = 15 X (14 14.46) =

اً المطريقية الثمانية) المنهم والمكلك لفلوفي المهم المالاتفاع فبذر الحاسل عود وترضينا المؤرس المحرم عبد المحرم معمل المؤرس المحرم عبر وترضينا المحرم عبد المحرم عبر المحرم عبد المحرم عبد المحرم وترافق من المرح و ترافق و تراف

شراع موطول لوتر شاب ادامان اسم و دانقر ۲۵ وتر نصالوتر آب = ۱۹×۵۷ = ۲۵×۵ = ۱۵ ملین وترنسفالوتی ق وتر المحک = ۲۷ ع (۵ - ع) وطل الوتر = ب

: ورّ الرس = ٢٧ ١٩ (١٥ - ١٩) = ٢×٦ ١٦ = ٢٠ = و

(16-17)x = (18-18) + (10-18) = す (11-18) = す (11-18)

= 4 × 11 = 22 0 00 4 6 10 00 00 00 00 ورهم أن و والطريقياس كونها تعربية مهدّ مدا كا فيه لا وملب فوار والتي كايراء الدوق وولاد ادتبا لألصق نها كالدنعي عالمخير واذا ومن مضف لفظروا ورّ عدة ولاستدم وتريضف يوس غريندا والمرتبع . سـ اطوح ويع نصفا لوتزمن وبع نضعا لمقل عبندا لباقى صنا نسفا لقلوعلى السهم الحارتناع العظم فأطرح هذا العصلومن بمنط لقطرفا لماقي هوالسهاكا دسع تماعلهام اعامنها لفلفالهم عذدا لحاصل عوور تضما لعوس شُّل الهوطول وثن ورزُة مضف قطرًا بدا والورِّ ١٦٠ بنامسر اود کسلام و تربعیم الدی فیک و - الاتر و ی = و تربعیالیک و د صائمة القطر و ف = فضريصم العطرع اللان م ف ما مسم $(1) = \sqrt{1} - (1) = (1) = (1)$ * € = V1 cg (4) (1) 17 (17 = 17 - 1 = 1 - 17 = 337) = 1 (1) 3 = 11 - 632771 = 66427 (1) (T) AFITYT+ = TY (OIA. V = 1 (AVD DX IAXY) = 3 ("") = (17-70 (VEZZ) = = (12-10 (TITAXA) (10-10) = (12-10) (سّلْبِ مِنَ عَنِي الله والح مُوفَة مِن الطّه ما فاذا مَا مَدَ فَهِذَا اللُّو (سُنَهَ) فَالْمُنْ الدِي الْمِرْوالمِ مُرَادُهُ اللّه دج ×ج ا = مِن ج (القيري ٣٥: ٣٥)

اى ومربه نصف الوتر ميل مل طرب المهم في الباق من طرح لمهم من القور (ا) وَعَارِاوَمِنَ } مَ مَلَكُ لَكُ أَلَالًا لَ اللَّهِ لَ عَجِبِ وَاللَّهُ الجِبِ أَلْقَاعُ الرَّاوِسَ في ح وهبن ترمزا إمرفة بضيا لقل ولعن الوتر والارتفاع ووتر بصب القوس اذا علمهما صعدن تستعم الضع الدخر والفيّا اد ×اج = ابّ اى حاصل ضب العلوف كسهم الله لمم مع وتربعناليوس (ب) فيكن و - ورايوش مها و وا = ورينايوس وع - الدقاع الممهم آج و ق - القطرور - المعناقطر (الخاليرماسيم على) ing(1)√(0-3)3 = fe (1) (y) \(\vec{y} = \bigsize \) (y) \(\vec{y} = \bigsize \) (y) \(\vec{y} = \bigsize \bigsize \) (y) \(\vec{y} = \bigsize \bigsize \) (y) وده مانستهم لوابسط المكفين فوكول الإان مركانا عليه الاث رة والمعيد فيرم والوسكم المطريق النالية اعتم الوزعلى لفيكر يخرج جيب درحات نسف لعوس الأنب حث ألم تاج كنب ١ الم جي الألعدت برحبيثيث يت نفین و ۱۰۰ اور و ق ند انقطر و س د نفت انقطر و ج - جیب ون میداده (1) (1) ==== 10 (1) فان وس نفت القطروا لهم صلا وطعب الدوب فاطوح المهم من فنع المعكر يتي فسلها ف ، فاضم النسل على منال المتارعيج حيدتمام نعف درجات المؤس وكدا ووفوالهم والعصرفية فاجعهما فالجعوع نست لنتل فاعتم لعساعله فال جيبة ام نفف درجات هيكن جريد الله فلا في - جم يان (١) والم

وان وض لرزوالهم خط ماقد المهم على ف الوق اومساعت المهم على الور ينهج عاس وبالدجات منين أيس -م والمه - ع منا مثال ۱ وتروش لدمون ونضف لقطرمترن فاي درميت الوكر > 17 1/ 19 = - (4 = 1/2 = 1/2 = 1/2 = 0 1/2 = 1) - 2/2 مى درمات صف الوقى عندمات كل الفقى - ١٠٦ ٢٥ ٢٠ مثال مع مع معبت وس فدارته نسف قلرة ٢٥ وسهم التوس ٥ ميان هو -ه ماري ساف $\int_{0}^{2\pi} \frac{dx}{dx} = \frac{1}{a} = \frac{1}{a}$ the six y july was شال ۴ و و دور الدين فرائزة مهم ٦ و العند ٢٥ ア・ーなナスティ ピーグ مُ يَ = يَ = فَ = ١٠٠٠ = ع دَم و مُ ورضف عدد درج سا لوش عدي سا الوركي ١٤٠٠ ١٤٤ ٤٤ منل یا وتروش دارة ۲۷ ومهم مالوش یا فای دیو الور END STER AL IL L = 14 = = = = 14 LA = 0 16 (A) - 50 as in a - white mistal comme (ب) فاذا حمت ده بستارتر فأضرب عد دالدوجات في ضعرًا لمستل والحاسر في المست الحيطيه وأغم الحاصل طرحائه فألين دوج عهملول هتوس اواص عدد الدوساع المعلووالحاصلية المرالم عليدوا مع المصواعل المارية

ينيج لحول للمتحق (٦)

فيك ن - مدديه سانوى وق د القطر وس مديست القلر ول والوك

(1) $\sqrt{1/\sqrt{1}} = \sqrt{1/\sqrt{1}} =$

(r) -6-10 x 7727 r 60 = 100 x = 0

شَالُ ١ وَرُزْ قَفْرُهُ ٥٠ وَمُعْ بِشَوْلُ مِنْ ٢٠ فَاطِلْ مِكَالَوْرَ

ارم (۱) ق = ۵۰ فرن ر ۵۰ ون = ۳۰

Job 14 CIVADANO - 1 C. 1450 LL XLOXA. = 0 =

منال ٢ وروش لامون و مضف القطرستون فالمي لول الور

بن بوجب و تعتم وه بت العلى ١٨٠ ١٥ ٢٣٠

דא בקצר = דר סין דו ,

Joh E. CAV- LIN = · CINSOLA X J. KLYCOSE &

ولمناهناك قاعن اخرى فى استعلام مساحة قطاع اذا و ستر و المستوره الى العقر داى ال فسية شمّا له وسيّ درجة الى الدرجات المعزوض كساحة الدائرة الى الما والتعلق عن و وه التوقيق عن و وه التوقيق عن و وه التوقيق عن و وه التوقيق عن و و وه التوقيق عن و و وه التوقيق عن و و و وه التوقيق من التوقيق من التوقيق من التوقيق من التوقيق من التوقيق من التوقيق التوق

ممد

مسأحترا لفتلماح

سُل ای مُنسِع فَلِردرُرَة ۲۵ وروب رتم ۱۸ برم (۱) مُرك مدمد ۱۲ وروب روب و ۱۲ مرد ۱۲ مرد ۱۳ م ۱۳۹۰ می از ۱۳۹۰ می از ۱۳۹۰ می ۱۳۹۰ می از ۱۳۹۰ می از ۱۳۹۰ می از ۱۳۹ می از ۱۳۹۰ می از ۱۳۹ می از ۱۳ می از ۱۳۹ می از ۱۳

فالعلى فالعلى أن المستعلم ساحق لعلما عين كلاعل عديمًا ثم نطرح الاقوام المنظم ساحة العلم المنظم المنظم ساحة المنظم المنظم ساحة المنظم ا

د او نفنه فنه لی لفوسین فی جوج معول تقلی فی فد نفسی فی افد نفسی فی افد نفسی فی افد نفسی فی افد نفسی فی معرف می است و در نق و نفسی فقل به حد می شرو هر قر فی اس می است و در نق و نفسی فقل به می می می می است و در نام القلی می افتی می است و در نام الفیل می ال

لمسترادلا مثالملقه كاصيب اورارة المهاغة أخرا لمحت اروم بكذا VAGTARE = TELLYXTE = # (50-29) = # (4-1) مُ ٢٦٠ : ١٤٤ : ٢٥ ٢٩٨٤ : ٢١٠ مُلكن 9 FET - VOCTANT - VACTANEXED - CHILLIS ويوس مثر اب ج د يب (النوع الثاني من قطع لداش) الجيط وتس دائرة و ديري وهر توژاك إلان ما وسه نسف دارُرة و موا من كون مهدنسف وتره وكون وتره القطر المانع ما وساكر خ نفت دائرة و دوا وی کون مهمد و کرخ نفش و تره المثا لمث ، وَسه و مغرخ نفث دوئرة ويوالمدز كون مهمد لصر وللمصاور فالعلرف والاستنسب ودئرة الاستنوب مربع لمهم في كلنبة المحطيد فضع الم ود اکتروه ع الد بحد وع عدم الم الم ما الله على الله الله على الله الله وذاك لازرم لم كتعام مامة للمظالاتية وموطفي شل وس ميطواب ج ٢٢ ووركب ۵۳ - ۱۴ - ان الوتر جوالقطر فليكن س = ۲۸ - ۲۸ TGETTXY GITAX = pLAI == }XT9617X£9 •975 == TO CHIEF YY C. T.O والثان تغزب المحيط فالسهم اونعسا لوز فعن اعاصل عواسا عُرَاكِمَالُ الْمُورِمُ الْمُعِيطُ - 25 والهم ووليست إلوتر الدر الوليسف العل ١٤٠٠٠١ AAC.4.V= A C..64 XII = 1X15 C.. D. X LL X + &

d & loch

م والعام الما موسد كراوامندم نسف دائن على وجه كلال التعرب الفضل بن من والعامل على المام والمعلق المعلم في الوثر و ترب الحاصل على حاصل من بن العقرى المعرب المعامل الم

المین سرید نفستان فرو و و الدار و عدد الهم تعادر الفراد و ف عیمند من السهم ونفست الفتر و کی حل لوس فانهذاه ادار در

س ـ <u>س ل الم فو</u>

المتكث المتشكل من نسخ لعقلوه وترالقلمة فانكان القطعة كبرين صن

دائن فيموع لمساحين مساخه القطعة وانكانت اصغرن صف وائرة هسلما شال، طوافيش القطعة ٢٦٥،٢٥ والفقر ٢٥ والوثر ٢٣ عكم م لاستراتملام ن هوق (ش۱۶ نه - س = ۱۲ و ل-ברייות בייש ביישורים - ביווים ברייות ברייות ביים ביים ביים الامام اللك ن هو في = ن و x هد x ا الله عد على الله - الم ١٢٠ - ١١ = ١٤٤ - ١٤١ - ١٤١ -VAT-77 - 67 W OC - C - 27 C CC - 67 در مرالا = مر مر ما تعليم العلم ألو به الرفعند دائرة - جريع الما حين 170 TTI CVALTO = EX + TASPYAHO = U = بعشها نعتم ومحن اوردا الما لي اي بي وه كرخر وبماس رخ لسدر اين مرق اذا است المفرد وركاوجهي المث تقالعال الخفر الناغ المدنه وتفرطانكم وسرة المنال معد ومحرمها

ارئے م الوجرالمالت ان مید دہم مرابع تور سی می بہت الوجرالمالت ان مید دہم مرابع تور سی می بہت مرابع و فراد کرتمہ مرابع المرتب ال الوجراكالث ان تهد دبعم تم الوزعل خشى مرتم الادهاع وتسرب = V + 6+ = 3 × \$ 5

شال ۱ الملاب معلم الرائمة وترع ۲۴ والقائم ۹

4×=× 4×++++×+ = V 37x3x + 4xexe x 11 11 × 75 (5+155) = 14× 154 + 155 /= = 137541 × 71 = 10127 71 × 71 = 14447 101 فترلذ بهينه ووالمثال الماغ المدر طلعاه فالوحالاول مكند دكتر فرا اواتم أيحوان بده كطرت تقرمنية وبداا وجالاتا الاتسرا لالحقيده جو الوم الام ان مشم العلم آلى شك وقطمتين اخوين متساوين سعرين ابن تقل بن ن وس و ووس فالعطمان المعران عانسب و ساوت وهامتسادتیان والملث ن س ق و موم ان مرام الوقع ليون انابهي ممرع من حتى العضم ومن حكمت فاستعلم مرامة كمل فرالعلمة سيامرغ الوج الناك الله الك تحتاج بنه الإمرفة وترصف لوس ومهم بدا الورّد عن حبح المركب المعلى في الارتفاع فبلد المرب المعلى في الارتفاع فبلد ا وترنسف المقوس اى س قر وله مهم وترنسف العرض فهلاد الحرج دبير حاصل المسلوفي الأنفاع من موج نصف العقل واطرح جذرا لها صلا من نفسف العكل فالباتي سهم و ترسف المؤس اي ب

طيك و = وترنفف الوس و ع = مهم وترنصف الوس اي اراقام فله برال الدسترون و القيل و س علي القيل و و عدور العلم العام العام الما المرال الدسودان و ق = العالم و سم العام ال evrV= 20V= 5 (1) (1) き = シーン マーション シーディーグ فاخ اعجب ماندتم فاصل بمداالوتر وعد الارتماع ما تعدم في الوحداك فاك مامة احدى لعلمته لسرس وضعف مساحتما واضعالهام الملك مان نصرب المحرفقات ارتفاع العطع كلها فى وترها فحدوع لمساحاً مساحته كإالعلمته وبداد كررك صافعال مع في المستم من العطب = ع مد م و و تركم القلم = ٢٤ و قلر الدرة - ق - ۵۲ 4x10 V= € (1) € = 0x7 = 61 eve- (7) 3 = 6,21- / 4,21. 0771 - V 077 COI 077 CO 16× = × (16× + 10) = X (DACVO V= 10 X (F CO + 07/10 V =

ON JOU = LO CUENDIA = AJELSTON = FXA CLISTON = Grabal = 016,99.8% وامامام ملك في = ع × 9 × إ 1096.99.92 المام العلم ن و س نعرت = = 1800 11 11 11 1000 فرز لهٔ را دستا لما حدم ما هو الواقع مجدُ مدَهُ وعين جزر من عشرة آلاف جزروه ز ميد عدا فالع عدة صحيد كاحية لمن لداد لدقد 2 العد (تبديه) والريدس عد القطعة والكرريميزه العاعدة فالأس ال متعم م العظمة العلمة مُ تَطِرَع مُرْمَ اللَّهُ الدُورُةُ وَانِ الما يَ مَا هَ العَلَمُ الْمُرْمِ وَوُلِكُ المِنْ اللَّهُ اللَّاكَات ملة ليقط عادر وتسه وك لعطة المركل كعه والمرح المن الدورة ليلقون ع الاكرية القصيم الكرفكون العادكة معى ١٠١١ شال مع والقطع العرر ن الحديد ما مدادارة مراهطم ن س و ではいてはないなる=でいないてははる= こかん ولكته روسد مقد مرار ، داعم العطرو ودورته ع والور مرسر من المرس والعطعة فاداعم الله والوتر فعقد فالسلام لعط المعتف استم مهابع بصعب لوترعل لانعاع وذدهلي الحارج الارتفاع فالمجوع صوالقعلر وبزر دسرر で = (字) + 3 = で+ 43 (1) و بهم الدسوس العمود الديه ع و والوقر الين فالدافعات و= عع(ق-ع)

والماسكال مثله الوتر عام والرتفاع ٩ فا الألفل $=1+\frac{177}{4}=1+\frac{117}{4}=1+\frac{1}{4}\times(\frac{77}{7})=0$ ١٦+ ٩ - ١٦ وه تعلم وعنديات صل البحش أنسادس في مساحة الهلالي والمغلى الهلالي سط مرّى يحيام ومار ليت وكر و نفف دارً ومدتها المعهد واحدة لهال ن كل منها وكرم نفف دارًة The little is the contract of بنا عندالقدة والمتاحزون الفرون منها وليمدك كالمنها الاليا ومرفد بذيا أحاط ب CG HUGH SANGE وسا وارتين وور واعدكم ركبها Selection of the select والعلى كليمأان مشتعلم مساخركل سوهما حة الله ما المن من به لا وره ب الله من من به لا وره ب المعالمة الله المن من به لا وره ب المعالمة الله المعالمة الله المعالمة الله المعالمة الله المعالمة الله المعالمة من الملعين والمسروم عوالما حة من ل الك ما ين مذ بد إ وروج بنا العكوف العقد الاول يومي عامر فَوْلَطْ لِلْمِثْ أَوْسُ (ق = رَجِ) +ع) مُن ق = ١٠٠ +١٠ = ٥٠ E GEORGE SES و قطرالقطعه المان = ١٠٤ = ١٠٤ و دره بـ الولى في الرواح = 1 - × = الماري = الم ١٠١٤٢٦ ديه شالتول (برمبرد) خ النبع العدل من من ما من اطاعه الله المد فر معيد الميس وروب الوكى فالنائم = مر = = = مر المرك فالنائم على المرك والنائم على المركزة النائم على المركزة النائم المركزة 26 Fre 9V X 11 FF-4 9 2 == マコムー するメリーフ・マコメーベーリンとのマアー ショカはんかしょう

216.09=05x 20 52 X.6.1V20== 012/00/20 موصيه م في المع الدول المحدث المهم مُ من صالعطعة الدول = الله عن من من المعان في المعان في المعالدة عن عالده ---- 67X 0173 - 61X.3 - 6779 - 07 TV46075 = 0096150 = 1951- FI MOGAN = 21XEN - 216109 XOS = 1000-bensons 1. V FOTE = 110.71 WILL INCO. EV = 1.1.0965 - LAD. OAK & (البحث كسابع في مساحة منطقة الدائرة) و من مجرز في الدائرة بين وترن توليين و بن في تعين ألما ول ما وتم الورّان ع طوف ولورم نضف الدائرة والعَاكَ ما وهَا ع طرف الركز (راي سن ١٨) شد اسبعد منكفة واحدع طرمف وزحدخ بصعف لداركه وككن ج د فوالله والمد كالم تقل الراز وس م و على وساق ارتفاعا العُمليس أسب و ي س د وع أي السراهام ذات والعلفالعتم الإقل ان مساحى العلمين جسد واسب كامر فالفنال سهما مومساحة المطقد ابجد مالد عابي منطقه المباجد الأكان جد ١٠ وأب ٥٠ والمجد بن منيني ان سيم العظر س في والارتفاع س م حي مرسم بهو المرا

وَمُوداع العَلْبُ ووَحَرَم الرح حَيْمِ اللَّهِ مِن آح فاللَّهِ أَساح قالْد وبالله الدورة (الخيس ٣٠: ٣٠) عَلَيْن المُمَا الم قَلَوا فَعَامَلُ وَعَلَى ساس×سح = دس×سج (۱) (اکتیس۳:۲۵) EUNYUPS = EUP . (4) مكن دس - إ (جد- اب) ويصف تعاصل لورس و صبح = إ (جد + اب) الاستجماء وبس = من - المد عادا والساجد م و و أن م ق على وسم م ف والقراء ق والعلم م صع مر الزودن)× الزودن) مر الرودن) (دان) مراح مراح الرودن) الرودن فالمث مبنى الرساح فلا بع اي (4) فاذًا لَا أَحِ وَيُ الْفَظِرِ مَكُمْ مُعُلِ الركس اع = ق علاب + بع فادام القرفة م نساعة دء -سء م مركم الارى ن UR = VER-UE = V-1-16 (T) که (۷) و درنه+۱ن) = سم دع (۷) مل <u>Y</u>. (1-) المنابد المناجز (و-ق) سُال مَا يُنطَق فردارُهُ وتراك آب و بع د عمون وتعون وله عمهما من عشرون أو و ١٠٠ وق ٥٠٠ وف ١٠٠ (8,+4.)(8,-4.) = 500 (4,) -640,

M-++10. V= 9.+0. V= 0 (0) -050 1.6510 JEVIL = 1.7 VI. = 1.7.0 V= \$162VAIDIV = 6 3 1.56907-12 = 0 = 9.x= (1) 00 = V VIOLVY 10 - 2x UR = 4377... > P357 - 67.7 = V377... 377 CS = 34PPPVP37 E= 7641010= (T+ T2644942)-0168110-1-3 = 10 -1 - 5759 € - 575 - 15 (N) -25 (M) = 10 (M) -25 (M) 22 59 A AA91 = 5.52 6 ... 952 V = وعوصب (٩) ٧٠٥١٨٧٤٠٥ - ١٩٨٨٩١ - ١٤٨٨٩٤٠٠ هيد خ والغزي من ع طرح موجب (٧) و الع عرم وجد و مي المر ع عرم المرمزة ونعاع قبرالكور مسترب كإلايم ع همال محنيه ومومي (١٠) ۲۰ + ۹۸ دع ۲ = ۹۸ دع ۲۳ = ع وجدوترا تعطيبه بدول كاذا عم القطر و الله تن ع والوتر مُن موجب الرحدامًا إلى ومراحة النَّظِد و = ١٠ وع = ١٨٠٠ ٢٦ = 141341-78 x x x x 77 Fx3 F7 - 141341-7 x x x 41- F17-87 = ١٦٩٥ ٩٤٧٧٩ ساحة العلمالال وج الكرر

و يسما للطلال المن الله و ع = ٥٠ و ع = ١٩٩٢٦ و في ماه 768,457 X = X 468,4957 X & + 47 V= 00 0 TAGADVIE X TIGALLIANT + 750 V= A TASSEV X 721 (AEE1947 V= TELLETT BYXVETERALL است حدا العطعة الصع اس حدانه طعه ایک 1274 (1587278 مناحة الميعاة مبالملكور (59 m) سال ای س مصلحة داره محیطه ایرکر وترع دارم اب ۳۰ وورد الكرج د ١٠ و ١٠ و١٠ ما ع طرع الركز ومراقة إموا ميص ٢٥ (من ١٩) الواحب علث ادكا وسمعم العكرف ليك וויאים נו בשאשץ בשאשי را فين عس دس مرب (ال كن دس= با (عد-اب) = با (و-ق) = با (٠٤-٠٠) = ه (١) لك إلى دس = نست تفاصر الورن يريمي = عويم (1) A = TAXA = UT 1 TA = A-1 = A (1) دان سع = الرجدداب = الرودق = الراد ١٠٠٠ ا م ماس + حس مع بعن ماس بوالماذ = ٢٥ زويد عص دی ه فالجمع ، ع وجرب ح (۵) ع ١٠٠١ اب + ب ع = اع = ق

アルーレング d·= アローレー アー・トー マートー でしん あかしら (1) es = e5 - 95/ / j 12 V - 10 V = 1-x1 = Var - 12 V = 15 = 10 = TTO V = مُ س ۔ هع = ع ڪ = ع (٧) اى ٢٥ - ١٥ = ١٠ وادارتانع العند الحرراني ع ولالد الما - ام = اس - إق = م ه P(= Y = 1 - 170 - 710 = Y = 7 - 16 V = ثم مر - م 10 = 44 - 47 = 6 و الالتفاع القطنة الصرر الفي ع (A) فالأن فلم العطرو العدماعان فاستعلم ساحتى القطعتي فلاً ق ١٠٥ و و ٥٠ - يه أ وع ١٠٠ والعلماكور فرحب البعراثيات أعمرا فألطث \$-x = 1.x = x 1.x = + 25 V= 0 1. ولُ وَ = ٢٠ وع = ٥ أوالعلم الصرر فرها العالم ال = ~ = V= 17+17 x= 5. X 10 CTTAY- 7417 = . 5. X TYEN = " م ما المارو ميم ١٠٢٥ ميم ١٠٢٥ و جوس في العطمال المرور ميم ما المارو ميم ميم القطمين ما المارو المار

م سقالالي = سال ، فع × 113 P7 = 475 × 113 P7

شراماللات 🗕 💴 🗗 ۱۹۶۳ ساط العلمية = ١٩٥٠ مراه ١٥٨٤ مراه وبذالى مرافق تومية ومن للادالية والهرهية الصائيل والأله والراج (المبعث لثامن في مساحة الاهليلجي) اعم ان الدبير بلين عيل ما يميط به قطعة ان منساو مأن في دائرة و فه المصطلع النسآز (و ما يهما) ما مد والمناه مشيد الداره رش، ۳۰) اماسلىة الاول بيجوع نساحتي المكتين الماصلتن عن خبتي قبل الاطول شال، بوب شرا المامي مصلع القداء فطره الالمول اب ما و تعزا الانقر ج د ٢٠ قلره الدفول وتراقطمتين أبج وأب دادقاها ماجرتماره القمر ألماة ومرافعلين كامرة أخرالمث بع ١٤٤٠ ٢ مرماليين آجيد مل وإمامساحة المأبئ فهىما مساضرب الغلواكا ثال ماومات والمامي معلم التعويق المَدَّ مَرْمِهِ قَطَرُهُ الدِلُولُ آبِ ٢٠ وَقَطَرُهُ القريد ١٥ قلقِند ١٥ - 61X+2 × 7 × 14 = U STAGE -- CYADEX THE (الجيمث اللمع في مساحة قطعة الاحليلي على المسلمان عين المام

قطعة الاعليلجي على طلاح المتعاء فاما ال مين وتر فعاله ول اصم المكنة الحاشلة متساووالياش وقطمتين متساوش من دائن فجوع مساحته الملام الملث وماحتي فعطعتن هاحة العطعة لكن القلة م ن آ ص أن و آم فك سُكُ مَا وَلِي مِنْ مِ أَنْ وَقَلْمَ ثُمَّا وَيَ انش وامس

وعالًا ذَهُ مِنْ مِن مِدَالعَلَمَ فَعَلَا لِكِن صَمَىٰ جَ الْعَلَمُ لِللَّهِ فَاحْهَا

المستمر المنطقة عن ع ن بلزم بجرع الفقيش من اوص عب في م الدابيجى كد لد احتمه الدخر رنفتن وتغين جرع الما مات م ماللفة بالدا مل نص وم ع في له مدخر رنفين صعم ن و قلع ن الرارة له م

والداميش من ع س من برزع المقرف ولى تدري ما المات

وإمامياه قطعة الاهليابي عواصلاه المائقين والملافيان تستعم مساحة قطعة منا لدارة توق على لعود الرى موعود على قاعن القلمة م مل ...

نسبتط المحود المالحوز لاخركنية ساحتفة القلمة مزا لدائرة الىصاحة قطعة الإعليلج لمكاوب

ا وَفِي من من من المعلم الالعلم وع = ورماع ومن من من وطر في الدارة ع

مردات الدرتين وزيد القط الدي فله الدرت جزمنه فينية اذالان الدرت جزءا فرافقر العلول للعامليم ق كلنا و ق م الفطراليقر فا ق: قُ = سَ: س ، قُضُ = س اى اضم حاصل ضرالعظ الاصرفى مساحة العطعة الدارُّية على العلوالاطول فالخارج مساحة العطعة الاعليلجية واذاكان الدنن عرزاخ الفطراء تقرطها قَ:ق = سَ:س <u>. قَسَ _ س</u> ا ي احتم حاصل صند العقوا كاطول بي سياحدا تعلمة الدائع على هقوا لا حَرْ مَا لَمَا بِع ماة العلمة الأعلماء مُمَالُ اللهُ الأَمْ اللهُ اللهُ اللهُ عَلَى عدتها مرارَةً عَلَيْمُ الدَصْرِ وارتَّمَا عَهَا ١٠ وَلَطْ ומוש מד כ מד بذه المسدر اجرال العامرة الاول ون الدين عرد فر القطر العول يحرق عديد موارنية علاقصر خليه الأن ان تستعمر ميرالوتر م الارتداع والقطر الدفول موجب عرزة الوس الرام من من المالدان و = عع (ق-ع) مُ لسعة من صراولمد عرف الوحد الله الله مع من حافظة لذائه س م الله و + م ع ع × ي ع فأذا التمت غالماً ولم قية في صورت الما ولم على أو الصورة الألكان من مراقطيم الدائرة 2 = V= 3 (00-73) x = 5

11. (1.0 FOLL - LX F. X (L. - 1/0) L/= C.

 $v = \frac{v - v}{2}$ (1) v = v - vBX TYV G. DAFAPA _ TOXTYV G. DAFAFA _ U 2 377 177 17 XA - 177 13/17 176 = قلمة الالليونون والأثث الدلاب إلالمين فاعرع استلام العطم الأرية ولوه افرالع لهام ت ل ٢ ، ورس مدوله مح الداملي و عدتها موارية القطر الدطول وررتها وي و والم بدوا لمسلم راجمة الم للأمل ماس (٢) إن الارتفاع جروز العكر الدهر بكورة عدتها مورديم للقطرال ولى من رسماله مراحة وطعه اداره أما ق = ١٠ وع عدى وروب الدسورة w=\\ 3(40-73) x + 3 1 - AX TAGE V = AX 19TV - AX TIX 3/2 = COTYVER = A.AFAISYES PS (16) CONTROL مُ رَحِب (١) قَالَ وي لسب ق ١٠٠٠ وقد ١٠٠٠ وقد ١٠٠٠ JUNIAUSTO IEX EVERY = " X 29 CAVES ش ل م ما موس مع فعلة للالحيد قاعدته عمود عا العطرالا لول وارتعاعها ٦ وقطرا الابلي ٢٠٠٣٠ بذه المسئلة راجة الحالفة عنَّ الأول لازادا كانت الله عرة عمود إع القط الله فهي إذاً مورزة العقط الاحترضي من حالعطواللارم لنا في ١٠٠٠ وع ١٠٠٠ ويومب

وان كانت على ابنى احدا لقلدين فاعرف مساحة كلامن لقلمين وأطرح جوع المساحين مساحة الاعلياميكاله فالمباقى مساحة الملقة عا في سامة غ منطقة الدورة

رُون (شهر) المنفة وذ ملى فاعوف حرات العلميش وذج و طىد ولمع مجدها في ماحة العالم كور

(المِعَدُّ الْعَاشِ فَي مِسَامِةِ النِّسُكُونِي صَاصِعَيْ وَاسْطَدُ فَوَاصَامِتَنَا وَيُرَاكِمِنَ (اللهُ وَالْحَدَّ الْعَلَى مِنْ اللهِ عَنْ الْعَامِدُ آعَ ﴿ وَمَنْ لِمُنْ اللهِ عَلَى اللّهِ اللهِ عَنْ الْعَم (اللهُ وَالْحَدُوالِعَنِي آطَعَ عِنْ الْعَامِدُ آعَ ﴿ وَمَنْ لِللّهِ عَلَى اللّهِ عَلَى اللّهِ اللّهِ اللّهِ ا

المان المان

طین البدالترک -ب ومحیط لعدوی ناس + مرل + دعری + طح ایم = م المانی

فق س ـ بم ۱۵۰ ب وان ان ال وي المرون المودين الوافاعان عددوا العودين ب ج وف س (س ٢٤) فاطوح بضعف عجوعهما من عموع العدعمية واضرب الباتي في لبدا لم تلا يخسرات فليك المردان الادل والفر = ل وس طا س = {م - با (ل م) } ب (٢) مثل العدن النكل اعط (ش ٢٥) ١٠ و١١ و١١ والمُدَّرُك (ش ٢٥) اب = ۹ کام ست ۱۱+۱۲+۱۱ = ۱۱ د ب = ۹ ب د ع ی PULLING \$18 = 27×9 = U شال اعدم شرك مدومردن جد و ملى وعدداورتم ۱۴ و ۱۵ و ۱۱ و ۱۸ والبدائم ك دو ۱۲ (ش ۲۵) ۲۰ ۱۲ ۱۵+ ۱۱ ۱۸۱ ۱۲ و ل-۱۲ و ل-۱۸ در ۱۸ 11X(17-75)-11X{(14+15)+-75}-0 (5)-1 = ١٢×٤٧ = ١٢٥ وجوالساخة عالم عرف فرسطح ٦٠ ضاع والفواصر اوالعوالتي وتيت علم. ٣ و٣٠٠

۱۹۲ و ۴۸ و ۴۸ حمّة عدى بدت و فاسى احتر ۱۹۲ و ۴۸ و ۴۸ حمره العودين فلي الصورة الآنية فان ب = بية = ۱۵ وم ۲۰۱ محوج اور دن = قر ۲۰۱ - به ۲۸۲ علام الاست ۱۵۲ (۲۰۱ - ۲۹) ۱۵۲ = ۱۵۲ ۱۵۲

> و من ك قاعدة لضرف الصورة الكن أو الما كان محدود بعددين و من ال عقتم المقا المنام متساوية ولمكن الاعتام وُدجا و تقيم على كلانعَلاعود الفكون العدولا مؤة على حق الاعتام بواحد فرد على مجوع العودين الاول والاخو ا دينة المال مجوع العُدا آلية ...

وشلى مجوع العداللادية عبرًا لاول والإخير واضرب ما احضى في المعدالم شفك علَّتُ المحصل حوالمساحة

طَيْنَ عَلَمْ مِجْمِيعِ المُودِينَ الدول والأَثْرِ = ع ومجرع البرالزوجي = ج ومجرع المد العرّديّة = ف والمعدالمرك = ب طَابِدًا الدُورَ

س = + (3+ + ج + ٢ ف) ب

فَنْ لِمَالَ الدَّرِالْمُعَدِّم العَرْحُمَة ٣٠ و ٣٣ و ٢٩ و ٣٩ و ٣٨

نع عرب ۱۹۰۰ عرب ۱۸۰۰ عرب امام ۱۸۰۰ عرب ۱۸۰۰ عرب ۱۸۰۰ عرب ۱۸۰۰ عرب امام ۱۸۰ عرب امام ۱۸۰۰ عرب امام ۱۸۰ عرب امام ۱۸۰۰ عرب امام ۱۸۰ عرب امام

منال لآخر طول طرف والعدم مسلح ۱۹۸ ورائع و مسبط اعدة اختبت عليد ۲۰ و ۷۵ و ۸۰ و ۸۷ و ۷۷ و ۲۳ و ۵۰ فایس شد

 $\begin{array}{lll}
U = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -1 \\
0 = & -1 + 4 & -$

المات مأذاه

(بَيرا) والصعة الاول في الناعة الدول عابدًا الله في السلام مناه المعطمة فرا عداره وألد محر

اضا كالديني (تنبيه ٢) الكاممة بعثير من كنواكا في ما مرد المدوس البدر (تنبيه ٣) من كامل كالموسيم كرّت القبترية القائمة وزادت عنه الدعرة كالالالراقرار المحقق (تنبيه ٣) من كامل كالموسيم كرّت القبترية القائمة وزادت عنه الدعرة كالطام فن خرصار من كانه خود القاعده مارته الفياء مراض الاستال التي كيميا بها خطام فن خرصار من كانه

وكفن اذاكان كرتفل خارها عراارسك مكرا فوحس الاعبادي الاعاد واذا فنمت الركل مذورت الرنفة والثعاث فبخدع منصاتباس فديمكم وكذفك العرع الدكشال المقر لمنغرمن لها فانهاتف المراك لاحز ونستعيم حاته وكتم كواديوع المتغلى (المبحث كحاجه يعتشرهم لعن تعبرها تعقبه) واذعة عرصتهما تدارع المرام المرام الكر فاصرب مساخرا لسطح في لعق والك مساخر الكر مَا لا عِنْ عَامِكُمْ وَارُهُ فَلَمَا فَاللَّهُ وَمُوادٍ وَلَهْ عَالِمُ اللَّهِ مرحب رب من المحد الراج) مع × ۲۲۵ × ۲۸۸۲ مرود مام مع الدائدة م ١١١٥ مروك م التد ع ١٨٧٥ ٢ مر مك ويو والم 1 (AVIX = 94,444) } KANIX = 94,444 ونسف كروسيدي رويركر وثانة بال روم ومرحرك فوتا مال المومن فالمقوم للبرطيله لأزة إشر ووضده ارقدرت وفرحته المرض لآخر سترث ونفف فالحوض 4 فالمتدع مكثر ذي رنة عمة عرضه وهُ اسرت (۱۳ ۲۹) و العاعاتسدي الله الوارممل وبدل مدرة العريك أب عن محف و ب ج طوله ٨ وعدفهم اب دوراح م وفرحم دع وير وج الضير المسلة ممان المرايين ما المعمة ن موحد ، مرد المحت الله في المرت

ع د مع المرا على المرا على المراني الم כמל לשטו כת א שונים הול אוו מצמדם ביים בין בולים عيدًا المعدر كون و اعرى في من قد المحمد اذا = ١٢٨٥ = ٢١٠ مر كوب ر نوب THAND? + + HATTANA & CONTROL & LONGE CONTROLOGICALIONS وينيل بالك ل وصركم بال تفوض لومن م طرف عمة ع المن منطير طوله مرووضه ٥ وعد اصراهميتن وبوع ومثث وصدصده طول استليم وبيوا الاعدة وعوده ففل الهمتين وجده ٢٠ - ٢٠ = ٢٠٥ وارتفاعه وض المسلير فيموع مسحى أمحس جرامون ر Cin = 500 XV - 500 F) (0 " رُم ۱۱۰۰ + ۱۵ = ۲۱۰ بُرِبُ لاقت م ۱۸ مُركب المعتب م فركب فيون عبادة فر المؤذر مفلة تركم مثلير ومثث وسنرجا المال الفا لعامدة وسنس عمرات بالمنوز كاميات فولكهم عيجتها وأع صعب بالثال لوكو لكون الرامحاض ع بدوا مص لعدم تدفيق البيابين مَال أَخْرَ حَمْنَ عَامِكُولُ مُعْمِر لِحَوْلُم 11 وعَرْضُهُ وا وعَدْمُ لَمُوالْوُلِينَ ٨ ومزحدالول الافراد مبرفكم عجد نفف مجمع المتوارس وما المعال = ١٠ ١٠ عن المبير ويو ١٠ كير ١٠ ويومط المنى والمن المثال بواللول فلت عمرارين ١٤٠٠ = ١٤×١٠٠ ميركتب وقد رسنبلنا في مراس ل بنه المسكة ة عند لفرى لطيعة مخضره ملكن عامر بولاء م

عاد فأثم الأوليتيم

كاله كون عى فرجار لرف دو فريد الله ل دى : --ان تضرب الطول فى تعرض الحاصل فى نصف جحوع العين فالكالجم فيك الكول = ل وهرض = من واطول عيس - ع دا فقر ال = ع ألما الحِم = الص (ع+ع) ا فن الله الدل ل = مرض مده وع = ها وغ = ي وغالتالي مُن في ل = ١٤ وش = ١٠ وع = ١٢ وع = ٨ - 3 = 11×1× (1+1x) = + (1+1x) ×1×1× = 2 = مُنْ لَمُ وَعَنْ عَامِمُونِ مُنْ عَدْمُ وَعَنْ مِعْلِ الْأَمْرِ ٥ وَعَرَفُهُ ٣ وَهُ لَ مِعْ اللَّهِ ع وعرضه ع وعقد مُ شديميار عَمُ أو توي أعار - بذا الموض عَ تَكُر السَّمَ المسور كالحِلُّ والعرفيران تستوم حتى المطهى ادبع والكفر وتعنيف المعجوع ودمة وتشال مسانته السطح المرتبط منها وتعزب لمحيع أوالمهمق فسيؤسل عد الوانحم تبكة وطرس تهتملها لطرا لمرتبط ان محتم طول تسطمهي فيعيف أجميع المطول لموتبط وك تصع مجوع عرض مطئ ورض المتوسط فتقرب الطول ويحربن المترسط أع الوفولين

المرابط المالي المالاط على المحمد المعلى المالية المالية المالية المالية في المالية في المالية في المالية في ا وعرائل المالية المالية المالية على المحمد المحمد المعلى الموادية في المالية المعلى الموادية في المالية في الم فنول المجتم المطل ومرض وعن ونعتر بهن عرسة بيم منه الكي الجتم الذي يون فاعتر مساه تراسطي موارية لرع مورته فال كانت قاعدة وأت لا تبري سوع وتساوت والم ا معاده جميدي مسكمتها . وان تساوى طول وطف وهالطها عقد مسي مريا وان كانت العادم بحيعانمتعة مهى لبغيا ولكغرخ بذه الانكال ستدمطوح مزدرته مضنعه عان كات مدورت المرح درته وصوع من موسودا و موادي ما عدم ملة وان كانت وات اكرم وروومدوسي اسطها مرامسلية كالامطواة المسلة لتي قاعدة وات خت وصورم لدوكر و معصهم مسيمي لدى فاعدته واست فادته ومروع لعدكترا الرطوار المعلق فيز South States فيه الموثور والبرز الكنف والبرز والبني وخرة وعرف لما حرون لمورثورا نهر مسمطحاه لمسايلان شاويا وال كات فاعدته ووثرة وفيد الاسطوانة المدوقة 18 May 100 TEL المناني المحبيه الدى مبيداً مرسط وبرتف مستدقاحي مبتهي الدنعلة فان كونت قاحة مرثه اودا ارتبه وضعع وولكرستي صوما وومحن وطامصلعا فأن كانت فاعته مثيركما فألبرم مودوا ظر بنوث مُنها من قد مِين نو تعظه او دادت اربقه را ضوع کما وه عمد و دا باربر من ت و درات عمستي ومنع م كان مرود الخصلة ت الدين في للطة و فيه الصف لعظ تبي ربس لهرم وا هنام وان كانت فاعرته دارته سمى محما وطا مدورا وكله النتين فدكوان أيتن كوعت وقد كؤان افقين والماقس مهوا ماسدأ خربط ويرتغ مسدفاحق بيهي الرسطح ومغرم فأعدته النالث المجتم كانبي المستدرالذي تحيط برسطح واحد فان توت اقطارة وتعالمت نعكم فوصطومهم كوة والأكان المقطوان احداد الطول والكفرهمي شبها فأبكرة و برم معقات في قفي محفظ الانا ذكرناه بهذا لسبه الحرة (5/3)

الرابع المجتمع تا المنظم وبي المث والمكت والمن و ووالا في قر و ودر المن المناه في المناه في المناه في المناه و وقد المناه في المناه في المناه و وقد المناه في المناه في المناه و وقد المناه و المناه و وقد المناه و المناه

فالانعاع م وتد مساحق لقاعق والمسطع الحاصل فاكان فهومساخه السطيح

مثاله غالفک (ش-ی) الدی طبل کل و داهدی دب ده ۲۰ مکم مرا متسلومه

= T.XA. * Y. = ¿@

عطالفاعهدالاطع عددد

مساعدة القاعدة = ٢٠٨٧٠ أند ١٠٠٠

مساعتر السطح = ۲۰×۲۰ = ۲۰۰

وفرحث ال مطح الكعب مد شاويه فاصرب مساحة احد معطوم في سد فالم

شَارُ فِوالْكُولِ عِلَى وَصِيلُومَ وَ ٤٠٠ = ١٠٤٠ = مَا صَرُوْمُ الْعَرَامِ

ومَّالَ إِبْرُ (مِنْ اللهِ) حَبُّ كُولُدُووصِ اب وات ١٠ ولدعاه بين ٢٠ كُوم المراطع

مطالق عروب ابدوع + ودددا

ارس علی می المالی می الما

(i. v.)

البردة = البراه على البردة على ا

عرام المرام الم

POSSING E-ACTIVE LEGISTIC - LEXILI - (0+4) OX فرحث الالمركر مطحه وقاعدته مساويان ومطوح الانقرال وممطوف مساوته فوفد مفاعف قاعدته على أدبته امَّال صاحة احدالمسطيلات فالمجدع صاحة معلوهم فَوَلِمُالُ وَفِي مِنْ مِنْ فَاللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ ال طول المسلس ٢٠ عرضه ١٠ من الحاسلين ١٠١٠٠٠٠٠٠٠ ٤ × من صراط السطور = ٤ ×٠٠٠ = ٠٠٠ in the second IN TO STATE OF THE PARTY OF THE وشال البرسي (سن ٤٤) عسر لوله ١٢ وعرضت سے ٨ ودرو مد ج نے ٢٠ و من ملوم محطافاته عداب دبع عجتدا THA DANDLASS. x+11 + A+71-7×A+7×1= Agi = AXW Galler James : 1 AN = AXIV COLOR COMPANY 191 = 2 des ومثال الوشد (من ٤٤) مبسم ومنويع كاعدر الملة المراث بن ۲۰ مارس و الحدة مراث بن ۲۰ مارس و سؤم الحدة مراث بن مراث به مارس و سؤم الحدة ت و و ت و ف ت الركب ١ و ١٠ و ١٠ ولعام محيلة منترحت بدشع عرت الاسمريات 🗢 ساحراته سکے ہے بمراحع السطح - 900000

وبطور لومده الاست ل ورواعدا وترجمت ومدوع في مدل عدة ومودم الماعره عملا السط والديدة ملائع الإطلة المعلود برق عدتها وارفحت لصعع مسبة ومطوح الامؤلة المعلولره عديه عنوف ولساف ١١٠٠ وتناهيرو بكذا شاد ومطولة مصلعة قاعدتها وتعاعيرة مندى تساويا كل واحدثها عافا (دره مد) = مدل مراه مده مدل مراه مده المسط المس امامساحة اجرام العشم الاولى عاص بماحة الماحدة في الادماع فلك عساحة انجوم وخانسيت الثراكيك غالبجث لمالاليثراكعا فَرْسُ لِلْكُ (سُ وَ) ما صالق عدد ٢٠ ١٠٠ = ١٠٤ مع مترجم المكتب عدد وَعُمُولُ الْمِرْدُرُ (فَقُ ١٤٤) مِن مَرَا الْمُعَدِّدُ وَقُولُ الْمِرْدُرُ (فَقُ ١٤٤) مِن مَرَا الْمُعَدِّدُ وَ م قرم الرار = المبحث لما فيخالكانم فيصاحة العشماليان اماساحة سطوح المخوصاً لمدورة لعلمها الانقذب محيط القاعدة في الحيط الواصل العلو أويتما كالكلخ المأول ع مي المحيط و تعقل اعلاه فان الحاصل صوصات المسطح الصنوبري لدا رُحوله فاذا ووشطها مساحرة عاته كاله لحوع مساحة سطحيرجيعا مف ساخ الجوم اض بمسامة المناعن في تلت اليهم (اي لارتفاع) تقدام الم

والط اصرروس نن ص= ام م ل

ボらり = =

22.49 =

パンヤメリナ=

سُ له ابت ت د محوط مام دور قطرة عدة بت عوارثر ومهم أبع والواد الااصل من مركز فاعدة بع وعطر اعلاه \ عوم بر علم مد مطيد وس مد عرم مريك الااصل من مركز فاعدة بعد وعطر اعلاه \ من من من قطرا للقاعدة في وعمل المناهد على والمنت قطرا عدى والمعد = ع الم المناهد على الم

فرات الطوالصير = ١٦٩٢٢٩٦١ × ٢٥٠٠ = ۱۹۷۸۷۰۱۲۵ مزرس

ماط الجرم سادمه ۱۵۳ × ۱۵۳ ما ۱۸۳۸ ماط الجرم - 142.63.841 - 20mg

ان المط أب ور الملك الهم الراوية أجب وابع بوالعود وبع الدريو القطوقا عنة المنك فا واعم لرَّان مَمْ بذه للصوح النَّالِيةُ ﴿ مِسْتِعَوالْمَالِثُ بِمَامِرَ وَمُشْرَا لِورَسَ طعوم اب = و وسنج = م وأج =ع ومحيط الناعه بدت ت = م = ق TV = ٢٠٥٢ وألم الصورر = من وما قرالها يدة = م TV

$$0 = \sqrt{3 + \sqrt{3}} \quad (1) \quad 0 = \frac{9e}{7} = \frac{7\sqrt{3}e}{7} = \sqrt{ext} \quad (3)$$

פושי שב ולא = או ביאור ביאור ביאור אין ביאור אין אונצינלקלקן ANTICO OF TARACAS = TELETA X TO XV = OF TELETANA TYXY19917 = (10+4) T 91217 XV = bill for CIL VOTEVIAT = وع = ۲۷۶،۵۱۲۴۱ مود = ۲۹۰۰۵ ۱۹۳۱ برطب مثل مخصا مدية م عليها كما تراب (ت ١٥٥) • مترة المارو فكرة عدة المارا كم مامة منحد و ما قبرم أن و ١٠٠٠ و ق = ١٢ وم = ٦ ver (1) √€-3 = 3 : 3 - √21-1-17 شع = 12 × م و من شركم الصنير = س = ٢٨٠١ × ٢١٤١٦ ٣ שיש = רוציאאו ב בשוויים ב דאאינים בי (1) ーラダ (1・ナイ)で行をコメコ = はでいりなりて ールリールルルルルルルルルルルルルトリー アンドイン・アン・アンドイ وساخة الجوم برصب (٦) سرع ١١ م خيم ١٨ ١١١١ع ع -5, 1.16011 = 16.544 X XXX1 من صريطي المورط لقدل من صريحرمه عابدد الدواي عدا المطي الرار المراد والم اماساحدا عصرم في مكساحة المحروط المدود مان تصرب معيسا قاعدته في للفط المنتسط الواصل من نعط واسه والمستنظمة بنعف احداضلاع قاعدتم أمخ كانت اضادع فاعدته مكر كم متساوية ام حرمتساوة م ويدعل لماصل ساحة عدم فالمجوج عومساحة سطح أطعهم

وامامساخر حرمه فاصرب مساحة كاعدته في القاعر ولك الحاصل ما حرم على مرم متليران عدد طول دعدم و مرم متليران عدد طول دعدم مرم متليران عدد طول دعدم مرم م سيه ووعضه كالوار وارتنا وعسود الراع والك منامركر المسكيرية حود جونعظم مد والأوات وفر وسط كل فرصليد ج ب و جو عددين المين الدي الم والعكد د ولهروده طول المي ِ أَلْمُودِينَ = فَ وَ فَي اللهِ عَلَى ٣ و ٢ · مَمْ فَرَحَتُ إِنْ الْمُرْتُونَاعِ = ٣٠ فَلَمَا בוברי ביואר += דיקר ב דייר و المرون في علم الريز المحامور المنت كالين و سي م ي فرالانها وخرا اعتاله ما ادس و ادت م وسلم طول ود ودور المده العمارود وسد الاوس وره ٣ = 177 = 1+1 = 2 = 1 = ec = 17+1 = 177 = بالمعدية م استم الورة المدك أدف الما اد فيراهس ما و و الم دو فرو = ١٥٠٠٥٥٦ فن او - اود + اذ = المسلم 4. CPYTE-1= EIT V = E-+ + 15 V= +++ + CT-007 } في فالمن علم وضلام الملعلة ت الدرقة الحادثات في الرفعاع كل منون منها منسا ومان ولا لا والنها شاوران من الدول جاو صفة جودم والم ومنيه أجوداد =

= ١٤٢٢٦، عفوده = ٧ الله - "(الله عن الله = ود + اد += += (+x+) = (= (+x+) = ++++ = ن ١١٥- (جعو) = ١١٢٠- ع = ١٩٠٩ = ١٠٩٠ ع = ١٠٩٠ م المرور من المرافقة على المرافقة على المرافقة المرافقة على المرافقة الم ر المرابع على المرابع المرابع على المرابع المرابع على المرابع المرابع المرابع على المرابع المرابع على المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع المرابع على المرابع ال Constanting of the second والماسات جرم في الم XXXX ×١٦ = ١٦٠ برطب مثل ۱۶ ای در معدوج مرم در الاقد ، کل مندمه فرت در مدود الدول العالم العمد مرتب و علمه الماد المدود المدود و علمه المادي و ما المدود و ما المداحة و مرد المدود و علمه المادي 170 = FXAXIYX = 2000 - 170 - 170 - 0 × 0 = 0 × 0 - 170 احامسامة الجوم فاستع الدرتفع وولا الكذا المساخة من وكز المعدونعف 7570-144 V= 164+4 X= & + 160= = = 160= 1 #XIIFVETTABXE & IIFVETTAB = IFVEYEV=

ANEN-BY-LALERINANY == #XILENALLOXLO = سعه (تبنيه) يجب موفة البدس مركز القاعدة و نفيف لمصروضا عند ومسلام الضلع ليمسل ادالددتناع الهرم عدفادا كانت القاعة شاويرالدوسوع فاضرب الضلط لمعلوم في حددل الاشكال كنيرة الاضلاع المستطر المذكور في لبعث المالث والحاصل عوالمسانة (داليم) س خركرال كا ونصف احدالاضلاء وي المستعدد والمستعدد والمستعدد والمستعدد والمرابع المرومين في فر الله الديسة المرومين في في المستعدد المرومين في المرومين في المستعدد المرومين في المستعدد المرومين في المستعدد المرومين في المستعدد المرومين في المرومين في المستعدد المرومين في المرو ع حدثه عالى ما منيا و دُنفاغ النال الدل حسيت كانت ما عدة الدم مسلسله والراد الرئاسا فعلى في الماء المعلوا لما قد بن مي المعداد معداد ضع والركر = A x العود الركر المربع YEO= GXO = July i سُل وَفَرْ برم مريم العَاقدة كم ضع الضعور ١٥٠٥ بر ورسا مد ٥٧٥ م فكم مهمة مبلوه وعرم البدين وكر فالكرونف لعدالاضاع = ١٥٠٥ × العمدالوز ع جم الرور المعامه عهم ٢٠ ٢٠ م مع ما الفراللم وي طالور יים נולנון בנשב נבונושש = וחדבסיון + סדם יא אדד ۲۵۸۲۵۹۹۴ = ۱۶۰۸۱۰ = العلوالماش THEATY HE THOUTH THOUTH - TXHEAT XTEVANT = ١١١٥ ع ١٨٠ بربريم مدة الط الحدب اي طولة وكا ما قدالناعة فيرص طدل المدك ملاح ٢ ١١ ١١ ما الماح الدولي · 46/201 = 47640553010 = 16044-411X146.510

Hiproscionide المرك الما و ها عدة وه = ٦ ولم الدر الود الم = ١٠١١١١٠٠٠ واذا روت عليها ما حرك المدب قلك ما فيطوع كله بكدا ماداسطه بها ما ترام وسوم برابره ونعد برواتها داع معد الجرافي - خ × ۱۵٬۷۵ × ۱۵۲۵ مه مساحزم فاللهم مار و ولعدولتون براكب ولدد لفهم مركب في (منبيه م) ميشوس مد واعدا إرم و الاسطوالة عبسات الجدول المذكور وكدا ا الاتالة العراص وتراهد ا الماعزف والما كالمائدة كالفافه لعار (سَفِيهِ ٣٠) وَكُنِني و مؤدِّ السلِ المدب لهرم اذا كان غير مَنا ويَالفاعدة بان تحيم احمة كاصافِ عَسَم عِمْ ا العامدة المصيعة فال الخارج والعمد والمدل الحاصل المتراكيد ل فيقرز عجيد فالهاعالية فضف أو الصدائي المامة تصدر الميط المدمرة شاله أله السطيرين المداوري ٢٠٤٢٢٧٥ والفره١٩٠٥، ٢٠٠

و موجه ع الدعت الديث الديث الامراع الدرث الأي عن ومدول = ١٩١٧٥ ع ع مراح ع مراح ع مراح ع مراح ع مراح ع مراح ع الدعت الديث الدي

مطوح ومراغه حرمه

مساحه لمخربط الملاد الماض وأمامتكته المحروط المدورالناقص فالمتساعل اصرب مجعوع عيطي طويفير والماميعي عود المرس المحلين) في على المحاسط المرب والدا في على المرب والمحلين) في على المحاسط المحلين والدا في على المحاسط ال ذرت عليه مسا<u>حة</u> فاعدتيركان لك مساخه سعلوعه جميعا طبئ م وم محيلي فاعدت ساعلى و عدوت و من عوه المنكراه فن إن (مهم) = سلحوب = سب (١) واللكان قاوي قرى المايين و سروس بعوقيره الله الم ش الد (ق وق) = ش الد (مر بدير) بدسب (١) و کا (ئر + ئر) = صاحرالفاعدس (٣) و مر ((مراجرًا) + ف (١٠٠٠) = ما مرالطرح الأله (٤) ال وجود ع ث ل ما ميم مرسطوع محرفط مروز بقى على الديم ٢٠٠٠ مرود فطراق مرتبه ٦ د٨ المن صابع وق - ٨ وق - ٦ وس ع وس عب 18.x42811 - 1x41 x 12 - (4+8) 266. (6) -636 ن سبه = ١٦٨٤ ١٣٩ بريري د مرصب (٣) ساحدالل عدي = كال (٢٠٠٤) = ٢٥×٢٩ ٢٥ ا ماخرالاتعاق - ۱۶۵۶ مريع م عدالطح الحدب = ١٦٤، ٢٩٤ 011/4712 = 2177410 ورف عرف (٤) مر (٤٤ + ع) + ١٠ (٤٠ + ٦) = مر (٥١ + ١٠ × × ×) ماحدال على الملام مد ١١٤٦٦ × (٤٠ + و٤) = ١٦٥×٢٤١٦ = ۱۸ ۳ ۲۹ ۱۸ مروم کا نعت

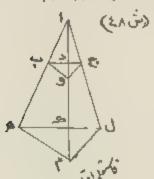
وإمام التهجيم واضعنها لح مساحق قاعد تبدجان دمسطح القاعدتين كاواضرب الجوع في من الارتفاع فالحاصل هي الجرم (وهان عن علمة المعروما الماص والواع الحرم) فَيْنَ اللَّهُ عَرَقِين - حدود و الدرت عدع و الحرم - ح فن $3 = \frac{1}{7}5(c+c+\sqrt{cc}) \qquad (1) \quad ||t||^{-1|b|}$ الله المراكم د = ق يك و الدر د = ق يك دروالاس الم والعسة Janui (40 + 10 + 1 + 40 + 40) = = 5 (Y) (30+3+3)Ex-(41) = M(30+3+3)E = E الفالاتطاع مُح ابى اصن مجوع قلى العاصين الى مسط العلين واصها لجوع في ملت ديم النبد المحيطية (٣٨٧٨ ٩ ٩ ٢ ٢٠٠) ويم في اللهال اردور و رل عشريداى ولما كان ق = ٢ س مع الدموّر ٢١) ألح بدوالعين (m) 16 EAL (pate 12+2) 5 = 2(20 + 2+2) 5 = 6 اى اضن عِمْ السنى قطرى لعَاء بَس لى مسطح بسنى القلوين واض را للجوع في الأرتفاع تم في مُلث النسبة المجليه (١٢ ٥٥ ٧١٩٧ م ١٠٠٠) وكيتن و الدهال كا اروررل فرراي (۱۲۶۰۲) مُ عَلَىٰ نِهِ وَعَدَوْلُ = فَعَلَى = فَعَلَى = فَ ١٤٥٥ مِهِ ١٠٠٠ كُومَةُم فالمعب الرام غم ماللائرة حيث في فطواللائرة وط = محيط اللائرة عاد الدُور ا نے بند انسی تعالام) لی ایمرہ Ø اعاضف بيوع مرببي محيط القاعدتين الم مسطح المحيلين داخر بالمجوع في الارهاع م

اصرابعاصل في (المعلق مد د معمد المعلق من د معمد المعلق من د معمد المعلق من د معمد المعلق من ال والثلاث الماقية محنطة المحوط المدوران فق وعانا اعترض في دامية بالدماتير اللاقبه لليكن لكه المؤذفانة مما تزهما يك من ل الام مذهب موحل مُدَّمَانِ فَل الْفَاعِدِ مِنْ الْفَاعِدِ مِنْ الْفَاعِدِ مِنْ الْفَاعِدِ الْمُعَالِمُ ولا شاع = ٧ وق - ياوق = ٣ ولهد س = ٢ وش = ١٠٥٥ VGTAT = 12 - 14 COTTE = 15 2 - 2 10 () -34 (AC-141XILLOJJE) + AC-141+ILLOJJE) AX == 5: (AAFAF7ABA. EV+1967FB.) VX=-- 4 (1001) 11 - 41236) = 4 XV601565 - 11. 45 11 615-50 (TX2 + ++ 2) VX - (+1) - E (+) - 25 3 = 11573 × × (51+8+71) = 11573 · × × × × - 1173 - XPB7 = 25-43 YF - 25-17 Leb 16542 (10×2+10+4) = 5 (4) +3×31 16245(4+160+5) v= 0,00 2214 21 = 16.871 × 9 (50 × 4 = ورجب (٤) ط = ١٢٤٥٦٦٤ وظ = ١٤٤١٩٩٩ = V (144) OFT XAOTOFT - - YX FFAF = 75-4) VE فهذات ل واحد علناه بارته اجهامه بن البين م غراه من وقد وقد في الكورا لارميسك الدحص ركالدكوع المحاب الخير

مساحة الحرم الماقس سيخ المي الماقس سيخ الما المائذ الماساخة مسلوحه (۱) فان كان الحرم فياسيا فاضرب نصف علق المائذ المحتم يحتم يحيط لطونين فالمحاصل سطء المحترب فاكتاب تنق مساحة السطوع كلها درت عليه مساحة المطونين (اى القاعدين) كان المجموع مساحة السطوع كلها (۲) وان كان عرفيا يتى كان الإجاب ذوات ذية محتلفة فاستعلم مساحة المطونين كان الإجاب ذوات ذية محتلفة فاستعلم مساحة المطونين كل جائدة في المجدد علم احتراط ألمونين كان المجدد عمداحة المطونين كان المجدد عمداحة المؤنين كان المحدد عمداحة المحدد عمداحة المؤنين كان المحدد عمداحة المؤنين كان المحدد عمداحة المحدد عمداحة المدد كان المحدد عمداحة المحدد عمد المحدد المحدد

لكن ط د طأ محيط اللوس و ل = العلواللكر و د و قدس متر القاعدين وس =سامة السلوم مه فله فه الدس معامير طور الهم النافض القيلي

ن ط ۱۲۰۰۵ - ۱۲۰۰۵ - ۱۲۰۰۵ - ۱۲۰۰۵ البرل المؤمن والعدال المؤمن والعدال المؤمن والعدال المؤمن والعدال ۱۲۰۰۵ - ۲۵۰۵ م



دال على المرطع درم ، نق عمل عبو مدوخردي د منوع ماعد الجرر لهم ۱۹۷۸ و ۲۰۲۹ د اضع فاعد العفر عبو ۵ و ۲۰۲۹ و ۲۰۲۲ و ۲۲ و ۲۲ و ۲۰۲۲ و ۲۰۲ و ۲۰۲ و ۲۲ و ۲۲ و ۲۰۲ و ۲۰۲ و ۲۰۲ و ۲۰۲۲ و ۲۰۲۲ و ۲۲ و ۲۲ و ۲۰۲۲ و ۲۰۲ ۱۷۴ الرمصاص المراهر مخات المراهر مخات 141

فاسترادة البينين من المده بين ما ما من فرز مزات الماقة اللهث ع حدة و ال تصريف المعمود اللاتعاع فالصف محوع المدارين مكونعة م فالمعيث الماع وبده مدرة العار ماحة دى الرعم الإول الصف المراجة ين ٨ و ه و الارتباع ١٥ (1) 9460 = 190 = 10x1xx = 10(0+A) + = U ماحردي لوهرال و الفس للمراس ٧ و ١٥ والاسع ١٥ (1) AA CTITO = NT CTTO = 10 X 11 x x 1 = 10 (2 x + Y) + - or ماحددی المداللات المدن الران و و ع والات (1) VERTO = 15750 = 10X1 = X + - 10 (+ + + 1) + = C عاداردت عامياته الدجرب منتى العاعدتين فلاكس فدسيطوع طها بكذا ما قدُّ اللهُ عَدَةُ اللهِ لا ١٠٤٨ - ٢١ محيم اللهُ و لصف = ١٠٤٥ 1-10x \$10x \$10x \$100 1 = 1-10 1 1 - 10) (v - 1-10) (N - 1-10) () DECK-CHAVERT--CIOVETCO - - COV-CVXTXTO = U =١٠٤٢ و١٣٣٦ و٢٠ برم ع = من صاله عن المرر 1.0 = inio anione = 11 = T = + 2 = 1 inio cion = 12 TENTE X 17 X 17 X 17 X 17 X 17 X 10 Y 41 - 107 X 771 X 771 X 77 X 771 X 771

وإماما مرجوم فل طرق الأواب الدسودالعام الدى عصى المحموط الدفق ع = = ع (د + ك + ك ح ك الدستورالعام (ا) المائداصرب مساخة الفاعدة ألكري فى أحلاصلاعها ومساحة الفاعدة العنعي فى ضلع من اضلاعها الموسطيني ليضلع الكبرى واحتم فصل الحاصلين على فضل الضلعين وامترب الحادج في ثلث الارتفاع كصلامات الجرم نفين دو د سامق المآعدين و ص = الصروفود عالعا عده البرر وص = صِّدِ العَاعَدةُ الصَوْرِ النَّ بِهِ لِصَلَاكِيرِ وَ عَ = لِنَقَوْعَ الهِرِمَ الْمَاتَقَى هُمَا ح = حن - حَنَّ × ع ض - حَنَّ و ذاك الدُمَرِ ان فعان غرجي الواع المرم المناص المالة اخاكا شالقاعدتان قباسيتاين فاصرب ضلع احدى لقاعدتين فيضلغ وزدعل لحاصل فربعي لضلعين واضرب مااحتم في المساحة الجدولية المذكون في حدول المعلق الاشكال تكينية الإصلاع المذكة روالمعد المات ومم اضرب عالية الله الماديناع فلا مساحة الجوم. فليكن من ومن - الفليين و من أو الماحة المعالدوع ه. (3+60+60)62== و ۱ الا مد الكرش و مطابق و لعدا ما بطرق الله و مناه آز خر بطری (ا) و (ب) منال ا ما بي مرم مرم ما تص مرم ضلعا قا عدت منه ي ، دار فري رواده ومسروا 17-4XL-29 47-7XT و من 🚅 و من 🚅 و ع 🕳 📭 والمراسّ انجروليه المرام 🖚 J== (17+11+V+71X11) == (16+27) - الله على الما يركب مرب (أ) رور

= الله = ١٩٥٢ بركب موصب (ب) (17+52+51) == (2+7×2+7)×1×1×== zion = الله = المحمد الرحب موسد (ع) سألى ماى معرم مرم نافق فرقاى مدالك عدة الفرط فاعدة الكر ٨ و٧ و٦ و و منهوم فا عدر الصور ٥ و ١٠٠ و ١٠ و ١١ و ١١ الما لما كم أن فرب (ا) ع= ١ع x (ירד או (ירד או או איז + ו או איז + ו איז איז או איז או או (איז איז או איז איז איז איז איז איז (18 EV- 18 + 18 EVAN) a= (171509 179 V+ 515 VOA) a= (- 0 × A ed + 62151 - 4 × 6. 6 LL LALLING) 18 - E (-) - 5 miles = Q (197 612 - 4.7 411 64) == (1) 5 × 2, 2.8632.10 = وسع الله اذا جلت ف و من مر الله و الدا الماعبة ف مدا و في مرا الماعبة في مرا الماعبة ولاسيز فدا النال عوجب (ج) لاز محنق بالحيل قاعدًا الرم الماض فيكسس المبحث لثالث في الكلام في مساحة العشم المالت راي القرال فالكرة

الما الكن فدموتم ألمنية المرة على وهي المدة توجه من الأباري وبه كرا مراكات أمروم والدين والدرك الكر تعاصيت الارتما الهدافك والدر الرفعة ل والدوا امامسام سطرالكي أضرب صورها في محيط اعظم دائرة وما (٧) واصرب فلكن ق = القطر وط علمها فل أوالايمدة مودر الم. لكرة و لکن فرحث إن ق ٢ س معد الديمتر المان الله ١٠ س ١٥ ٢ س طا ولکن طاع ٢ س مو فيكن الدس وكذا ٢٠٠٢م ١٥١ = س ففاذا ייט = פֿיא = אילא ניין פּניין ווּעְי لى مسطح كحمة اليدل لدِم مرات مساحة ولرُرة وعَرْدًا فعُوالكرة ومُذه المَّانَ لع معلما تُ لَا مَا وَرَاعِ كُوهُ فَعَلَمُ عَدَيْدُ مِنْ قَدِهِ عَنْ فَيْنَ فَيْلِيا - ١٥٤٧-١٥٠٠ما ()- 0x - 10 (xx 0 2 - - 10 (x - x 0 - 0) (1) " " ALCO E .. - LELEN X = " といまいメンジャメキュアリキリメスであれた (T) -> F (1) / V / CO 2 ... = 54217 X TO 6 ... = وإمامساحة عجها (١) فاضرب مكعبلغلوف سدس لنبة المحيطية (٢٣٦ ٥٠) (٢) او اصرب مربع قلوها في سوس محيط دار في االعظى (٣) اواصرب مساحة سطيما في سدَّس قعلهما ١٠) اواضهب العِبَادُ الكِرِّنِين عَلَيْهَا في مُلْتُ المنية المحطيد (١٤٧٢) فيده البقدلين في معلم جروبالي عجبه (4) 16:24(x) = (4) = (4) = (4) = (1) -(214) (4) = (1) שלולולוט ש = באאריאא = יפאריאאם = יפאריאאם ב שלולולוט ש

ماه الألكان سطيعال وهجرها معده فليستعد قطرة اجدالها ولدت لسبعة الكن القطر الأله والألكان سطيعال وهجرها معده فليستعد قطرة اجدالها ولدت لسبعة الكن القطر الما في معاوليّن منها فليستعدم المعاولات مخطى أما بتير صعف فها الدادة خسة وساير JV - GA721A9A+ = JV V = 3 EVISTEN.09 = ET V= 0 (1) (4) UNGENTATIVE = DEED TO (4) EV. 578.80 = ET V-0 **(**۵) ضي لنال بن السامة - ١٨٤٥٤ منون عقرع بدر برحب الاول 0 = AFATETY97X- 60725 = VACOEV-60725 = 5 ورجب النَّتْ ق = ١٠٠٠ ١٥٤٤ ٧ ١٥٤٤ - ١٠٠٠ × ١٥٤٤ × ١٥٩٩ ع - ١٥٠٤ ع- ١٥٩٩ ع- ١٥٩٩ ع- ١٥٩٩ ع- ١٥٩٩ ع- ١ وعليك امبمان الدما تراللاته الباش (سَبْنِيهِ) سَرَمِيْهِ غَالَدِم يَرَا عَاصَتِ وَرَفِيَّ لَصَاوَةُ ابْ فَاحْفَظُ فَا مُدْتِحَيِّمِ الْهِالْرِلْقَالَةِ (١) ١٨٩٨٨ ١٤١٨٩٥، وهن = ٧ أنو الروم فتمة الواحد ع المنية الحيطة (٧) ١٠٤٠٧٠٠٩ وي = ١٠ عق المان الكبي الانابع في تعديد المان الكبي المان و تعديد المان المليد (٧) ٢٨٧٩٤٧٩ ك و و و و ال من المحلة و والمال الم المحلة و والمال المحلة و والمال المحلة و والمعالمة الدوالد (٤) ١٤٠ ٣٥٠ ١٢٠ ك و وي = الحاليد الله على الله والله والله والماليم المواد والله وال ا ذا عرف ما تعدّم معنول ____ و بالدّين اذاردت ترف قطر كرة تحي رّالدّ فَالِمَالُهُ خُرِهِبِ الْاسْتُمَالُ اللَّهُ لَ ق = ١٠٤٤٠٧ ١ ١٩٤٠٧

ان جم كرواص المان وارسون برا محما وسعدائان برات فيون ح المن = ٢٢٠ بر فلون جده الكوي - با س T COX 1 CYEV - 9 - ET CAVO VICTE - V - 9 - 0 .. (Chish) / F Trett ario= فا ذالندا و خوف قعل كرة محتى كري له فوه كرور دولدية ود دكتر و ورهر فاوص عدة المرّات م ثم عرّب الم فلاء كشبله قطركرة محقى عدة كرورخ المار خداكستد ادالان ق - قطراكرة مايد (1) FTPFTFFFF 0 = 0 DITE = PO P. مراج منال الموقاركة كوي تائة كد الميار . منام - ٨ TXF FFFFOTIA - TVF FFFFOTIA-3 14. 5-2 AGATA-281= 5. F. مرمر مم ادااددمان موف قطوكره يحوىكرا اوكور فصَّاعدًا مالمستمرات فاصرب ميم العددا لمَّابَ ﴿ (D فَحَمَّالُ النَّهُ مَا لِلسَيْمَةُ وهوكَا لَعَدُم ١٧٨٧، ٩٧٨٠ مِنْيَةٍ الله المعرد و قط كرة كوفي عدة كرود ما لسنيمر المهداري المستمر (F) PY 34 5324444 = 3 (مثال) عستم اي نكون فلارة محى في كورونسف إلما كاريم - م 5 = 4460 01 1 450 = 4460 06 X1101111 900 = ١٦٩٤٢٩٩ سنير نوع (مُعلَقَ في العدالل ب ١٦٩٢٩٩

ای بیب آن فطر پذه افکرهٔ الدی محدی همه کرور وفصف کر فرا یکا دیا سه وتسته و مهین منسرترا واژند (شال ٣) تم يم العادي فطرك تحدي الدان الم المتر ويستير المارون دل الموسر من ؟ = ي · CAS LELLAS פתפת () נים שעדף מף עם יידר בי שעדף فالمجلب الله يؤله فطريزه الحرة كونكون والترجمي ووتستهمي والمورخ ولفعت ع وجو وسعدونها بن سنترا ومعمرى لوبا (تسفيد) مك لف محقى أو المدار للمرر ماست محدة لولقر لدارا (٢) المتول في قطعة ألكوة خرزوا أخالة مند ويوكرة كلى كراده كرفزا فأدمحث مل الأمقان بها اذ ابدله كركن نهاقطر مفترا حتى فيقتمها ضيدان وال مراق جرج قعلت منها • لين أج ب د كرة و جد مغرا ولين الافرر فالقلة العنر أوب بع وارتفاقها وج والقطة الكرر أوب وارتفاقها ود م المراجع في المراجع ال فادام ارتماع القطمة و قطوا لكرة مزتر ربها له موزة عجا لاة واعلم ان آوب قاملة لكل ملا إلى المارة على المرادة على ال فرا ه همين و آب معلاها تعد و آو نفسف عقراها تعد فف بهب وَامِدَهُتْ كَرْسُمُ الْمُطْمَسُونَ؟ (المَّامَّةُ المَّانَ مَلَامٌ امَّالِ مِهِ مِسْفَ قَلُوالعَادَةِ الْحُرْمِ ارْتَفَاعِ الْعَلَمْ وَرِيرُفَ امنها لمجوع فالارتفاع والعاسل فسدس لنبة المحطة لكِنْ ق - صَلَّالِكُرة وم - صَدَقَعُوا لِعا عَدْ وع - ارْتَعَ إِلَمَا لَهُ فَهُذَا وَمِوْرَ

() (·(STYDANA=#) #(E+57)E=E شل ا عهوهم فطد فر اكره ادتفاعه مرون و فكرفاعدتها فما نيركت و بدع = ٢٠ م = ٢ 3= 1(1x++1)+- ·(a++1)++2 JOZ (ZOLL = · OTTSXOTXT = · OTTS (F+TA) T = (1) واذا اددت استعلام قلوا لكرة فاز تهتع فر نضغ فعرًا لعَامِنة وللدنون وذبك لان وج ×ود = وب (الليس اع ق ٢٥) وفر حيث ان قطر الكره ج د = وج +ود غ ولكراك ل وي وي عكون وقد متم القطر و وقع مدارتهاع العَطَعَ ووبَّ لعنف 12 Saber Hose تطراب عدة ها فرا العادا الدكورة وهي وج ×ود = وټ ه) ود = <u>وباً = بَ</u> (۲) ثم اله قط العرم جد = ود + وج فاقات فيمتى و د ووج مقام لا (m) \frac{r_v}{s} + e = 0 اى قىم مربع نسف قعل القاعة على رُبعاع القلة واصف كخارج الى لارماع ما المجوع عوكلوالكن عَيْ النَّالِ مِن ق = ٢ + ٢ = ٢ + ٢ = ١٠ + ٨ = ١٠ وجو مُرَاكِ (ب) واذاكان قطرالكرة ولدتعاع القطعة معوين وادوت يستن من تصرالات مدة فاطوح ادتفاع العكنة من قلوالكوة تم اصرب الماتى فى الارتفاع فجدر الحاصر عورضت قطوا لعاعدة ونهادكسده مهل المها كارق ع ص المال ال من م = ١٦٧ = ١٦٧ = ١٦٧ = ع والا (ج) واذا كان قطرا لكرة ونصف قطرا لها عدة معدس ولددك مله ارتفاع القطعة فاطوح ويع

ينف قلوالقاعرة من وبع مرتع قلواكل واضف جذر الباقي المنضف تطوالكره ان كانت القطعة هي ككرى اوانعضة من مضعط الكرة ان كاستعل منت فالمجوع اوالمباتى ارتعاع القطقه وخاركرتمه でしていまして、イン・マード×もしといいといいと r, 1 = + + = = 7/+ = 17-10/+0 -اىلات ع العلد الكرر - ٨ ولات ع العلم الصغر = ٢ (القاعنة الثامنير) من ثلام امثال قط لكن اطرح مشاعب ادتعاع القطعة و اصرب الباتى فيعرب التفاع القفته والحاصل في سدس المنبة المعيطيد وبذلا ליש ש= של (מי - מש) ד (בו - רמים) مثال التفاع فطدم الاة مران و قطر الكره عشره فهار في بوعوالعلمة ב ב ל (אציו - אצי) רשום י בין (יד יש) רשום י op forr= . Tryxryxr= (الهَّاعَةُ النَّالَةِ) اصف العِبْرَامَّالُ مربع الأرتفاع الى ثَلَامُ احْالُ مِبْعِ فَعُوْلُهُمَا عَهُ ﴿ وَا واضرب لمجتمع فالارضع والعاصر في رئيم سأنس لدنية المحيط. (على = ١٣٠٨٩٩٦٩٣٠) ورائع ع = ع (ع ع + ٣ ق) ١٠٠١٠٠ (ق = قطرالقاعده) وبده العامدة فرمشوف بت لفكار وشاكه المال بن عدم و في ٨٥٠ · (145 + 17) 1 = · (17 · 9(\(\lambda \times \) = 2 02 FEDER - (Tr. 9 X217 = 18.9 X 1. 1 X 1 = (امتدداكم الكرة في ارتفاع القلمة المرب عيما الكرة في ارتفاع القلمة

والمتكسط المدّب لثلث لقطة فاذا ددت علها مساحة سطح القاحة فك احة سطوا لفتلة جيعاء ميطالكره - قطواكرة بالمستالجيل من وه م قريط العاعدة - مال فَنَ قَامِعَ عِدِ الْمِوْلِلِينِ (1) مَمَّامَ عِمَامُ مِوْلِكُ اللهُ عَامُ (1) اي المرب قلوالكرة في ارتفاع القطمة و ذد على لحاصل مربع نصف صلح القاعدة واضهبالمجوع فحالنبتا لمجيليه فلك مساحة سطح القطعة جميعا فنيالي ليسان ق - ١٠ كوعلت وع = ٢ وس = م Preamy = mashxxxx = -A. CTTOT _ TELLTY E = Sculps والطراقدب عسط الفاعظ ١١٣٥٩٧٦ - ١١٣٥٩٧٦ - ١١٣٥٩٧٦ 114 6-141 - 4-1 x 4-(17) - (2 + 1x1) 12 - 0-3 تُلكُنَّا فَلِكُ مِن مِسْطِح العَلَمَةُ عِيمًا وَسُ مُسْتِطُ الْحَدْبِ وَمِنْ مُسْطِ العَامَةُ (1) س = الارقع + س) (4) (٣) المعل في تعلم على المران العلى على المن المحدم المحدم عيدوا م (ش٥) فراصله اوبج ومهم الوظ عو - هج - وج دى مهالمحفظ يدل فصر مفع الكرة الا المقاع القطت فاذاع درتفاع القلعرة الخرص لصعنه فطراكر مستى

ارتفاع المحودة ايمهم افاعرفت اكتدم صعواس امامه المترسط التعلاع فهي علي مجن مراسي الورما والعبل المان مراح المراجعة المراجعة المراجعة البط الصنور للمزوط والسط ابمدب للقلعه وقد تعدم الاسط الصرز المحفط يوهم صرب معيط فأعرته في الفضي طوه المائس ص - ل سي ال والطالم العلم العلم الله على على الله على (١) المَن لَى التي عوده المائرة القطاع جونصف قطوا لكرة فليكن لفسف قطوا لكره = س منود (۱) المرد العله جل = س م ين ين فلوك محريع (١) و (١) (+ 2+) or = or 2 = + or or (+3+v) اى دُد نفت صله قاعدة العلم المساعف الدرتان والفرب لجيم ف نعف قطراكره واى مدغ البته الميليد كصيرك مستقر مطرقطاع اكده من ل ، بدس مرسل قبل وترقوس ما نيوهشون شرا وسهم وتر ماسيرار بنا القاع = عابع ووروس اب = ٢٨ ويم وسرج و (وورافع العَلْمُ دُنُ أُوبِعَ ﴾ - ٨ ١٠٠ [الله (ش ١٠٠) الله ع = ج و = ٨ و س - او - بنست قطرة عدة الحلَّد = ١٤ مِنْ عليا المستلم العدا عامُرالمع وا الدي يونسف فعلوا الره ويديدا عو× ود = الله (الليس اله : ٣٥) 10 3x (0-3) = V فَاخِ بُمَ المِولِ ق - سَلَّ اللهِ فَا اللهِ فَدَاعِ فَ الفِيصَرَ اللهِ فَدَعِمِ مَ 9744- FUE - FIG - FT - 14 - 54 فاذا كان سط القليم عن فل س عد ١٦٠٢ XX (١٢٠ ١٢٠)

142 منافه ان عال ما مو هم على علاها هرميش مرور مرام ووتر ومديم مروشرون مرا ورماع العلى ع مدافسف قط الرم و وتروت، مد قط قاعدة القطعة أوب ع (ش ٥٠) فعين للان وسيدم ع لاى لدَّتفع العظم وج وسيتم درتفع العظم باتعدم فارخر القاعدة للاد لم لاستم عم العلم كذا (ق = ٢١٤٥١ - ١٢٥٥ و س = ٢٠ = ١١ ゲーでき / ±0= E 15-41.0×7 / +11.66 = 6 " 177-1-07 FOX 1 + 17640 = 71 Cara / +17 60 = 197 - 578 Cara / +17 60 = 7260 A = AFTA ±17670 = عمدلد الارتفاع للقطع الكرر - ١٤٤٥م - وحد ومداد الدين علاطعه والرا ومنى فيج 🖚 ٨ والمرادب العاع القطعة الصنر وا ذه وعلم الساء العطعة فلجرم القطاع موحب (أ) لما - 60777XXX1-0760 - 67777XXX7760-E -1/2 2272627 = 16787XA20. GI= وعرجب زب ن YGALLXAXSTLGTO= YGALL XAXITTO = E KKY PLANT (م) الفولم في ملنه الكرة اما ماحة سطيها فاضرب محيط الكرة في رماع المنطقة يحيسل للاسطها المدب فاخاذدت عليه سطي فاعدتيها فال كاسطيها فيكن محيط الدوءم = قي وارعاع فسلة = ع طلاة اسطام المحاب

لمنظم روتم فالارتد (س = اسطالهد)

(A) (D)

ی = مع = عدق ع منال ایرسلم سطور کرور به جده (ش ۵) ارتفاد دول فده مربرا وقل اکن انفاد رفون برا

There x in xpr - 6

- THEITKEA. -

۱۹۰۷،۹۶۸ میرمریج شل به به بوسط سلقد کردته مدهده ف ادهاعها کی می میران وسیم بروفطر

الكره أي فية ومبروفس ش - ٣٠٤ × ٢٤٧ × ١٤١٦ ٢

= ٢٤١٦×١٤ ٨٤ عند ٢٠٨٠٦٤ عند ميرمريم فاذالددت مع المسلمة كوبر مساحق القاعد تين شلامساجة ب تنتج و حدد غالمان

الدل و ساحى ده وع ف فالنال اللا

طیکن نفف قطاعاً عدة الکبرر به س و نفست قطاعاً عدة العنفر به سی فناعة الکبرر به بادس فنا

عوماً + عومرًا = عو (مَنْ + مَنَّ) = م حق اللا عمرَّنَ مُ عو (مَنْ + مَنَّ) + علاقع = م حرمة مع اللطعة كما فعن ومع الملعة كما

بالدرد (س = الح المدلم)

(そう+で+じ)が = い

ری

اى اصرب قلواكن في انفاء المنطقه و زدالحاصل على مربعي قطولي المين واضرب لجمدع فى تدنية المحيطية فالحاصل هوسطرا لمنطقه كلها فانجعلت قطواكن فاعلى عامر في المجت المام في مطمة الدائرة هلاأ ا صهب جعوع الوترين (1ى تغزى الماعيين) فى فصلهما واحتم الحاصل على ﴿ رَا أربقِهُ امثال المبدينهما (دى ارتفاع المنطف) و اضف الخارج على لبعد شم زدمه بالمجوع على مربع الوترا كاصغر فيزر المجوم هو قطوا آكن (وأا المهرعام مولاد ونفت لمنطق ع طرف واحد الصف لكرة ووقت ع طرفها) لكن ق و قطرا كرة و و و ق = الوزن و ع = ارساع الملعه فلا كالعم مَالَ اللَّ مَا مَا مُعْمَدُورُ وَعُمْرًا فَاعَدِيهَا ٥٥ و ٩٠ وجداميها ٢٠ مَرْا 10-10 10-10 13-17 cv-03 17-67 a! + {r. + (a. - q.) (a. + q.)} V= 3 · 10 .. + 9 1 = 10 .. + {p. + 2.x12.21/-= 1.7 V1 = 1.7. V= TA .. + Al . V = 1.7 907 P.12 = 1. 9907 P.12X1. (1.x1.169078+10+20) or = 00 is ב דוגויץ (פזיץ + פזר + דדו ף פיץ) 12792 X 441 6 6 43 = 4134. 66 384 X 449 فاذاتنا وىالوتران واردت قلوآكن فجذرجموع مرجى ادلهاع لمنظمة

2000

احدالوترين هوقطراكن

و دُولِک لان الوترین می و مِن تولد زمه ادا تساویا نامیس ان کونا می دبانب واروفر الفنت دائرة اداکرة فلامه ان کونا می طرز الرکز می البد

وطونها الماسمة وطونها الله وبا

مَاون الرَّرُ وحِنْدُ فَالْفَالْوَالْمَرْسِيمُ الْمَارُّ الْمُلَالِمُ الْفَلْ فَعَلَا أَبِ (شَرَاهِ) = خَلَادَجَ وَهُ وَرَّ الْمُلْقَدُ الْمُنَادِينَ وَخَلَا بِجَ اللَّارِ الْمِرْلُ فَقَ الرَّمْرِمُنِهُ الْوَلِمُ الرَّدِهِ الْمُرُولُونَهُ الْمُلْفَدِ الْمُنْدِينَ وَخَلَا بِجَ اللَّارِ الْمُرْكُرُ فَقَ الرَّمْرِمُنِهُ الْوَلْمُ

مُ الحلا الج مع فَى المُلْمُ القَامَ الزاوة بالج لنا با وبولطالورين وأج وبوارتفاع الملقة فهذه مجوعها موجع النرمو وترالمنت مجر كالرواك وأوك الدوناء وبداد موداها عدة

छ = √ है+3

عُ لَ الله والرَّة ووكرة والله من المن مدين ورقفاها ١٣٢ وقطر

اصرافعاستين ۲۴

91.1 V-0112+1.46/= Vi+riV - 3

44 6 4 J. Y J. + =

امامساخهم المنطقة فاضف مربع نصف قطوا صدى نعاعد بن الى المقدم مربع نصف قطوا صدى نعاعد بن الى المقدم مربع نصف قطوا صدى نعاعد المحتمع في المارتفاع والحاصل في نصف المنبة المحيطية (١٤٧٠٨ – ١٤٥٧٨) في المارتفاع والحاصل في نصف قطوا من عدين و د نصف قطوا من عدين و د نصف قطوا من علافر و ع مد ورقع والمنطقة فلنا ما ذكرناه فه والكرسية

ارتفاع المنفدم المنفاع المنفدم

Store

(b) 1604-26 = (2+5+5)= 0 ومد العبدة عامّ تعلّ المنطقة المتوسطة عن المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المتوسطة عن المنطقة (ب) لاستقلام حرم المنطقة المتوسطة (١) اصف صريم قطر إحدى لقاعدين اليآلتي مربع ارتفاع المنطقه . ١٦) ا واطرح تُك مربع الارتفاع من مربع قعلوا لكوة . ثم اضرب ليجوع اوالياتة في الارتفاع والحاصلية دبم المنبة المحيطية (عدم عدمه) وبدان وسرراه و فيكن في = قطوالاه و في - قطوامد العاعدتين و ع مدارتان علمط (ب) { ع= (ق+ ع])ع عمري، (۱) J = (0'- +3') 3 2 6 A.P. (1) مَّالَ الْمَتْ عَرَامُ عَلَمْ قَطُوا فَاعْدِيهِا ﴾ و في والبدوية الله من من د = ١٠٥ و دُه ١٠ و ع - ٩ 164.4x4(4x++16++6)= 5 - (67) + 67) + + XII) P X X Y VA = (6) X + YY) P X X Y Y - 67 0-1 GAY-7 = 1504-AXT1960=1504-X4XTA60 = منال ۲ ما موصر مسطعة مترسط كل ولصوم قطري قاعدتها مستد كيسًا و وارتفاع المسطعة ما سيهمًا و موجب (أ) 5 = (٢ + ٢ + لي ١٠٥٨) ١ ٢٥٧٠٨ مرجب 1644 + 4+4) = = (11+7217) AXAVET = 7247XXXVET = ۲۹۲ ۲۱۲ ۲۸۰۷۵۱ = ۲۸۷۴ ۲۹۶ برک = ・{VX&£X A(X x ディイ) = と しょくり シャ

· אא אא אאלי = י ייאא אא אלי + דין) = ב = ۲۹۶۴ X XAAN = + 6VNAXX 45964 = ومرجب (١) خ رب) يجب عن (ولد وسيل ق وعن قطرا الرة في الم 1=1-1/= 72+FTV= 1+17V= 0 ・ショニ (シャーサメダ)人メショウル 2) / 2012 / 2012 = - CVAO2X AX VAGA = - CVAO2X AX V (ه) المول في كتب ما لكن و وراحب ما رت في وران لا يم عن ومد موريم فان دار كالمحده الاتصريسي مسطح المتكبن اوع محده الدال فهوم مط العكس والمراكب مد المحود العبل والمحرا لدائر مد المحور الاستواق ب على المرا الدائر مد المحور الاستواق ب وقلة سبيداكرة بدجزوسة قلي بطح قائم على المرادري العلمة مستليح مكون فاعرتها دائرة والألاقاع ي محديد الدارُ موز باللحرا في مت ممت العطيد عليلمير لكون وعربها والمامية فاخاعض ما تعقم فنعق لسدو وبدارض الاستعلام جرهد استيه ماكرة احرب مربع المحدالدائر في المحداليّاب والحاصل في موس النبة المعيطية (ع ١٠٠٠ - ٥٢٠٦ -) وهذه القاعدة عامة ويتجزع سه قاعدان فليكن المحراة طول اى القطر الاطول = ق و المحرا لاتصراع لعمر الاتصر مه تن وقد علت ون كلامنها ألا أبت دو دور ملسب (3300

ح = ق x ق ٢٣٦٠٠٠٠ بي شياكل مؤافظي (١) اى صرب مربع اطول لقلون في القيرها والحاصل في سرك مبتر آلمحيليه الماكا شبيدالكن مسطراً لعلبين فالحاصل هو الجرم من المرافع الملي (ب) و ح = "ف x ق ٢٣٦) . لمرم شير المرافع فيرم المطبي (ب) اى اضرب مربع اعتموالعلوين في اطوطها والحاصل في سدر المحطرا ذا كالهشيدالكن غيرسط لقطس فالحاصل حوالجوم مثال الما وجرع سيد الكرة مسط العلبي قطره لعظمي المروالكتمام ومر الر ב - יאצימא דין בי יאציים בייארים - בייארים בייארים בייארים בייארים בייארים בייארים בייארים בייארים בייארים ביי تْ لِي ، مروم مسير الله غير مط العلب قبل القبلي • يَثَمُ والاتوارُ • ٣٠ بُرُ 17097 = . GTTTX 9 .. X & . = - GTTTX TTX & . = E فرزغ بأن المالين تعاوت ابن الحرمن تعادت البيالحسين الحالة الدول مط العلمي وولنا وعرمطيه سمى له طول العكرى فنهى واصه فليك المامرغ إمثال بذوا لمواد وعطا لسيديقي ومفيا وكسبه والمدالولموفي والمواق (١) المقل في قطعة النبيه بآلكن و في معمدة ن (المعون الأولى) الماسية موارث للحدا الدائر فالضرورة كمؤن الفاعة مستدرة المتسقيع عجها المكال المحا من ألانداه المورالعظي (الامرالات) اطرح مضاعف أرضاع العظمة واضرب الباق في مربع الارتفاع والحاصلة مدركات المحيطية فل سبة مرابع المحد العظمى ودوانات الى مربع المحدكامتواق ووالعائر كنبة عداا عاسوالمتعلم الفاالي جمالقلمة فيكل المدالدار - دو المراثاب - أ والديناع -ع فلا موجب، ذكر

(45-13) 3 +416). (1) 7 = 1: 6: (21-27) 37776 : J = = = (12-13) 31 = 7 ... اعامتم مربرا لمحدالدا وعلى مرس المحدالثات واصرب الحارح فحربم الارتفاع والحاصلية اكماتي من طوح مضاعف الارتفاع من الامراهمال الموراليات مم الحاصل في سدس مند لمحيطه فلك عم القطعة بذا أذاكا سالقطف مشرة بوآء لانت قطعة فر سبكرة مط القليل او فرملها و تمانكانت فطعتم صسطح العلسى فلأب ا غيارالقطرن الاطرل والدقع ·Grra E(27- 37) 3 = 7 اي قسم مربع القلوالاطول على مع العقوالا وصروا ضرب الحادج واكباق من طوح منسا عف لادنعاع من ملائرامثال العكوالافقى ثم المحاصل في مربع الإدهاع والحاصل فيمدس كنبة بمعطب وأن كانت قطعنس غيمسط القطسى فلنا عقاريا وك שב בל (דם - דש) ב מדום. اعامته مرم العكوالافقوعل مربع العكوالاطول واضرب لمادع في كما قيمن طرح مفاعد آلادهاع من ملام ا مال لعط الإطول ثم الحاصل في مربع الكار الارتفاع والحاصل في مدري مرا لمعطب رِيناَع والحاصل في مدر كريد المحلف ما ل الموتطه و مساكرة مسترة العاعدة فرسد كرة فطراه محنون ولور فرا ولدتواع لعلمهسك

SI.

2 = 1:4 (7X7 - 7XF) FXF47 & = 67 (18-11) F4XF4761. من ل ٢ ما وحم قبطة مسدرة القاعدة من شركة خرم طح القطبي صرّ له عموله وللري متعرا وارتعاعها سيمشار · (arrax 1 (xxr - a.xr) = (1) ->+ = £ (161-71) PTX FTYO. - GYETX REVIEW - GETTTXITAX TTX - PY 9 TY EXAIPA = GOYPYX IVAN EXA فرر الغرق من إيه الله إلى الماء ما عن العلمين فرحيان المدري ولعم سب كة مط العظمى وورم و غرسطها مع كوله طول العطوى فكلها والارتفاع طليها ورمد فليتغلن في التال الا الما (الصوبة المانية) ما كانت القاعدة مورثة المحداليّاب قائمة ع الحرالدار فدرَّن فاعترب الملحة فلاشعلام حجرا الموح منهاعف ادتفاع القلمة من ملامة امثال قطوعا الاستواثي فص الباقى فى مربع الادتاع والحاصل فى سدس من تدالميليدم فل نسبة المحود الاستوآث الى لمحود القبلي كشته عذا الحاصل المتعلم العسا الحاجم القطعه ففاعرجب أدكر -6747を(27-27) د: ۵ :: (٣٠ - ٢ع)غ ٢٩٢٥٠: ح : 3 = = = (7c-13) 1778. (ب

اى المتم المودادات على لدارُّواض لم الخادج فرم الادْمَاع والحاصل الماق من طرح مضاعف الادْمَان الدارُّ ول لحاصل غ المباق من طرح مضاعف الادهاع من مَلا لمَّا الدارُّ ول لحاصل غ سدس كذبة المحيطيد فلا يح القطعة

مم ان كانت قطعة من مسطح العظيين فلاجت را لقطر في ولا و لا تصر

(1) ·Grm(2r-3r) 120 = E

اى المساحة العلوا المستوعلى المطول وأضرب لخادج فى مربع الارتفاع والحاصل فى المباقية والمحاصل فى المباقية والمحاصل فى المباقية المحاصل المحاصل في المباقية المحاصلة ا

وانكات تطعة من فيرمسطح القطبيي مدافهسار وذر

(1) -6177 (ET-13) TEUS = E

ائ فتم المقل الاطول على لاحقو واضها لخادج في مربع الادتفاع والحاكم في الما والعلى المنطق والحاكم في الما والعلوا لاحتودا لحالم في الما الما القلوا لاحتودا لحالم في المدري مدال معلد

من المليسية ، بوجم قطد و بايت إن عدة فرستبدكرة مسطح العلبي فعار خمون و غرون بشر و لعدما و ستيم ر

براه داللقاع سنتدكث

العرض أدر

معب دا) خرب ع = معب (۱×۲ - ۱×۲) و۱۲۲ معب فتعلن ابها الماطر كعف مترفنات الدواحد الدارقير ادع محققة وكذاك فعزب الاثمال فنهدك المركد لهور ولعدموالمق العداء (V) العولي مشبه كن ناحق من طرفيه فالمان كون المعقرة اوممُقعة فالأول بقيل لا لمنطقة المدتبط مرمشه كرة وخيركونما لَان وَفَيْنَ عَالَكُةُ) معتم المتعلق وأمّاا لماني فاستعرفه القطعين لماقصيت بإمرو المرم محرفهما جم شير الكرة للله فالماع بوا الملوب مع من كرة، قمة رطوف هدى ما فكالمستملام يحير وعرف يجم عصعبي ولمفتى عدو و اجب واطره محومها إعم الصركاسي عمر هويحاط وخاوره اديمة والممال بامرخ اادما وإماا لأوآس دغى بالمنطعة المرسطة فازيستود ابينا بطره مجرع ججالعلين فرع المركم الاول المرض ومهراكون القطعين فيدتسا وثين ككل أما فيرقا وأ (الاولى) فادالان الطرفان ورئين (دى ورئين المدالدائ) وهي ان وفلام قلواحداللونين آب ده هق (شعه) عليمشاعب مربع المسلولها وسط قع واصرب المجتم في طول المنطق حيج والحاصل في تُلُكُ رَبُعُ المنبة المجليد (و ١٩٥١٠) ملك جم المنطق. كن فعر العائظ في سف و الفطرالا وسط من وطول الملكة - لفن ع = ل (ابن + فق) ماء٢

سْال ١ ما يوج مطور مركبط فر مسركة فكر وصطرف مبران دخي شرو قطره الله نَوْرُ كِنْ رفض وطول لمطع حمَّة كمن ونور لزم كربر (نب س ٥٠٠٠) 16751A (164 + TEXT) 65=8 669 - do (FFIA (FAF+ 149AXT) 05= · GSIAXY9 GTXAG= · GSIA (FGAT + TFGA-) &G = - 444 41.344 / Se-(المانية) فياداكان الطرفان المليس (لى قائمن ع المورا لدارُ والعجم ان كين لكل في العادين والوسط قطراك وعلى فرند عاصم المسطح قطرى احد الطوش عرمضاعف مسط معلوى لوسط واضها لجتم في الآدتفاع (دى الغول) والحاصل في ثلث وبع كمد لمحطه فال يح المعدليك عَلِيَن فَعَرَا الرَّمَا- أَدَبُ وَفَعَرَا لِمَنْظِونِينَ جُودُ و الارتفاع - ل علما 3= 6(141+34)147). رُ ل ، وجم مطويريط لالهاي لطون قطرا ومعالاً ٥ و٣ و قطرا لعدطر في الله ع و عاعم وطول ١١٦ ير (قدم) (الله ن 5 = 101 (1x0x1+ 4x4) 141= Z (سنده) والمرافق من المراقع العلم فياد مذاك وقد بني وم المرافع والله العلم العلم فياد مذاك وقد بني وم المرافع والم الله والمارل الدارة

الشعبة والهذلاليه وغيرناك فالنافرك كسيتم رسانا الغطيس مأوا لحنثر محلاله وكال ولل وكال الماكلة الطوارة في قط لموفط والله م النائم منه (المعثار المعثار المعثار المعثار المعثار المعثال المع الخنة) وقررهما عادر لائلَ وجود فرخ ملكنة محبه ذي على كثره منا ديم بزداهنة وبي المثلث سلومه ادبته مثنأت تماوير المكعب مؤرمسةم ببات تماوية المهتن سلوم ثأنية متثأت قرادة خواكا يخفتو مؤمداتنا عرمخشا خياة ذوالمعترن مطوم عشرون تلأماوة واستى ذرالاف كخسة الدكنة مالاجهام المياسية والمحسم العاراكان جيع نودا المجتمة شاوته وجيع سلوحوا تكال فاسينغنط مشاورالك لاه والمبركان فوالمجمأت ادمم فوالخلوط المربوتها ع قرطاس مع م اطوالقرط مع المالحاط فكون أسام عامية المسم المذكورة ومده صدع





﴿ أَنَّ الْمَامَاتُ مُسْلِحُ الْمُلْتُ فَاصْرِبِ مِلْعِدِ فَيْجِدُوا لَمَلَامٌ يَحِيدُ الْمُلَامِّ يَحِيلُ الْم واماساخه جرمه فاصرب مكعب ضلعه في جذرا كائين فلك ربيرا لحاسل عجبه ح= ١٤١٤٦١٤ = ١٤١٤١١٠ = ش ١١٥١٧١١٠٠. مال محسمتف لحدالضعد مانيد ومبار فا موسطر وعجد IN KAITAIT - ISYTTOO AX FF = ISYTTOO AX A-U و ح = ۱ × ۱۱۵۸۷۱۱۲۰ = ۱۱۵×۱۱۵۸۷۱۲۰ = ۳۲۹۷۶۳۳۰ ، چکپ (ب) اماساته سط المكب فاضرب مربع احداضلاعه في منة يعيد سطه واماسا شهر فركعب احداصلاعه عجبر س من ع و ح ما سُ ل كنب ضلعه ه أ علم سطحه و جمع س = ٥×٥ = ٥٠ ١٨ = ١٥٠ برميم ع = ۵ = ۱۲۵ برکب (ج) اماسلح المتمن فاصرب مضاعف موبع أحداضلاته فيجدُوالدَّلارةُ بحيكُوهُم アイテキションジートインアナ・カップアー デンジャーか وإماعير فاصهب مكعب صلعه فىجدد الاشنن ملك لي صوعيد مثال محب مثن منعد خرة كيار كلم معلم وجير CASGIOFILLY GERMEKTO - TGERMEKO - U - FON CATOSTO - CEVIF-OXIVO - CEVIF-OXO - C (a) اعامساحة سط ذي لاشي عثى فرد على ضاعف جزر الخدية خسة واعتم المجتع على خسته وأض و سجادا لمارج في خسته عشرتم الحاصل في مربع كمنك في المرا

عصر لك سعد ولا ماسم 16775-249 VVOIT-XT+0 100 = 017+0 V 10 00 = 0 dehalledooner x in the Letalled oo .. L. + a le con = - 001 / A ... 1 PINT PA - 1 - - - 1 AIX TIA - 1 - 1 AIX TY VIAI - - - AIX 1. 6540471 N. 184440 50 = TI W - JANYVAYEDIT اى اضرب مربع احدا كاضلاع فى عقدا المعدد المات (٢٠٨٧ ١٥٠٤) واما مساخه جحه فاصرب جذرا لحنة في احدوعترين و ذدعل الحاصل سبدوا دبيين واحتم لمجتمعلي دبين واصرب جذد الحادج فيخسرتم الحاصل في مكعب ضلعه يحيسل للت ججه فلنام تدم TELL SAAAAON XLITAN LO P = SALITAN LO P = S THEYOUTHANDENDED TO THE FEE JOYFTVOTVOTTEN JO TO = 1 CONTENTATION XA UP - TETERATASALIMAD VAUS Y -> + T11149-+144 0 = 1 3- 3- 114 MARKEN اى صرب مكعب احداضلام في هذا الهداليات (١١٩ ع ٥٠٧) عيد شال محبيم فراتع شرصنعا تساوي احداد ماده الرشار (عن - ٩ وطن - ٧٧) יט = דאתוצסיץ = די בססוות אחן ילינים ح = ۲۰۶۲۱۱۱۹۹۴۷ = ۲۰۶۹۰۴۱۹۰۴۶۹۰۲ رکی

(ع) امامساخة سطح دى لعشوين فامن ب صلعه في خسة امّال جدد المّال مر

ICYMY. D. AX DOW = TVD W - W Jo A699.704.70=

شال البدر معلى محسبه فدع شران ضلعات ما ورا و معنى عدور للداري ووفعت AG9. 14 4. TX 14 640 - A 659. 144. 1 X T'a = 0

C/1-7 GAAIIN -

وإحاجج دفن دسيعة على كالذاخ اخال جذوالحشة وإضرب جذونسع المجترج مكعب صلعه تخسة استاس الحاصل عجير فناماذكر

LALL-MAMONIALA (= 2/2+A / = 2 = 5 שנייאריקייום יון בינים ב 4614-441-14544 - XANNOX & CO- 1415-141-14544

* 51 ANT 7 E 97 - 570 [1 =

י ש-ינים די דו אוף בני

اى اندب مكب شلعد في عن العدد المات (١٥١٥ م ٢٥١٨) يعمل عجمه

TEMPTOXTY AVE-TEMPTOXTE - OF THE TEMPTO

حدول الاصاما تسال ولالموسوس والجها	47 FOT-147 = E
المالية المالية	1 1 . 1
	وفالبدل نتية ما الفياك اليك كيفية
الكتاب	العن ان شخب مربع كمشلع
1 - 121 Meter 1 - 12 - challenta	
۲۰ کواکانوعشر ۲۰ کواکانوعشر ۲۰ کواکانوعشر ۲۰ کواکانوعشر ۲۰ کواکاروکاروکاروکاروکاروکاروکاروکاروکاروک	المعلوم عندك في السعو الدولي
٢٠ نوالمتري ١٦٩٥٠م الوالمتري ٢٠	, C.
•	يحسولك لسط المطلوب .

وان منوب مكمب تضلع لمعلوم خدلة في الجم لجدي فلا الجم المطلوب والأ

وشا لم تبيغ م المنَّال الأمر فالك تعزب مربع تأورٌ ونضف الدي وركضع المعدم خدك واللح اكبدل الدريد ٢٥٠٠عو٥٨ مصريح 165-10+, XII40= 199-10+, X+60- U = ١٠١٠ م مربرم كاتسم و ع دلافير (المجن الخامس في الإجسام غير متفله المشكل) ونهاك قراعد الغامنة الإوبى ومشهجهم المعاد اشكال مختلفة واعض جم كأشكا بماعتم كما فحوع فكالجورع لحم لمورض (بالقاءة كثيامية)اذا كان محبيه فيلمذ فرمخرة لادخت غيرسلية هرذا مرة ت ومودات يعيب تقتيها الاعته دلكة ل مملَّة فليميدغ وعاد كالحن ديخه و رغره اللَّارِحي بيره وعلم موضع لماً وعُم اخرج الماء فلارك وب لما ونبزل عرض العصة عُ عَم عَ موضا لمردل والم جراس العدين فانهم الحب (القاعدة كمَّالمَهُ) ذا كان أحمه واجمهُ عليهُ ضَلَّ طوله مُراضٍ مُلَقَّهُ وكذا عرضه وعمَّة وجمَّ المعتد المدرسا فركل فراداه تم ومزب فده المقادر المرتسط معنها فربض فلك جرام تعريبا (القامة الرابق) اذركا ن محسم ذا لمول فاقسم الرقيليم متساوية البعد فا مُاتِ عاضل به تفيس لول محسم ويستدس عرب كل فريذه القطع و دجريذ المساق عوض غرالعداية الامادغ ومستلام مرتكل وي خطامن واسط العزاص المت ويركوا ساھ العوم وسے کہ جمامیم ع = ﴿ (٤ + ٤ ج + ٢ ف) ب الانفاعة الوله أوتماج الإنكرتهال وصلالمانية فلية فرخت غرض فأكر فرت وحف كق المارضاد ارتبرا فلا وخرحت منه مزل لما ر نصف بتر كلم كان جرالفله فراحت

وجلَّه ان قال اللحضُّ مان مملَّه افراللَّه كمان عجه كم ارتد دستن مُرا مُعافَمارُ ل للأبعف برفعنيا ان نستعة عجم ومن كل فرطوله وعرضه إراد مهبر وعمقه تضعف بر فانه لتحقق حج العكمة ع = + x + x + أحد كاركون ويوع الفطور الحت شل المفدّخ عجر خرج مليا لهنر عمرت في وعدًا وكوانا فراللّه وظرورُية خشه له فلا وخرعت نزل لمآره مبراه الدرادع مر وحلَّه لصرَب من صَدَّة من الاسطولة في برو للشرارة عِبْر والم في الاسطولة مهاكات ترا الالمؤلة وتدعمت فياقتم ال عم الألحاء - ع م كا كال فلنا بناع = ١٤٧٥ و TECTOXICO = TY COXICO = T LO CO = = = -۳۶۷۲۵۰۰۰ و ۴۴ مر مک عوالعار الح وت ل العامد المال عدر م الما و عراسط المر قسف العام م مواض محلف في في الموالم فالرض المنف مسته ممتار وربع ومسقه وساروهمى تر ومسار وندعي شروكان عرد ضرا المراصم محلف ارميها والانه اب روارو وعام سر ووروم رونفف و كان لاعة عديد الماروه الداوير واربيهار وسعه وت ربر وغمة الماروربع فكركا ل سمة بذا الدروكم كراكور في الماء وبذه صدة الهم

So of

AX 10076. V = T2T : 1007 6. V / 1/2/11 = 99 = + 35 - 12 47 67 (1) 650 وشال الله عدة الرابد الدجم حب خررته لا طولد ١٠٠٠ برووما مّات عُرفيعي شاور البعدمة ١٥٠ و ٥٥ و ١٠ و ١٨٠ مرري . بنع = ١٠٠٠ ١٣٠٠ وب = نيز = ۴۰ = 49×V1-×1 = 40 (14. + 94. + 14.) = 5 : ٠٧٧٠٠ = ١٥٧٠ مرمريج مثل يحبرة ميورة ما وشب الماضي فطر ترادية البدوسة مثرالأعلى عرون و ارفة وحروال وسندو للول وللول والموق والمدوخرون فراء صدع المرك مران ولعف برا فاوج المفرة وم كرد كورالكوم ألكوم في عدد ٢٨ + ٢٠ = ٨٩ عدي = ٢٢٠٠٠ - ۴×۴۵ = ۱۶ و ۲ ف = ۲×۶۳ = ۲۷ وب = ۴۵ YGXYT>X= TG(YT+ TIS+FA)テーとい = ۲۵ XII۲ = ۱۵ XII۲ برس CI) PETER + = PYPE = TYPE = TYPE بنوه الحقيرة كوىسة كوورد نفعت كر وعدم والركون فرا الماد من ك قلعد احراضرت في دارة وخادرا وكفية ال ولدرا (خاند في الكلام على لاجسام المنشاعة) اذاكان جسان عامية ورصة إوكار ولصقير المعتشالهان وازكا اخمقنن غالمة لدو مية ل ببن الاندان اصاماك اوانموذج كآوخر المكعبات كلها مشابعات بالكوات كله مشابعات

ادُالًا لَ حَسِما وَلَمْ مِلْوَهِ مُزَارَةِ وَوَالدَاياةَ عُهُ وَكُمَّا لَ الطراف اللَّهُ خ لصدما المي

ستدة يأنفطه ورصة بالترتب مضاهف الدطراف الملاثه فرالدخرا فترمث اوملاثه

المدورة المعلى المارية المورية المورين فري سطيس مائي الدواما ومن الها دولكر اور تر فالجب ن منابهان مند فالمتورين فري سطيس مائي الدواما (212,74) 10/0 (21,510)

وطَلَقِ فَ (سُلَاء) مَنْ عَنْ أَهِ الْمُنْ الْ

وَ لَا يَهُ وَ اللَّهُ وَكُوا فِ اللَّهِ الْمُوا لِي اللَّهِ فَي اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ عَلَى مِنْهَا فَي اللَّهُ عَلَى اللَّهُ عَلَى اللَّهُ عَلَى مِنْهَا فَي اللَّهُ عَلَى اللَّهُ عَلَّى اللَّهُ عَلَى اللَّهُ عَلَّى اللَّهُ عَلَى اللَّهُ عَلَّى اللَّهُ عَلَّى اللَّهُ عَلَّى اللَّهُ عَلَى اللَّهُ عَلَّى اللَّهُ عَلَى اللَّهُ عَلَى اللَّهُ عَلَّى اللَّهُ عَلَّا عَلَى اللَّهُ عَلَّى اللَّهُ عَلَّى اللّهُ عَلَّا عَلَى اللَّهُ عَلَّى اللَّهُ عَلَّا عَلَّا عَلَّا عَلَّ عَلَّا عَلَّا عَلَّا عَلَّا عَلَّا عَلَّا عَلَا عَلَّا عَلَّ عَلَّا عَلَّا عَلَّا عَلَّا عَلَّا عَلَّا عَلَّهُ عَلَّا عَلَّا عَ

ونعظم علقية من مع و مع فيها فيذان الجيان شابع ل ماجان اخري اذا كان كومُ العادالله لله اللول والرض والعمق في لصديه الضاعف كل مُراعاد للاخرى

بالرمي فهذان محال منابهان

ادأكال الارتفاع وقطوالقاعدة غ محفط مردرتيتم مضاهت الانتفاء كور الارتفاء ودر غ محرفط مدور من أخر او له يُد ومنال ما الكفر ك الدوكر وور مرفعيذ ال المحروط ن من بهان والدرة والمطالمة فيلدرتين

اجرام الإجام المتشاهة كمكعبات ابعادها المطابقة بذه العَصْية فرام القَصْ ياغ الدِّسِ مسَّله إذا كان فَعَلِ كَرَّةٌ حَسَّتُهُ وَقَعَلُ وَعَرْرَ

اربة وشركان مج الدة الدرل المرج الأثير كلك م الديك ع طيك جيم الاولم = وحجم الماني مع على وقط الادلم = ق وطران مه ق فل

で:で::そで。

هِ الله ع: ع: ٥: ﴿ لَوَ عَ الْوَاعِ: ٤٠ اللهُ عَالَمُ عَالَهُ عَالَمُ عَالَمُ عَالَمُ عَالَمُ عَالَمُ عَالَمُ فلنذكر فك صربعي لمساكل لمستلقة مهذاا لماب (1) مسلم محب سرور صدفا بدخد محب آخر هجه مضاعف جرا لمكتب الادل نعنول نبته محب الدو الملاب المرحك العلاص منبة الدنين المرا الداحد فادا والمنافقة Tixt = Bixt = T: B:: 1:1 bull وآ - ۱ ، ش - ۲ وجيرالانن له عن = ١٢٥٩٩٢١ = ١٢٩٩٩٢١ ا بي لينلم المعادب ليدل الجدرا أكبين للاثن و الو ١٠٢٥ ٩٩٢١ - ١٠٢ فالحواب لهٔ اذا كان ضع كب ١٤٢٥ ٩٦٢ بر الله مجرهٔ الكنب معاعف عجم كتب ضلعد سرو المد ولا وليركن بضاد برواعد فنا مرضه كتب عجب خت ومن ل حرا ككب الاول سَ عِنعَ :: فَنَ الله عِده ، عَ - ا نَوْن Tixa - Jext : Tille : 11a hut ٠٠٠٠٠٠ ١٠٥٠ ١٠٥٠ ١٠٥٠ ١٠٥٠ لى اذكان خل خلب ١٤٧٠٩٩٧٥ عجم خاالكتب خسَّامًا لُ عَجَمَ طُوا الْكَتَبِ خَسَّامًا لُ حَجَمَ طُب فلو وضعاً وفي ح في المادلم (ح : حَ = سَ الله الى حَ مَنَ = ح ای ح = ض) لتى مدركت و حرفا عندالوث ن عادت المادل ح = ض

المردوسة ص = ك ولاخ بدوالمادام ض = الله (مادرُهام و تفاعلات) فاحرن الشتخ الاعدادمين اوكرا إدخملك مند وقد ع مرضع منب جمد كليدون كي تحب ومرضاده واصر لقد 1-41×14 = 200 = 0 لى اذا كان منع كب عود ١٨٤٥ ما بركان عمد الله وال ولصف كل معرود وبر الدر تدمَّدُ مِن في الملعب الدول م المعصدا في في مسل سالد ورج ما (ب) ارتاع مرم المفرمتر الريدان تعفع منجروا كؤن ربع فلك المرم ومرا الجرز مرم التي خَفُولَ ١٤٤ فَ إِلَا المدبرم المرم الص فالعزور عون الاع ف الدرسة اراع مد وبذان البرون من بهال كفك وليذا أسب كعب للعاع الدم الدة كيب ن يون الدير اراع البراقان البرم الك ويكب ال كون علي لتف عالبرم الان الله الداع كحدا بي ای تیمن ۱۲ - ۲۲ ×۳۷ - ۲۲۶ فیوادر کیال ارتباع البرم الباءٌ جلد عد ١١٤ الكبي لى كو ٧٧-١٠٤٩ بر ولهذا بكين لدتمام الجز المقلم عد بولدتماع البرم للعلوم ١٢ - ٩٠٢٧ - ١٠ 🖚 ٧٣ ١٩٠٠ يم ومرددتين البرم الملوب وحدثه الممادارة خرالكوش ع: ح: ١ : ١ : ١ وخ ث الله دولم الله ع المدايه -لك ي والكالم الما الما الما الما الله الله ع: ع: ا : ا الله ع دع عال غراله المرايان والبرادية) وع = ١١ علا ای ج^ر

ال ع = ١٠٩٧ = ١٠٩٠١ م ١٠٩٥ م ١٩٩٥ م ١٠٩٥ م ١٠٩٥ م ١٩٩٥ م

الماب لنالث غالمتهم والكولياخ للصبع والعوده والمهر ودلوم ودربر وخدصول كان اعداره وأسبحه وعلأتنا رضوان المدعليها عبين الإون المدارمة فداع ليفاع اربع وعترون وصب موبعظ المنهدين الاس بن ذهك المحقق ويش مرح الرائع وتأوام بسهم عرش الله وصل المولهرا الموامروى والماء والمية لحدث فه فالعنشرو غرم فاعرا ونعل بى داره على فا الغنيان العرائدة وميل والميرشد العف دراع وكمانه ركا يرعه لفراع أواع القديم التي ا من وللمد وصب خطا خفرف ان مرج القولين واحد و ذه ك ان فداع المدين الماؤس اصعا وملهم ادمه العف دراع وعصر مرب علا في ٢١٠٠ موست وتسون لف رميم مكنه صعير ومير القيمائر ملاته الاون (داع وميهم اثمان ولون وصبعا وكا صرب ٢٠٠٠ أن ٢٠٠٠ مورت وتسعون الف ورسيم كالقدارة المدرون تعفون أتعلم المروانا لأحقدوم واجزائه كالدكس ع بحواد وتدراه مسبرة لالبالية الالاستعار فرورها الشهر سومقه فاركاع على الاخرر وقال العفها ومسبع شيرات وغائدتها الشعيرة العينا فعال المتا مزدن م ومرالها ان الشعيره مت معرات مرشم المرهان وعال الفقهة ومهدم ثنوات وأ وسكت المحقق للوسى فأفا أمذكرة فركته يرتسيرة وانبي لتمديدا لا كتريد الأمرب لسب خ و سط الشعر مصمرة بطول معنها الك ظهور لعن وقال الديميس ميس مها فالمح الله وكل دراح اربع دعنرون وسبعا كل وسيبرمبع شعيرات متدمقات ابسغ الدكروقيرت وض يم شبية مبيشرات فم سفرالره ل أنتى و قال السالالد المساح ادى مور موام عالياع ميركن غامغن القروم وغ المستري فاية الحولم المرم وتورير المشرام والمع المدكمد والراض الممتهد اربه وهرون اصبعا قلت وبصرح جاحة كميرون وغ المبقيم أن عليالوف وجومتتم عالمغة والمتهوالية كانة الدخرري تعدّرا وصبربسبع شعيرات متدمعةت بالسيطي وكبر وقديمض كل ورعدة مع بلن الاخرره ويتر متعرمة ت ومنه و فيربسية ومعز الاخلة ف ببالضّة فع

م وتمين بره المقاديم استسعام دوايات المرابعية عبيهمان "

أنتي وقال مع جرام الروس فرئ العباد والميرارين الأف نداع بزاع الدالذي طراع البع ومثرن دصبعاكم ومسهع وف مسعدات كل مقيرة عرض مساشرات في شوالرفاك انتي وذكر مندنة البحوله وانت ادا ماملت في نقل عن كفيّاً وهرات الدوح علت ان كديوا بتم كا (المضا الثاني) وعم لاعرت إلاسمان الاوا فالعقت عبت المعرفها المن مبغنية بلون بعبها الرطهر دمن فوجدت اربعشرة حته مزال عيركمترميا خيته وتلين معمر تم مست من اسعمر وجد فراك المراط وحدت طواب فين ميركف ن عرف خة فرا تشعير عا كله القيامين معيترين ونصف مع يرتقرنا . Solow The) ثم عدت الدشرالرين فالصنت بعنها لابن فرصت تؤث عشره مشرة في شرهٔ سالبروان الآت مورات فیون ویل اشعبره = ۱۰۶۸۳ مشرة فر شراوران لى تولى مامية سرة . ثم قست عرض مسبع واحدة فرعدة والأنس كفان نو مرجمترة ميهرو فلم تمركز الله المرابع = ١٤٠ مرابع = ١١٩ مرابع المرابع مَمُ إِلَى ادُوْلِ اللَّهِ مِنْ السَّاسِ مِنْ مَا وَكُو العدا و فرايما والعلي وبين عط ما وحدا م SAPEN I STORY = I STATAL بالاممان وجدت برما بوسراد فعاد كاستدر اأ فالله فالمرول مردن ورم ال كون الدام عن الم ١٠١٠ ١٥ ٢١ ١١ ١٠ والم عد ١١ وص ع راي كار شع مرسنيراه شع ميرات الاي اله ع ع ؟ لعرم و عرائ العلى العوادم مدور سنيمرًا وسيمر فرمًا وع ما أتما و يومن لاصب مون المداع العداور روين مسلمرا و مما و مناص ميد روست نيرت

مُ الأوَسَتُ الشَّيرا لِسَعًا البَرُ وَجِبَ عِنْ لَهِ حِرَّاثُ فِي الْجُرِمِينَ هِنَا الْطَحَ الْجُر إرتبيش ميتمرا فيوك مت حاث في المغر معرود البط اللكر احدوم واله مميرا ومرجعات ارت ارتبوطرن معيم أهم في صبح دلعت ع القولين الدولافي ما حدد واالعيرة بسيع شوات م مشوا بره ن کله الث بديكن و فيدن او مت مثرات في مثر و بوا آ كانت المعبات مرضوقه السع اوكبراء الدخر فامزان ان كون وف الشيرة عا ما ي كلاً و ميسرروهمي ميمزهرم وعالالعقها وميراوها أفامان ميرورقوة عامدادضعان ومرمكك بديهالبلون بشهة الحتره العان والمراحد فرفه فالاكتيت التي فدوكت البعد الفكرني فاللضعارا لمران بدا لمالئيها ندمنه وتوضقه فكمتف الدتسار وكتجربته كابولاه العضيل المثالث جزم صآء وجراليه ثيران محيط الارض اربقه وعزون لغضيروا فمير الله إلكاف اولاق اللاف فداع الأركان التقفير الميدم ذكره وكا والرعون ال الارض كرة أمة وقل صح المرم عدا تما فرن فر المراليسة الارد، وين ان الدف لسيت بمرة نامه وانه بمي شبهة كترة مسطة القطمي وان قطرالامتواله لطول مطرة القيعى وذاك بدكفيات عمية وامن أت دقية فذكرا الماضرالع البيسرجين الانحلة رغ جئة الكبرة ولتي صني أوسي الما مع المعابقة المناجة الما معة مضف قط الارض الامتر الدُّاءِ ثم السَّرقيق تالتي على على يعلوب عبَّرون الفالف ولتعالد وعير ولا عنه ول العنا وثما غار ول مدروسيون فدمال كدنة (٢٠٩٢٥٨٧١) مَّم الحرب وال بغيف صرع القطي عشرون الفيالف ويَّا مَا مو هري محمول الفيا وسبعانه وهنرون الافتا الخيرة وقد الترح الدول الأمي فرصول المقايس اله مسلاول حدا المحلوا عُسة الاف وما أن ومَّا وَن قدَّه (كنوب (١٩٨٠ فَتَم وكنوب ميا ووسدا فيكون العظران والاس ل الاندر المدل

"الحالقان

۷ (۲۰۸۵۵۲۲۰ متم انجیزش) منح

State Str.

فأذا منت كوفر القطرات علمت المحلمة عم المحيلات الاسترارة والعلى الدر وى كرا لفاضلان نا دمين لاكير الاكرر في ادرى الهنة من ورا يهر فيهيَّد اكتروك ا ان نسف قطرالارض الاسمّواع عشرون العَسَاليني وتستّمانية ومستند وعشرون الغا و الثَّان وما مَّا هُم اكثرم (۲۰۲ ۲۰۹ مع اكثرب) والْ نصف قطرًا العَلِيمُ وَا العَسَالَعْبِ وَثَمَانُمَا روارم وخرون لفا وثمانًا مُه وخرو تسون قدة المُدر (٢٠٨٥٢٨٩٥ ترم كل فيكن القطران والمحطان بالاميال الأمليريه عاسخه يمس هابكذه عُرِهِ في ١٩٤٥ = السَّرُالاتِ الدُ فَيُرالِيكِ = ٢٢٩٣٨٠ ٢٠٢٢ المرا ١٤٨٩ - السراليلي وكولة في النام - ١٨٩٩ - ١٨١٥ ٢٤١٥ و٢٤١٥ وكولة النام - ١٨١٧ - ١٨١٥ ووجع ٢٨١٧ فالمساهد مادمن كيراميا فالسيس من ون المسائم المبعدة العالم الاحدة المسامات المنت من الدرض لا يُا مر إليام الرسجة الان العير قلما لا أن محيلها الاستراط ليس مرائرة كالذيبر البيلي وان فلأ أولول لاحد وارمون الفشاعث تأبارو ثالقوادم الغنبا وماءن ولهان وخمدن قره المحلير وان فطره والصراصروارمون لغناف وتماناه وخسون الفاوعيّ ن وعشر لقام و الإطول ، رم طول (١٨ ١٥) تُه أهره بت وخرصْر وتدية غرب الما (١٨٦ هـ) فأمروتان ويماين وصوحتى مشروقية غربا كرينوج وال ولل فرا العقوالعودى عليه مخوالف وأراع وكفرم (مادٍ من امنيَّ عَلَتُ بذا الدِّروزُه مِنْ اللَّهِ

الكسائدودين على المهندي المهر كلادك شدا فيون مدل قطر الاسترابين لصاوار سراف العندويه و لحداد حمين العاوم معامروار بعاو طيش قدما الجدرم ۴۱۸۵۳۲۵۸ طرافل (١٧٣٤ قدم العرب = مدل فرام الكروال) 170 APV. PFSA FINALYEF وبهدافض انهب ليه هلوت بمانية اودام دنميرية פ אינים אינים אינים אינים אינים אינים בוצות בלואתונותום פ ליציאים אין איניאים או איניאים בייראראינים ביירוצים ביי و معدمه عدد معدد مراكبر ما الطراول الكراء TISLES WAY TEQ. PEST. PUBLIUS = OCX 49 PP CVATE :4 , ويتنكي وفي للبداب مخ طائرة المعارف المعان ماسهم مرا المعدال وقيران الصف كف إدائل وجزاعا صغور دسية عشروت الدلف ميمير (= سيسل بعرنه) ال فطرالد ف لاسوا أستهالا الف وغَمَّا لَه ومَّانية ومبعون لفاء نميّاً رومًا نيه ومَّا فإن مرَّ الْوَقَطَرَة القَطِيءَ سَدَّ الاصْلف ونعيّار وسُدّ ج وخرون اها وشعا له وتسعة امار انهن Brase Go managelife to 9 PSFAA GIPSPAV = 7 STVATAA S اللوك فطر الا موال = ١٠٠٠ ٧٠ ١٩٢٤ معر المفرر خطرة العلب = ۱۳۱۸ ۲۰۰۱ ۲۰۰۱ ۲۰۰۱ ۲۰۰۱ ۲۰۰۱ وغ تعزيم وماكر الانجرير المالا _ سفة الهور ان خوالد من تعلى ع ما كرف مدا ر بورسط هيغودد) وصار معبّرلا جد مسبقه لآلاف وتسعالهُ ميل الديرُ و قطرا الدُّرَا المُرَّرِا الدُّرِا الدُّرِا ا ويراري عنها مبعد الاف وتسعارهٔ ومسّد وحمرُ و ن ميد المجدِرَا لَهُ بَنِي

و - ، ۲۴۸۱۸ = ۲۴ عد ۱۹۹ مر اکور = عمليالعلى وغالدادل الراضية التي نشرا جيس فربار ان قطرنا للاسوام علام ٢١٨١٠ قدم الر وقط العظم = ١٤٠٧ ١١٠ قدم اكترب وما علال الاكرب عبر كا ١٨٠ مع إذ العطرال أ = في وع ١٩٢٥ والعلى = ١١٢٥ ١١٢٩ س فالمحيط الديموارة عاراندوراه ٢٥٧٧ م ٢٤٨٩٩ سراتور والحيط العلبي - ١٤٨١٥ ١٨٥٠ فيكور فهذه ندة فردقا ويهم وارآيكم وكن المعبول نها غدمتر ليراليئ الدم مداسى، ت المرة واع ل ت مريد ما واستعد العامر صفورد (الفصل الرابع) قدعت ان محيط الارض عدار للعدة وفر الرالية وربة ومروك ا كل مبير الله شركالات فيراع فيكون محيط الدرض = ٣٠٠٠ × ٣٠٠ - ٢٢ - ٧٢٠٠٠٠٠ وراع اى أمين وسين الفيال دراع بداع القدة روجي مقدل اردور وشرس الفريروت مدوميان وكسرا الاميل الاكليزر فادا حواست الاميل الاكورة المقد الاكلير الفاريان فأسريها فالمكدوم المغا ونعياً بروستين (١٩٤٠ عقدة وكاربه) وفتعت إنما صديع عدد الذرعار الدخر خرج ما محال خادما مدتمه فرالعقد الاندرند وكدا وا فرافر صنام محيط الدرس ادبة وعشران العا واليكر واتبعا مرمير من في الكرام وعلا برا ذكر كا ن الماصر = ١٤٩٠٢ ، = ١٤٩١٢٩٩ عدة اكثر م والويس فيكون العثد المتيس أن فواع العدائد = ٢١٤٩١٤ عدد أكرره و و خرحت ان مذاع المدماء لأمان و للون حربها فاقتهم ١١٣ ٢٦ عن ٣٣ ليخرج

مندار الدمسير كعد الدكور به المي الموادع المع عدد المي واحدة

ر فوال غور موجد مالسلم الدفر لا تع فرموسرا فعدن حرض مميه حدث فرا ل غير ادفقه وحرثه في ممرا ونعف من رادًا الملك = ق ع ع ما ٢ ملير = عود وع، عدد الدر = والمس و وفي معدم المو لعداد ورس الم الما على = ١١ مقر = ١١ مقر المرا والما على المرا المرا على المرا المرا فيون المنواع العديم ع الاول = ع عرو ٢٠ × ٣٠ = ١٧ و ١٠٠٨ عيدة وكور لوما a u a roctors = TT X. Grsn = Lüle u u s وقد علت ال مقلد الغواع للذية مالحيق - ٢١٥٩١٣ عندة الغرنه وع بالنسبة منهم مقدرا كمير الوقع كمر لان مقدراكم الجنت = ٢١٠٦١٥ × ٢١٠٩ = ١٠٠٥ و عدة الوق ولا عدايه العرضين فعداره عالاول = ٢٠٠٠ ١٨٥ مدي ٢٠ ٩٢٠ م و کود میداده مع الا _ _ نا ۲۶۳۷۲ میداده میداد میدا I CIRIY - YETHYCA - LUIE MIS دى يند مقدارا لدر چا ما بو الواقع عنه هنسيد جا دلادل و ما كثر فرمدرسه جا الأغ (الفضل الخامس) مُرْتَعَقَ فر قِمِعِ السلفان أكم مِنْ ا دكره الامْدِين فران مِنْ (10/2/ Jay) 1 الارمن أرقبه وعشرون لف و المير في شر الكرف نداع مذاع اليداكر اولا ثبر الدف نواع با الذان الاسبع لم ي المحدثين وان المدع كدالتدرين متولتون لف (صبع والمعصية مربع حارم المحدث منعدة بطول بضها الطوروين دان وفل اصب التحق = ١٢٥ ١٢٥ وي. حدة

وكليد = ١٤٢١ ١٤٧٢ منتيروان نواع القدة ك = ٢١٤٩١٢ عفة

ا كليد = ١٥١١٩٤ع ع ١٥٥ سنيتر ولداع المرش = ١٥٤٢٥٥ ١٥ عِدة

اكليه = ١٤٠١ ١٤٩١ ١٤١٠ منتية وفراماد كم فيروط الفيادك

وان كديدا اصبرب مدوت كاجوراي المعتد بالى دال مير توهر مرسرات وعدرارا م مثر مذاحله وبرون دور ومت مرات كا در داي كا، ودري مرات كا مرافيها هذا ولواعبراً ما قالوه في تغريا لعيرة لك زمقد الداء والمدانين ما موالواتم كمرودة كان الدواع المدرز ارب ومروق اصبعا والعصب مت مقيرات اوس متعرات والمسعره مت معرات ومبير شوات فرسوا برون فكون الداع ممرأة هارة في ٢٢٤ ع × ۶ = ١٩٤٨ سفرة ילפט שנול צעו לר בענה - VXVXTP - 1845 את הפט ש נוצ שפול בב علت ان عَدْت عرْ وْسَرَّة براف ف عُدْ بيترات فاحرب مرواهم المقدري في فارد ووسم الماحلة فدفتر لبجره مقدرا لدواع الميابيتر عاازومن وكذا ו צוש = אראש = אראש בין אראש ولقه عتان مقددا لدراع للمدر لبتين عبرة في لصدور مي مستيمترو في شارع عسنتيز توتها فيول لأرام المدر ع رائ كلاً روم م نفف ويراواق ون نبة ١٩٤٧٥ الله ١٩٤٩٤ كنبة ١٥ ال ١٦ مَن و الما مَن نب ميركي واليام براولة المركالفت والماعرا العربة ونسبة واعم الاالفاع كمتية كسية فشالفة توق فان سد ١٤٧٥ ١١ ١١ ٤١٥٠١ كنسة ١١ الم ٥٠٥٠ وكيسداورمدال فيدوي ونعدعري وع بناولي كري مدواع المرة واليام بوالواقع فانظر بداك المدين الديداالمان العاش ولارب أن فداالعادت الخالف في مند العدم السعرة مشرالرهن علواتهم القعرواع كديد الصميع عنات النعم او المعنوا في تحدال عرة المشوالرخان لما وهوالم مر ذوا ورث العظم المراد سخر كسره لكنه خرصوا فأفك خرصا فيتم اللاتي مهم ك بق ا غِرِ فَيْتِنَ وَلَوْمَا نِ الدِمِ فِي وَعِرِهِ لَكُونَ إِن حَالْرَخُنِ عِنْ مِنْ المَا فَرَكُفُ مَا هِوعليه وَالمُعْتِعِمُ المَدِي

اً لا ۴۸ مین دی کسیدی

(العنسل السادس) اعراب اذا مُنت وتتبعت في من الأن رضمان المدهليرطات المركب لبرغ بزالمتدات وانهروع بغواغ ذأك المرابية واراك مامة فالاعتى مسروار وترك النمث أن زم العضد النياسترة من القعرم كما الصلة م كما ير والتعاق ولم على التكوم تدفيا واما المدوف واحد وطاع محدد عروامات الاصحاب كوى ادواه اين اور مرمره عراصارت مليلهم لذالف وهمهار فداع وجورتر وكسي لادعي الكاف روى لذعه الدف وسائه وغ المعترب للعن احبارا برابيت عيره وقد قلم العناب منه ارتبر الدف خدم و ع كلام عن أم الفنة ولاترعليه وصترالمهر بتيز لبصراعضا وفستريته البصرنة الدرض بابرما تيميز مراعين خرا زجوهم المترتمط غالارض لمستوية واعلم المساخة بالامرين الافدام وكميزلهم والمراد بالمنواط لسرعي لهتي ظت المدّيد تبرا لبصروهم فالبرائم والمعتبر والمحمقر وفال احدث فهدا كا در كرية الموتقراليار لقدران مسهور ومودربه للدف هدام البدكل فداع تقفات كل قفة لدر اص بم ووي ومرقد تدالهم الدف المترز تحقيقا لمتدرالاصار أنتي افول كما لمارثين ال وخمائه فداع روق لدكة الماء والكاء والرمح الوز الحيوجة والاكتيره بمراليم وجرفوكية ناتس وسيرة العدم ملها أف ولعد كا واغاف الهرمتواغ ديك المرالية واراب الماقد لانهم حدّده ا ما حدّده و على لمبن ا قرالهم و لم مخلّعذ اللا أذ محدّمد الدصوبية مسيم سنع دت كا ومها ليدا كا المعلم وغ كميدا عرة بربع شوات برهان كا ومداليا كرانفيق كر (المنسل الساجع) وكرالالة المعلى غرغ برمالمسى المفدع بالمريز المن اللوسي غالفمد الإول والربا واجال علاقة والمحكاء مصرود امره بهة وسعار واحذوا أمرصم العقب ثم نفره آ منروض ضراعه بهائوالفل ليها له وم خالدن عبدالماك المروزي معطماً فراكمتوا موالضباء والاخر توالقط الحوندوم عان عبس الاصطولا به ولحد ويراح م المتباح الخال ارتفع لعطب عرقه الاولي جرزا ولتبائه جرزا وحصوا مذاالطرق مقددا لجزالوا حد

فرنتما يُروميّون جزرا مرخالصف لهاد اع محيط المرّ أوارّ التي مها بدا عليه 2 أبحر من وصوح المانية عشر وسحاوتها بية اتساع فرمنج عبرها قولاه القدماً ، فرهبه وه النين وعشرين فرسحا وتسمى فرمج عان الم ونه ورال العان والرراد قواوف نماع خدا تحدثن والدر الدف فدالعدار وكل نراع ارقد وحشرون اصبعا خدا محدثين واسان وتلوث خدا نقدا كروع إصب بالاتعاق معواد ت بزيره ت صفورته بلون معنها الرطور مع خ الشيرات المعتدله فعاذت عشرة اميال جم عاوحت رينالس لاحقف المرهدا لطافليتن عاعترا كأده عندوه لارتفاء تعاوت الادع تعادت الدمام ان كل ميرت وتسون الفراصم المعن وتفرز احدا الصداوص الموصي كن رصالمال مع متحن لان خالدًا لما ماسره وصد مر الادرع ما وجده ع رجيري كان لعددت ميها بنائي مردو كلوم الدعال في تعدُّد سباعُ ان المامون اراد دمتما منه طب الهم الما عدالتي بن بعداد وكذ سرف الدُّنَّانُ ع خلية الضية موازية لسكمنية بترسبت رامها وتكون بالمن السمين فرا است وترافعا تمة الحادة مر عنالمع عدريس كد و مضف بنه رابعها و حرصه غد والون وكسره طوله الوف فعرت بالبالون وهوضين كايذلنه والضذ صذرهمه عرالمنعيين وبعهائهة وانعان وسمؤن وكسروكان الثي عروته فو لدمهاوارمين دقعة تديرا وجو هدالقوس لتى من لملان فرائعينية الدرضية فضروا فاستدو خمين وتدخى مدونسانع النهامسوأر وعثري ميو تفرما ولاحروه نبائك فوجه هوا وموا است طري ميها مكان دكترماً وخروه المحرن فسة امهال و قديقيم ممر واالفتاغ المواصل فرهمه و المنحف الني كور المرزع لعدم المقل المورض والمعاعظ الخطاع قلت قدات أركفار تعنى الرحلة رصدالعته وولمس كذمك مر مرفعارة كهاالصدين وانما العاوت منها مرحق فسليس غداطائفين واخترف لحملين وذلك انا وإضعف رصدالقدة أملحيط الكتواثم والميكت وتسعين المناصيرمة ما رحده التسار في وإما رصدالمامن فيم اوا خصصناه المحيطة مع بدونفل نفزر دعزيه وخصف المدر مع نبلة الدف وخيالة فداع مزاع العدماً والدي المالي المالي المالي المالي المالي

ا مَا نَ وَلُولُ وَمِهِ عَالِينَ المِيرُ الذِي عَارِةِ مَعْ مُا يُرِولُ مُنْ النَّالِ مِنْ مِدِ المِيرِ الذِي برهر بنقال لمامون رصيهم عبارة غرعائة والتن عشرالف اصبيع والاصنيع الموام عزاالمة اكث قد وفت باشتر كنية اللباق ارقد وعرف الغديل حميدا الدف و بورصدا تقدة وجارته وقري العذم الونسعائة ومهن تعرنها ومول لالنعرنه والدصني اكسألفا مقدند الدمسه والغدام الامزيطيم و لا كن عامرة محته اذ بوا على ق محتواحاب وون فداع العدما والتي الي منان والول وصبعا بميلالصدى وحشرين حقدة انحدز وتستذاط رحقدة وحرعر حقدة وارفج اعت رهشر عشر عقدة الخفرر (١١٥ ١٥ من الحديث) فعق و مقلل الرقد واحدة لتاجزه ولعدفر ملمأمه وممتز جزرا فرحميط اعدمن القطعي عادصه المامون كما ذكره الحوروخيره ماسيم ومحاو البات عوانخ فالمحماكم اذا محصر فرحرب تقلام والعصدة فعام ومن وبو الكف وكانيار ومن والدا خرس بدا الهدون الدر تول لوام المالاس ل ويكن محيط الدراف العظمي عشرون لف وربعارمل . فرج ١٨٠٠ = ١٨٠٨ × ٣٠٠ محبط الدرس لطلي وقد فرضنا المعر ملامة الاف وطنيائه هاع سيل ۲۰۴۰ م ۲۰۴ مرو مدراع العدور التي بي ٣٦ اصما ميدلد ٢١٤٩١٠ عقدة اكلرته فا ذا ولا عرف العف واربعا رمعرال العقة الانحديدة حلها المعقد الانجار الدالانيال الانجار بعستهاع (۶۲۲۶) خرج المعيل تول فك الان الدا وس ل الاندر بادا فالمحيط القطبي اول ارت وعرون الف مسرة ١٠٤٠ ٢١٤٩١٣ من ٢٠٠٠ سمار واربقه وتسون ميد و قرفر الراج مل مم × ١٠٠٠ م المعرز تعرباع إن الدرعة الواعدة ما رعشر وُرِيَ وَمُ زِيدًا تَاعِ وَرِيحُ الرصوالما مِ شَهِ إِيمُورِ ٢٢٩٧٤٧٥٨ = ٢٢٩ وقد علت فيا تقدم ال معط العدم العطي عاداي هيفورد ٢٢٨١٨٥٥٨١٩٥٣ مرايكور

44661 44 44 44 444 America فكون رحد المامون العض عرصه همود وعبداد SHE PPSAFFART VAVA+ مائه وغيثه وعرمن معدور بواحار مراكمر الرس و قط الدخ القطي عا ذكره الفاصر جيس في مد 2 عداد در الراصف كا تعدَّم من ذكره OHILL TESTE VATA اردرة عرون الف مروثانيا له و فحسة عرش ميلاد المشلاع مدا كور لقرت عليك رصيالا من الفق منه مبتله ٤ .. و احدهمري مهد انوياتوسا ومستعم ان كالرميل عملي كاعله دمه المامول لما ووصد عشرون ميدو كنديا توبا فادا وصف مايس المدهشر والف واداعا برسر كمان محبع عتري لف وخمارُ من والمسلطن في ومناس على المام ع رصر حميس فريد الا كو المن المن من من من الله و محيط الدو العلى كا معطع وبماالزق ائن م الدخدف الوام وق مع مالدو ع وعلى الم رور و الفروه في مر ديد مريان الم والدخر PIALL XTOLLXTHIE ٢٠٥٠ من عنى المالد كفر كارز ومنظم على مُ أَمُكُ اذَا قِيمِت ٢٠٥٠ ميل عالمي ع ١٥٠ ورقبه كان الخارج مقدلا درمة ولعدة فر الميطالع بكي وجو ع ٢٠٥٥ ع سِلع سى = ١٨٤٨ م م من وه من ما نفن من الحفر الديم والمدة خ المسط المعلى عا عدد على المامون معمد وع = عرى عد مل فكر الون سي عضا . وهدوه ۲۶٠ سل اي لفف فته اتساح ميل عملي و خوا المعاد السيرة الدرم الاصدة ربينم الم مارميرك المحيوتانا وتقلت لمرايار فاحث ليرفرق

ما برمهراي مادر والدين فرمها والمت والع ويل في مع معندا لدره الوره الواحدة ورف الموم ان الدين المرب نامة والعابئ شيتها لكزة وال محيطها الرسوالة وطول فم محيطها كقطي فنحيلق بالصرونية مثلا خلاط الله لدع منط الاستوادُ وكذ المتدن الدره الواصة أو الروض كخلف محلف ال و مَدْ تَعَتَى لَهُ كُلَّ لِزَوْدُواللِّن لِوَدَادِ المُعَالِرُ الدَّحْرِ مُدْفَدُ وَسِينَ عَلَا كَتِولُوكَ فَا مواالدَّجِ الْكُلَّ كفان معذرا كو ٢٨٠٠ و٢٠ هم أكارم عربا وغ موض ست وكم يقي وقد ما له كو ٨٠٠ ١٥ عن المحدر لي محب ال لشر الدائد الدف عَم عُ ذَه ي يم في كر لمعطم الم وامدة ، است الراله لتربه فرخلا أي تولّه لي كب ان ت و... م مرة ون عُه مَا لِي كُولُ وَلِينَا لِيهُ وَمِنْ وَاحِدَةُ وَتَعْفَى كُرُوا لِيسَ وَتَ فَي الهِدِ كُولُ الْعِلْمِي لرسدة واحدة ووتغق الوض وقل ذكر العامرت ولس إسنح المغ المهد ية مئة الكرة صدة لمتس معداد ورقه اللول فالكروض لملقة فرخط المتواك المالعلمب وبيونها FAFVAR 8A 6994 وقباعة ومشعم الدعداد بن لعدين العابق المركون طول لعدمة عنه عرض كت وعمين ال ין ב בתקים שי בקים בב בר בי מו שוני בבעל לעוב מדם בם בם בם مروير فرراز ملي و معن ولذ فروي ورود الاول ع ١٩٥ م ١٥ م ١٥ م ١٥ م ميها كومترمرتية ففادارون وجان أتح عاسة ماستعيل فرمعلوا لياعوا لمعروف

صقد صدالماً من وجال عيراء في المراؤات م نعش أريم فالحيط الوطبي انا بوفر حمراً عالم لم مالوا عُلَد الفرائسيراعني نفست هند ات عند تدير الالاحد الواحد م العلول خاد حكم في المالات وت الآن أنه مرائع المراكز المحاكم الدخل وعندا الدي استنبلناه بهوالمن في مثلا المير بوالمواحق الماحد في المرضعة، عليهم على والاحد فالحرائد مها له وحده

فكاما بدائا والجنا توقيقة (العضل الثَّامِنُ) تعقيقة الصبع محفظة العيني عِمَل مُغَلِّلَةٍ : وبطيم الزعفر فيالمعوة في المعلوة في عبد المعاد في المين مي الميكوي الميكوي الخرلذ مزمين المحابا غراب حدام عويهم فال منيا مفن حلوس والى عندوال اسنى امِّنة على لدنية اذحاء اب فحلس حال كت عدمندا فسيرا فسأ لم على تعنيرها لا له تؤميم في ثلاث وقال فالمرمهم وم وليلة وقال فالمؤميم روحة فسأ الى علم الم ان دسول الله صلى الله عدوا الدم لما فرل عليه جرائل ما التقتيرة ال المرابي سل الله عليه والمرقم في كمرد الدوقال في مريدة ولواي شئ المرمدة الماس طلاعير ا لى في وُمُرَّرُ فَال ثَمْ عَرُهُ دُمَانًا ثُمَّ رَاى بِنِوامِيَةُ مِيلُونَ اعلامًا عَلِيْ الطُوبِيّ والفُمْ ذكرواما كلم مراوح موعليكم فذرعوا مابين ظل عيرالي في وعرام حزاك الحاشى عشرملا فكان لأدة أكاف وحنيا فرفداع كإصل فوضعوا الإعلام فلاظه بنجعاتم غِرَوا ام مني مِتَدَعِيرًا كُلِوا لِحدثِ عامتَى فوضعوا الح حب كاعل علا ونهى و فوالمدث وان كان محمد وصطلع الدر مندم فيه العماج لان قل لمدة مع رواية عن معنى المعابا مع والانتا الما دوالمره والعده كا وكره المولم عب ف حضر ف معماة ع رصل الامرزاعم قد دع ل السمعلى ال غالدانع قول النعة عن بعل صحابًا ادعم صاحبًى فعة او اجرى شيخ منت أف الموامي

سمت صاحبا إو حوثة ثبت او ما محرر محرزة كرثها أريد ادى لا ليك الطير الوق المدتر ومتحالمدث وجها كداوم والنب أبراك ما الاوحر عكم الدرال والشرف صير الدناد اصدوا لمنازع المناح وزفتك راج انقرم فرم اله بقد و عور عيي عالما مَ فَيْدِهِ وَ مَا أَكِدَ عِنْ مِلْ مَعْ وَجَدِلًا لَاللَّهِ مِنْ عَوْلَ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ مِنْ اللَّ الا تعدَم ما يُركِهُ والعَدِينَ مَنْ مَنْ اللَّهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّ كل تقدّم ما يُركن علياته وقد مدّاله له المهيها يُدور من القران لحية الخركة الحرار مع متلت موافعًا الني مري عدد فاخلق لآيت والدعال والدهيدالي وامَّا لي مواقع كرُولَة وَحُوالِكِفُ لَاسًا وَ فَي إِلَا عَدَالْيُ رَادِ الْعَبَاوَفِي وَفِيرُنَكِ وَفَي كُمَا مِنَ كالمعينوه الغفيدة والصادق وليهم ان دسول فقدمين درمود لكدم لمان التعبير عليها ما لنعتبوة للزكسبى السعروكان في كم ذاك مال في ديدة المركم المردة الما بن ٔ طلاعی آلی فی وعبرهٔ ندمت مبوامیه کنم جُروه الی شخته میلا مکان کاسل الغا و حسماة ونداع وهوا ومته فوامغ التتي قال ربيا الفين والداؤ فبدكر فدامرت والمدرساك الدني تفتنا وعزا لكاغ انغا تقديرا ميرغ بذالهمدث الإلف والمحساك فناع نباغ تقديره بالدثة آكاف وخسائه معان لعقبة ولعدة فعذ تغزق استبوا في لعدا محدثين والعله برائ لمسهمة فيه لمَّا غَدُ لا نَ الأول الرّبُ لِما لمشهر مِن الأمهاب وجود وبتمالات أخراع والإما تعدّه أي الغة فالماحب للاوس الموقدة البصرونهار مني الماؤ ومسافة من الارض تراخية الأ اوم أرآلف صبراة وعدالاف مسبع فان مراديم المواع فراع المدالدي طوله ارتد وحشرون اصبعا كفاده برافق لكلع لعى با وأما الاصبع فهرميع شوشا وقدريت والسعيرة ميب شوات في مشرا لرفرن و() تعيير المديمة المعرفز الاوف فعة صبط الصيم بالتمير العارس فرا الإمراكيم المتدمط فالقارض كمستية والا تعذير الفرنع تثلثا اميال فمنعن عليدانتي

العن المرق وراء والمعلى منهم فالالتهوا بالطرق والديث الموي العقيدوا مدت المعاذميم ولامًا ذكره يعني ك ف تقترله ؛ ومربع وكثيره فدهمت فيدماتدم وكالقدر المعرمر المعرف يواكعدم عيران والدنا فراد دستنبط من هذا العديث امود الأى ل أن المعراول ما قدر وصرمط كان في عد معن والامرتهارك ومولفا العجر الما وعليهم وسنبه عاده كالمفارخ سلام المان المارد ارتبه فرانع والدني وراك الما لمران المعرطية العف تؤام وخساله دواع ووزكان المسدول المستورة الصالعي خ رضى الما وعليمان وبدل عليه ، ذكره المادته الكالوسي أو تغنير الكيارمبي وواطلعك ضرتفيرة لآتا وتعداخذنا ميثاق سخاسرائيا وبعشنامهم النخاعش نعتبا مبذدك فعة عوج رئيفق وتزميفها القرط ودما والمراليسة الالمرفاة الأف طساريا والفرمخ الأرادان فارتفاع الدتفاع السيام أية عشرفنا عرالفاة وخرا بالصراف رأ الها المناعشر فرمهما ومها أوراع ونهق وكال السدام وعنا لعلقة مع سأ والمماري في الحينى الشامى المتمهدد والمون والله الدرالله فالما بالمهي وفادالوفاء المار دادا كمصطغ صالعي والكريم فالفسد المائدم مرخ الماب النابة ما صورته المريدادات فوانع والفريخ للد الرال والمد للدا الكف وصفاله فاع بزرام الدع الدم كمامحم ان حدالر وحزه الوافي لا حُت رواذكره فرالما فات عالم مالكي وخره ونداع اليدع مأذكره الحب الطرائه والوزي وحراه ارت وحشرون وصباكم إصربت شعرات مضرته معضها لمامض وفلط المودي فولا فأث سفرات ومعدد الداع المذكور فزندا عاكده المسترف القاس معرالان فداع الاثمن فراع كا اعترة الما وغيرى أكنبتي موضع كما جدم فلت وعن ما نعام مندد المرسط لفيتى والله مرب شورات مقرمة الموان المينها المطور وبن فنقتره فستشعيرات وسيه وكالمست عاطره وال اداد بعن عصرا

القِلتي جَ

تع الأكر كان ول اصبح كالمت اصاد مرب المركز ادم وروز اورة وا وان بكون اراد الهميم ابهم فقر ومدا الامتمال لان لول مت شيرات اذا كانت رومر مة انعق فرالدائع لنجمليترن فالنجس بداالوامز واسويهذا المصيح تعشرهم كالاكفى בן לוטינלוי ושתנטלים ובנוש ובלון אושים אום مراع المهمل بمعرالآن خاع الآمن فراع تنتعن فلمه بمر كون دراع اتهاس مصرف مطراتهمودي فسة وحشرب عقدة المدير وخسي فسرعقده المعبرة والمعاصل ان الذل كون الميرغيرة العفيض أرزاع كان مثبرا في العد العديمة الاسلامة الدابع المعدد التعيرس والمحرب ع معرم في على المرام على معًا ورائع الدهم المدمة ارتبوع برجوب وعدو كالل فان وأوراً وفي مان اللهم والدما المشرهاي والأرأة وبهنا مثبت النبالم تغيرها كالمت عيد وكذاك القول فاحث الادمين فتدكن ال حبيثه كانت فالاعمر للدتمة وغلم التاليدة عصرا المحا ضرفان حمث واج معرفتر مرمى التعلم ع سنيا والمدوعور لصور يسلنا بدياتم سفت فرارام تحبث الأن فبذا أبلن رجرا لعنب الناس ومزين لساف فصلة الساؤ جدابره واذ ادبة فراخ والفرح الأولى بطرودات مرفع وكرا وان مئة تسليما ورض عدالعكبين القحت الدائر المعالمة الاسميرة في حصر لما تُون الآ ان محكاً و ذاك المصر لم معيني إبه وأن المامون الم

ارادان متن صحة ما قالية الحيكاء المسترب عصره في معين محيط إدرس و حدا حياف من من عالمه وبن المتحنة عالم فحلامه التسامح لأارال إوالا الأعال المقر فلعيت المحتيفة تحت مسار النفارة على النسفة في فه والعرون الدخرة الله في المداني نبة الميزي من الم الميزار من المالي الميزار ا ال ١٠٠٠ و كنة ٧ ال و قان ١١٢٠٠٠ - ١١٥ = ٥ وسة و الله المداليندسة المال ترقية فالمدر فرميروا مدوسيس ميررو المعرالم شهدست ومساج الميرم فرم فالمحيطان تتوارأ الدي موارته وعشرون لف مهرميتهد عشرون الفا وجسايه وواحد وسون ميدرترها وثلاثه دمياع مل بثرهم علم و ألون ومنعا ومحمدالدم الرمواك أفي ورور ومرواع لف مرم كان الدراع عورة خرطره ووحدام اس ومعدل للا الف هرو الله الله الدين الاسترارة وارز ميدل دعة المسلمان الاسترارة وارز ميدل دعة المسترون المسترون وتسعد وعن رعندة وعشرصه عقدة واروروت ومترحر تقدة المدر كالوضف وبك فاتدتم وبهوا لذراع لودل إلى الدارة العدم كما ي في تقويم وماكر المصلامة عرو وتسعار والعد ميلايه وليم أن القدماً وفيتم المحيط الدين الرائد الله المن وسيس الفيا لف فداع والعالماح ح إنها المدورة مواغ معبية مو فراع القدمة ير، في المابع ماكان الميرات على قد الدف عسام مراع والذراع ٢١٤٩١٤ عقده أمعر لا إلى

كان المدرمر عرب مر ١٠٠٠ ١٤٤ ٩١٤ ٢١ - ٢٩٠٩ و٧٧ عدة اكور والموالأمر عبرة عز . ١٣٣٤ عشدة الله فالميراثيم = ١٤٤٩ = عُمُ ١٧١١ ميل مدرضت المدم مرالي المدرك ت الواحد الي الواحد وحي توتا فلول . فأسة مهرمترجر عبارته عرفائه وولعدوحمترين مبلا أنملها تعرتنا وخاالدي وعذاك ماينه فيخ العصداب بع بنا بذان في تورا لميد مرال الانمدز ا صرب الميد المرى متدوسيين الفاوسمارو تعدوكين (١٩ عوم) واعتم لحاصلط الْمَاهُ وَسَتَنَ الْعَاوِلَهُمَّامُ وَسَتَى ﴿ ٣٣٤عِ } اوَاصْرِهِ بِكُنَّرِ عِي اللَّهِ عَلَيْهِ الْمَامِ وَسَتَى (١) او في فوم ١٤٢١٠٥٢١ فالعلامال الاعلن (١) وي المراكزال مرا فرا صرب الانخلري ووعد اوفى + ١٨٩ ١٨٥ ١٨٥٠٠٠٠٠ (ب) وان مُنْتَ اكتفنت في (1) و (بي منزلت دولات اودكر اذا لمرِّ دالدقَّ مه الح موثرها عدل وما عثر معاد كاربا ت ل۲ کرمهامد، دول عاد مدررون الناس مكان المدرم وروع مع ١٩٩ عدد المديد و ١١٥٠ الميزر حارة ع مرز واف وي كان الميدار مرعارة ع ٢٤٤٩٩ مر اى + ١٩٣٤ ٧٤٠ ١٩٠٠ ١٩٢٨ ١٩٢٨ متر فيوك المهرميرم الفاوسهار وما وارمين مترا وخسة عبر سنيتر، دميمرتن و تسقد دع رمييتر غرتها ونعيارة وخرالميم الهيه مرهارة عركلدمترواصه وتسقه الكومرات وادبقه دكامترات وثمانية المأرودسيم

ووحده فت سنيرّات ومعمرُن قربيا ، فعي تويد المراكثر عرا إ الكارتر اخوج

المالمترعي في المجام المالمترعي في المجام المراكب اوفي المالمترعي في المجام المراكب ال

+ ١٤٧٢٧ ١٠٤٠ ١٩٩٩ ١٩٠٩ أغاصل هو الكلومتر ф ولا كوتر الكلوترا له المهراثرم إصوب الكلومتر في ٢٠١١٣ خلير وروده فكور وده نفت برايم وحرور مريم ودوم والرواري وبعبارة وخرمكيومتر ووحه الف ومبيارة وممت ولتعول لأداعا لرحيهوها سيمشرة اصبعا وشعيران وخس شرات برخ ن ومشيع شريرخ ن قرما سُل الم كورتر محيا الارض الاكر الأو يو الاما ل يشرف الم ١٠٥٧ ميرك ت ل ٢ كم مورها كون ١١٠ كلورتم 1.4 1 = 1 + + --- FAIATE MET وك ان مُعَنى غالر العرب وبعر (كيم كا ١٦ ٢ ٨٨٣ ٢ ع ١٠٠ ٤٠٠ شازل دوالمرحم براد كوارئ المدمراما الساعف ذكرام المبرماع المحادر وسراء فالمصورة الماؤوا المسموركوام ان الله ه ادار حداع العدماء وبي النان والدن اصبعا ما رة ع الأدميات و ذواع المحدثين و اي كت فيهات اربع وعرون اصبعا و ذواع العن الألاق و بن سريع فقيدت ما ن و عرون وسيعا و خداع الاسود الذي حدث غالدة العامية أوالامرية مبع وحثرون ومبعا أمنتي وأذية معادركل فريده الادرمة الارتبا المعتر الاكدر واستيمتر مرضوعة فأبذا الجدول التنظ

1.13

الميري والع المدايية مالمه كمنة مبدا لاسته لو وفت م فرفية الالرمية תישונים לפוצ הית פנ פול מת פנ שופת בת מת מים לט ותו לפן - דו = ب مرقدم فاذا مرب ١٠٠٠ في ع وصد الحامر ع ٧ كا نافارم الاس المرعد والميرارم - وعمع ميلكفرر فادام نبدالا و فرادالكرا الما صد الاسال اور من وحدة الماصر ع ١٠٠٠ مرع ، كالمعرب الدسال الديس فلكن نبة المدالية ماليا المداويسر ... X × **** اوانت عدد الم ١٠٩٥٠ مملادين الد خى كوتراليراها والمالا كرز ا صن ب الميكالقدم المستهود سنة امين منه = ميل در أو ع ٢٠٥٩٢ = ١٠٠ = ١٥٠ وغموه مرادة المسلالة الميالاغترى اواض مرسي (۱۰۹۵ ۲۷) واقتم الحاصل على مع

السّادس سيد المرافية المرافية المرافية عن ١١٠ الموادرة على من من

مل الف وخد وسين وسبعداعشاري عن الف وسد وخيان

ا مراجم المراجم المرا

(٥٥٠) عرج التالموالاعلوى.

مرس مال و حول د فرمد وصب ميرورتم الح الميراوركور مال و حول د فرمد وصب ميرورتم الح الميراوركور المعرر المالداللة م فان قلت إن ميل معرر ١٢ ٢ ٩٩٩٩٣٢ == الميطالد موالة الذي ورج الى الكيار ١٢٥٥ × ٩٩٢٧ و ١٢٠٥ × ١٢٠٥ الاالمدرمشرهر أنفاه جواريوه وهمرون ميرض ٢٥٠٩٣١٨٢٥ ٢٠٠٩ ي ١٢٥ العنه وتشعامهٔ ومعین و قدم له مراد ح که صرفه شرحره دا من مول نجور (🕆 ۲ و ۴ ۴ م ٧ مُ ٢ ٢ ٩ - ٢ ميل وكذير لاوا في منيهًا عائمة مر درأه الما حزن فلكف منيهًا وتنخوعة فراكمت بوللموالعاتم والمداظا تمدر قلت أوالذر خرج ونها المي وللماس الماندر مرمول ومرادر الماحن ٢٠٢٠ ٢٠٢٠ كارتر ينصورة الهران والعزق منهمانا ومدل اوالم الهوروم، ٥٠٠٠ ميل TTP . X . C ... YOV M 3 pol عَدْرَا كِنْدِرْدُ سِهِمَا عِهِمَ ١٦٠ عَنْدَهُ الْجَارِيْرِ وَى الْفِرْقُ مِن بِدُوا لِمِدل وَمِنْ عَمَا بِنَا الْمَ بوست عِنْ الله الله الله الله الله الله عنه المعالم العالم العالم العالم المعالم المعا كان المصين أن فني جييره بأما مرجب الامي ل الشرعية وراة ذاك ع ما مناه والأمنيم بنادما بنيا عليه وجه وفه الفرق و بعشراه براندي (١٩٥٥ ٢٥٠ يما حسّة ايران (كور) } 2 - Committee - Committee of minimum (الحضل لماسع) م مرز الصراميوس ومماخ من الكاب ورتف

مُ المعن المرام والمعبر والمروارر في لغاته والعين الداف و وجر فيدة العبر ويراس الدواجم و غر معيزوا المدر و العام ال المحدود المعرف والعبر والمعنى الماطر والمن المنظر والديا في عام ال المحدود المعرف والمناطر والمن المنظر والديا في المعرود والمداد والماطر والمدرود والمداد والمردود والمدرود والمدام المراد والمدرود والمدام المراد والمدرود والمدرو

الادرام لاعلي مع

 $\frac{1}{\sqrt{\frac{4}{a}3}} = 0$ (1) $\sqrt{\frac{4}{a}3} = 0$ (1)

 $\frac{e}{\delta}s = \frac{3}{2} \quad (7)$

۲۱ واجارة اخرى ثلاث احدال جذر خيل لا دنفاع بالا مدام الإغليزيرهى المسافة الإمال الاغليزيرها

مُ فِي البارة الله المربي هاع عاف

 $3 = \frac{a}{5} \stackrel{(4)}{=} (4)$

(٣) ى خسة الساع مربع المساطر بالاميال يقيدل الارتفاع بالإندام الأسلام مع الاعلميم مع سال المعادة المائة الاميل الاعداد الاناق المعادة المائة الاميل الاعداد الاناق المائة المائة الاميل الاعداد المائة الميل الاعداد المائة الميل الاعداد المائة الميل الاعداد المائة الميل المعادة الميل المعادة الميل الم

SECTION A NEXT = LX LVALLANDS

ای اذا کان لدنیاع الناطر خرسط الدین ها و احداد کار ارسین ع قدمل والمت

سال الداي بدرير فأرشيا اداكان ارتفاع الماطر فستداهام اي اذاكان الماطرة (و بداالارتفاع ارتفاع الفائد المعتلم نون) (المناع = ه) in 1 1/2 x = 1/1 = 4 miles اى اذاكان المنته الاسان حستب في ادخ متورّ مرمشياع فير ملاله وسال كليرم و ان اددت ان ستعم الارتفاع لما قد تقدل مدود الرفعا فلا موجب (٣) (But - 1/4) - (4) - (4) - 6 VEPTIO = 168581XA = 1681 X = 2 = ۱۲۲۸ مع و اکترار = فرغ - و ١٠٥ ٩ عدد و كدر = ۲۱۹۲۰۷۱ ستير -۱۳۰۲۵۲ وسیع

لى اذا كان ادفاع الماطر كو ستعقد المكرر والدير الماع مقدم او ارتبه ومرك منتيتر واربقه اخاع مسمر تدنيا أو اربعثرة اصبعا وربرامييه تدنيا بري للطر منحاع بدمهر واحدر فريا

واذاكان اونسان فاع منعتها مرسي ع مد الدر ان ل وكور دو ٢٠٤٧٨٢٥٩ مِن مُرْمِرُك مُوْ مِين ونعف ل مُرْعِر تَقِيَّ الدِمِين وتسدّ بِمُنْ رَمَيرم مُدر تَوْيا. وبذهالم وصرصحة متدحترفها الاكف روه سيدغرا لواتم الاعتر وليروك عقادا العن في كتبهم ومن لضه أعرك بالرامين بالعديم وعلى الفاضين مبي جياما و جرابس. مُلكي.

و عرف ما تعتم ان تعنير تصنيم الميريّز البصر غيره اف البعثر اذ لمبرم اوم المريّز البعثر اذ المبرم اوم المريّز البعثر المرائد المبريّز البعثر المرائد المبريّز المبرع المريّز المبرع المريّز المبرع المريّز المبرع المريّز المبرع المريّز المبرع المريّز المبرع المبرع المبرع المريّز المبرع المبر

بدلهصر تربصرالانبان اذاكان الانسان في حرة وكان عنه مرتعفه غياسني إدفيره أما وتكما مرماديم ان كون الازان منقب فررج مين ونضف رُحر تونا ووسن وت وعث ومرميم مهولوما عصب الماسيدان كون تعنيره المعرس تميز والعايم فرالا مداوت الاالتعيق تخذاولت منه عاجتن واربها زاع واخفروغا مزفق التماز ولام كاموليد فتعمل العنان ولمامدوا لعارا واستين بها فلضرف عنا لكلام المرامحة متدخم ليهن مرتفيند أيا وليم إلرسين والمدم المحنى مجدواد الدفي رصورت لد ومصدمونهم ما أن فت الدروالبار مولد و فوار فيها حدار فنذل والمنترض الحناجمة وفيها فائد اكان لى ختاه مالاليم مهن مية انام صيى دمرغ مرة الحران في لفظ (الله) صدة كر معد عبد المكبن مردان مرام مرابيهني في كن بالمحامن والمساوي بانعة وآل لكسائة وطهيه والرشدوات ومواد فؤا ولانه ومن مدم عال كثر فدست عنه البيد شقا وامر تعزيقه من خدرا لخاصة وسده وام ملِّيح كمَّا بنه وجوثيا مَّد وكان كترا ما محدثني هال جرعليت اوَّل فرَّ سنّ مذه الكمَّابَهُ فِي الْمِيب والعنشة عنَّ إيرير بوعد المكتب بُ ودان قال فاكان البينة ذاك عَدَه وم لافريَّ الذاوك لراصت منه وانكابه فعال ساخرك كالت القراطيس قروم وكان كثر فرم مرتطرنا عادين مك ادم كانت مرزارون وكان طارع الموان اوروما فع رل الك كذي صدرالا كمقرميني المان ولا إلى ال محد عبد المك بي وان فسنية لدوكان فلن فينما مودات وم أوم بة وظام فلأ إطراره فامران ترجم المرت فعفرنك فانكره وقال الفلغها فالمرادك والاسعدم الن كوي طرارًا للقراطيس بي محدوالا واندوا لت في من علايها ن مصرد فرده فا بطرور وغيرا مزعمرة البليط سعنه دكثرة مالده البله بخرج سنهز القرطيس مذرغه الأداق والبلاد وقد ملرّزت بسبلر غبت عيها فامرانكاب إعلافيز بعروان وكان علايمبرا مطال وكالعاد فع مكان معرّز بغ وأب

وقوطاس ومزوغ دفك وون أيرمساح القراطيران لطرزوة نصيرة المؤحد سهدالله الذكا المرحو لعاميع وباطرازا تعرفهم لي لم بذا الوقت منيق لم يزد و لم تيفير وكب له عال أوفاق حيدا اجال ا في وعالهم فراه والطيول لموادة بطرود الروم ومعاهبة من وجدعته وبديد والهم في شي مها بعزب الوجيع والحبر الطوير فل سنت القرولمس الطراز المدت المرحد وحوال واداردم مها المشرم وول الامكام وترجم ادفك الطواز فالمركم وفلقا عليه ووستشاط عيطه كفت إعبدا لملك ان عدائقها طرمهم وسارًه الطرز بناك الروم وم يزل مطرز مطراز الروم الإن الطلة فان كان من تعديم في الحلفار مدا ع قدلصاب فمقدا خطائت وأن كمنت قداصبت فعدا خطائوا فاختر فرعيتن أمحاليتن التيما مثلت اليهما واحبت ومدمشة ليكربه وتشر كلك واحبت ان تجدوق اك الطراز الي المن وفي ميه كان وارت اصاف الاعلاق ما مذاسكرك على و أمر صن الهيّة وكان عليه السيطاق على المسكّة ردّا أرول مت ومنعف الهديد ورد واعلداء لاجورب لم ورد الهديد فا نصرف بها المصاحرة الما والأعام المعمد المعدد ورد الرسول لمجدالك وقال وظننك وتتعقت لدرتة فلم تغبلها والمخبئ خركما فه فالشقف ألدته والدارغلاك الارتهار فبب خررة القراز الماكان الإقلاف أحباللك الكاب اليجية ورة الهدية ككت ليعل وعقيني التيتر وتول الك فد كالتفنت موالد وريني و لم تعني معامي فوتهك متعقت الدرية والتنظيم فريد والمركب الدول وفد وضعفها أله والاصف للبيج للأمرك بروا لطولا الماكان البيدرة وكرت مبتن أمها بروالقديم فاكتراف المراد منى منها الله ما نعتر في علاى والمركل الما مروالدا يرخت في ماسلام فينتر عليه منه فيك فالدا وأرار المرتبك موقا فاحتبان تغبرون وزاد فوازال اكان مسدوكون فوافك بدية أوة فربها عدا الحال بني وميك فل وتجذيك بكما بصوب عبيالا وفعلط وضاحت بدالاين فالمجسنى يمث ممولود ودرفي ادسلام لاخ حنيت عايوان مط المدهبه (واكر) ويتم مرتبهم بذا كلافوا مني غامرالد مرولا كين محورتم جريح مكذ العرب وأكانت المعاملة ترور من الناس منا نيزالوه و ووا مهم محيط مراوسه والتشارية فو ميرخد و ورمه ويا العليم فعال الروح من ذنباع المنسية المخرج في فزااوم و لكنك متقد تركه فعال و ميك بمن فعال عكسان و في مرم

العسطاوا

مغ البرست المنبي مصادر علوالم وسملم فالصدفت وكفه ارتبة عيا الأي فيه فلت إده في المدنية الشحف كم محمل مع ف الحين كر اومتعماً أنف هرم لهاز ومثله الف ارم لنعت وارم علية مهانه ومهارخ يخرج موخ اصهار وصر الرسول والدا فيريد فلان فلا ولف و المرواي في لم مدر عامدة أله والينظم علك في السريقية م حبين احديها ال الدور على المعين البير والم انده فريمول متصاله والقراكم والدخرو حبدائية مدة ل ماي ليد عندا الماحد الماحد الماحد الماحد الماحد الماحد بن سب سككا لله مواله الرومحم النعش عليها صدره المرحمة ووكردسول متدميع لدعلية الدم وصده فاوج لديم والدن روالة خرفة الوح ألك وتحدث معدالديم والدمارة كواللا لدر مرب مي والسألتي بعيرب فيهو كمشاله المروالدة شروتهد الدورن تلكين لدما صداغ ولاصمة ف الملاثم التي المعشرة منباوزن عشره شاخرو عشرة منها وزن مستدمثا فتروعيش منها وارن نمسته منا قد مُنْكِينًا له دامها همها وحدّ من معالا فتحرّ نها فإلى في منيزلعدة في البحية ال مسعة من وترونست منوات في ودريرا الشيراليزادة والفضال فقرب الداير عاورن عشرة والدا نيرج وذن مستدم فروكانت الدام أع دلك الافت الهابي لكروته التيلك لِهِ الدِم البُعِلِيَّةِ لا لَ رَكُول لِبُعُل صَرِيهِ لعرض الشَّحَدُ مُسكدُ كَسروتِهِ في لا سلام كموْسطيَّةٍ ا الملك ومحستا لكرس كمذب بغارسية نوسش خراى كل بنية وكان وزن الدرم منها قبر الاسلام معالا والدراهم كذكان وزن عمشرة منبا ذرن مستدمنا غير والعشرة منها وزرجلت مُ عَمِر مِي استرة الحفاف المقال و نعير اختر أس فعفر ذيك حبه المك ورم موري الحين رمني صدقتا عدان كميبا لسكك فرجيع طبان الامعم والنمقية م الما للمن لبابل مها وان يهبود تقترخ بينال بغرجه لهواكم كأفرا لدرام والذه يروخرا وال ترو وتبلل الروام المرج بعاوالاالتكك امدر مندج الك ذك وردرسول مك الدندك ورارسول ما نعك مما مذاردت ن تعفيد وقد تعدّمت إلى هما له فوا قبل رالمود مكنا وكذا وما بله ل استكر الطوف

الرَهْبَةُ مُعْتَدِهُكُ لِقَمَ اصْوَعُ مُعَدَّتُ بِهُ مُلِياعِ مِنْ الْمُعْامِدِةِ الْمُعْلِمُ مِا كُنِتَ البِهِ لا يَّة كنت قادرا علي^ه المال غيره برسرم كرقع فامّا الآن فلا افعولان فكت لا يتما مل برايل لاسلام ولوقت خ الذرق وثبت الشارب هون ع الجين رضي لمستلحاعة الماليديم ومي عني ارشيدا البهم الحيف المذرومتي وذكره الدمرى وتصييع مردض كابتدم مراكحاته فعلى علاهم وتبدا لحادث ملائتن ورجا أي ميني ما خدمًا بن وربه مزيده الاصف ف الديدة فر مل صف عشر ودوا بي مندن الما نوذ مزالا صناف اللهذ غيثن درما ما بعدد و ككون عشرة منها وزن عشرة من وبتر وعشر في منهادران مستدما فيروعيرة منها ورن خستهما فيرتحين وزن بزه الثابين عدواح الداج المدكرة العداد مرس معالا، وقوار عزيهم فبخبز ثبهآ مزاللوش آلحؤ الرادم الفذالوفي فرالعدون ٢٠ و٢١ فانها توكا أ نهُ اللَّهُ أَوْا فَسَمَّتُ كُلَّا مَنْهِما مِنَ الوَفِيِّ وَفِي ٣ أَلِهُ خرج الم عرة وا ١١ سية ودسية " ا العبرايك الأا خلطت بدوالملاش ورهام الدصاف اللاله وورثهما كان فدنها لعداه عتري مناله فادار فذب المحلوط كان وزن مسجد من دير و بي وزن عشرة درام و بي مَّتُ لَيْن دو وقالم فعشرب لمواعم على على فدن عشرة ألي يريدان معبر وروي كل عشرة لدابه وأن متعددًا نيراك المانتيم مبيّد مّا تيرال عشرة ومزاد تميا ويرتحب ورن كاربه ون جزوز كت لاجراء العرة وبذا موالدر القن عزالون بان ون كاحترة هام وزيسة ما فيركل بعدم فكون كل مقال هدما و ورود والماء هدم وكل درمسته وال مرة ل تولد طيع مان شغلاو قد الي مواض العلام تين الاا وجرت الذا يروالدام لا بم رة ت المراض مرزه السكة الاسوية فذأب وتسبك وترة المالسكك الاسوب وبومني الاطار

الالله ل والد و دوج بن ذهاع وربرعه المك بن مروان ذكره الوء في أخرا إدر اليمور وه القعد الالداياد عميني فرون الذي زجد فرحم النبي من المعيدة المتروم المكسب وملال ال الدام كأن اداك في وزان العامل الماسة مدى فقد الاسلام تعليني ويس وغالب انْ مَدُوخ كَا بِالْهُوَ وَكُتِبِ مِوالْكَا وَعَ عَامِنَ ادِمِسِيمُ مِمَالَةٌ كُمْ إِلْحَنَ بِعَ الْحُرْبِنِ داشدخ ع بن معيدليب تميخ حبيب محشي قا كتب وحيز المندرا ومحرب خالد وكارجا المهاج ع المدينه ان مشروع المدينة فرالحث والزكوة فرا لما مين كيف **مناز مسقه ولم** يحن أوام عهدرسول متدصة استعلية أدويم واحروان سيمرفين سيرعيد الدبن الحس وحضري محمرة طليله قال فسترا بوالمينة هاته ادران فركان قبلناع بذا فبعث إرحد إدرابيحس وخبرا محد عليها فسنرعب المدين لحن فعال كافال المتسفترك م زهرا لدنيه قالفال ما تقول إلى عبدالله ضال الأرسول ندصة المدهنية والكريرم حباغ كالرمين اوقيه أوعية فاواحسبت ذلك كان ع وزن سبعة وقد كانت وزن مستة وكانت الدابر خمته دواين فال جب فحبانا مم وْ مِنْ ، كَامَالْ فَ وَبِرَهِي عَبُداد بِنُ الْحَسَ فِعَالَ فِي الْمُذْتَ بُدامًا لِ وَأَتْ أَدُكُ سِأَ بَكُ فَا عليها بهادم قال تم الضرف فبعث المه محديث فالدا معن الريخاب فالحر مدج معم فارسل ا بوعدا مدمايينه انَّه امَّا دَخْرِكُ انْهُ قُرِائَة ولما خَرَك انْهُ عِنْدِي فَالْ حِبِ مُحْبِقِ مُورِّمُ لِد مية ل لدرايت من فا قط استى ولقوالمبسى مرس فك الركوة واعي فرامعدوق ع ئة الدولانباد ، فع البرية من سلم بن كون به بسبي من من من اب لا و مع المنارم العدوق المسلم المناسطة المناسطة ال فع المراجع العالم المناسطة من المناسطة المناسطة المناسطة المناسطة المناسطة المناسطة المناسطة المناسطة المناسطة فع المراجعة المناسطة غ مرُّ مد أعلم ان الدابركانت غ دُفرًا لرس ل من لدين إلكيوم ستَّ حِلينَ تُم يَعْتَصُ ا حنة حالي فف رسيد منها عا وزن فسنة ماكما ن في رُمْ الرمول من المعوية الدوم مُ متر الحان صارميته دوام ع وفن خمة دوام زائه منا لدود الكروم النكى افتول بيني الله لما تعيزت ضمار العدم الواحد وزن حنت دولين تصيرونرن مستدفر المدام المتغيرة وزن

خت دا برنانه ما اربط كاكتهم و دلك ان المف بالاول ما اورم فرده مرزور مع الميسرة وفيه خمنة هاهم والديه الذذاك مستة هديني فليكن خسة مكيني عبارة عزملا منن دانعا فلانعتى للديم فكفان غية وابني كالصارت الزكوة غالص بالاول ستدوا برمز المتفرة لأن متدمخ العدا فم لمتيزه عبارة عن صد صنب خمة فاسته وجو نفران داها وكفاك ست درام من الدرا في منيز. عا وزن فلت درام من ها بردانه من الدود كدم تم و منافغيت ما نية ماضم ماكان فعدت مبعد دوا م عا وزن خمة دوا مرأمانه مع الدهدية كتيكوم فليكون كولام غرفه المرة الأنبة على وزن اربته وامن ومنسى وأن لان حسة ورا برزماند ضالة علية الدي عبارة غي الأين بي ع = بي = ع × د دانعاً فاذا فسمتها ع مسعة خرج اداقة ومسعال دواين الم ١ ع ١ عد ١٠ فرة لده فاذا وفت فه الميكن قرجي المروجين الاولسب ان ميال اللَّمَ مَّا سموا ال الفاع الولاية وم وفيه صنة وام ورأوا في رما نهم أمَّا لفعماً ركيكول إنَّ النَّمابُ لا ذَلُ مِنْ أَن وَثُمَا مُن وَفِيهِ مِهُ هَا مِ لَمْ مِيهِ وَمَا مِنْ مَا مِن عَلَمْ وَكُلُفِعَى ورن الدهم وانما ذكراه وقية ونبم كانوا علون ان الاوقية كانت فيرفز السول ميع الترعيية الوص وزن ارتعبن ورهم وكالنسة الاوفية في منغرها ويربوكات على فلاحتبوا فك علوا السبة من الدامين كذا فأوما لألدالعلامة وترا متدوم وسكى القواس وتصنييدان اسفاب لاول الفطة مأكم ور مرخ ورا مرزمانه معط لمعط في المريخ والدرم ادراك من دواني وفيه خسة ورا بم وي رايعتم فتغبرا لمدّهم مرتين فني الأولى صدرا للديم حنت دو انيتي وغ الثانية ادبقه دواين ومبعي الت كالمهاعلية أنفا فبالضرورة بزم حدوالدوا بمرة النعاب سيسته ما نعت فروزن الديم فكذب النسابغ المرة الاول مأتين وارمين لاها وفيرمت عالم وذمك لان نسبة خسة اليستة كسنة ما بن الرالدام المعادة فعشد وصراتط الوسلين ، وجوالف وما ان عطمة

مخرم ما مان وادامون وجوا لنصاب وديج شره جو ستة وعاندا الديس كون المضاب فالمرة الأاليه ما بين وتابين هرما ووفك لان نسبة ارتبه وسبى هم المرسة هام كمنية عين الم الدام لعلوية الم المعلوية الم الم المعلوية الم الم المعلوية المعلوي النفاب وربيعمره ورمية كاترى فرصوة المر و مع ما وكرنا فوزن الاوقعية منه المرة الله لما التي كانت ارمين هدا، مدارم زوانه مع اروز والمراز ا كي تت مخطط ع تتخر فوزنها غائرة الاولے كابل وابعون لاہد وغ الّنا ئيد مستہ وحمران ورين وذمك لان الاوتيه فن العناب إلاول و الديم ٢٠٠ 🖚 🚾 - الاوتيد لارة ن وماهم كان المصاب الأول في رفار مع الديول والديانا وم م ١٥٠ = ٢٠٠٠ = ١١ وقيد البديانيزت الدوام والمواقعة في الرمون الداه بسام ركار من الترميدواكروم ورام علاه = ١٨٠ = الاوقد ١١ عاء عدواكراني و بدرا تعيرت الدام غالمرة الاول مدرالعضاب والبين واربيين وبها وخُفْ ما ن وارعب ورما وخالرة المائير صارَّلف ب اليِّن مِقْلِعِيد وثانين ها وفَكُرُ مِن وَفُرَد ومِن هما و مَّمْ فَاللَّ فَيَ اللَّهُ إِنْ مَا لَهُ مِلْ البَرِكَاوَدُ مِينَ مَيْرِ العالم وْمَسْهِ وَ(وَرُسْتِيمِ إِنْ فَالِيجِرُ فِي ما قادد برفزها مرزا العول مع لعن كيوم خدة فرص ما أن مل مصل ما التيني منا آليان كي المنظر في للنك أن المنزمية

مَ قَلَ فَ الْمُنَا فَ الْمُنَا فَ الْمَنْ فَيْ الْمَهُ وَمَ مِن مَن المالِمِ وَصَلَهُ وَالْمُ الْمُنْ عَلَيْ الْمُنْ فَعِيدًا مِن الْمُنْ فَعِيدًا مِن الْمُنْ فَعِيدًا لَهُ الْمُنْ فَعِيدًا لَهُ الْمُنْ فَعِيدًا لَمُنْ فَعِيدًا لَهُ الْمُنْ فَعِيدًا لَهُ الْمُنْ فَعِيدًا لَهُ الْمُنْ فَعِيدًا لَمَا اللّهُ الللللّهُ الللّهُ اللّهُ اللّهُ الللّهُ اللّهُ اللّهُ اللّهُ الل

عودوسوااا

ومًا ون مُفاوميني بذا ذكره السيدرَه في رصنين على م الدين ودة واعلم ان المراكبون حف سعة كرة وحدّ اسومولي وعان اذكر كك وفرو نهم مردا واربته وخمرون معمالا عرف (دهال المعال الم كأبع واصه وارتبه اراع اوغية وارتبه اولق حقهكمة وتناث مقت كرزه وطلا واصه ورفط تهم به وربقه يمرن معاوم ماحدكم وقد اورت ب صدوين الوالما وإدان العربه وأوانيه والخو فركام السنيررة فاهموق المعدالية فالعيرة الارائدو المعودف الألمنة لأعربة مت وعشرون حصة مفية اى من ل صرف و قد رومه ل صرف وكل كويس رأه عنيتني أن عون المعال العربه حمة وهمر ت معت 2,75 618 وعشربهم عصة تقرقا وفعك لان امحقة النسرة تأمأ وارقه وسرس معالا عرسا والسعامة والدثر وتلوي معاله 1. an 12/6 all so hape سرفا وردنيا ونت ثبة لارائد فأذا فشت ليأتأ A Sa Jake الصرور مطالت فالمقراكثروج الورفهاح ي م عرب الأولم

وكن وذكر ومسيدته ادق فلناء ترييرا لمناه تير العرسة الم العجبية وكالصرفية والعكري أن الله (١) أصرب تعرب في مسعة واحتم الحاصل على منه و التي عشر جرء اسن خة وعثرن اىعلى (٢٨٥ع) ٢٧) اواصهبالمثامة إلعربه فى مبعائه واحتما محاصوعلى تمام وتهامية والمعن ٣٠) اواصهالمًا قِلِالعِرِسِ فِي (١٣٥٥ ع ٢ ٣٠٨٠٠) او تـــ (٧ ٢٠٨٠٢٢) فالحاصر عي تعجيدا لما وزانعيراي مرفد (ب) ١١) اصرب المثامير الشامير في (١٥٠ ع) واقتم الحاصل عن سبت دد) اواصرب الماية الصرهم في سمّام وثما يروادين واحتم الحاصل على سيا ير و٣) اواصرب لما مِراكسيني في (٢٨ ٢١٤ ٥ ٢٩٠٠) اوفي (٩٢٥) فالحاصل عي لمنا مترالعرب شال حول ٧٠ منة ومده اليال ذرالعرب NX 36 LV = 1. X 26 LV شال الأل عود معادورا الالصرف = 1/10 A: = 2 KeV +2900 (الفائنة الرابعة) غ الازران البنية وذري في و ع و ع = ٢٠ اع مع ع ع الفائنة الرابعة) الم الرُسْرِيا أسير إن قالها أو اليين لف ب أروة و ع ع ع ع ع من ال عند من لمعتشقي الدين الحدث والرهم ع دوك لقطر فعوّ ليه وم بدا لرّفني حبّه ورحدة ورتبي مستحيج حصال ت وي لأنامًا ن قيمة الحرز ولفع من في وربيمن في الحدر واربع وما من في الحداد وبعدو "ان رتا سعاشة واحدة وأما عرة اسة مولة واحدا وحك واوت استامات ولعد وستعشر شتانها مبيروامد ولدمون ميرا من واعد وأعلم الأنمن المحيق ساد مأية رطل الخفير حوجرر فيرفت وللثن مرا بالتحقيق ت وي المنين ومسعين رطو الحريا عاماً و

مهدم ان معالاصرها ساوی احدوسی فی اکور (جون) وان مناور وا استادر وا ساوی

ورسين فحدوظسي فنحد أكفرنه وابدأ حلال وصعباه تسهيله لمرفهم						
1	ان عي	الأغلين وال	بادراها مرح	لهذريه وماي	8000	Tulus T
	درهم بشراف				اناطبنير	Net!
	446986	17954	YPVP	77	_	۱ حماث
	PACKATE.	TT-1	10	1 7	ادی	ام دمان
-	76.04	444	<u> je</u> j	1.6	ا ماشد	45 1
1	4 45h		A A1	1.44	ا توله	۱۲ ماشہ
4	19 4.T		17 17		હોંદિ (l .a
	414 41V					19
	144VI 34A	, ,	P 1		1	، ۱۵ سیر
-	بی وون ماته وسه					
- قوات تساوي منها مرشمة ل مُرهر وان سبعاً مر و كلامًا ومسين قوله تسا وي مأه ثراويف درام و -						
ان معاة تر هيا ريدي لديد ما منات و مفرع شة واد قبر اغلم فمرع شة وان له ما تر عا سأوي						
	-6/11		4 4			

$$m = \frac{1}{9a^{2}e^{2}} \int_{0}^{\pi} dx = \frac{1}{9a^{2}} e^{\frac{\pi}{1} \cdot 3} e^{\frac{\pi}{1} \cdot 3} = \frac{1}{1} \cdot 3 =$$

$$ee \quad 1 = \frac{16r}{7m^2 VA} \mathcal{J}_{1}^{AB} = \frac{16r \cdot r}{7m^2 VA} = \frac$$

فلأغ كدالعان المدار الانصورة أمرك الولعاقة

(١) اخرب عددالؤلات في مأرُّوعًا بن واحتم الحاسل على حدوسيعين فالخارج حوالمًا فيل

. (ب) اصرب المُساعِل عبرة بي احديم بين واحد المناص على عالمَ وثمَا بين فالحارج عوالوّلات

(ع) اصرب عددا لؤلات و ثلغار واحتم الماصطوعي ما شدد تسمة الخارج عوالما في المشرعير (ح) اصرب المناقط المشرعية في المنافرة المشرعية في المنافرة الم

(١) أصهب عدد الدداعم في سعام وثلاث ومتين وأحتم الحاص إعلى لأم الإف الفاوج عو الوكات بعكماكا ول

(ف) اصرب المنامة إلك رعية في سمامه وادمة وهين وامنم العاصو علما رُوه في الأك عوالماشات، اواضه المُاتِزِالرُّهِمِ في (١٩٦٥) فالحاصل والماسات (٣٤) صنب الماشات في ما رُ وحنين واحتم الحاصل على ممَّا مُ والعبرد عنين والحارج صوالمنا قيليد معكدل ول واحتم للاشات على (وجه م) والمريع موالما والسفيم (d) ا صهبالدام كرمية في ادجه الاف وطعاء وثمان ومعين واحم لحاصلط المن وخيارُ . أواضها للاح لشرفيَّر في (٣٢-٢٣) فالمأوج أوالياصل هو

(ى) ا ضه الماث ف ف المن وخيام واحتم الماصوص ومبدأ المف وخيار ومَّا نبرّ وسبين: اوالمكيم الشم الماشات على (٢٥٠٢) فالمنادجان عا الداع كريد مع المادل

((١) ٢ صرب المُا يَوْلِكُ عِيرَ فِي احدوسينِ واقتم الحاص على فحدُ عَيْرٍ. اواكمُ المُا مَالِهُ مِنْ مِنْ ﴿ * ٢٠٧) فَالْحَارِجِ الْوَالْحَاصِلِ هُوالْمَا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ ع ﴿ (٤٠٠) صرب المائات في خنة عثر واقتم الحاصل على أحدوسيوني . أواض ب الماثات في (١٠٤٥ ٢٠١٠ ٥٠ م ٩٧٥ ٢٠١٠ ٥٠ في اوالحاصل عو الماثير الماثات في الماثير اوالحاصل عو الماثير على مالا على ما وزهدا بهذه الدالما ويتراصرنه والمأوثروالدام كرويه عنام الكرائية والمنت المنت ال عنلء المومنهم فراللاً دالعند وما رالع المدب المرادم النزير ١٠٠٠ × ٢٩٢ (e) (e) (e) (e) (e) , arxyat = mxyat 🛣 رمل واغ هابه عز دشي عشر مناسب و ما : عنه عشرسرا ووفسة عشر منانك و مناس ۱۲٬۳۹۸ ۲۹ ۱۲ = ۱۲٬۳۹ = A تولد وا مدة عالمة والفقيد والر الرقة Lit 104. ي منط وخمل الفاوسماته واست ومبون والمجمل

(الفائرة الخامة) ومن نصار الرزة والعدر والعدة الاوزان الممتفر فعول والمعالية فق المعدو المفترى فرالبنب والفضائي كل مهانصان أ-أالذهب فضابه poor orient اوول هسرون وينارا مرعا وفد نفيف وبنار وقد وفت ان المعال مرم عارة في النين وعثرين فصدو حرفه عمد ومهدوم وعراعم فصدهم ومرتوما فلون الضاب الاول في الد تأسعترمنا ومرفاو طني منالى وحرافس اجرغ اورما وزؤيه احرجرت عمة وراجات صرمه تعربا والمعيش المناب الاول + CITE 116-0407117224-(Mul = 200 p) 1 فاكور شاش أوالمنازا فلون الوكوه ديعمشر عان سنة ضغب دارا لاعترين منارا كسد ولعدال إربين و واضابه كما ف ارتد دا نر وفيرب ٢٠١٥ ١٨٠٠ م ١٨٤٠٢٥٢١١ ورصوام العشراي قراطان ادكل ديمارهشرون فركرة المضالط ١٥٠١١٣٥٥ ٥٠ ١٥٠٠ ٥٠ حراط م اذا را دار ورف فلدك واست ورا عين عرض دي راتي كاندلس والعرب فير ان مرندارية مني وكذا لمن معنه والدرة منى الااذاراد اردية (خرو بكذا والعاصل الله العسرن ومنيرا ويباعسره ودلفت دمنير وكذاغ المرأوال الزمينم لدور ومرس ومأرا وفيها وج ويوضف مأرو قراطان وكداغ الوائدا إان بينم أنا ندومرس وهم لضف وياروادا والط والخدا فسيشكل مز وفك مستدحسات فضلها المشرك ادقد والملقدالاو لرنها عشرون ومنيكل مز زكوته سسقه اخرعب سه حلقية الدول المضعة والفصر المبرك العثراي

1 14 14 14 16 16 16 16 16 16 16 1 1 16 16 16 16 16
فاذا ولوكة لدوت الدائرف ذكوة كمح علقه فالغل الحقة تجدة مناه مزيد ذكوة عهم ومار فرمخية
۲ کا دینار ای دینار واریش و آریها
١ فاذا اددت ال مترف مقرادا لآكئ في ميم مغروض من الدخب غوله الي لدمانيرة في
كان اقد من عنون دنيادا ظلير في متى كاعرفت مكن كارعثرين دميادا فاكثر ضنير مأعن
ولمنا فأعدة مهلة في دكوة الم الم مغروض الجراين الشرعيدوهي : ـــ
(١) ان هتم عدد الدأينر المعزوضة على دعبة ومَّا خذ عبرُ الحيَّاديج وكا مدَّفت إلى
9.1.31
على درود من المرود المر
تسماء لا اربقه مجرم ملامة واربون وبتى ﴿ وَكُومَ ١٧٣ ديم الله الله على الله الله الله
ولصد حكمان مُعَمَّر ١٩٦٠ ومار ارت وأيم ويُوترون رواد مقتمت الماليان ولكوه مأروق ته
ومبعبن دمأره وربته فأميره فأنه وعث ردميار
(ب) دلنا قاعرته احری عاشتم وهی:
(ب) دلماً قاعدة العربي عائدة موهى : ويعاني الناشك مين عددالدّما سرالمورضة وقا واحدا ما لعاصلة العشويّري ثم هشمه
على رعيم فتحدر صحاح وكمنبور فسنور واحدا لفتعاح ورقا واحدا عشريا وشرائه المباق
ور المال من الدر الله الله الله الله على الله على الله الله الله الله الله الله الله ال
and the second of the second o
\$ 3
الما المراوة الما المناخ من الدورة واحدا فعار ١٨٠١ مم ور
, or

قسماه مع ارده محرم ۱۸۴۵ من درم المون الما الما الما المائع الاله المائع المائع المائع المائع المؤدوة المائع المؤدوة المائع المؤدوة المائع المؤدوة المائع المؤدوة المائع المؤدوة ال

{ AN AP- 1 - VS- VF- SA- SE S - OS- QT- EA- FF- F FF- FA- FF- F
وقد علت قدران الدم موتري عمر عشرة عمة ونصف عسة صرفيه تقرئيا و الهميّن (١٥ ٤٩ ٢٩٥ ٢٥ عمة مرم)
عرب المرب المرب المرب المرب المرب المرب و عدم المرب
فكول لف الولغ المصد مأ ترويع من و مع مع ١٠٠ مع ١٠٠ مع ١٠٠ مع مع ١٠٠ مع ١٠٠ مع
ا شدو شری می اد صرف و در ای دور ای در ای در ای در ای این می ادام در ای می در ای می ادر این می ادر این می ادر ای
وبالنمين مع ١١٨ مسالامروا -
۱۲۸ و ۱۲۸ مه ۱۲۸ مه دومرف در حرق دی زور المجنی به و ۲۲ و ۲۲۷ میگردی
الذي يُفهِ وْمُو وَيُومُ مِن عَمِينَ يُومَن مِن إِنا وَ استِها إِذِينَا وَمِنْ عِلَيْهِ مِنْ عِنْ وَخَرِ مِنْ الفَصِير

ما له داح النوعة عده العاعق السهلة وحي: سد ان تقسم عدداله واحم المعروض على ا وجين وتاخذ الحارج ولا ملعت ل ا لما تر أن بقى شَيْ طوقت ما مي ركزة ١٩ ٨٩ ١٨ ١١ مرام ترفيا لقير قيمت ١٩٩٤ يع ١٩ جع ١٩٩ و بني ٢٠٠ فاصلاك رج وترك الماع فليض رفوه ١٩٩ = ١٩٩ دوم د منى فوكوة المبع للودس ماره تستده تسعول در ما وخير تتكبيل اذالدت مودا وكوة ومرين مؤوض الدنب دوالفضة مهذاك كالعرالمة إلمة غ مصراين النص فاعرف لوزونها م ول لك الاوزان الإلك وتروالدرام وسرعم وا عمر القدم مقد ادا وحبر حدك الله ي معون لرة اكارم وددت روية في فها الالقي ت الانمور م وصواع عن وسين و غس تحة المعربه (= ا دناورٌعي) قالجاره مو الدا نرويم فاعمان ورن لرة الحفريدوستي فول عبارة على ماروقات وعدرت فحد وريدته و الدرام ورج ترجم عمى السر هي ورم أو حرجي عن أير الحور أوما والحنس (وروو ١٧١٧٠٠ مروية) ورن ام م فراناون ۲۲ بن الوافق - فات الماقق - ۱۲ ۱۹ برد الوافق -الداوف وتأنيار وفروسيس فروط رائع ١٢٥٠٧٥ ١٢٥٠ عده ٢٩٧٥ مدم المربوراهماوع عامو فوقع ١٢٥٠ ١١٥٠ ما ماررم فرم القامة الميتد دب كون ذكوتها L LALLANTEN الد المعروة والمرام ولاء المراد الدر المراد المراد ١٢٢٠ ١٠٧٠ ليره اكور لي ليرة واحدة و غيروع على ١٢٢٠ ١٢٧٠ كيره لرة تقرق وهي واليرة عشرون مثلنا وإسلين أن فرتب الى ١ قره ١٥ ملين ١٧٢٨، من

واع آدن كالرة اكور مرا الدنس اللى احده مرود او المنسي جزوا ور دخول ي و ما عرج جزرا وبلاد والما والمعرف في مريح الدنس المنسوط المراح المن وروا و واحده من المن المنطوط المراح في المناسطة على المناسطة المناسطة في المناسطة في المناسطة في المناسطة في المناسطة في المناسطة و المناسطة في المناسطة و المن

معرود بدى دور الصاع المنب العالمة و المخت الدين وجو شمار صاعص ع المبنى معالم والديم ما يخرج فيه وغير ملك والمضاب فيها خت الدين وجو شمار صاعص ع المبنى معالم والدورة وقد وفت ور الصاع المبنة العوالماء و المختط والشعير المداري شرعه وي أناده ودكر . في

صدول مسهميد عن وفعة امته من ودار الركوة ووذكره مياديها قرات وعمر فيدوالمرام

درامرابخلي	الغـــــحامر	المشاقي الميهم	وكالب الجنس الدراه الم
FEACYANT.	Ar-SSIAFAR	IA- AF AF GIV	11/15
T91F4VT19		10-501-07-17	
TOISANT-	+++ 69> 44.	TO POSTIA	25 الشعير ١١٠
Amengales-	FIAT F. STYPE	4.4 Evipreare	198-19-19
1900 500-0	TEV. SYSARTS	YAPAPITALFA.	المحفظة ١١٧٠
IVAVEGOY.	T114 FA19199		الله الشعير ١٠٥٠
14-542-12		AFIST FOTOTIN	
LLYOTI FETA		190136 - 124 - 14 - 5	
1.6404514		F-941 529-14WA	
-		TY: ALL 6 4949-49	1, 1, 1
	,	4 + 9 + 1 - APB - V-14	
arvrvafo	greefo Worse.	7-21-A-70-V-FT	46. Jan 19

سمي أينه المحافظ تكييل المالوت ال تعسل مرا اوماها اوور عاج أيد كم العرال فالمدول والاث ما سول ا ادق فراج المدول لرضرم في وكر خراص الرابع الدب الله عند المرام وخذ المجل العدد المجلى ي المنتبيترة النويازي لداه الصلح اوالاين في مطالماً و معيداك صلى أمك المكتب مناه را الضريع محيالا مب وسعافي الماو مغرنا لاميدل فيمناف سلوللة فرسلواوس كتاعن معهده وصحمه معمده ومع فاخذا جذه الكبير فلفال ١٠٤٧ ٥٠ ٧ و منتير دي النين وستين منتيروش الميرات ولك ميسة تغربا وجدضع الدمق اداكان ويركب وبوجب ادكر معافقة ومركة تفاجعت الكرفز العابرة المرة عن الآن الروا المنتور مد العام رتروع والمترا سننيرومية بي رسيرقوا وي وسيقرسيقرسترو فناعه عاده ١٩٧٥ ٢٥ ٢ ٢٥٢ ٢٥ ٢٥٥٢ ٥٠٠ ٢٥٠٠ ٢٥٠٠ ٢٥٠٠ ٥٠٠٠ ٠٠٠ ميشردورنونا وافاكان ك بناعبرة في العاملة الماكان ك بناعبرة في العاملة النالين مؤن معاها فالصبع جزء واحداخ ميت جزاف والدالادت استد بضا لد من وجب احر בישור - מוצבמיום אם ליבו - אינפטיוף אינ לינים. - Graph x sy farvour-المستحضوم - ביורי של בי ביות ביות ביות ביות ביות ביות ול فغاضلطالمة EC SETTATEATATE " 10 S. VETTIF -ونسيعهيع وخنعاوس المطيطان فالدوالصاح والوس اذاكات مسدرتن وليدومطوارهول وابدالوفي قدعوف واندم

المنتقع ال جم الاسطول محمد مع والمناف الما من المناف الما عد والمناف المنافع والمنافع المنافع المنافع والمنافع والمنافع المنافع والمنافع و

710

13/4/6°

149 التجم الاسطوام المروق بحصرا بموب ادتفاعها ومرتع نصف قطرة مدجا فالرية المجاليم أومحره فالمعاد أوالفكورة معادلات وخواب خوروالدماء والمست تحيب حطالفادلات المات فأتخا فأمي واليهاكثرا د ١٠٠٠ (١) ح = ع د ١٥ (اى الجمعيد المصرانود الارتفاع في مريع نسدة للالماعية والمعلمية) (١) ع - التي (دى الارتفاع يول خارج فية الجيم الم مسطور م مستقل العاعث والمراجم الم (٣) د = ١٠ الكين ما المان عيد ل جذر خارج في الجيم على المان في المرابط في ال والمح إلى بدم المعادوت بخرى فرسكة الكراسية الأالان موس عبية الاسطوار المديدة مم ارهمة م طالع والصاع والمت اجزام ومرام بينانج السشنز أيكعب فلف فده المجدم فالكا يعراف وتدوي فالمد ع = عام ۱۹۲۹ م ۱۸۳۰ م ۱۸۳۰ م ۱۸۳۰ م ۱۸۳۰ م פצולים ב בי הילא אין וורסדם מבורין בי مُّ إنه العاد تدالمًا مُدِّوا لمَّالة رَرْ وَالْحَاجِ الْمِعْرِة فارعِ صَدَّاكِمِ عِلْمِ الْمِعْلِيةِ وادا وص بني أبنا وما الْ لدوك مقله على والكرير المؤرث لبدين المعين والمافيسكة الرفافل كانت الاره ل والتي فكون حد ١٢٨١ ١٢٠٩ ١٢٨١ ١٢٩٩ عام منتقط داذا کانت الدطال دنیدفیکن ع = ۱ ۱۹۳۸ ۱۹۹۸ ۱۹۹۸ ۱۹۹۸ ۲۰ ۱۹۹۸ ۲۰ ۱۹۹۸ ۲۰ ۱۹۹۸ ۲۰ ۲۰ ۱۹۹۸ ۲۰ ۲۰ ۲۰ ۲۰ ۲۰ ۲۰ ۲۰ ۲۰ (مب المراس فعن فغراق عدة والدفاع فب مؤيضة عطيب المادعة محدادمرى

ملد بال كور الله يعن عظائدا في المعداد وارتجر المرال إدرو و والما المرافية MATERIAL CHANGE ن في عماد الميام ح = ع د من الله ع - 10 فذالله Paul I - KJO- Z ເກ **ສ**້ວວ= الملطوط المترت كفام والقامة إسا ذاكان مي نصف لقلوة الإراحاع نسة معروضة فاصرب لعبة المعروضة في مكعب ضعب المتلود الحاصل في الشير الحيطية علا احج الإسلوالة المستدود عُ وأكار الماتي مساول لفعدُ القركوني المساوطي ال كون ع _ والبست العادل رى) الأأكانت موالسة موصد والرافية د = ١٠٠٠ ويخفي الله د = ١٧ ميل (a) اذاكان اورس عن والمعطائع فَ إِنَّهُ وَالْفَاعِدِ وَالنَّامَ لِوَسْمَامِ لَصُولَ لَوْلُولَ وَالْحِمِينَ عِنْدُ وَمِنْ الدَّرِينَ عِلْسِيمُ وَلَا : -اصرب السبة المفروضة ببيجا فالنسبة المجيلة واصر مجرعل لحاصل فحذرا لغارج الكعبي صف لعقار المطلوب ولا يُخْرِقُ لَ إِنَّهِ مِنْ الصَّاحِارِيْهِ الْمُرْكِينَ وَالْمُونِينَ عِمَا وَمَا لَصِيلًا لِمَا مُنْ اللَّه امًا مَيْ والراجر كون ولهوا وصرب الراصدة أي مده جواف والكالمدد فلون في 3 - 3 ما ما حد فالعاعدة هامة فليمثرك مالوميع عامواله فلرقد والعدف خلرة عدة كترع بهدا بمطورة مرتديرة اراعاهم فارزمواف لسف لفطر صوب (٤) د - ١٠٠٠ هناسُان - ٣ و ي إلا الدّ الدراف أهنا

ري دي يب ان من فلوه مديد الكيال - ٢٠٥ - ٢٠٥ م البيسيرات ودوم مراب و المعلى الرا ولاتفاعه = ١٣٤٣٥٠٥١ لايفترسنت ولايتمرات وتعميات ووللرص العربع بستلا بحجرم نضف لقفر والانفاع بن لول ما موجم المطوارة مراوة لدهاجها ٥١- ١٥ ١٣٠ سنير ونصف فطرة ١٧- ١٥٥ ٢ x 2 = 2 TFIEDATX FFFA.IV XIT FT 4.61 = 4 E 1810 TX 19 FA . P. TX 18 Fra . 01 - AT . F 71 A. T - -فرزومان عامر هرتبا وقدت ابداغ تربيضت لقووص دمك فويدي الإعث مازع الكرافروي كاف الدوال كوا ويُون الخير (ب) وكيّر واس لك مدى بيت وقطة الأن ويسلمها واواراحت إن قرمُ الواحدة ف ووب أن ووب الدون والد الفشوكما لتشعص نسائه لمدود لشيرالاد فالمقداحا فصاب لحنطه المن لتربرا لذي يومونغ مأ رف وجراناً ولينون مناقه ميرفا فرسية المعادو = ٢٢٥٣٠ - ١٩٩٥ - ٢٥٣٤ - ٢٥٣٢ - ٢٥٣٤ - ٢٥٣٢ - ٢٥٣ - ٢٥٣ - ٢٠٣٢ - ٢٥٣ - ٢٥٣٢ - ٢٥٣٢ - ٢٥٣٢ - ٢٥٣٢ - ٢٥٣٢ - ٢٥٣٢ - ٢٠٣٢ - ٢٠٣ - ٢٠٣٢ - ٢٠٣ - ٢٠٣٢ - ٢٠٣٢ - ٢٠٣ - ٢٠٣ - ٢٠٣ - ٢٠٣ مرود فرز في رعمة قرب وذك لا كم هرفت المراح ١٠٠٠ و ١٠٠٠ و ١٠٠٠ و ١٠٠٠ و ١٠٠٠ و ١٠٠٠ و ١٠٠٠ م وزن بصال مخطَّه الما درالصرفيه فان كل قسمت عاء حرم الإدارة النّ البّرر كالديك وهو الدن المرم لف ورعدودرمول كيوغوام ومان وتسقدو للول فواها ومستدواته والمنقيزام ورمينزام وره يونو (١٠٩٧ و١٠٩٢ ١٠٢٠ كيوام) مهو بالورن الابحليرى اطاريل ومانان وهنه وتسوب رطلا ونصع رطل وعنرض رطل الخوز كالك فقرات المزعر زياته والفيضة فإلادول إن وزن لصامه كالمعدّ الدوام الديمير وكل رطل وكلير (فد) عضف ما أن ومسدّ وطون هاما فاد قسمت عوم على ولو الطل المفرز كار المل المل الملك كار الملك وهو بنان لجف والمف عثروزات وحمال وضع رفل ١٠٥ و رفل به و رفل) الم ٢٠٩٥ =

حقة الألتى عشرتما الصرفاء وعير عصة وفداراع عمة نوباء وذك ون ونذ الجف الدرف علاك المعن والعا والحسد وشان وعشرون العاوار والمعمل ميرغ فادا فشمت لمف ف الحنط المأدة والصيرور كاء ال السابي عبد خرج عشرورات وادا فعت الماءع الأع 103 177 - FAFE-VIEW وجد عالمان الاموم لحالة ادل والواوعو THIS TY YORK YES وعشون فيرصرفه وعشرون عصه وعور وسا ILPLYVASE. مد الموري وترامد مربا وذلك والارز 471777 V X 11 Banonga الامدوموليه فالأوث والرنة المحصداي مسدالات وصارة وخرى للسالحظ ورنية المعسعيرة ع ومبعاليوه والمعارف المعادي والحداد المعاومونيد TO TO FOR I VAKINGE אין בין בין בין בין בין בין בין בין يُّه أن التعالمية ومعدة الإراتير. واعق الدأن الهذر بسبة وعرزون مناهفت ولي ++9<u>++. 5,40.4.4++</u> Mary Markey ميرا وادبة عشر شأنك وتولد واحدة فرفراهم - 446444944144-44+ ووعك ون مصر المن الصفر فلا شاهف والما وال ونعاب كفط إنهام لترحيكا مف فني روامه WATER BELLEVIEW 1 CONTENTS خون لف هم وبرحب ، مرف الدر عرف فرافاته ازاله كون ١٠٠٠ ١٥٥ مم ئسنةً وتُولِين الفاها مِن وا*ر عدر ومسبين* والم The WATERY ! فرغروالدوافعيد فادافست ٢٧١ ٢٧١ ٠٠٠ من من مستدوم ون منابعت وفوله ير اولياده

بنوما<u>ئ</u>ر

وإما دضاب المشغير فهما بمن لترري ديم ٣٥١٠٠٠ = توار ٧١ ٩٩٠ = المعدل فالمراك أساء فينا لم تما روم وعراماه اربتين ميرا وارجرم بمرصرف وعشرهمات واراعة ا خال عصب عشره كروس وروسا وذاكة نضب الشعيرا لمادمر للمرف كالمار מדידין יצים אל אין יין פנולים ש ٠٠٠ خرج ١٠١٥ ٢٥١٢ ٢٥١ ٢٥٠ ك ٧١٧ حررزوى ٢١٧ كن ١٦٠ يرو ١٠١٠ و١١٠ ١٠١٨ عملي وهومابودن الانخيرز إيفارطل ومون رطل ومستررل مخررة ووفيصه وذمك ان فصال عبر الدرام الاندركاغ البدل عدم معدمه فانتشاعه في اعدور رطاكور (ف) وهى الدن المرسادي مسعامه ودربته وقر كيوغوام واربعامه وخسة وارجون خرابا ومستدومه والمنتبغرام مرتما كاعرفت فراتبدول وجوبه ن البف الأرف مندور بيت وحد ورصدة ووفية ن ورم وقيه وغيرور من وربيا و إلى عستان ومكد ادراج مستدم برمد توتيا وذاك لكن نصاب لشير كا وخت المناقة العبرف 1418 - ٢٥١٧ كا ١٠١٠ ٢ فأدافست - ٢٢٤٠ كا وكل عرف الكظرم ١٩٢٥ ١٩٢٩ وردن په وزندو ۱ حق و ۲ وقيدو ۱ ريج ويدو د ۵ شاندو به ۱۲۶۶ ۲ همد چيرخدلو ۴ ۲ شآنه فيقع بالورن الاملاو فالمتدول فالعراق عموله تدن وزيه المعامران وعمر عن وويد ورصة وراجا وفيذونا وناكم أوتباغ عصات ولفت عمية صرصانيها و ذاكر لدك اذا فتمت والمركان المتعد السيري ١٢٠ وع فكرام ولف المعلم هع ١٨٠٠ ٢١٨٢ ٢٠١٨ ٢٠ ومراديم

ای ۳۰ درزوه همتن و ۱ دمیدو ۲ ربودنید و ۳ سامیرو کر۴۷۲۸ کم عصد صرف وهى الوزن المستر عمسة وهرون منا ومرودهم ومسية شت مكات فرهرزا ووالانتصد وذك علالعه السعيرها مروخت عشرالف درم ترعرفا فاحولته الداله الوادت الهدنيكم علت أع لها بالخط عدر أين الفاومات وعرفرال = ٢٥٠×٥٠ وبالقسمة ٢٠٠٢مغ ١٥ مأو ١ يرد ٧ شأنك كارْروستالد (سنيد) عراد المعرب في المحل من معرب المرابع المراب 16:440 ... والشعرصة والدول وفاصل فسب والقرص المروازي لاغرادق المعاضيا عان وقتى استأتا المعارجها وإرتدا كقندان واستأتا الكيديث ميرم المغنسوا لوادم فانس الكفك إلكا يرخ فعدوس الفاسية وفيصفه والمعقد الأول وصدل تأليعا أروقينين غزايا ورصدا درمتين مستبعرانا وتصيم مسيزاءات ونصب مبينودم نعزما وبالتحيثوا قدراء والع مُ ان معالمًا بيرُ لواساديد بد ليش وجو كمال بدائك فواح والمارات و والمدون كفاك فالعرف تَفَامِيم اللَّهِ فَاللَّدَاوَ العِدل أَلْفَ وَمُلِرِّلَت وَقَالَ منتيدرت والدا والمريديتر تقرما وجوخ اللتر النين ه ١٨٠٠٥١٨٤٥٠١، لتر 1 FIRS ولما المناع فلكرنات إماد فياذ أعمام ١٩٢٢٩ ٩٢٢٩ لتر

واما الوسق فاريمين ما ما فروز = ١١٧٥٥ مدم ٢٤٩ لد

ا وجرفت لفاق كا وروت وكم غف بالمعات بهذالكيال التربين المحدوم ١٢٧٥ م ١٢٢٥ لق

اى نعاب الفت كوالف والني واستدوريين فلالرا

والمالككام إلا غلونيه ماعم الدر محديهم جالون ومدكيال بيعترة درطال كفريامي فالماء

اهاءدى

علین جادی و سعیدس در او سعیدس و سال منظم از سال منظم منظم و سال منظم منظم به سال منظم منظم به سال منظم به منظم و اوی منظم با این المنظم با المنظم المنظم با المنظم المنظم با المنظم المنظم با المنظم بالمنظم بالم

المسلكة الله المراق على المراق المكافية الموية فاعم ال ومرعا بهم الادب ويدالكيال وقال فيم وجدم الما الاردت العقيم فبرض ببتلات والما الجديد ومرافعولى فالبجاب والعسّارة ونوخس وبالت وفعف معرا والجن (۲۴۴۷ه بش) والارت آما فستركية جالون ، ١٠٠٥ ينظ ٥ ١٠٠ لاب فلون الوشق ع وقدوب القديم مستحرر جلان ۶۶۴ ـ اکيد جاون ، کاریم = ۱۲ کید كيد وفني كيد وفني فن كيد وفم فن

43-3-4411499 PIVA-5-5+

1. 031 = 26A94 CA=16 TYTE 2

E 21 = . 5.08489 1 18-10 PATTIFICATION OF THE PARTY AS - 1 WIS

فينها للات وجرصة لدمن عالما أَمَّانَ وَثَاوَى كَلِدُ وَضَى كَلِدُ وَمُرْضَ مِنْ كَلِدُ عَا بِالْحَيْقِ الى (١٤ ١٤ ٢ ٨ كيفة) لو مشادة ولديد اخاس لدوب وغدة اعلى شرادرب وسقرف رصر مرادرب ما الجفتى كوادر فاك كيفته صاباتها

بشل خاوج ١٥٠٥ است الرويده +011-211 = 276445 - CI = 4744 ... Or مرموم ومودكم وسع عداية - الله م TENTS TENTO TALLANDE - LANGE - TALLANDE

= unt - · F · a · F · V VAATTTHANA - 4 · - I · Lu 2 - PI- FT PAPENT PVA 717 072 = 1 mg

J-12 1-10 FITATTY 174 TY 457 TFT4-*

وإماعل بالمدب كبير منون المد مونعف عراكك تفريا والصع يحوب الكدترما والائن كؤمر عريكد دو مؤسب وربع وخسة دوسي وجه النعاب كومستر لهادب وكثث أددب وترسطنا إمراد ورال وزفونونال ظلبالرأ ية يدالعروانت الخارة وختر

أولاويا ولعدا وغمشوف والاب ومبعة

دهاده رداران والوراد المادخ ورادب

ولدبيدا عشاده ومرمزلددب إليام كمتيا

ال (۲۲۲۴ است شع)

ما تست مرودة مجتر مركابنداك مورود (منيه) قدماً و در الاردب في لها المساد والفرع والعداج الارقة المردون صافاك ع كما مردف بمعرف للد مردون عالم موجود والجومرو فراح وجول تعلق ما و داك لدقية وشرون صافاك ع المبري من الدول والكروم والمحرود محر الدالب التي و قد تعتم ساون كات بولا و الاجوم والفر شورا محتلال المراح والموجود المراحة ا

فان احتبت ما ذكراً و يُعالص و واز كوج المارّان ود جار دم والحلط الفاوم ورميل دماوي

السيرالفا وفعين دروا مرحيا والاردب النع جوارة وعرون صاعا واض المتعارد الافران

فاذا فَمَت فَمَا مُرَاع عَنا ارْقَدَوْمُرْنِ خَرِج الْمَامُرُ اردبا ونعف اردب تحقیقا وجونشا سالفت ولا جامع بذا القدر ایک اذا خرب ۱۳۴۵ خادام اسمنط فا الدوب شخصات فی ۱۳۸۰ حصر ۱۰۰ ۱۳۵۱ حدم وجودرام نضا سایمنط وا ذا

صرب ۱۲۶۵ و درام التحيرة الادرب الإدب المديد المقدم وكره ويخوارد بن م ۱۲۵ درم ها و و درام الفاب الشير و يتبين ما ذكرا و دن الادوب الإدب المديد المقدم وكره ويخوارد بن م الادوب الذي ذكرة لفيراتي نفس بالطلات الادوب كويرا الفرق و برائ بالمورد الفرق و برائ بالمورد الفرق و برائ بالمورد المورد المورد الفرق و برائم المورد و المورد المورد و المورد ا

جوي ٧٠٠٠ رفل الور ١٥٠٥ = وولوا الرك - TAPT OF جي ٢٠٠٠ خلي الرياحة ، ١٩٩٠ عدد والأكار -MYTHTT OF جري الما 170 × دم 170 والوالوروالا = 090fe ex 19/6/1 = 2154 pil رطاري ١٠٠٥ ٥٠٠٠ ٥ -1 10 TO AD 9 TYVALVE - 1/6 1 - 10 To Solly 2/0/A/ 1 - FA9VI-998V189AF9 ٩ (دالي ١١٦/١١٤) - ١ صع واصط TTT ACTITY CAPTION TTT

COSCO TOTAL TO TELEVOTO والمحث الصماعة الميل ١١٧١ المام وصاعة المعر وها وم فنا إخِلَافِهُ الْأَيْرِ

ALLIEIDS THE LARLING =

THE THIS VYTOTE TROVATAT SATI چىين الطالق العاديد ما ما دوي ما الطالق المحارث - METERNY PATTE FTT UP Jegging = 29 + 4 + 4 + 1/21/4,

ج ١٨ من م الفلندال فير جروب الركون الطن المرالعدر وطاء وعثر وف رصف ولل أوفوت ا ي رال ولعدرٌ وعراءٌ ونسقهمٌ دروا وتؤيّر نسلع مرم ومبقوث رعشر عضف ديم ترتبا و الدقيق ا والي والمصر = ١ والي فو ولقة و العاديمة مع فرا او را دور مراور و ۱۴۹۴ ۱۴۹۴ Lagran

وضا في كما تهذه الحد سيدية المانتي وظل أرميا معريام ولمأله والمدور مين رطاع ومُثر رطل وثانيات مررفل ومبعدد ف رحررال اوتها والمسا أورن عارته فيستالهن

ونصا فيتعرمك الماضي دعل ورطل واصد ومأترونل وبرحيتر وستبدا عشارهتر وفل نعربا و بالتجنيعة بالدمن بالأوغ مدرة امير والمطلأ لستنادى كجرن ادا دعه وصل والأولن رطى وخرجن رفل قوتيا اي ولل واحداواة والمطارون بربها وتسته ومثارضت رهم قرنيا والتدفيق بارآره فيعورة الير ونصر يتحصب بنوا الحسب بيغ المالتي رفل وتشفيرسين رطاه ومبدة الأن رطل همارس ومدوروس 9 5 5 L

وإما المكيال الوكى المداول والمكلك - וויינים שולים ולי מינים בינים فهوامكيد وجى سغيث رت لاكورو يوره وثور TTIV OVOTOTILITIES غربشر الأمسيتها وائت ويعمانون وفرض * YFTEFG FYTS-ALBO عافؤ وفائه وعائن شرطترها بون ومدتمة محاب = 1.44 FAYA 2.59. 44 - 1/4/1916 الصام بيمهر والوش مرعيب الجالويه وزل حساب الكيلذ التركيه جون ۱۹۹۶ کیترک خرحب وتعتم سينم فصاب الفادت الكية 1500 9=1 69100 WHE التركب الرمسع ونلبن كبذ وفت الان كمية و رم مشركعة نفرسا والمنافق ووارد متي مازله = Y 6 19 A 0 7 0 7 1 9 7 4 9/200 رة المهر وليما لما كاوزادة النوكة المقاودة لا كيدترك <u> 109 كة:</u> = إمريران الملكة فاعلمان الاقد الركب ارجاك ورم ترك وت بنر ۱۹۸۷ و ۱ وی طاهدم اً قَاتَ بِهَانَ وَلَمَدُ وَلَهِدُ وَلَهِ وَلَهُ مِلَّا مِثْلًا مِثْلًا مِثْلًا مِثْلًا 1. 39 1 = 26 NOV Sing و ما مه وخس وتشعون زقه مثيج وزحد وبقيال له 37 1 .. Y FATT PLATPTIONATE تُنكِ وبداره والمان الرك (فيناه في الأم وتاكرات وصفعاته وخذا ماجادتها مراوان وتغير مأهلاكام (FAFAGO ALP = 1 GAD) م دار الما يد الوطال أعال طبيد الا فليان الدوم P Black UN attrice ع فللك = خ ٢٠٠٧ فك ودم تركادك وووكون المال المال المال المال المال المال 190 21 - 1 5- -20 76 27-مؤلبة وارادهم الفاغ والتحيق لمأعشرهما 4- x 44 E044 = 1444 UP = 1 31 , HIP = 1 1000 - 1 At MATA - PV95 F. A 70. V. 4 2 - 06 فانيا مرامة المدوعة ويرويا min I go = happedo = I EVILAS (400) / Helen

مين ما وتعدّم في العاملات في كريم العدام ميرمية له العدام عم أيث : -

1 اصويبالددام الشهيدف اتنع شروامة الحاصر على للانبوشر اواصر مهافى (٢٠٢٠٠٠٠)

علات اردام تعماميه ب اصرب الدام معماسه في مَلا شَعَتْر واحتم الحاصلة على شيخة را واضربها في (١٤٠٠) غلث لدراه المترقير

شالم معاصع اتعلم ١٧٢٠ درويزي عَلَم وَهِ إِنَّا يَا يُحرُّون رُواكُمُ اللَّهِ TTTXW = IAXIT = YI 9 TON

و تا بذلام ب وضعنا بذا البدول تسهيد قدين يُركّن الركوه وهم بربهم ويمون الف البلط الدام ١٠٠٠ م ٢٠٠٠ م ٢٠٠٠ المرام ١٩٠٠ م ١٠٠٠ المرام المقالمة المرام ه ده در مدرم فرنه ولهمني والمنتي و منافر و فر منافر من افرهم و دوسها واست وهرون وقد و ما ما وسعة ومون ده وخُمُ لِعِزْ الرَّفَةُ مِرْعِزُ الرِّدِ مِعْلَمْ

(تبيه) مدندة رنفان صاب محفد إورن ومدمر لم الدول وهواق عروى مدم و من الم وسيسا لنفيري ٢٠١٥ ٢٠٠ ورية ومورار وكل وركام الدين والرون والترون في المعلوي ١٠٨٠ حدولصد التعري مدح عدود عربهداد فرزان ونفق عامها الوحدوم ما والعارة والعا وتوملة حقده لعبف فالشعيرها عمران بب فه والدخوف جوا الجحقة الاسوام ليدية العربي ما مآن وتا وأن معاوم ميا وجوالكم والمدفاولع فورا فك المارة فترم منوال الاقدام مورك عدم عدم ١٧٩ منال والقراء الآ ون الدوليس ت بادا و خدره ماس وي من معارض خروص ركير كاخذا في السيدادة ركير كاخذا في السيدادة ركيك غالمروة الوشق. فَوْ أوصَال صرف فال فقر حامد بي مدّ جل ما وقف لا كالرمستين ع زُرف بنا رُوالطوم اللين السالكن عراد فإلهن عزاله والغن الواع كدائدا وتمني فده الساد وول لدفح والبدال فمن

Pille

(المستديماني) فيستن مسرر اللات الدي تدت المن راليه في والمسرال مع ال الله فا موسمة لعام عرو تفد المالع لق ستون تعز ا والتعز مانية المالك و المدك الأث لهات والكدين في الكرك مع عوضف وفها الأع فه الحرب المأعثرومقا والوسق سترن صاعا خوسبعاته وعشره نءماعا وبذاالكر عندا ومصالع اددا والاردب عوزا ما غيرما ما فعا ما تعدم ع سب = ١٠٠٠ ١١ دس = ١ كراللي سرة ك ١٧٢٠ كيون ١ ١٤٤٠ م كوك م و قير = ٦ (مادور = ١ كولالما) مُ اللَّ لا تَقَالُمُ عَلَى اللَّهِ عَلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ عَلَى اللَّهِ اللَّهِ وجو الضاكا رصيف عد و ١٢٥ علا عالون الدر فل שש על וון בייילסוב יייל מן ב מון אוא על יידו = ו לכשו اى سبة كرم الماء في العلى ره عجا الحرائفة كفية مدعم الدارس ومائن وهونسة الواحدا إسته ونصف تعرما والمحس كسة الواحدال ستهوسته د خراد فر مدد مرز ام الواحد (۱: على و) المعالى الدي (مغيد) بيم ما تعتم ان الاردب لعديم

متراولا والعصرالعدم فترزق الإلحس عن أمورا للحري الغرى الأورايمود

ا بن مدة المود من المحمد من وعن وارامار بري ما أما معدّت الاسرة المدن والعصران مع معادات وقال العالم فراللهام ك بدا مرمعر ادعون ادديا وي فك ان الوس كراسة معديم عدم عدم عده عبده عبده من رابله 11 1 = 0/2 1x = 60/4= 171 6. مع ۱۶۱ معاه = ادب بنا = ادب عا = ادب با STA 1 - TXOPFATE - IPFPAIA فكون الاردب لمتداول فالعمرانعيم مستمره وما و نفعت ها وال تويما والم المين الادب = ١٠٨٩ عرد ماون وقد عمت وي تعزم صفي عند ان الاردب العدر ال الايون مايونا فالمسهب الادوين بكذا الاردب المدم 2 المصرافودم ، الله بالدم الأمراء ١٥٠٢ ١٥٠٠ ع رى كنية ١٤٠٧ كو المرا إلى كنية ١٤٤٥ : ١٠ هم و في الله بالله بالله في إصرافت وتر منه ه اعت كاند مرصاعا فرن الاردب حيثة ليمسدا لالماد والمطروات عراكدا 1 mishi = 11x .. 41 = .. 447 angl 11.5. = 114.XN = 11/2 " بنجاع النيبا بدرا يرمأ ل بالحرل المشعظيع وصريح منبعث خ الخيط ايزكم فليذن ليشوعرة أك

السّبوة والراوح الدّعليم احمد ولم ليامجر في تراكر مسدست ودين وتعار والف جورع يركّف الفيراكير المحاج الرربالع المسك وعربولا وامراؤمس فع معدات لله ومرود المدّجودة في فد حرف الفرليم الحيج عاجا المعرب الطيف لحق وأبح نوم المانسي هما حيم ولا ولي وكوروا الان محدست المان الصور المساعدة معاملة عرضاً وهم والد

الطيب الله بهن المواح م شيف م كتاب في الانسان الأن وهمر الم المنظم مسدّ المنظم مسدّ المنظم مسدّ المنظم مسدّ المنظم المنسان والما المنظم المنظ

و غ المدير هيد المرام الروى والهم بهم موق الدهمي الن عالم يقال من الهم المرام من المرام الروى والهم بهم المرام المدور وروام ما وكذري أو والهم وكراب في المواد المو

الين

م مهملنا لياني بع

١١٠٠ (منت بعين ١٦٠٠ و١٦١ و١٧١ و١٧١) ذر العديك برار فط الين محص ما ولاين مواند ع ترات والمرت العن العول والحديث لدّ فركما المهي حدّة الماج مرية ما تعريد (عدة مراكات و تلاالارض المعرب بتالاف وستالة وستدونون ملا وأمان وهشرون وقيقة ومل كل مل الله أن اللاف تداع كل فداع اربع وحشرون وصبعا كل وسيع ثما ذج بت في هشير تلاصعة المرامضها الماطون فبض داء شرال الممسيع مت متعيرات كذلك وع فراالمقدرفا لمهرارية الاستذاع ولامنا وت و فعل والاصطهام فعيّا لان المعدول ما تنتي وقدنعو العط غاميم بازان عاصر بنرب ۲۱ × ۳۰۰ × ۵۷۲ سفيرو وكذا فاعد فريد ٢٤ ١٤ × ١٠٠ عد ١٠٠٠ ١٥٥ شعيره **(b** عاليل عالاول ومأن وكسعولا الماس و كاناً برست وتعرب إلغال (٩٦٠٠٠) خلية متين متعاد والصبع فاللور مدمل والبدالومي وعلت الداع بحتى حراج - عَالَى الْمُ وَرَوْرِ كَالِوْرُ فَالْمَدِيعَ عَلَا مِرْ مِلْلِوْمِ مِنْ ١٤٠٨ مَا ١٩٥٠ - عَالَى الله العقدة الانظرية وادافرة في ع م ٢٠ م ١٩٠٠ عند عليه ١٩١٠ مندة صابعة والاصبع لسعة والارسال بداالمداد

برندع مقادرا ادصب الدى وتوخا ه دور ۱۴ ۱۳ منتر فادا علما الدصب عااد به ما ملكان معابق الدائع كا لعتمناً الاب وضعهٔ «بهذا تلقيدا لعدّار دفريرنا الأدكور الله فتحت ان المرار با يرمس نهما الدب م ادخر الدفح الترفيلي تنصبها لوضا جدّها وث ما

(عشيق معلى عديد ١٢١) فرطت ال محمط الدرش الكراد ارد وشردك الم ميد عليه العيم كل مل الدة الاف فعاع مبداع القدمة والتي ال احداً له ولمعلى الم وارقبه الدف. أدباع نبواع المدشى والفرق غلقك الى الدابع وحرون حربها والله ان لاز ق ع مد داهمام لان 47 ... = £XYE--- = PYX T وصبح . مُ رِدُ وَلَا يُعْتِمُ وَاكُولَ الْمُعْلِمُ العَرْضُ 1 9 1 129 يَلِي YE9.15 = 15. 4 4 4 4 80 (4) 45. 1 Em 16 is it vova والعباقد علت العالميراكرعي لام اللف ٥٠ ٧٥ ١٠ مواعدر ٢٠٠٠ دراع العدا وحسائه دداع ببواع الدناء وكالف فلسمع البيل ميد ترويا فرا لمدالاكلور الديراك " (= Ta.X) Frave VX 15. TVAVA VIT TT-YAL I FILOLETT ای مل تری واحد مد ۱۹ ع ۵ - ۱۹ کا میل تموز و ما ذکر دیم ای سته امهال ترع مد ل سند امال در ترمهدرة عالمعس وحدالها ما وكرمه فاردراع العماء وادا - FTVANDATIFIT ای نواع العداد نییل ۹۱۳۵۸۶ ۲۱ شدّ يرمدك ووصداغ والكوركعشر وداكا وهلدالق الممار ورمدخ عن كالولور 16-4 AP ABX JE LA والمنا فلم معدلا دراع محدث اى دراع حوى سيل ١١٥٦ع ١٦ عده الرراغ) ١٦ ١٥ ٥١٨ ٥٧٥ ٢٠٠١

=14 FETBIAA MAGAE



ا دند الملاب موسین سند ان مختش که رفقی سند ان مختش که بهانه آیت در دار تردن و براس > در ترسم کند هر فرد د





